

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هزارویک مسأله

حضرت آیت الله العظمی نوری همدانی (مدظله العالی)

ناشر: مهدی موعود علیه السلام ● چاپ و صحافی: مجتمع چاپ قدسیان

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه ● قیمت: ۳۰۰۰ تومان

هزار و یک مسأله فقہی

(مجموعه استفتاءات)

با تجدید نظر و اضافات

جلد اول

مرجع عالیقدر

حضرت آیت الله العظمی

حاج شیخ حسین نوری همدانی (دام ظلّه عالی)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ

صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ آبَائِهِ

فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا

وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَعَيْنًا

حَتَّىٰ تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا

فهرست مطالب

۷	احکام تقلید
۱۱	احکام طهارت و نجاست
۱۴	وضو
۱۷	غسل
۲۰	احکام میت
۲۲	تیمم
۲۴	احکام نماز
۳۵	احکام نماز مسافر
۴۵	احکام نماز جماعت
۵۰	احکام روزه
۵۷	احکام زکات
۶۱	احکام خمس
۷۹	احکام حج
۹۶	سعی
۱۰۵	کسب و کار حرام
۱۲۸	احکام خرید و فروش
۱۴۱	احکام اجاره
۱۴۴	احکام مضاربه
۱۴۵	احکام ضمان

۱۵۱.....	احکام هبه
۱۵۳.....	احکام نکاح و طلاق
۱۶۸.....	طلاق
۱۷۲.....	احکام محرمیت
۱۷۶.....	احکام وقف
۱۸۴.....	مسجد و حسینیه
۱۸۹.....	احکام نذر
۱۹۳.....	احکام وصیت
۱۹۸.....	احکام ارث
۲۰۴.....	احکام شکار و ذبح حیوانات
۲۱۴.....	احکام خوردنیها و آشامیدنیها
۲۱۶.....	احکام حدود و تعزیرات، قصاص و دیات
۲۱۸.....	قصاص
۲۲۰.....	دیات
۲۳۰.....	احکام پزشکی
۲۴۳.....	تشریح و کالبد شکافی
۲۴۵.....	تلقیح
۲۴۸.....	سقط جنین
۲۴۹.....	پیوند اعضا
۲۵۶.....	مسائل متفرقه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

احکام تقلید

- س ۱: در اصل مسأله تقلید آیا انسان باید تقلید کند یا اجتهاد؟
 ج: موضوع تقلید تقلیدی نیست و یک امر عقلانی است که انسان در هر رشته به متخصص آن رشته مراجعه می‌کند.
- س ۲: اگر فردی نیتش این باشد که من از فلانی تقلید می‌کنم و توجه به این موضوع ندارد که: «تقلید انجام عمل مستند به فتوای مجتهد است»:
 ۱. آیا به نیت تقلید تقلید محقق شده یا خیر؟
 ۲. آیا می‌تواند در اینصورت از مجتهد دیگری تقلید کند؟
 ج ۱: تنها به نیت، تقلید محقق نمی‌شود.
 ج ۲: می‌تواند.
- س ۳: آیا تقلید از اعلم بر مکلف واجب است؟
 ج: واجب است.
- س ۴: در صورتی که چند مجتهد جامع الشرائط مساوی باشند یا اعلیّت بعضی بر بعض دیگر محرز و ثابت نشده آیا مجاز است که شخص تبعیض در تقلید قائل شده و در مسائل مختلف فقهی از مجتهدین جامع الشرائط مختلف تقلید نماید؟ در این صورت اگر این عمل موجب انتخاب ساده‌ترین فتوا در میان فتاوی این مجتهدین در مسائل مختلف گردد آیا شرعاً چنین عملی که ظاهراً در نقطه مقابل عمل به احتیاط می‌باشد صحیح و جایز است یا خیر؟

ج: در فرض مذکور تبعیض در تقلید جائز است و قبل از عمل می‌تواند در بعضی از مسائل به فتوای این فقیه و در بعض دیگر به فتوای آن فقیه عمل نماید، البته این موضوع همانطور که گفته شد مربوط به قبل از عمل است ولی بعد از عمل نمی‌تواند در هر مسأله‌ای که فتوا وجود داشته از مجتهدی به مجتهد دیگر عدول نماید مگر آنکه دوّمی اعلم باشد.

س ۵: آیا در بقاء بر تقلید میّت، رجوع به حی اعلم لازم است؟

ج: بلی در مسأله بقاء بر تقلید میّت باید از حی اعلم تقلید کرد.

س ۶: باقی ماندن بر تقلید میّت در چه صورت جائز و در چه صورت جائز نیست؟
ج: کسی که در بعضی از مسائل به فتوای مجتهدی عمل کرده بعد از وفات او می‌تواند در همه مسائل بر تقلید او باقی بماند مگر در صورتی که مجتهد زنده اعلم از متوقّی باشد در این صورت رجوع به آن مجتهد زنده واجب است.

س ۷: کسی که در گذشته از امام علیه السلام تقلید می‌کرد بعد مقلّد آیه الله اراکی شد و در قسمتی از مسائل باقی بر تقلید امام بود حالا که مقلّد حضرتعالی شده می‌تواند در برخی از مسائل از امام تقلید کند و برخی از آیه الله اراکی و بعضی از حضرتعالی؟

ج: در آن مسائلی که از امام رضوان الله علیه به آیه الله اراکی عدول نکرده است می‌تواند در تقلید از امام باقی باشد.

س ۸: در صورتی که مجتهدی که از دنیا رفته از مجتهد زنده اعلم باشد و یا احتمال اعلمیّت او نسبت به مجتهد زنده وجود داشته باشد، آیا مقلّدین او میتوانند تمام یا برخی احکام را از مجتهد زنده تقلید نمایند؟
ج: بلی می‌توانند.

س ۹: روشن است که همه مراجع تقلید فعلی بقاء بر تقلید میّت را جائز می‌دانند، آیا می‌شود انسان بدون رجوع به مرجع تقلید حی معینی، بر تقلید از میّت باقی بماند؟

ج: لازم است در مسأله بقاء، از حی تقلید کرد ولی تعیین لازم نیست.

س ۱۰: آیا بر مجتهد متجزی (متجزی به کسی گفته می‌شود که در بعضی از مسائل فقهی مجتهد است یعنی دارای قوه استنباط است) تقلید حرام است، بر زن مجتهد چطور؟

ج: در هر دو مورد در آن قسمتی که اجتهاد کرده است، حرام است.

س ۱۱: آیا شرعاً می‌شود به احتیاط واجب که در بعضی مسائل آمده عمل نکرد؟

ج: باید به احتیاط واجب عمل شود مگر اینکه در این مورد از دیگری تقلید شود.

س ۱۲: اگر فقهاء در علم مساوی باشند آیا برای مکلف جائز است از یکی از آنها تقلید کند و در احتیاطات واجب به دیگری رجوع کند؟

ج: جائز است.

س ۱۳: وظیفه نوجوانانی که آغاز تکلیف آنها است در مسأله تقلید چیست؟

ج: باید با انجام تحقیق از مجتهد جامع الشرائط زنده تقلید کنند.

س ۱۴: آیا در یک خانواده اشخاصی که به سن تکلیف می‌رسند هر کدام جداگانه برای خود باید مرجع تقلید انتخاب کنند یا اینکه تنها ولی خانواده کافی است؟ آیا زن هم باید تنها خودش مرجع تقلید انتخاب کند یا اینکه شوهر یک مرجعی را که انتخاب کرده زن هم می‌تواند به همان رساله عمل کند؟ و اگر فردی از خانواده تاکنون به رساله مرجعی که از دنیا رفته عمل کرده و مرجع دیگری انتخاب نکرده است تکلیفش چیست؟ آیا می‌تواند باقی بر تقلید از میت بماند یا مرجع دیگری انتخاب کند؟

ج: در انتخاب مرجع تقلید افراد خانواده مختارند میتوانند همه یک مرجع

تقلید داشته باشند و اگر تشخیص‌هایشان متفاوت باشد مرجع تقلید متفاوت

داشته باشند. بلی کسی که تازه بحد بلوغ میرسد نمی‌تواند از مجتهد میت

تقلید کند ولی کسانی که در زمان حیات یک مجتهد که فعلاً از دنیا رفته

است از او تقلید کرده اند می توانند با اجازه یک مجتهد زنده بر تقلید او باقی بمانند.

س ۱۵: اگر کسی مثلاً مقلد امام بوده و هست اگر بخواهد به مرجع زنده رجوع کند در صورتی که بداند ایشان اعلم بوده است می تواند رجوع کند یا خیر؟
ج: اگر بداند که ایشان اعلی الله مقامه اعلم بوده اند باز هم می تواند به مرجع زنده مراجعه کند.

س ۱۶: آیا رجوع از حضرت امام علیه السلام به حضرت عالی صحیح است یا خیر؟ و چنانچه صحیح نباشد نمازهایی که خوانده ام و روزهایی که گرفته ام چه حکمی دارد؟

ج: صحیح است ولی نمی توانید دوباره به نظر حضرت امام قدس سره رجوع کنید و نماز و روزه ای که مطابق فتوای ایشان بجا آورده اید صحیح است.

س ۱۷: آیا عمل به احتیاط رجحان دارد یا تقلید نمودن؟

ج: اگر موجب عسر و حرج نباشد عمل به احتیاط راجح است.

س ۱۸: برای شخص محتاط آیا حدود دایره احتیاط در احکام بین فقهای زنده است و آیا واجب است فتاوی فقهای گذشته را نیز در نظر بگیرد؟

ج: بلی لازم است.

س ۱۹: آیا سفارشها و دستورهای اخلاقی دین مبین اسلام در قلمرو تقلید قرار می گیرد یا اینکه چون برخی از آنها تکلیف الزامی ندارد از حوزه قلمرو تقلید خارج است؟

ج: دستورهای اخلاقی در قلمرو تقلید قرار ندارد مگر اینکه در عمل با یکی از احکام خمسسه تکلیفی یعنی وجوب یا استحباب یا حرمت یا کراهت یا مباح ارتباط پیدا کند.

احکام طهارت و نجاست

س ۲۰: آیا آب دوشی که معلوم نیست متصل به کرّ بوده یا خیر، چیز نجس را تطهیر می‌نماید یا خیر؟ وضوء و غسل با آن چگونه است؟

ج: آب مطلقاً چیز نجس قابل طهارت را پاک می‌کند و وضوء و غسل با آن صحیح است. تفاوت کرّ و جاری با آب قلیل در موارد دیگر - غیر آنچه که در فوق ذکر شد - می‌باشد مثلاً قلیل به ملاقات نجس یا متجسس، نجس می‌شود ولی کرّ یا جاری، تا رنگ یا بوی و یا طعم آن تغییر نکند پاک است و نیز در آب قلیل، تطهیر گاهی احتیاج به تعدّد دارد ولی در کرّ و جاری تعدّد لازم نیست و همچنین.

س ۲۱: بعد از نیم پخت شدن برنج (حین آبکش کردن) فضله موش در داخل برنج پیدا شد آیا با آب کشیدن پاک می‌شود؟

ج: در صورتی که آب کرّ یا جاری به باطن آن نفوذ کند پاک می‌شود.

س ۲۲: گوشتی که از دهان سگ گرفته می‌شود با آب کشیدن پاک می‌شود یا خیر، در صورتی که اثر دندان سگ باقی بماند چه حکمی دارد و اگر اثرش باقی نماند چه حکمی دارد؟

ج: با آب کشیدن پاک می‌شود چه اینکه اثر دندان باقی بماند یا باقی نماند.

س ۲۳: اگر ظاهر گندم و برنج و صابون و مانند اینها نجس شود با فرو بردن در آب کرّ و جاری پاک می‌گردد؟ و اگر باطن آن نجس شود چطور؟

ج: اگر به اندازه‌ای در آب بماند که آب کرّ یا جاری به باطن آن نیز نفوذ کند باطن نیز پاک می‌شود.

س ۲۴: اگر چیز نجس را که باید دوبار شسته شود یک بار بشویند ولی مقدار آبی که یک بار می‌شوید بیشتر از مقدار آبی است که دو بار می‌شویند، آیا آن چیز پاک می‌شود؟

ج: زیادی آب میزان نیست و در موارد لزوم تعدّد باید مراعات شود.

س ۲۵: قسمتی از منزل که نجس می‌شود و امکان این که آب جاری یا آب قلیل به سوی آن ریخته و از محلی خارج شود نمی‌باشد برای پاک شدن آن مکانها به چه ترتیب باید عمل شود؟

ج: اگر به وسیله آب کر یا جاری تمام محل نجس شسته شود و عین نجس از زمین برود پاک می‌شود و اگر با آب قلیل شسته می‌شود و یکی از راههایی که ممکن است این است که نقطه‌ای را بگنند و حفره‌ای ایجاد کنند که غُساله به آنجا سرازیر شود و بعداً روی آن را بپوشانند.

س ۲۶: اگر دهان خونی شود، و در دهان، دندان مصنوعی طوری باشد که به دندان‌های طبیعی چسبیده باشد و به هیچ طریق نشود آن را برای تطهیر از دهان بیرون آورد، نحوه تطهیرش چگونه است؟

ج: بنا بر احتیاط واجب حکم دندان طبیعی را ندارد که به زوال نجاست پاک شود و باید آب را در دهان بگیرد و تطهیرش کند.

س ۲۷: آیا تابیدن آفتاب از پشت شیشه بر جسم نجس پاک کننده است؟
ج: اگر از شیشه، مستقیم بر جسم نجس بتابد پاک کننده است.

س ۲۸: فاصله چاه آب آشامیدنی و چاه آب توالت چند متر باید باشد و آیا زمین سفت با زمین نرم فرق دارد و یا اگر زمینی که همه‌اش سنگ است و چند متر از چاهی که همه‌اش نرم است پائین تر کنده شود به نحوی که رطوبت چاه توالت به چاه آب آشامیدنی سرایت نماید و مزه آب چاه تغییر کند نجس می‌شود یا خیر؟

ج: نقاط زمین از جهت سفت بودن و سفت نبودن و نیز از جهت پستی و بلندی متفاوت است و باید طوری باشد که سرایت نکند. آب چاه تا رنگ و یا بو و یا مزه‌اش به واسطه نجاست تغییر نکند نجس نمی‌شود ولی مسئله تنها نجس شدن نیست و آب آشامیدنی باید پاکیزه باشد.

س ۲۹: اگر حیوان حرام گوشتی مانند گربه و غیره به چاه بفتند و متلاشی شود آیا کشیدن آب چاه لازم است، و اگر لازم است لطفاً مقدار آن را مشخص کنید، و

اگر موی حیوان در چاه بماند وظیفه چیست؟

ج: اگر مزه آب و یا رنگ و یا بوی آن تغییر نکرده است کشیدن آب از چاه لازم نیست و در صورتی که تغییر در صفاتی که ذکر شد به وجود آمده باشد باید آنقدر آب از چاه بکشید تا تغییر زائل شود و آب چاه صفا و رنگ طبیعی خود را باز یابد.

س ۳۰: آیا دست انسان به کافر و یا سگ و خوک خشک بخورد، بازهم نجس می‌شود یا باید مرطوب باشد تا دست نجس شود؟

ج: اگر مرطوب باشد نجس می‌شود.

س ۳۱: آیا ملاقی سوم، از متنجس دوم نجس می‌گردد یا خیر پاک می‌باشد؟

ج: نجس می‌شود هر قدر واسطه زیاد هم باشد.

س ۳۲: اگر دست و صورت و لباس شخصی نجس باشد و یا بچه‌ای که همراه او می‌باشد نجس باشد آیا لازم است به صاحب خانه بگویند و در این مسئله مسئول است؟

ج: مسئول نیست و لازم نیست به او بگویند در صورتی که با او معاشرت نداشته باشد.

س ۳۳: آیا متنجس منجس است یا خیر؟ و آیا فرقی بین جامد و مایع نیست؟

ج: متنجس اگر با رطوبت مسریه با چیز دیگر ملاقات کند منجس است.

س ۳۴: خواهشمندم در مورد یقین توضیح دهید، آیا یقین فقط دیدن است؟ و

کسی که نابینا است چگونه می‌تواند در مورد نجس و پاکی چیزی یقین کند؟

ج: به غیر دیدن هم ممکن است یقین حاصل شود و تا یقین نکرده اجتناب

لازم نیست و در این موارد اطمینان مثل یقین است.

س ۳۵: آیا حیوانی که وطنی می‌شود، یعنی انسان با آن آمیزش کند نسل آن

حیوان هم نجس می‌شود یا خیر؟

ج: نسل آن حیوان هم حرام است ولی نجس نمی‌شود و مدفوع آن حیوان

نجس است.

س ۳۶: خون لخته شده در داخل جگر و رگ گوسفند و مرغ و غیره در صورتی که بتوان آنرا جدا کرد آیا نجس می‌باشد یا خیر؟

ج: در صورتی که موقع ذبح خون به اندازه متعارف خارج شده است پاک است ولی اگر لخته خون است نباید آنرا خورد.

س ۳۷: اگر قرآن نجس شود می‌توان آن را شست؟
ج: باید شست.

س ۳۸: نظر حضرتعالی درباره طهارت یا عدم طهارت اهل کتاب چیست و بفرمایید معاشرت و دوستی و هم سفره شدن مسلمین با ایشان جایز است یا خیر؟
ج: اهل کتاب یعنی یهودی و نصاری محکوم به طهارت می‌باشند و معاشرت با آنها اگر شخص تحت تأثیر فرهنگ آنها قرار نگیرد اشکال ندارد.

س ۳۹: متأسفانه با رشد زیاد فرقه ضالّه بهائیت، مسلمین ضعیف‌الایمان مبتلا به معاشرت با ایشان شده‌اند لطفاً بفرمائید رفت و آمد و شرکت در مراسم ایشان و دعوت آنها به مراسم خود مخصوصاً مراسم ترحیم که غالباً در مساجد بر پا می‌گردد چه حکمی دارد؟

ج: بهائیت محکوم به نجاست می‌باشند معاشرت با آنها جائز نیست و دعوت آنها به مساجد نیز جائز نیست.

وضو

س ۴۰: وضوء گرفتن قبل از وقت نماز به نیت نماز چه حکمی دارد؟
ج: در این فرض به قصد با طهارت بودن وضوء بگیرد و اگر به این قصد وضوء گرفت می‌تواند تمام اعمال مشروط به طهارت چه نماز ادا و چه قضا و چه دست زدن به کلمات قرآن و غیره را انجام داد.

س ۴۱: آیا وضوء به خودی خود استحباب نفسی دارد یا خیر؟ و اگر شخصی در موقع وضوء گرفتن همینقدر که بگوید وضوء می‌گیرم «قریة الی الله» کافی است یا

باید یکی از غایات را که مطلوب است در نظر بگیرد و نیت کند؟ و اگر غایت لازم است نفس طاهر بودن غایتی محسوب می‌شود یا خیر؟

ج: لازم است یکی از غایات را قصد کند و اگر وقت نماز داخل نشده است به قصد این که با طهارت باشد وضوء بگیرد.

س ۴۲: شخصی که وضوء می‌گیرد چه در وقت، چه قبل از وقت و هیچ غایتی نیز در نظر ندارد، فقط می‌خواهد با وضوء باشد، آیا با این وضوء می‌تواند نماز بخواند؟

ج: لازم است یکی از غایات (اهداف) را در نظر بگیرد اگر وقت نماز است به قصد نماز وضوء بگیرد و اگر وقت داخل نشده است به قصد این که با طهارت باشد وضوء بگیرد و اگر مقارن دخول وقت است به قصد این که مهیا باشد برای نماز خواندن نیز می‌تواند وضوء بگیرد.

س ۴۳: شخصی که هر دو دست او فاقد حس و حرکت است طوری که نمی‌تواند هنگام وضوء دستها و صورت را آب بکشد و همچنین قادر به مسح سر و پاها نیست برای برای وضوء چگونه باید عمل کند؟

ج: واجب است از اشخاص ولو با اجرت در صورت امکان برای شستن و مسح کشیدن کمک بگیرد.

س ۴۴: شخصی قبل از این که مسح سر و پا را بکشد با تر بودن دست چپ باز دست چپ را روی دست راست می‌کشد و دستها را به هم می‌مالد، آیا این عمل موجب بطلان وضوء است؟

ج: لازم است قبل از مسح به اعضای وضوء دست نزنند تا مسح با رطوبتی که در دست باقی مانده است انجام بگیرد.

س ۴۵: شخصی که یک یا دو پایش قطع شده آیا نیاز به مسح دارد؟ در صورتی که جواب مثبت باشد چگونه باید مسح نماید؟

ج: در فرض مذکور مسح ساقط است.

س ۴۶: آیا کسی که پای مصنوعی دارد لازم است به هنگام وضوء، همان را مسح کند؟

ج: لازم نیست.

س ۴۷: آیا با دست مصنوعی در فردی که دستش از مچ قطع شده است می‌توان مسح کشید؟

ج: بلی می‌تواند و لازم است.

س ۴۸: شخصی که زخم یا دمل یا شکستگی در سر یا پاها دارد و روی آن باز است و آب ریختن نیز روی آن ضرر دارد آیا باید تیمم کند؟ در غیر این صورت چه باید بکند؟

ج: در فرض مذکور لازم است پارچه پاکی روی زخم یا دمل یا شکستگی بگذارد و روی پارچه را باتری آب وضوء مسح کند و اگر گذاشتن پارچه ممکن نباشد باید به جای وضوء تیمم کند، این نوع مسح و همچنین موضوع شستن اعضای وضوء با این عذر راوضوی «جبیره ای» می‌گویند و در توضیح المسائل از مسأله ۳۴۵-۳۲۵ احکام آن ذکر شده است.

س ۴۹: دست شکسته که گچ گرفته شده پس از وضوی جبیره تیمم هم لازم است یا خیر؟

ج: در فرض مذکور تیمم لازم نیست.

س ۵۰: پارچه‌ای که برای جبیره در محلّ وضوء می‌گذارند علاوه بر طهارت و اباحه، آیا شرط دیگری هم دارد مثلاً از ابریشم و از اجزاء حیوان حرام گوشت نباشد، یا خیر؟ منظور نماز خواندن با آن است که چه حکمی دارد؟

ج: نماز با آن صحیح نیست.

س ۵۱: بقیه آب ظرفی که از مستراح بر مگردد، با آن آب وضوء گرفتن کراهت دارد یا خیر؟

ج: کراهت آن ثابت نیست.

س ۵۲: آیا در کلماتی مانند «بسمه تعالی» یا «هو» یا کلمات فارسی مانند «خدا» و غیره اجتناب از دست زدن بدون وضوء به آن لازم است و حکم اسماء جلاله را دارد؟

ج: ضمیر در بسمه تعالی و غیره حکم اسم جلاله را ندارد ولی نام خدای سبحان در هر لغتی حکم اسم جلاله را دارد.

س ۵۳: آیا افرادی که اسمشان عبدالله، حبیب الله،... اگر بدون وضوء آنها بنویسند و یا مسح کنند چه حکمی دارد؟

ج: نوشتن لفظ جلاله (کلمه «الله» بدون وضوء اشکال ندارد ولی دست زدن بدون وضوء حرام است هر چند جزء اسم کسی شده باشد.

س ۵۴: آیا وضوء اثرات منفی با جنابت شیر دادن را از بین می‌برد؟
ج: نمی‌برد.

غسل

س ۵۵: آیا بعد از انجام غسل احتیاجی به وضوء گرفتن برای نماز هست یا خیر؟
ج: در غسلهای واجب غیر از غسل استحاضه متوسطه و کثیره که مربوط به خانمهاست، گرفتن وضوء برای نماز واجب نیست و در غسلهای مستحب نیز با شرحی که در مسأله ۶۴۵ در رساله ذکر کرده ایم گرفتن وضوء برای نماز واجب نیست.

س ۵۶: آیا زن که در عادت ماهیانه است می‌تواند به مجالس سخنرانی و موعظه (دعا) و حتی نماز جماعت و جمعه برود و به خطابه گوش دهد اما نماز نخواند و کنار بنشیند؟

ج: در غیر مسجد می‌تواند بنشیند و گوش بدهد.

س ۵۷: خانمی که برای جلوگیری از حاملگی از دستگاه‌ای یودی یا قرص استفاده می‌کند اگر در این حالت خونریزی یا لک بینی داشته باشد وظیفه چیست؟

ج: در صورتی که یک دفعه چند ساعت یا چند دقیقه‌ای باشد یا ابتدا و انتهای آن کمتر از سه روز باشد حیض نیست و استحاضه است ولی اگر سه روز یا بیشتر باشد و مصادف با ایام عادت باشد حیض است و احکام هر دو از

حیث غسل و وضوء و... در رساله مذکور است.

س ۵۸: اگر کسی شب خوابهای شهوت انگیز ببیند و در خواب تحریک شود اما منی بیرون نیاید، ولی بعد از خواب قبل از ادرار عمل استبراء انجام می‌دهد و می‌بیند مقداری ماده سفید و تقریباً لزج مانند از او خارج می‌شود در اینجا حکم و وظیفه شرعی چیست؟ یا اگر کسی در ماه رمضان با خود ملاحظه کند و احساس کند که منی هم جهش کرده ولی از بیرون آمدن آن جلوگیری کند، و بعد از چند دقیقه آب سفیدی ببیند روزه او چه حکمی دارد؟ یا اگر در حال بیداری با توجه به تحریک (عمدی یا غیر عمدی) قبل از ادرار و بر اثر استبراء از او این ماده بیرون آمد حکم چیست؟ و اگر همین عمل در ماه رمضان باشد و شخص از بیرون آمدن منی جلوگیری کند و بعداً این ماده را ببیند حکم چیست؟

ج: تا علم به خروج منی پیدا نکند غسل واجب نیست ولی اگر علم حاصل کرد در هر صورت جنب است و احکام جنابت مترتب می‌شود و غسل هم باید بکند.

س ۵۹: کسی که پروستات عمل کرده و موقع مقاربت هم منی خارج نمی‌شود و یقین دارد که در مثانه می‌ریزد چون یکی از موارد جنابت دخول است که چه منی خارج شود یا خیر، باید غسل کند حالا اگر این آدم در خواب محتمل شود و وقتی که بیدار شد احساس لذت و سستی بدن کرد که این دو علت جنابت ولی چون در بیداری هم منی خارج نمی‌شود و به مثانه می‌ریزد در خواب هم همین طور است، آیا غسل دارد یا خیر؟

ج: در صورتی که یقین دارد که منی از محلّ خود خارج شده است باید غسل کند.

س ۶۰: آیا غسل جنابت فی نفسه و به خودی خود مستحب است یا خیر؟ و اگر مستحب است آیا می‌توان با آن نماز خواند؟

ج: بلی به خودی خود مستحب است و برای نماز خواندن واجب می‌شود و

نماز با آن را تا باطل است می تواند بخواند و وضوء گرفتن واجب نیست.

س ۶۱: شخصی هنگامی که غسل جنابت به او واجب می شود بقدری آن را تأخیر می اندازد که وقت نماز تنگ میشود و لذا با تیمم نماز می خواند و بعداً مثلاً فردای آن روز غسل می نماید. نظر حضرت عالی در این باره چیست؟

ج: با امکان غسل کردن، تأخیر آن حرام است ولی اگر بتأخیر انداخت تا وقت تنگ شد نماز با تیمم، صحیح است.

س ۶۲: اگر مسافری در دریا جنب شد آنجا حتمّ نیست و خاک هم ندارد تا تیمم کند وقت نماز هم تنگ است لطفاً بفرمائید وظیفه اش چیست؟

ج: اگر غسل و تیمم هیچیک ممکن نیست «فاقد الطهورین» است نماز را با همان حال بخواند و بعداً با تحصیل طهارت قضا کند.

س ۶۳: اگر هنگام صبح بیدار شدیم و متوجه شدیم که جنب شده ایم و آب و وقت لازم برای غسل نداریم برای خواندن نماز واجب صبح و ظهر و عصر و شام باید چه کرد. و اگر در ماه مبارک رمضان بود آیا روزه ما صحیح است یا خیر؟

ج: در فرض مذکور لازم است که تیمم بدل از غسل کنید و نماز صبح را بخوانید و برای نمازهای بعد نیز اگر ممکن است غسل کنید و اگر در ماه رمضان بعد از طلوع فجر جنب شده اید و این جنابت چون در خواب عارض شده روزه تان صحیح است و برای نماز غسل و یا تیمم بدل از غسل کنید و شرح آن در رساله توضیح المسائل مذکور است.

س ۶۴: آیا تماس بدن شخص جنب و یا شخص بدون وضو با جواهرات منقّش به تصویر «کعبه مقدس» یا آرم «الله» جایز است؟

ج: جایز نیست.

س ۶۵: آیا غسل جمعه برای رفتن به نماز جمعه واجب است یا خیر؟

ج: غسل جمعه واجب نیست ولی با آن می توان نماز خواند و احتیاج به وضوء نیست.

س ۶۶: اگر در حین غسل بادی از مخرج غائط خارج شود و یا بول کند آیا اعاده غسل لازم است؟

ج: غسل را به اتمام برساند ولی نمی‌تواند با آن نماز بخواند و برای نماز باید وضوء بگیرد.

احکام میّت

س ۶۷: آیا میّت نجس است یا خیر و غسل دادن میّت به خاطر نجاست وی می‌باشد یا به خاطر چیزهای دیگر؟

ج: میّت عادی قبل از غسل نجس است و غسل دادن او یک حکم شرعی الزامی است و بعد از غسل پاک می‌شود.

س ۶۸: آیا خشک و تر بودن بدن میّت در حکم مسّ آن فرق دارد یا خیر؟

ج: برای غسل مسّ میّت خشک و تر بودن فرق ندارد.

س ۶۹: قطره آبی که در اثنای غسل دادن میّت به لباس فردی که کنار ایستاده است اصابت کرده، آیا می‌تواند با آن لباس نماز بخواند یا خیر؟

ج: بلی می‌تواند.

س ۷۰: میّت را دفن کرده اند ولی در غسل، حنوط کلاً فراموش شده است در چنین مواردی چه باید کرد؟

ج: در صورتی که جسد نپوسیده است و بیرون آوردن آن مستلزم هتک حرمت او نمی‌شود، و یا موجب آزار و اذیت دیگران نمی‌گردد باید نبش قبر کرده و با ضوابط شرعی حنوط کرده و دوباره دفن کنند.

س ۷۱: غسّالی که با معاونش مشغول تطهیر و تغسیل میّت می‌باشد در حال تطهیر و تغسیل چنانچه از قطرات آب ترشح بکند به لباس ایشان بعد از اتمام سه غسل، لباس آنها پاک می‌باشد یا خیر؟

ج: اگر، با آب قلیل غسل می‌دهند بعد از اتمام سه غسل لباس پاک است.

س ۷۲: شخصی از دنیا رفت و در طبقه بالای قبر دفن گردیده است، بعد از گذشت سه روز غسال آمد و خبر داده است که یکی از اغسال ثلاثه فراموش گشته، آیا می‌شود در چنین مواردی با توجه به اینکه فرد دیگری نیز در طبقه زیرین دفن شده نبش قبر نمود؟

ج: در صورتی که با گذشت زمان جسد متعفن نشده که موجب هتک احترام میّت یا اذیت دیگران باشد لازم است که نبش شود و غسلها با ترتیب صحیح انجام گیرد.

س ۷۳: نماز خواندن بر جنازه شخصی که اقدام به خودکشی کرده چه صورتی دارد؟

ج: اقدام به خودکشی کردن مسلمان موجب سقوط نماز میّت بر جنازه اش نمی‌شود.

س ۷۴: خانمی از دنیا رحلت کرده که جنین در شکم او نیز از دنیا رفته است ولی جنین کامل الخلقه و بعد از ۴ و ۵ ماهگی است، تکلیف در مورد دفن این زن و بچه واقع در شکم او چیست؟

ج: در فرض مذکور مادر را رو به قبله به طور متعارف دفن نمایند.

س ۷۵: در صورت اتمام دفن میّت با کفن نجس وظیفه چیست؟

ج: در صورتی که بر بدن میّت، بو نیفتاده که موجب هتک احترام میّت شود، قبر را نبش کنند و اگر ممکن است کفن را عوض کنند و الا آن مقدار را قطع کنند و بردارند.

س ۷۶: شخصی وصیت کرده بعد از فوتش او را در عتبات عالیات دفن کنند، لکن به علت وضعیت موجود چنین کاری ممکن نیست، آیا می‌شود او را موقتاً دفن کرده و بعد با نبش قبر جنازه را منتقل نمایند؟

ج: در فرض مذکور جائز نیست.

تیمم

س ۷۷: آیا تیمم بر موزائیک و سنگفرش صحیح است؟

ج: تیمم بر سنگفرش صحیح است ولی بر موزائیک اگر از سنگ پخته درست شده است اشکال دارد.

س ۷۸: آیا در تیمم دست را روی خود بینی کشیدن هم لازم است یا منظور از

روی بینی که می‌فرمایند، بین دو ابرو می‌باشد؟

ج: مسح روی بینی لازم نیست.

س ۷۹: اگر کسی که وظیفه اش تیمم است به علت شکستگی یک دست، نتواند آن

را به پیشانی برساند، آیا برای کشیدن به پیشانی، یک دست سالم کافی است یا

این که نایب گرفتن لازم است؟

ج: در فرض مرقوم با دست سالم تیمم کند و گرفتن نایب لازم نیست.

س ۸۰: در تیمم بدل از غسل و بدل از وضو که از نظر جناب عالی فرق ندارند

چند ضرب لازم است؟

ج: در هر دو یک ضربت کافی است و شرح آن در مسائل تیمم است.

س ۸۱: آیا با تیمم بدل از غسل جنابت می‌شود به مسجد و یا به مشاهد مشرفه

وارد شد؟

ج: اگر تیمم برای تنگی وقت نباشد بلکه برای عذر دیگری باشد اشکال

ندارد.

س ۸۲: آیا زن حائض بعد از تمام شدن عادت و قبل از غسل می‌تواند با تیمم بدل

از غسل به مسجد برود؟

ج: اگر عذر از غسل کردن دارد می‌تواند.

س ۸۳: کسی که جنب است در صورت ناچاری ومثلاً ضرر آب بر بدنش یا شکسته

و زخمی بودی بدن و نبودن آب تیمم بدل از غسل جنابت کرده آیا بخاطر شرکت

در مجالس ختم و غیره می‌تواند وارد مسجد بشود یا خیر؟

ج: ورود به مسجد در فرض سؤال مانع ندارد و حکم کسی را دارد که غسل کرده است.

س ۸۴: شخصی آب نداشت و یا آب برای او ضرر داشت و لذا تیمم بدل از غسل جنابت کرد، آیا می‌تواند داخل مسجد گشته، قرآن بخواند و یا...؟
ج: مانع ندارد و حکم کسی را دارد که غسل کرده است.

س ۷۵: در تیمم بدل از وضوء برای کسی که اطمینان دارد تا چندین روز دیگر نمی‌تواند وضوء بگیرد، آیا قبل از اذان می‌تواند تیمم کند یا باید بعد از اذان تیمم کند؟

ج: تیمم قبل از وقت برای نماز بعد از وقت صحیح نیست.

احکام نماز

س ۸۶: فردی که با پول غصبی عطر یا ادوکلن خریده و استفاده می‌کند اگر در هنگام نماز از آن استفاده نماید چه حکمی دارد؟

ج: این عمل حرام است و باید از آن اجتناب شود ولی نماز را باطل نمی‌کند.

س ۸۷: آیا با خون هموروئید (بواسیر) داخلی یا خارجی می‌توان نماز خواند؟

ج: اگر خون فقط در داخل است و به خارج سرایت نکرده است حکمی ندارد ولی اگر خارجی است لازم است اگر تطهیر ضرر و مشقت ندارد برای نماز تطهیر شود و اگر تطهیر هر چند با آب گرم ضرر دارد لازم نیست.

س ۸۸: عینکی که دسته آن مخلوط به طلا و یا طلای آن ظاهر است استفاده از آن برای مرد و نماز خواندن با آن چه صورت دارد؟

ج: در صورتی که طلای دسته عینک ظاهر است استفاده از آن برای مرد حرام و نماز با آن باطل است. و در صورتی که مخلوط است اگر مستهلک است اشکال ندارد.

س ۸۹: اگر در دو جای بدن یا لباس لگه خون، هر کدام به اندازه حدوداً یک درهم باشد آیا نماز خواندن اشکال دارد؟

ج: اشکال دارد و لازم است اقلاً یکی از آنها را آب بکشد.

س ۹۰: نماز خواندن با کفش و دستکش گرچه پاک باشند چه حکمی دارد؟

ج: با دستکش که اشکال ندارد ولی کفش چون مانع رسیدن انگشت بزرگ پا به زمین است اشکال دارد.

س ۹۱: اگر کسی مالی را پیدا کند و انجام وظیفه نکند و قصد هم نداشته باشد در آینده به وظیفه شرعی خود عمل نماید و آن مال پیدا شده همراهش باشد و نماز بخواند آیا نمازش صحیح است یا خیر؟

ج: اگر مال را بردارد و قصد ایصال به صاحب آن و عمل به وظیفه شرعیه خود نداشته باشد نماز با آن در حکم نماز با مغضوب است.

س ۹۲: آیا چادر در نماز شرط است یا می‌توان نماز را با مانتو و روسری یا مقنعه خواند و بفرمایید در فرادی و جماعت فرقی دارد یا خیر؟

ج: میزان در نماز پوشش است به هر وسیله‌ای باشد.

س ۹۳: نماز خواندن با انگشتر و لباسی که دارای صورت و عکس جاندار و غیر جاندار است چه حکمی دارد؟ همچنین نماز خواندن در مکانی که مجسمه یا عکس بر در و دیوار آن نصب شده چگونه است؟

ج: مکروه است با این معنا که تأثیر در تقلیل ثواب و فضیلت دارد.

س ۹۴: بدن برخی از بیماران بستری در بیمارستان به واسطه خونگیری و... نجس است و بعضی نیز دارای لباس نجس می‌باشند. در صورتی که امکان غسل و دسترسی به لباس پاک نباشد برای ادای نماز چگونه باید عمل کنند؟

ج: در فرض مذکور باید با بدن نجس و با همان لباس نماز بخواند.

س ۹۵: نماز خواندن در بانک‌ها و ادارات و مدارس و امثال آن که اغلب وضعیت ملکی آن‌ها معلوم نیست چه صورتی دارد؟

ج: اگر علم به غصب بودن محل ندارد و در تحت تصرف مسؤولین حکومت اسلامی است اشکال ندارد.

س ۹۶: نماز خواندن در شرکتها و یا خانه‌هایی که مردم در آنها سکنی گزیده‌اند اما آن خانه‌ها و یا زمینهای آنها برای مالکینی است که به خارج کشور سفر کرده‌اند، چه حکمی دارد؟ اگر دولت آنها را در اختیار مردم قرار داده است چطور؟

ج: نماز خواندن و سایر تصرفات در آنها فقط پس از در نظر گرفتن ضوابط حکومت اسلامی جائز است.

س ۹۷: تزئین و زینت کاری مساجد با نقاشی و کاغذ دیواری عکس دار، همچنین

نصب قاب عکس و منظره در این مکان‌ها چه حکمی دارد؟ نقاشی کردن مناظر و حیوانات، همچنین نگهداری، به کارگیری و فروش آنان چه حکمی دارد؟
ج: در مسجد مکروه است و در غیر مسجد اشکالی ندارد.

س ۹۸: طبخ غذا و خوردن آن در مساجد در صورتی که با نظافت و حرمت مسجد و اقامه جماعت منافاتی پیدا کند چه حکمی دارد؟

ج: انجام افعالی که موجب تنجیس مسجد می‌شود یا با احترام مسجد منافات دارد، یا مخلّ عبادت در مسجد می‌شود جائز نیست.

س ۹۹: نشستن در مسجد بعد از اتمام نماز و صحبت کردن در مورد مسائل شخصی که مسلماً استفاده از امکانات مسجد مانند آب، برق، گاز و... را نیز در پی دارد، حکمش چیست؟

ج: در صورتی که مزاحم عبادات و اجتماعات معمول در مسجد نباشد و صحبتها نیز مشتمل بر محرّمات مثل غیبت و دروغ نباشد اشکال ندارد.

س ۱۰۰: چنانچه حضرتعالی اطلاع دارید چندی قبل از طرف مسئول امور مساجد اعلام گردید که می‌شود در مساجد برنامه‌های عقد و جشن ازدواج برپا نمود و این موضوع در صدا و سیمای جمهوری اسلامی قرائت گردید و همچنین در بعضی از روزنامه‌های کشور به چاپ رسید. با توجه به اهمّیت احترام به مساجد و حفظ شوّون آن در قرآن و احادیث معصومین علیهم‌السلام و آنکه چنین برنامه‌هایی با شوّون مساجد منافات دارند و همچنین مقدمه بر بعضی از منکرات از قبیل لهو و لعب و موسیقی و غیره و عواقب و اثرات سوء را به دنبال دارد. می‌خواهیم نظرتان را در این گونه برنامه‌ها در مساجد بفرمایید.

ج: چون مسجد جایگاه عبادت خداوند است و رعایت احترام آن لازم است بنابراین اگر به اجراء صیغه عقد در مسجد و اجتماع تنها برای این منظور باشد، مانعی نیست بلکه رجحان دارد و اما انجام مراسم جشن و عروسی مخصوصاً با همراه بودن با جریان‌هایی که در سؤال ذکر شده است و متعارف

است جائز نیست و لازم است مسؤولین محترم بری سهولت امر ازدواج و فراهم کردن وسائل زندگی جوانان اهتمام بیشتری بخرج بدهند.

س ۱۰۱: آیا خواندن نمازهای یومیّه در پنج وقت رجحان دارد؟

ج: رجحان پنج وقت، جدا از هم ثابت نیست.

س ۱۰۲: در ایام ماه مبارک رمضان در تمامی مساجد نماز جماعت برگزار می‌شود، در اول وقت بعد از اذان صبح، از شبهای دوازدهم لغایت ۲۳ رمضان اگر نمازگزار، نماز را بلافاصله بعد از اذان صبح بخواند، نماز او اشکال دارد یا باید حدود ده دقیقه صبر نماید؟

ج: با رعایت اوقاتی که در تقویم ها نوشته شده است اشکال ندارد و فرقی میان این شبها و شبهای دیگر نیست.

س ۱۰۳: آیا در شب‌های مهتابی لازم است بعد از اذان صبح مقداری خواندن نماز صبح را تأخیر انداخت تا روشنی صبح بر نور ماه غلبه محسوس پیدا کند؟

ج: فرقی میان شبهای مهتابی و غیر مهتابی نیست.

س ۱۰۴: آیا در وقت اختصاصی نماز ظهر یا مغرب یا غیره می‌شود نماز مستحبی بخوانیم یا خیر؟

ج: در وقت اختصاصی آخر وقت لازم است نماز صاحب وقت را بخوانیم که قضا نشود، ولی در غیر این صورت خواندن نماز مستحبی جائز است.

س ۱۰۵: آیا شهادت بر «علی ولی الله» در اذان لازم است؟

ج: چون اکنون شهادت به ولایت حضرت امیر مؤمنان علیه السلام شعاری برای تشیع شده است گفتن آن حتی الامکان لازم است.

س ۱۰۶: آیا اذان رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی ایران حجت است و می‌شود با آن نماز خواند و روزه را افطار کرد؟

ج: بلی برای اهالی شهر محل پخش و اهالی اطراف که به آن شهر نزدیک و هم افقند حجت است و نماز و افطار مطابق آن مانعی ندارد.

س ۱۰۷: بیماری که ایستاده نماز می‌خواند ناگاه در بین نماز احساس سرگیجه و عجز می‌کند آیا می‌تواند بقیه نماز را به حالت نشسته یا خوابیده بخواند؟

ج: بلی با رعایت ترتیب مذکور در سؤال می‌تواند.

س ۱۰۸: آیا کسی که مقلد جنابعالی می‌باشد می‌تواند یک رکعت نافله نماز عشاء را ایستاده بخواند یا خیر؟

ج: نماز و تیره را باید نشسته بخواند.

س ۱۰۹: آیا اداء کردن کلمات در نماز از مخرج واقعیشان واجب است؟

ج: باید کلمات طوری ادا شود که عرف عرب آن را صحیح بدانند.

س ۱۱۰: کسی که دندان‌ش افتاده یا کشیده و نمی‌تواند کلمات را درست قرائت نماید، آیا لازم است دندان مصنوعی بگذارد؟

ج: بلی، در صورت قدرت واجب است.

س ۱۱۱: شخصی حمد و سوره و اذکار نماز را بلد بوده ولی مدتی نمازش را بدون رعایت مخارج حروف می‌خوانده و هرچه دیگران تذکر می‌دادند در او تأثیری نداشته چون فکر می‌کرده و یقین داشته که قرائتش صحیح است و حتی شک در غلط بودن قرائتش نداشته اما حالا متوجه گردیده، حکم نمازهایی که تا کنون خوانده چه می‌شود؟

ج: در صورتی که از جهت غفلت و عدم التفات بدون تقصیر، اشتباهی در قرائت و یا ذکر شده، قضا واجب نیست.

س ۱۱۲: آیا اگر انسان ببیند کسی نماز خود را غلط می‌خواند واجب است به او تذکر دهد؟

ج: واجب نیست مگر در مواردی که مسئولیتی نسبت به اشخاص دارد که مسئول تصحیح اعمال عبادی آنها نیز می‌باشد.

س ۱۱۳: اگر شخصی پس از حمد یا سوره عمداً یا سهواً صدق الله العظیم بگوید آیا بر صحت نماز او خللی وارد می‌شود؟

ج: سهواً اشکال ندارد ولی عمداً نگوید.

س ۱۱۴: شخصی در اثنای نماز جهت پاک کردن سینه و باز کردن صدا عمداً چند مرتبه سرفه می‌کند و یا صدایی شبیه سرفه از خود ظاهر می‌کند که موجب پیدایش دو حرف یا بیشتر می‌شود نماز او چه حکمی دارد؟

ج: اشکال ندارد.

س ۱۱۵: گفتن «رَبَّنَا فَلَکَ الْحَمْدُ» به جای «سَمِعَ اللهُ لَمَنْ حَمَدَهُ» آیا صورت شرعی دارد؟

ج: از طریق ما وارد نیست و ما نمی‌گوییم.

س ۱۱۶: برخی از زائران ایرانی از تلفظ کلماتی مانند «لَبَّيْکَ، غیر، یوم و...» فتحه را به گونه‌ای ادا می‌کنند که گاهی حتی احساس می‌شود به کسره و یا ضمه متمایل شده است و در مقابل، بعضی از اهل دقت و یا وسواس اظهار می‌دارند که: باید فتحه کاملاً ظاهر شود و در تلفظ گاهی چنان اشباع می‌کنند که شبیه به «الف» می‌شود، در حالی که تلفظ برخی از اساتید قرائت عرب زبان و ائمه جماعت مکه و مدینه نیز به دقتی که گروه دوم لازم می‌دانند نمی‌باشد لطفاً نظر مبارک خود را در خصوص ادای صحیح این کلمات مرقوم بفرمایید.

ج: لازم است طوری تلفظ شود که آشنایان به لغت عرب آن را فتحه محسوب بدانند، دقت‌های زائد و وسوسه اعتبار ندارد.

س ۱۱۷: نمازگزار اگر وقت برخاستن به عنوان ذکر مطلق نه به قصد ورود، عوض «بحول الله»، «یا حی ویا قیوم» بگوید، نمازش چه صورت دارد؟

ج: اگر به قصد ورود گفته است نمازش خالی از اشکال نیست و اگر به قصد ورود نباشد جائز است.

س ۱۱۸: اگر نون «و لم یکن له» و «اشهد ان لا اله الا الله» به طور ادغام تلفظ نشود (حروف یرملون مراعات نگردد) قرائت صحیح است یا خیر؟

ج: بهتر این است که در موارد ذکر شده ادغام کنند، ولی بدون ادغام هم

صحیح است.

س ۱۱۹: ذکر تسبیحات اربعه را در نماز چند بار باید گفت؟

ج: یک مرتبه کافی است و سه مرتبه گفتن مستحب است.

س ۱۲۰: اگر شک کنیم که تسبیحات اربعه را یک بار خوانده ایم یا دو بار و یا سه

بار تکلیف چیست؟

ج: بنا را بر اقل باید گذاشت و خواندن یک دفعه هم در نماز کافی است.

س ۱۲۱: اگر در رکوع و سجود افزون بر ذکر واجب، دعا و ذکر غلط خوانده شود

به نماز صدمه می‌زند؟

ج: به نماز صدمه نمی‌زند.

س ۱۲۲: آیا در رکوع و سجود پس از ذکر واجب، می‌توان به فارسی دعا کرد؟ در

قنوت چطور؟

ج: در قنوت جائز است.

س ۱۲۳: فردی می‌داند غیر از تکبیره الاحرام تکبیرات دیگر در نماز مستحب است،

این را هم می‌داند که اگر نگوید به نماز اشکال نمی‌رسد و بعد از حال حرکت به طرف

سجده و رکوع می‌گفته، نمی‌دانسته اگر به قصد ورود بگوید باید در حال سکون بدن

بگوید یعنی نمی‌دانسته چنین مسأله‌ای (قصد ورود و قصد ذکر) هست تا بپرسد، آیا

نمازهایی که در این مدت چهل و یا پنجاه ساله خوانده قضا کند یا خیر؟

ج: در فرض مسأله نمازش صحیح است.

س ۱۲۴: اگر انسان شک کند که دو سجده به جا آورده یا یک سجده تکلیف

چیست؟

ج: اگر هنوز در حال نشستن است و نایستاده باید یک سجده دیگر بجا

آورد.

س ۱۲۵: اگر نمازگزار سهواً ذکر رکوع را در سجده بخواند آیا نمازش باطل

می‌شود؟

ج: باطل نیست ولی اگر در حالیکه در سجده است متذکر شد ذکر سجود را نیز بخواند.

س ۱۲۶: در سجده واجب قرآن مهر یا چیز دیگری که سجده بر آن صحیح باشد لازم است یا بهر چیزی می‌توان سجده کرد؟

ج: باید چیزی باشد که سجده بر آن صحیح است مثل مهر نماز یا خاک و سنگ.

س ۱۲۷: گاهی در پیشانی انسان جوشهایی پیدا می‌شود که هنگام سجده درد می‌گیرد آیا می‌توان صورت را کج روی مهر گذاشت؟

ج: اگر از گذاشتن پیشانی معذور است یکی از دو طرف پیشانی را بگذارد اگر از آن هم معذور است چانه خود را روی مهر بگذارد.

س ۱۲۸: اگر هنگام سجود، کودکی مهر را از جلومان برداشت یا بر اثر رفت و آمد مردم به کناری رفت، می‌گویند سجده بر لباس جایز است، حال اگر جنس لباس همایمان از نفت (پلاستیک) باشد، سجده بر لباس بهتر است یا پشت دست؟

ج: سجده بر خوردنی و پوشیدنی صحیح نیست و لو این که پوشیدنی از جنس نفت باشد در این فرض اگر وقت تنگ است بر پشت دست خود سجده کند.

س ۱۲۹: مهرهایی که بر اثر کثرت سجده رنگ آنها سیاه شده است سجده بر آن چه حکمی دارد؟

ج: اگر مانع از رسیدن بشره پیشانی به مهر است اشکال دارد.

س ۱۳۰: گاهی اوقات در سجده اول پیشانی دوبار به مهر می‌خورد آیا دو سجده محسوب می‌شود؟

ج: اگر نتواند سر را نگهدارد و بی اختیار دوباره به جای سجده برسد روی هم یک سجده حساب می‌شود و اگر ذکر نگفته باشد باید بگوید و اگر این سجده اول است سجده دوم را نیز بجا بیاورد.

س ۱۳۱: یکی از دو طرف مهرهای نماز مقداری برجستگی دارد آیا سجده بر سطح ناصاف آن صحیح است؟
ج: صحیح است.

س ۱۳۲: مقدار زمان جلسه استراحت فاصله بین دو سجده و قبل از قیام را بیان فرمائید؟
ج: به حدی که بدن آرامش پیدا کند و عرفاً به آن جلوس صدق کند.

س ۱۳۳: منظور از سر انگشت که در سجده باید بر زمین باشد آیا نوک پاست یا کلّ سطح ناخن؟
ج: منظور نوک پا است.

س ۱۳۴: کسی که بیماری و درد شدیدی در گردن و یا ستون فقرات دارد و نمی‌تواند سر بر مهر گذارد و در حالت سجده بعلت درد زیاد یک میز یا چهارپایه کوچک گذاشته و مهر را روی آن قرار داده آیا می‌تواند مهر بردارد و بر پیشانی نهد؟
ج: اگر قدرت ندارد پیشانی خود را بر زمین بگذارد چانه خود را روی مهر بگذارد و اگر از آن هم عاجز است جای دیگر از صورت خود را بر زمین بگذارد، اگر از خم شدن عاجز است میزی با متکائی زیر مهر بگذارد و روی آن سجده کند، اگر از همه اینها عاجز است همانطور که نشسته است مهر را با دست روی پیشانی بگذارد و ذکر سجده بگوید.

س ۱۳۵: شخصی در رکعت اول یک سجده را فراموش کرده بلند شد، و در رکعت دوم متذکر شد حال آیا میتواند سجده را بجا آورد یا نمازش اشکال دارد؟
ج: اگر پیش از رکوع رکعت دوم بیادش آمد برگردد و سجده را بجا بیاورد و دو سجده سهو برای قیام بجا بیاورد و اگر بعد از رکوع متذکر شد نمازش را تمام کند و بعد از نماز سجده فراموش شده را قضا کند و دو سجده نیز بجا بیاورد.

س ۱۳۶: اگر شخصی در رکعت سوم نماز هنگامی که در رکوع است و یا بعد از آن

متوجه شود که در رکعت دوم تشهد را نخوانده است چه کار باید بکند؟

ج: بعد از نماز قضای تشهد را با دو سجده سهو بجای بیاورد.

س ۱۳۷: در تشهد نماز اگر شهادت ثالثه «اشهد ان علیاً ولی الله» به قصد قربت خوانده شود جایز است یا خیر؟

ج: به قصد ورود نباشد اشکال ندارد.

س ۱۳۸: نسبت به نمازهایی که می‌خوانم زیاد شک می‌کنم البته نه شک در رکعات و یا رکن‌های نماز بلکه شک در این که آیا تمام قسمت‌های نماز را صحیح اداء کرده‌ام یا خیر؟ آیا باید به این شک‌ها اعتنا کنم؟

ج: شک اگر ناشی از وسوسه باشد، نباید اعتنا کنید.

س ۱۳۹: شخصی در نماز عصر یادش می‌افتد که نماز احتیاط ظهر را نخوانده است وظیفه او چیست؟

ج: احتیاط آن است که نماز عصر را بهم بزند و نماز احتیاط ظهر را بجا بیاورد سپس نماز ظهر را مجدداً اعاده نماید و بعد نماز عصر را بخواند.

س ۱۴۰: شخصی از طرف میت نماز آیات خوانده و بعد از تقسیم سوره توحید از جهت ندانستن مسئله بعد از هر رکوع سمع الله لمن حمده گفته و بعد بقیه سوره را خوانده و بعد از خواندن نمازها متلفت شده که اشتباه کرده حالا نمی‌داند که چه مقدار نماز بوده و اسم شخصهائی که اجیر شده هم از یادش رفته آیا نیاز به نماز قضا دارد یا احتیاج نیست؟

ج: اشکال ندارد.

س ۱۴۱: شخصی اجیر می‌شود برای چند نفر که مدتی صوم و صلاة بجا آورد ولی مدت صوم و صلاة را فراموش نموده و نمی‌داند چند مدت است تکلیف چیست؟

ج: اگر مراد مقدار صوم و صلاة است می‌تواند به قدر متیقن اکتفاء کند لکن احتیاط آن است که به قدری بجا آورد که یقین حاصل شود برئ الذمه شده است.

س ۱۴۲: کسی بعد از گذشتن وقت نماز ظهر و عصر می‌داند چهار رکعت نماز خوانده ولی نمی‌داند به کدام نیت خوانده وظیفه‌اش چیست؟

ج: باید چهار رکعت نماز قضا به نیت نمازی که بر او واجب است بخواند.

س ۱۴۳: اگر نمازگزار سهواً مدتی یک ذکر مستحبی در نماز را اشتباه تلفظ کرده باشد، آیا نمازهایی را که خوانده است باید قضا کند؟

ج: احتیاج به قضا ندارد.

س ۱۴۴: کسی که یادش رفته چند رکعت یا چند روز نماز یا روزه قضا دارد تا به جا بیاورد چه باید بکند تا واجباتش را تکمیل گرداند؟

ج: آن مقدار از نمازها یا روزه‌ها را که یقین دارد قضا شده است باید قضا کند و احتیاط مستحب آن است که اکثر را مراعات کند.

س ۱۴۵: بیمارانی که به مدت مثلاً یک روز یا هر چند روز به حالت بی‌هوش هستند، و در اثر بیماری به حالت اغماء روند یا طی عمل جراحی توسط پزشک بیهوش شوند و نتوانند نماز بخوانند آیا نمازهای این مدت را باید قضا کنند؟

ج: در فرض مسأله اگر تمام وقت نماز بی‌هوش بوده است، قضا بر او واجب نیست.

س ۱۴۶: مریضی که سخته کرده و مدتی بستری بوده و فاقد حس حرکت و شعور است آیا نماز از او ساقط است یا خیر؟ و بعد از او ورثه باید نمازهای او را قضا کنند یا ضرورتی ندارد؟

ج: در فرض مذکور مانند بیهوشی است که حکم آن مذکور گردید و قضا ندارد و نماز از او ساقط است و بر ورثه هم قضا واجب نیست.

س ۱۴۷: هنگامی که شروع به انجام واجبات کردم گاه گاهی جنب می‌شدم ولی چون از خانواده شرم داشتم برای غسل به حمام نمی‌رفتم و با همان حالت جنب، البته با تیمم نماز را می‌خواندم حال چه دستوری می‌فرمایید؟

ج: خجالت کشیدن عذر نیست باید نمازهای مذکور را قضا کنید.

س ۱۴۸: کسی که نماز عشاء را ترک کرده، آیا باید روز بعد روزه بگیرد، در صورتی که روزه بگیرد این روزه واجب است یا خیر؟
ج: قضای آن واجب است ولی روزه آن واجب نیست.

س ۱۴۹: کسی که قضاء چندین سال نماز بر عهده دارد چگونه باید بخواند که بتواند به امورات زندگی هم برسد؟
ج: به تدریج باید بخواند، فوریت لازم نیست ولی مسامحه نکند.

س ۱۵۰: آیا شخصی که قضای نمازهای مادرش را به جا می‌آورد باید ایّامی که نماز بر او واجب نبوده است (مثل ایّام عادت و...) از قضای روزهای سال کم کند یا اینکه باید تمام سال را برای او قضا نماید، با توجه به اینکه این شخص نمی‌داند مادرش در سال چند روز دارای عذر شرعی بوده است؟

ج: نماز قضای مادر در صورتیکه از روی تمرد و طغیان ترک نشده باشد در حدّیکه یقین دارد، با احتیاط واجب باید قضا نماید ولی در جائیکه محرز نیست یا واجب نبوده (مثل ایّام عادت) قضاء و لازم نیست

احکام نماز مسافر

س ۱۵۱: لطفاً منظور از وطن را روشن بفرمایید.

ج: همانطور که در رساله توضیح المسائل هم آمده، محلی را که انسان برای اقامت و زندگی خود اختیار کرد، وطن او است، چه در آنجا به دنیا آمده و وطن پدر و مادرش باشد، یا خودش آنجا را برای زندگی اختیار کرده باشد و در صدق وطن بودن قصد همیشه ماندن نیز معتبر نمی‌باشد اگرچه لازم است ماندن خود را محدود به مقدار معین نکند و گرنه وطن صدق نمی‌کند.

س ۱۵۲: کسی که دو محل را برای زندگی اختیار کرده می‌تواند آنها را وطن خویش محسوب کند؟

ج: بلی هر دو وطن او است.

س ۱۵۳: در رساله‌ها در مورد وطن ذکر شده که انسان اگر شش ماه در محلی بماند وطن او محسوب می‌شود، آیا در این مدت می‌تواند مسافرت کند یا اینکه باید همه شش ماه را در یک محل بماند و اگر مسافرت کند، آیا به این قصد ضرر می‌رساند یا خیر؟

ج: لازم است مدتی به قصد توطن بماند به اندازه‌ای که کسانی که از قصد او اطلاع دارند بگویند که فلانی اهل اینجا شده است. شش ماه موضوعیت ندارد و مسافرت مختصر در بین مضر نیست.

س ۱۵۴: اینجانب با اجازه و فتوی حضرتعالی بر تقلید از (حضرت امام رضوان الله تعالی علیه) باقی مانده ام پنج سال پیش از زادگاهم در روستا به قم کوچ کردم و دیگر امید و قصد برگشتن نداشتم لذا قم را وطن قرار دادم چون قصد دائم محقق بوده و هر موقع به زادگاهم می‌رفتم یا قصد عشره می‌کردم و یا نماز شکسته می‌خواندم. تابستان امسال از طرف دفتر نمایندگی ولی فقیه در سپاه مأموریت گرفتم به شهر اندیمشک و به همراه خانواده در آن شهر ساکن شدم. مدت زمان این سکونت اصلاً معین نیست. از اندیمشک تا محل کارم که پادگانی است واقع در کرخه حدود ۲۱ کیلومتر راه است که هر روز این مسیر را رفت و آمد می‌کنم. با توجه به این مطالب آیا شکسته خواندن نماز در زادگاهم (با توجه به اینکه قصد برگشتن ندارم) اشکال دارد یا خیر؟ و همچنین وظیفه‌ام در محل مأموریت چگونه است؟

ج: اگر اندیمشک را وطن خود قرار دادید و نمی‌خواهید بصورت موقت در آنجا بمانید در این صورت آنجا برای شما وطن محسوب شده نماز را تمام می‌خوانید و روزه هم صحیح است اما در صورتی که ماندن شما در آن شهر موقت باشد ولو به مدت طولانی آنجا برای شما وطن بحساب نخواهد آمد. و اگر در آنجا قصد اقامه نکنید نماز شما قصر و روزه شما صحیح نیست. و نسبت به وطن اصلی خود چون اعراض محقق شده است اگر قصد اقامه ده روز نداشته باشید باید نماز را قصر بخوانید.

س ۱۵۵: گاه گاهی که به قم می‌آیم چون قطع علاقه نکرده‌ام نمازم را کامل می‌خوانم و روزه‌ام را می‌گیرم آیا اشکال ندارد؟

ج: اگر شهر قم را وطن خود قرار داده‌اید حتماً نماز را تمام بخوانید و روزه هم صحیح است.

س ۱۵۶: پدر و مادرم ۳۰ سال پیش از زادگاه خود به همدان آمده‌اند و از آن به بعد هر هفته یک روز یا هر ماه دو روز رفت و آمد دارند. آیا پدر و مادرم باید در آنجا نماز را کامل بخوانند؟ حکم روزه چطور است؟ فرزندان چه حکمی درباره نماز و روزه دارند آیا بنده که ۲۱ سال دارم وقتی به زادگاه پدرم و پدر بزرگم می‌روم نماز را باید کامل بخوانم یا شکسته؟ روزه چطور؟

ج: کسی که در محلی به عنوان وطن اقامت داشته یا وطن آباء واجدادی او بوده مادامی که از آنجا اعراض نکرده و هنوز آنجا را وطن خود می‌داند هر وقت که بانجا مسافرت کند نماز و روزه اش آنجا تمام است و در بین راه اگر مسافت شرعی است قصر است.

س ۱۵۷: طلبه‌ای همدانی هستم در تهران، اول اتوبان بهشت زهرا که جزء شهر ری است مشغول تحصیل علوم دینی هستم و قصد دارم که هر وقت موقت شوم برای ادامه تحصیل به قم بروم برای تمام خواندن نمازهایم قصد عشره می‌نمایم آیا می‌توانم در این ده روز برای زیارت حضرت عبد العظیم علیه السلام یا برای زیارت مرقد امام «رضوان الله تعالی علیه» یا برای شرکت در نماز جمعه به دانشگاه تهران بروم؟

ج: یک مرتبه رفتن به مرقد امام رضوان الله علیه یا دانشگاه تهران در ده روز که دو سه ساعت بیشتر طول نکشد به اقامه شما ضرر نمی‌رساند و به حضرت عبد العظیم علیه السلام که جزء شهر ری است هر روز بروید اشکال ندارد.

س ۱۵۸: چند سالی است شهرستان کرج را وطن اخذ نموده و سه ماه پیش در یک سازمانی در تهران به صورت قراردادی به مدت ۸۹ روز مشغول به کار شدم

فعلاً مدت تمام شده و قرارداد یکساله بسته‌ام و قرار است رسمی بشوم و هر روز صبح از کرج به تهران بروم و برگردم در این مدت یکسال تکلیف نماز و روزه‌ام از نظر قصر و اتمام و گرفتن روزه چیست؟

ج: در صورتی که مقتضای شغل جنابعالی این است که مدتی از سال را از وطن خود به نقطه‌ای رفت و آمد داشته باشید در سفر اول نماز شما قصر و در سفر دوم به بعد تا هنگامی که ده روز پشت سرهم در وطن خود نمانید و در مقصد نیز ده روز قصد اقامه نکنید نماز و روزه شما تمام است.

س ۱۵۹: شخصی تهران را وطن خود قرار داده ولی به علت مشکل مسکن تصمیم دارد که برای مدت غیر معینی در کرج اقامت نماید، چنانچه قصد اقامت دائمی در کرج را نداشته باشد نماز و روزه او در کرج چگونه است؟ ضمناً این شخص چنانچه محلّ کارش تهران باشد نماز و روزه‌اش در تهران چگونه است؟

ج: تا هنگامی که از تهران اعراض نکرده است نمازش در تهران تمام و روزه‌اش صحیح است ولی چون کرج وطن او نیست در مسافرت به آنجا نماز و روزه‌اش قصر است مگر اینکه به کرج به واسطه شغلیش رفت و آمد داشته باشد و ده روز پشت سرهم در تهران نماند که در این صورت نماز و روزه‌اش در رفت و آمد به کرج هم تمام است.

س ۱۶۰: یک نفر از وطن اصلی اعراض کرده، الآن می‌خواهد دوباره آن وطن را برگرداند، طریقتش را بیان فرمایید.

ج: لازم است مدتی در آنجا به قصد توطن بماند.

س ۱۶۱: شخصی وطن و مسقط الرأس او آبادان است، اکنون ساکن ماهشهر شده ولی از آبادان اعراض نکرده، بچه‌هایی دارد که بعضی در آبادان متولد شده بودند و صغیر بودند و بعضی در ماهشهر به دنیا آمده بودند، با اینکه اینها الآن بالغ شدند ولی در خانه پدر هستند و از پدر جدا نشدند و اگر بچه‌های او چه متولدین آبادان و چه متولدین ماهشهر به آبادان سر بزنند نمازشان چگونه است؟

ج: از وطن آباء و اجداد خود تا اعراض نکرده‌اند وطن آنها محسوب می‌شود و نمازشان در آنجا تمام است.

س ۱۶۲: شخصی مأموریت دارد دو سال از طرف اداره ای در شهری کار کند، آیا دو سال که در آنجاست، حکم وطن بر آن شهر مترتب می‌شود یا خیر؟
ج: مترتب نمی‌شود.

س ۱۶۳: نظر حضرت عالی درباره بلاد کبیره چیست آیا تهران را بلاد کبیره می‌دانید یا خیر؟

ج: بین بلاد کبیره و صغیره فرق نیست و کبیره هم مانند صغیره است، مگر اینکه آن قدر بزرگ باشد که رفتن از یک نقطه به نقطه دیگر آن شهر، مسافرت و جدا شدن از وطن محسوب شود و تهران فعلاً اینطور نیست.

س ۱۶۴: زن وقتی شوهر نمود تابع اوست اگر شوهر در شهری دور از زادگاه زن اقامت نمود و در طول سال گاهی یک بار به زادگاه زن می‌روند نماز آن زن چگونه است؟

ج: مادامی که زن از وطن اصلی و زادگاه خویش اعراض نکرده باشد هر وقتی که به آنجا سفر کند نمازش تمام و روزه‌اش صحیح است، و تنها شوهر کردن زن دلیل اعراض نیست.

س ۱۶۵: زنی اهل شیراز با شخصی اصفهانی ازدواج کرده است و در اصفهان ساکن شد آیا این به معنای اعراض قهری زن از وطن اصلی است؟

ج: ازدواج به معنای اعراض از وطن اصلی نیست و تا اعراض قلبی و عملی نکرده است نماز او در وطن اصلی خود در هر موقع که آنجا برود تمام و روزه‌اش صحیح است.

س ۱۶۶: اگر زن بگوید من با شوهرم زندگی می‌کنم ولی از وطنم اعراض نکردم طوری که اگر شوهرم مرد یا طلاقم داد به وطنم بر می‌گردم، آیا این گفته زن سبب می‌شود که از وطنش اعراض نکرده است و اگر جهت سر زدن به خانه پدر

بیاید نمازش قصر است یا تمام؟

ج: در این فرض وطن او از وطن بودن نیفتاده هر موقع که آنجا برود نمازش تمام و روزه‌اش صحیح است.

س ۱۶۷: اگر هنگام رفتن زن به شهر شوهر در ذهنش اعراض و عدم اعراض نبوده، در این صورت اگر به خانه پدر سر بزند نمازش قصر است یا تمام؟
ج: تمام است.

س ۱۶۸: طلبه‌ها برای تبلیغ به شهرستان و روستاها اعزام که می‌شوند، آیا می‌توانند در طول ماه مبارک رمضان هر روز به شهر بروند که فاصله آن کمتر از چهار فرسخ است و برگردند ولی نماز و روزه‌هاشان را تمام بخوانند و بگیرند؟
ج: اگر بعد از قصد اقامه در یک نقطه و خواندن یک نماز چهار رکعتی و یا اصلاً بعد از اقامه ده روز جریانی پیش آمد که هر روز کمتر از چهار فرسخ رفت و آمد می‌کند نمازش تمام و روزه‌اش صحیح است.

س ۱۶۹: بنده قصد داشتم در هر هفته پنجشنبه‌ها در یک روستا بمانم و شب جمعه‌ها در یک روستای دیگر و بقیه هفته را در قم زندگی کنم، آیا نماز اینجانب در این دو شب تمام است یا قصر، جواب مرقوم فرمایید؟

ج: اگر شغل جنابعالی اقتضا می‌کند که هفته‌ای یکی دو شب در سفر باشید و شغل را در مسافرت انجام بدهید، نماز و روزه جنابعالی در سفر اول قصر و در سفر دوم به بعد تمام است.

س ۱۷۰: تکلیف نماز و روزه کسانی که در مکانی غیر از وطن خود سکونت دارند و مشخص نباشد چند روز در آنجا می‌مانند چیست؟ و چنانچه یک یا دوبار قبل از اتمام عشره از حدّ ترخص خارج شوند چه وظیفه داند؟

ج: این افراد اگر قصد اقامه ده روز نکنند نماز و روزه آنها قصر است و در صورتی که از اول قصد خروج از حدّ ترخص در ده روز را نداشته یا فقط یک دفعه قصد خروج در ظرف دو سه ساعته داشته و قصد اقامه کنند ولی بعد از

خواندن یک نماز چهار رکعتی قصد کنند که از حدّ ترخّص خارج و به مسافت کمتر از چهار فرسخ شرعی که ۲۲/۵ کیلومتر است برود و برگردند به این ترتیب به قصد اقامه ضرر نمی‌رسد و نماز و روزه آنها تمام است هر چند مکرّر رفت و آمد بکنند.

س ۱۷۱: شخصی به خیال این که رفقاییش می‌خواهند ده روز در مکانی یا شهری بمانند قصد کرده که او هم ده روز در آنجا بماند و بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی فهمید که آنها چنین قصدی ندارند، تکلیف او چیست؟ اگر چه خودش هم دیگر در آنجا نمی‌خواهد بماند؟

ج: در فرض مرقوم اگر خودش هم از ماندن منصرف شود، تا مدتی که در آنجا هست باید نماز را تمام بخواند.

س ۱۷۲: اینجانب سال گذشته یک روز مانده به ماه رمضان برای ادامه تحصیل به عنوان دانشجوی به خرم آباد رفتم (در ضمن بنده، زاده و ساکن همدان هستم) با قصد ۱۰ روزه و نماز را هم کامل خواندم و پس از ۵ یا ۶ روز بعد مشکلی داشتم نتوانستم بمانم و به همدان باز گشتم و چند روز که در همدان ماندم قصد سفر دوّم را کردم البته با قصد ۱۰ روزه، روزه گرفتم و نماز را هم کامل خواندم و پس از آن سه هفته یک بار یا دو هفته یک بار یا ۴۵ روزه یا ۳۰ روزه یک بار رفت و آمد می‌کردم و می‌کنم و از سفر دوّم به بعد نمازم را کامل بجا می‌آورم. الف: با توجه به توضیح فوق در سفر اوّ نماز و روزه‌ام چه حکمی دارد؟

ج: چون قصد اقامه کرده و تمام خوانده‌اید صحیح است و همچنین روزه.

ب: در سفر دوم نماز و روزه‌هایم چه حکمی دارد؟

ج: چون بعد از قصد اقامه تمام خوانده‌اید و روزه گرفته‌اید صحیح است.

پ: اینکه تا کنون نماز را کامل خوانده‌ام چه حکمی دارد؟

ج: حکم کثیر السفر و تمام خواندن نماز حکم کسانی است که در فاصله کمتر از ده روز رفت و آمد می‌کنند نماز شما قصر است و روزه شما نیز ناتمام است.

س ۱۷۳: تعدادی از برادران وظیفه در حین خدمت جهت پاسداری از حدّ ترخص خارج می‌شوند حکم نماز و روزه آنها چیست؟

ج: اگر در یک محل قصد اقامه ده روز کرده و یک نماز چهار رکعتی را خوانده و خروج از حدّ ترخص تا موقعی که ۲۲ کیلومتر و نیم راه نرفته باشد به قصد اقامه او ضرر نمی‌زند و نماز و روزه او تمام است.

س ۱۷۴: سرباز که اختیار اقامت در دست خودش نیست نمازش چگونه است؟
ج: سرباز و غیر سرباز در حکم قصر و اتمام فرق ندارند. اگر شرایط قصر نماز و روزه که در رساله نوشته شده است در بین باشد قصر و گرنه تمام است.

س ۱۷۵: دانشجویی حکم نماز و روزه خود مبنی بر قصد ده روز ماندن در شهری که در آن تحصیل می‌کنند را نمی‌داند. مستدعی است حکم مسأله را بیان فرمائید:
ج: کسی که به اقتضای شغل خود - کارمند اداره یا دانشجو یا کاسب - در مسافت شرعی که ۲۲/۵ کیلومتر و بیشتر رفت و آمد می‌کند و ده روز پشت سرهم در وطن خود نمی‌ماند و در مقصد هم ده روز قصد اقامه نمی‌کند در سفر اول نمازش قصر و روزه‌اش را می‌خورد و بعداً قضای آن را می‌گیرد و در سفر دوّم به بعد نماز او تمام و روزه‌اش صحیح است و این جریان ادامه دارد، مگر اینکه دوباره در وطن خود ده روز پشت سرهم بماند یا در مقصد ده روز قصد اقامه کند و بماند در این صورت در سفر اول قصر و در سفرهای بعد تمام است.

س ۱۷۶: اگر کسی در ضمن کشاورزی که در همدان دارد شغل دیگری داشته باشد که بخاطر آن به شهرهای دیگری فرضاً مسافرت کند حکم روزه و نماز چنین شخصی چگونه خواهد بود؟

ج: در آن مدّتی که شغل خودش را در ضمن مسافرت انجام می‌دهد و ده روز پشت سرهم در وطن خود نمی‌ماند و در مقصد هم ده روز قصد اقامت نمی‌کند در سفر اول نماز و روزه‌اش قصر است و در سفر دوّم ببعد تمام است.

س ۱۷۷: پرسنل محترم یکی از یگانهای نظامی هفته‌ای یکبار جهت خرید از حدّ ترخص خارج می‌شود تکلیف نماز و روزه او چگونه است؟

ج: فکر می‌کنم منظورتان از حدّ ترخص مسافت شرعی که ۲۲/۵ کیلومتر است می‌باشد این قبیل افراد اگر مرتباً به بیش از مسافت شرعی می‌روند و برمی‌گردند کثیرالسفر می‌باشند و نماز و روزه آنها در سفر اول که شروع به این کار کرده‌اند قصر و در سفر دوم به بعد تا هنگامی که ده روز در مقصد اقامه نکنند تمام است و اگر قصد اقامه کردند و ماندند دوباره در سفر اول قصر و بعد از آن تمام است.

س ۱۷۸: اگر دانشجویی در یکصد کیلومتری اصفهان اقامت دارد. الف) برای امری مثل امتحان دادن و کارهای مربوط به دانشجویی اش بخواهد به اصفهان برود نماز و روزه او چه حکمی دارد؟

ج: کسی که به مناسبت شغلی که دارد در رفت و آمد است به طوری که ده روز پشت سرهم در وطن خود نمی‌ماند و در مقصد نیز ده روز قصد اقامه نمی‌کند در سفر اول نماز او قصر است و روزه اش را باید بخورد ولی در سفرهای بعد نمازش تمام و روزه اش صحیح است.

ب) اگر در همین مسأله بخواهد به عنوان تفریح و غیر کار دانشجویی برود چه حکمی دارد؟

ج: اگر مسافرت دیگری که با اشتغالش مربوط نیست پیش بیاید مثل اینکه به زیارت برود یا برای تفریح مسافرت کند نمازش قصر و روزه اش صحیح نیست.

س ۱۷۹: شخصی کارش ملوانی است ولی مدّتی با کشتی باربری و مدّتی در سال با کشتی ماهیگیری مسافرت می‌کند آیا نماز و روزه او تمام است یا قصر؟

ج: در صورتی که ده روز پشت سر هم در وطن خود نمی‌ماند در سفر اول نماز او قصر است و در سفرهای بعد تمام است روزه او نیز به همین حکم است.

س ۱۸۰: شخصی است که شغل او مسافرت است اما در یکی از سفرهایش برای بردن لوازم خانه‌اش می‌خواهد به مسافرت برود، تکلیف او چیست؟
ج: اگر در این سفر فقط برای بردن اثاث البیت خود مسافرت می‌کند نمازش شکسته است.

س ۱۸۱: شغل من رانندگی است ولی در یکی از سفرهایم جهت فروش ماشین مسافرت کرده‌ام، حکم نماز من چگونه است؟
ج: اگر شغل شما رانندگی در مسافت شرعی است و مسافرت کرده‌اید که این ماشین را بفروشید و ماشین دیگر تهیه کنید چون این موضوع از لوازم شغل شماست نمازتان تمام است.

س ۱۸۲: شخصی که کارش ملوانی و رفتن به کشورهای عربی است اگر به خاطر آوردن قاچاق دستگیر شود و چندین روز به خاطر این مسئله بین خانه و زندان و انتظامات رفت و آمد کند در مسافت شرعی آیا این هم جزء شغل او می‌باشد و نمازش تمام است یا قصر؟
ج: در فرض مسأله نمازش قصر است.

س ۱۸۳: آیا خدمت مقدس سربازی شغل محسوب می‌گردد؟
ج: شغل محسوب نگردد و اگر برای انجام آن رفت و آمد می‌کند حکم نماز و روزه او از مسائل قبل معلوم شد.

احکام نماز جماعت

س ۱۸۴: در مسجدی نماز جماعت برگزار می‌شود اگر شخصی یا اشخاصی در آخر مسجد پشت صفها بطور فرادی نماز بخوانند نماز این شخص یا اشخاص صحیح است یا خیر؟

ج: چون خواندن نماز فرادی با این وضع یک نوع اهانت به جماعت و امام جماعت تلقی می‌شود صحیح نیست.

س ۱۸۵: اگر در مسجدی با خواندن نماز غفیله و تعقیبات بین دو نماز مغرب و عشاء عده‌ای در مسجد حاضر می‌شوند ولی اگر دو نماز بلافاصله خوانده شود و نماز غفیله و تعقیبات حذف شود عده نمازگزاران دو برابر شود (چون در حالت اول به علت اطاله نماز و گرفتاری تعدادی از مؤمنین، گروهی نمی‌توانند در جماعت حاضر شوند) فضیلت کدام را بیشتر می‌دانید؟

ج: ظاهراً دومی ارجح است.

س ۱۸۶: آیا تهمت زدن و افتراء بدون دلیلی و فحاشی به حضرات محترم روحانی موجب فسق و خارج شدن امام جماعت از عدالت مشروطه در امام جماعت می‌باشد یا خیر؟ در ضمن اقتداء کردن به چنین افرادی چه حکمی دارد؟

ج: موضوعات مزبور در فوق از گناهان کبیره است.

س ۱۸۷: اینجانب وارد مسجدی می‌شوم و می‌بینم دسته دسته و در جای جای مسجد، مردم به صورت فرادی نماز می‌خوانند، و آقای هم در قسمتی از مسجد با چند نفر نماز جماعت می‌خوانند، که عموم کسانی که فرادی نماز می‌خوانند او را عادل نمی‌دانند و این وضعیت و برنامه هر روز مسجد است، اینجانب هم به جهت آنکه عدالت آقا برایم احراز نشده نمازم را مانند دیگران فرادی می‌خوانم، آیا نمازم باطل است؟ (ناگفته نماند این وضعیت به پیش یا بعد از نماز جماعت نامبرده

اختصاص ندارد، بلکه این نمازها پیوسته خوانده می‌شود.)

ج: نماز فرادی خواندن در آن مکان که جماعت اقامه شده است اهانت به جماعت است و جایز نیست.

س ۱۸۸: با توجه به اینکه ثواب نماز جماعت در مسجد زیاد است آیا من می‌توانم بدون رضایت پدر و مادرم برای نماز به مسجد بروم؟ آنها می‌گویند نباید تنها به مسجد بروی و خودشان هم حاضر نمی‌شوند که برای نماز با من به مسجد بیایند، لطفاً بفرمایید وظیفه من چیست؟

ج: در موردی که مرقوم داشته‌اید (مورد سؤال قرار گرفته است) اطاعت پدر و مادر لازم است آنها به طور مسلم بر اساس مصلحت شما حرف می‌زنند.

س ۱۸۹: شخصی در مسجد برای نماز جا می‌گیرد و می‌رود وضو بگیرد و شخص دیگر جانماز او را کنار زده و در جای او نماز می‌خواند، نمازش صحیح است یا نه؟

ج: معصیت کرده ولی نماز او صحیح است.

س ۱۹۰: مسجدی در یک محل بنا شده فعلاً بدون سقف است شرکت خواهران به نماز جماعت در این مکان مقدس چه حکمی دارد؟

ج: اشکال ندارد.

س ۱۹۱: در نماز جلوی امام جماعت بلندگو را می‌گذارند تا با صدای او با شنیدن تکبیر به رکوع و سجده بروند امام جماعت هم با قصد ذکر تکبیرها را می‌گوید، این جور نماز جماعت صحیح است یا خیر؟

ج: صحیح است.

س ۱۹۲: آیا نمازهای قضای دیگری را می‌توان اماماً یا مأموماً با جماعت خواند؟

ج: امام جماعت اگر نماز قضای دیگری را به قصد نیابت از او می‌خواند باید علم داشته باشد که این نماز از میّت فوت شده است و احتیاطی نیست.

س ۱۹۳: آیا امام جماعت به خاطر نظر مأومین می‌تواند سوره خاصی را بخواند؟

ج: اگر در اصل خواندن، قصد قربت است و تعیین سوره خاص تبعی است

اشکال ندارد.

س ۱۹۴: آیا در نماز قضای یومیه‌ای که احتیاطاً خوانده می‌شود می‌توان امام جماعت شد؟

ج: صحیح نیست.

س ۱۹۵: آیا امام جماعت می‌تواند نماز استیجاری را به جماعت بخواند؟ و اقتدا نمودن به امام جماعتی که نماز استیجاری می‌خواند صحیح است؟

ج: در صورتیکه یقین داشته باشد که از منوب عنه فوت شده و نماز قضا را به نیت او به عنوان نیابت بجا می‌آورد نماز امام و مأوم هر دو صحیح است.

س ۱۹۶: آیا می‌شود نماز ظهر و عصر را به عنوان امام جماعت دوبار خواند؟ اگر چه به نیت نماز قضا هم نباشد؟

ج: در صورتی که مأومین مختلف باشند می‌شود دو بار خواند.

س ۱۹۷: این جانب از طرف اهالی محترم منطقه ای انتخاب شدم تا بدون عمامه نماز جماعت برگزار نمایم و شخصی روحانی ادعا دارند که چون شما ملبس نیستید جایز نیست مردم به شما اقتدا کنند حال با توجه به اینکه تمام اهالی محترم این محل بنده را قبول دارند، از حضرت عالی تقاضامندم جواب این مسئله را توضیح فرمایید:

ج: داشتن عمامه شرط امامت جماعت نیست، در صورتی که شخص عادل باشد و امام جماعت بودن او در محل اقامه نماز اهانت به علما نباشد، می‌تواند امامت جماعت بکند.

س ۱۹۸: امامت جماعت توسط شخص غیر روحانی که شرائط آن را دارا باشد چگونه است؟

ج: در امام جماعت روحانی بودن شرط نیست ولی اگر در بین جمعی شخصی روحانی باشد بهتر آن است که جماعت به امامت روحانی برگزار شود و امامت غیر روحانی اگر موجب هتک حرمت روحانی شود حرام است.

س ۱۹۹: آیا زن به طور مطلق (دختر دانشجو، یا دختر طلبه و...) می‌تواند امام جماعت باشد؟

ج: امامت زن برای زنان در صورتی که دارای شرائط نماز جماعت باشند مانع ندارد.

س ۲۰۰: کسی این مطلب را می‌داند که عدالت در امام جماعت شرط است، لیکن نمی‌داند فلان عمل (که در حقیقت مسقط عدالت است) مسقط عدالت است یا خیر؟ مدتی بعد معلوم شد که آن فعل مسقط عدالت بوده، نمازهایی که تا کنون خوانده صحیح است یا خیر؟

ج: اگر احراز عدالت امام با یقین به صدور عمل مذکور از او، از این جهت باشد که جاهل به معنای عدالت است، اگر جاهل مقصّر باشد جماعت او صحیح نیست و باید نماز را اعاده کند.

س ۲۰۱: نماز خواندن پشت سر امام جماعتی که مأموم او را به عدالت قبول ندارد ولی از روی مصالح پشت سر او نماز می‌خواند چه حکمی دارد؟
ج: در این صورت نماز او باطل است.

س ۲۰۲: آیا اقتدا به کسی که معلّم است و عدالت او برای ما محرز نیست چه حکم دارد؟

ج: عدالت در امام جماعت شرط است و لازم است به عدالت امام جماعت اطمینان حاصل کرد.

س ۲۰۳: حقیر حمد و قرائت و رکوع را ایستاده انجام می‌دهم ولی برای انجام سجده به خاطر خم نشدن پای خودم که حین تولّد این گونه بوده ناگزیر انگشت بزرگ دوبا به زمین نمی‌رسد، آیا می‌توانم اقامه جماعت نمایم؟
ج: می‌توانید اقامه جماعت نمایید.

س ۲۰۴: روحانی جانباز یک پایش از زیر زانو قطع است و الآن با پای مصنوعی به طور معمول نماز می‌خواند آیا امامت جماعت و نماز قضای دیگران و نیابت در حجّ

تبرّعاً یا به صورت اجاره توسط چنین شخصی جائز است یا خیر؟
ج: اگر می‌تواند ایستاده نماز بخواند جائز است که امام جماعت باشد ولی
بقیه موارد مذکوره جائز نیست.

س ۲۰۵: نظر مبارک حضرتعالی در رابطه با امامت جماعت شخصی که فاقد دست
چپ از بالای مرفق است چیست؟

ج: اگر عادل است و نماز خود را بر حسب حال خود صحیح میخواند، عذر
مرفوم در فوق موجب اشکال نیست.

س ۲۰۶: آیا امامت نماز عید فطر در دو مکان برای دو جماعت مختلف صحیح
است یا خیر؟

ج: استحباب جماعت دوم مشکل است.

احکام روزه

س ۲۰۷: پزشکان مریضی را از روزه گرفتن منع می‌کنند ولی خود شخص می‌داند که روزه برای او ضرر ندارد، چنین مریضی چه باید بکند؟
ج: اگر گفتار پزشکان حتی احتمال ضرر که خوف ضرر است را در او ایجاد نکنند روزه‌اش صحیح است و باید روزه بگیرد.

س ۲۰۸: روزه داری که وظیفه‌اش تیمم است چون وقت تنگ است، اما مسامحه می‌کند به خیال اینکه اگر مسواک کند به تیمم هم می‌رسد در حال مسواک زدن، اذان صبح هم می‌گویند، این سهل انگاری حکم عمد پیدا می‌کند یا خیر؟
ج: اگر مسامحه کرده است حکم عمد را دارد.

س ۲۰۹: آیا چرک گلو روزه را باطل می‌کند؟
ج: اگر در قسمت بالای گلو است که می‌تواند بدون مشقت آن را به فضای دهن بیاورد و بیرون بریزد باطل می‌کند و اگر نه باطل نمی‌کند.

س ۲۱۰: استفاده از آمپول‌هایی که به جای غذا به کار می‌رود برای روزه دار چه حکمی دارد؟

ج: آمپول مطلقاً روزه را باطل نمی‌کند.

س ۲۱۱: آیا بردن وسایل غیرخوراکی مثل وسایل دندانپزشکی در دهان باعث بطلان روزه می‌شود؟

ج: اگر خون که احیاناً در این قبیل موارد در دهان بوجود می‌آید و یا آب که داخل فضای دهان می‌شود را فرود نبرد روزه‌اش باطل نمی‌شود.

س ۲۱۲: برخی از بیماران مبتلا به آسم مجبور به استفاده از اسپری سالبوتامبول و... برای باز کردن راه تنفسی می‌باشند حکم روزه این دسته بیماران چیست؟

ج: با اکتفا به مقدار ضرورت، روزه‌اش صحیح است.

س ۲۱۳: تنقیه ضروری با چیز روان برای بیماری که هیچ منع دیگری برای روزه داری ندارد چه حکمی دارد؟

ج: تنقیه با چیز روان هرچند از روی ضرورت هم باشد روزه را باطل می‌کند.

س ۲۱۴: کسانی که معتاد به دخانیات (سیگار، قلیان) و حتی مواد مخدرند (تریاک و این گونه چیزها) آیا در حالت روزه می‌تواند به مقدار ضرورت استفاده نمایند و مبطل روزه نیست؟

ج: نمی‌توانند.

س ۲۱۵: سیگار کشیدن و استفاده از مواد مخدر مانند تریاک و غیره شرعا چه صورتی دارد؟

ج: استفاده از مواد مخدر حرام و سیگار نیز اگر مضر باشد حرام است.

س ۲۱۶: آیا حنا گذاشتن به سر و دست و یا مالیدن روغن به بدن یا کرم یا برای زخم دست و پا یا دوی مرهم و غیر آن گذاشتن آیا موجب بطلان روزه می‌شود؟

ج: موجب بطلان نمی‌شود.

س ۲۱۷: اگر کسی در ماه مبارک رمضان قبل از اذان صبح از خواب بیدار شود و در خواب محتلم شده باشد و امکان غسل کردن نداشته باشد حکم روزه این روز فرد چیست؟

ج: قبل از طلوع فجر باید تیمم بدل از غسل بجا بیاورد در این صورت روزه‌اش صحیح است.

س ۲۱۸: آیا دارو ریختن مانند قطره چشم به هنگام روزه باعث باطل شده روزه می‌گردد؟

ج: اگر به فضای دهان نرسد روزه را باطل نمی‌کند.

س ۲۱۹: شخصی صائم در ایام ماه مبارک رمضان زیر دوش می‌رود تا غسل انجام دهد فشار دوش اگر به اندازه‌ای زیاد باشد که تمام سر و گردن را فرا گیرد آیا روزه

را باطل می‌کند؟

ج: روزه‌اش صحیح است.

س ۲۲۰: زنی که چندین سال یا حامله یا مرضعه بوده و نتوانسته روزه بگیرد و روزه برای او و یا بچه‌اش ضرر داشته است تکلیف او چیست؟ حتی از خودش مال ندارد کفاره روزه را بدهد و آیا استمرار مرضعه یا حامله هم حکم مریض مستمر را دارد که قضای سال آخر را بگیرد یا حکم فرق می‌کند؟

ج: حکم مریض را ندارد و لازم است قضای روزه‌ها را بجا آورد و هر وقت

تمکن پیدا کرد کفاره یک مد طعام هم بدهد.

س ۲۲۱: اگر شخصی در ماه مبارک رمضان از خواب بیدار شود و غذا بخورد سپس متوجه بشود که از وقت اذان صبح گذشته است آیا روزه این فرد صحیح است؟

ج: روزه‌اش صحیح است در عین حال قضای آن روز هم بر او واجب است.

س ۲۲۲: آیا انسانی که خود روزه قضا دارد می‌تواند قضای روزه واجب میّت را بگیرد؟

ج: نمی‌تواند.

س ۲۲۳: این جانب در سال ۱۳۶۱ مدتی از ماه مبارک رمضان را در جبهه حقّ علیه باطل بودم و نتوانستم روزه بگیرم از طرف خانواده در خصوص سنّم اختلاف نظر است دقیقاً نمی‌دانم در آن ایّام مکلف بوده‌ام یا خیر. تکلیف روزه فوت شده چیست؟

ج: چون مکلف بودن جنابعالی در آن تاریخ مشکوک است قضای آن روزه‌ها

واجب نیست.

س ۲۲۴: یک نفر در ماه رمضان به سبب فعل حرام روزه‌اش را باطل کرده و نمی‌دانسته که آیا به سبب این فعل حرام روزه باطل می‌شود یا خیر؟ حالا چه وظیفه‌ای دارد؟

ج: اگر جاهل مقصر است بنا بر احتیاط باید علاوه بر این که روزه را قضا

نماید، کفاره جمع انجام بدهد یعنی به شصت فقیر به هر یک، یک مدّ گندم یا جو یا قیمت آنها را بدهد و دو ماه پی در پی هم روزه بگیرد.

س ۲۲۵: دختر و پسری که می‌دانستند روزه واجب است لیکن اولیاء از روی جهالت و دلسوزی که: در این سن تو روزه برایت واجب نیست، مانع از گرفتن روزه آنها می‌شدند، خود آنها هم اهل مسئله نبودند، وظیفه در این مورد چیست؟ با توجه به اینکه اکنون قادر بر اداء کفاره نمی‌باشند.

ج: در این مورد فقط قضا واجب است.

س ۲۲۶: تکلیف ورثه نسبت به فروض زیر چیست؟ الف) شخصی ماه رمضان مریض بوده و مرض ادامه داشته تا اوّل ذی حجّه.

ج: قضا واجب نیست.

ب) شخصی مریض بود و مرض او بعد از رمضان برطرف شد و ۱۵ روز زنده بود و ۱۵ شوال فوت کرد.

ج: اگر در آن چند روز که خوب شده می‌توانسته است قضای روزه خود را بجا بیاورد و بجا نیاورد قضا لازم است.

س ۲۲۷: آیا زن می‌تواند در ایام ماه مبارک رمضان به خاطر اینکه روزه خود را تمام بگیرد و قضاء روزه بر گردنش نباشد به خاطر عادت ماهیانه که به او دست می‌دهد از قرص ضدّ حاملگی استفاده نماید؟ و همچنین درباره روزه مستحبی و نذر چطور؟

ج: در صورتی که آن قرص مضرّ نباشد و پس از استفاده از آن در موقع

عادت ماهانه هیچ اثری از خون مشاهده نشود اشکال ندارد.

س ۲۲۸: شخصی در ماه مبارک رمضان در جایی قصد اقامه آن ماه را در آن محل کرده است ولی همیشه بعد از افطار از حد ترخص خارج می‌شود اما پس از دو ساعت و نیم یا سه ساعت به آن محل باز می‌گردد، وظیفه این شخص نسبت به نماز و روزه‌اش در آن محل چیست؟

ج: اگر از اول، قصد خارج شدن هر شب را داشته قصد محقق نشده است و باید روزه ها را قضا کند و نمازش را قصر بخواند ولی اگر از اول قصد خروج را نداشت و قصد اقامه کرد و یک نماز چهار رکعتی خواند و بعد از آن جریان رفت و برگشت فوق انجام می یابد نماز و روزه اش تمام است.

س ۲۲۹: آیا گرفتن روزه قضا در سفر صحیح است؟ یا خیر؟
ج: صحیح نیست.

س ۲۳۰: روزه مستحب برای شخص مسافر جایز است یا خیر؟
ج: روزه مستحب در سفر جائز نیست.

س ۲۳۱: آیا مسافر می تواند در سفر نذر کند که مثلاً فردا یا امروز را روزه می گیرم و بعداً آنروز را روزه بگیرد؟

ج: در سفر نمی تواند و اگر بخواهد میتواند در محل خود نذر کند.

س ۲۳۲: زائرانی که در ماه مبارک رمضان به مکه مکرمه و مدینه منوره سفر می کنند اگر هنگام غروب در مسجد الحرام و مسجد النبی ﷺ حضور یابند به لحاظ این که اهل سنت زودتر از ما افطار می کنند، آیا زائران ایرانی می توانند همراه آنان افطار کنند یا خیر؟

ج: پیش از مغرب شرعی نمی توانند افطار نمایند چون آیه شریفه «و اتمّو الصّیام» انتهای روزه را شب معرفی می کند و بنظر حقیر تقیّه مداراتی در افطار روزه، راه ندارد.

س ۲۳۳: آیا ادای کفاره روزه عمدی یا غیر عمدی. و کلاً تمامی کفارات باید فوری باشد؟

ج: وجوب ادای کفاره فوری نیست ولی نباید مسامحه کند.

س ۲۳۴: زنی که به واسطه مریض بودن در ماه رمضان روزه نگرفته و تا ماه رمضان بعدی قضای روزه ها را هم نگرفته یا آنکه بدون عذر معصیت کرده و روزه خود را خورده است آیا پرداخت کفاره او بر خودش است یا شوهرش؟ و اگر بر خود

اوست وقتی که تمکن بر کفاره ندارد غیر از مهریه ای که از شوهر طلبکار است آیا واجب است از مهریه به اندازه کافی از شوهر خود گرفته و ادای کفاره نماید یا خیر؟

ج: کفاره بر عهده خود اوست و کفاره واجب است و واجب است که اقدام و سعی کند هر چند از مهریه بگیرد و پردازد.

س ۲۳۵: خانمی هستم شصت و چهار ساله که پنجاه سال پیش در سن ۱۴ سالگی ازدواج کردم و ماه‌های رمضان مادر شوهرم نمی‌گذاشت که روزه بگیرم زیرا بسیار ضعیف بودم به این صورت که مادر شوهرم سحرها مرا بیدار نمی‌کرد و می‌گفت تو ضعیف هستی و باید کار کنی، نمی‌توانی روزه بگیری آیا باید برای هر روز ۶۰ فقیر را طعام بدهم؟ اما این امر از عهده بنده خارج است. وظیفه من چیست؟

ج: کفاره هر روزه که اطعام ۶۰ فقیر است بر شما واجب نیست ولی در ماه رمضان‌ها که روزه خود را به جهت ضعف و عدم توانائی نگرفته‌اید اگر تا ماه رمضان بعد قدرت گرفتن روزه را داشته‌اید و قضای آنها را تا به حال نگرفته‌اید هم قضای آنها بر شما لازم است و هم کفاره تاخیر بر ذمه شما آمده است که برای هر روز یک مُدّ طعام است ولی اگر ماه رمضان بعد نیز قدرت گرفتن روزه را پیدا نکرده‌اید هر روز یک مُدّ طعام بدهید کافی است و قضا واجب نیست و مُدّ ده سیر است.

س ۲۳۶: شخصی در اثر بیماری و یا به واسطه بی‌توجهی روزه خود را عمداً خورده و الآن متوجه شده که اشتباه بزرگی را مرتکب شده است و برای کفاره خود هر روزی ۶۰ مسکین را باید اطعام بدهد و میسر برایش نیست، ولی دختری دارد که دارای چند فرزند است و در شهرستان زندگی می‌کند و هر سال یکی دو ماه به خانه پدر می‌آید آیا می‌تواند که مخارج آنها را به جای کفارات خود حساب کند یا خیر؟

ج: در صورتی که در اثر بیماری که روزه مضر بوده است روزه خود را خورده است و یا بدون توجه بوده که متلفت نبوده است که خوردن روزه عمداً کفاره دارد، کفاره واجب نیست و فقط قضای روزه بر او واجب است و حساب کردن مخارج دختر و فرزندان دختر از کفاره روزه که در فوق مرقوم داشته اید صحیح نیست.

س ۲۳۷: شخصی فوت کرده و کفاره عمدی پنج روز ماه رمضان و کفاره قسم و نذر و عهد بر عهده او بوده وظیفه چیست؟
ج: لازم است از ترکه ادا شود.

س ۲۳۸: آیا مظالم و کفارات (مثل کفاره روزه) و صدقات واجبه را می‌شود به واجب‌النفقه داد یا خیر؟
ج: نمی‌شود.

احکام زکات

س ۲۳۹: این جانب به یاد دارم که در زمان قدیم پدرم که کشاورز بود و باغ انگور زیاد داشت به من می‌گفت که انگور ما به حدّ زکات رسیده است ولی چون مقروض هستم و نفرات عائله‌ام زیاد است نمی‌توانم زکات بپردازم با توجه به مسئله فوق‌الذکر من یقین دارم که در ذمه پدرم زکات هست و می‌خواهم آن را بپردازم، حال برای من دو سؤال مطرح است:

۱. چه مقدار زکات باید بدهم، چون مقدار زکاتی را که در ذمه پدرم بوده نمی‌دانم و او هم در این مورد وصیتی نکرده است.

ج ۱: اگر نمی‌توانید با فکر و بررسی سالها مقدار آن را تعیین کنید لازم است حدّافل را بپردازید.

۲. آیا زکات که می‌خواهم بدهم باید مثل بدهم یا قیمت؟ کشمش بدهم یا پول، و اگر باید پول بدهم آیا باید به قیمت آن سالها حساب شود یا قیمت فعلی؟

ج ۲: مثل را در نظر بگیرید و بپردازید و یا قیمت مثل امروز را یعنی کشمش تهیه کنید و بدهد و یا قیمت امروز کشمش را بپردازید.

س ۲۴۰: کشاورزی تراکتوری دارد و آن خراب شده است، مبلغ دویست هزار تومان خرج آن کرده است، آیا آن مبلغ مذکور را سر خرمن از گندم کسر نماید یا خیر؟ و دیگر اینکه با همان تراکتور برای دیگران کار کرده و مبلغ یکصد هزار تومان فایده برده است. بنابراین آیا ممکن است بگوییم صد هزار تومان را جزء مخارج حساب کند؟

ج: فقط مقداری از تراکتور که در راه کارهای کشاورزی گندم استهلاک شده است را می‌تواند از نصاب گندم کسر نماید و آن صد هزار تومان که به عنوان اجرت کار تراکتور از دیگران گرفته را باید به حساب مخارج تعمیر تراکتور

بگذارد و از مخارج سال محسوب می‌شود.

س ۲۴۱: در توضیح المسائل فرموده‌اید که در موقع پرداخت زکات گندم و جو، می‌شود مخارجی را که برای زراعت خرج کرده‌اند بردارند بعد زکات را بدهند. سؤال این است که: اگر کسی مخارجش به اندازه قیمت کاه باشد مثلاً برای زراعت ده هزار تومان خرج کرده و قیمت کاهی که از همان زراعت به دست آمده هم ده هزار تومان است، آیا می‌تواند مخارج را از گندم و جو حساب کند؟

ج: در آمدی که از کاه به دست می‌آید جزء عایدات است اگر مخارج را از کاه کسر کند دیگر نمی‌تواند از گندم و جو کسر کند.

س ۲۴۲: آیا زکات به مطلق سرمایه و ثروت تعلق می‌گیرد یا به نه چیز مذکور در رساله؟

ج: زکات به همان اشیاء مذکور در رساله تعلق می‌گیرد.

س ۲۴۳: آیا زکات نقدین شامل اوراق نقدینه پول هم می‌شود؟

ج: نقدین موضوع زکات شامل اوراق نقدی و پول نمی‌شود.

س ۲۴۴: آیا مالیات را می‌توان به جای ذکات حساب کرد؟

ج: نمی‌توان مالیات را در عوض زکات منظور کرد.

س ۲۴۵: اگر کسی مؤونه سالش را نتواند فراهم نماید و به عسرت بگذراند یا قرض دارد و نتواند قرضش را اداء کند و مقداری زکوة هم بر او واجب شده باید اداء نماید یا خیر؟

ج: در صورتی که شرایط وجوب زکات - از جمله رسیدن به حد نصاب - در

آن مال موجود است باید زکات آن را بدهد.

س ۲۴۶: اگر شخصی شب عید فطر به اشخاص طعام دهد نه در خانه خود بلکه در

مسجد یا سالن‌های پذیرایی یا جای دیگر آیا زکات فطره آنها را باید بدهد؟

ج: باید بدهد.

س ۲۴۷: اگر شب عید فطر فرزند در خدمت سربازی یا اینکه در بیمارستان

بستری باشد و پدر خرج بیمارستان او را بدهد یا اینکه در زندان باشد در این فروض زکات فطره او بر عهده چه کسی است؟

ج: فقط در آن صورتی که در بیمارستان است و پدر خرج بیمارستان او را می‌دهد بر عهده پدر است ولی در آن دو صورت دیگر خیر.

س ۲۴۸: پدری که فرزندش در شهر دیگری است حال یا سرباز یا دانشجو و غیره است و مخارجش را پدر می‌دهد اگر آن فرزند فطره خویش را بدهد کافی است یا خیر؟

ج: اگر نان خور او محسوب می‌شود و پدر او را وکیل نماید تا از مال او فطره خود را بدهد چنانچه اطمینان داشته باشد که فطره را می‌دهد کافی است و لازم نیست خودش فطره او را بدهد.

س ۲۴۹: در زکات فطره آیا کسی که انسان اجیر کرده و قول داده که مخارج او را بدهد فطره او را باید داد یا خیر؟

ج: اگر شرط کرده که مخارج او را بدهد و به شرط خود عمل کند و نان خور او حساب شود باید فطره او را داد.

س ۲۵۰: شخصی چند ساعت قبل از غروب آفتاب شب عید فطر به میهمانی می‌رود لکن برای فرار از فطره که به عهده میزبان است نزدیک غروب از منزل خارج شده و بعد از اذان می‌آید آیا با این حيله فطره را از صاحب خانه ساقط می‌کند یا خیر؟

ج: اگر پیش از مغرب از خانه بیرون رفته به طوری که در مغرب مهمان او حساب نمی‌شود زکات فطره به عهده صاحب خانه نیست.

س ۲۵۱: بچه‌ای که در شکم مادر است آیا فطریه‌اش واجب است یا خیر؟ نظرتان را در این مورد بیان کنید.

ج: واجب نیست.

س ۲۵۲: اگر کسی که مقداری زکات بر او تعلق گرفته، آیا می‌شود از فرش‌هایی

که چند سال د خانه خود از آنها استفاده کرده به عنوان زکات به مسجد بدهد و برای خود فرش نو تهیه نماید؟

ج: اگر فرش برای مسجد مورد احتیاج است زکاتی که بر او واجب است حساب کند و فرشها را از آن بابت بدهد جائز است.

س ۲۵۳: آیا مقلدین حضرتعالی مجازند که زکات فطره خود را به امور ساخت مسجد اختصاص دهند؟

ج: مجازند اقدام بفرمایند.

س ۲۵۴: الف: آیا برای تأسیس یک کتابخانه جهت استفاده مردم می شود از زکات، کتاب و کمد خریداری کرد؟

ج: اگر مورد احتیاج عموم است می تواند.

ب: آیا می تواند خود نیز به عنوان یک عضو از آن کتابخانه بهره برداری نماید؟

ج: بعد از ادای زکات با شرط مذکور می تواند.

س ۲۵۵: در بعضی از مساجد پولهایی به عنوان فطره و یا صدقات و غیره در صندوق جمع آوری می شود، آیا می توان وجوه مذکور را در اموری راجع به مسجد از قبیل تعمیرات و یا مصرف آن در کلیه چیزهای مربوط به مسجد صرف و خرج نمود یا خیر؟

ج: صرف زکاه فطره برای مسجد جائز است که باری تعمیر یا تأسیس مسجد خرج شود ولی صدقات را باید به فقرا داد.

س ۲۵۶: احتراماً به نظر حضرت عالی می رسانیم که از طرف اهالی روستایمان به علت داشتن مشکلات فراوان مخصوصاً مشکل نبود آب که زن و بچه هایمان از ۳ کیلومتری روستا آب می آورند و امسال تصمیم گرفته ایم با توفیق خداوند دست به دست همدیگر بدهیم و به روستا آب بیاوریم و لذا اجازه مصرف زکاه فطره را در این مورد تقاضا نمودیم.

ج: اشکال ندارد، در راه مذکور و فوق مصرف کنید.

احکام خمس

س ۲۵۷: باغی دارم که در بین درختان آن، نهال خودرو عمل می‌آید و بنده سال به سال آنها را می‌فروشم، این عایدی جزو درآمد سال حساب می‌شود یا باید فوری تا می‌فروشم خمس آنها را بدهم؟

ج: لازم است هر سال نمو درختان و ارزش آنها را و درخت‌هایی را که قطع می‌کنید همه را جزء درآمد سال حساب کنید.

س ۲۵۸: شخصی است شاغل که در ضمن شغل خویش، دارای ۶۰ عدد کندوی زنبور عسل می‌باشد، ارزش هر کدام از کندوها بین ۵ تا ۱۰ هزار تومان می‌باشد. که فعلاً آنها را از او به این قیمت می‌خرند. آیا در سر سال خمس خود، خمس به این کندوها تعلق می‌گیرد یا خیر؟

ج: کندوی زنبور عسل مانند سایر اموال است در صورتی که آنها را با تلاش و زحمت (نه از راه ارث و یا هبه) تهیه کرده است اگر پیش از آنکه سال خمسی او برسد همه آنها یا مقداری از آنها با عسلی که از آنها به دست می‌آید را بفروشد و قیمت آنها را در راه تهیه مؤونه زندگی خود خرج کند خمس ندارد ولی اگر بماند تا سال خمسی او برسد اموالی است که از مؤونه زندگی او اضافه آمده است و خمس بر آن تعلق می‌گیرد. البته با استفاده از عسل آنها در بین سال برای خوردن خود و عائله و مهمانهایش به اندازه متعارف خمس ندارد.

س ۲۵۹: شخصی ماشین سواری برایش ضروری است آیا می‌تواند از طریق جمع کردن درآمد در طول چند سال این ماشین را تهیه کند و در صورت جمع کردن، آیا خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟

ج: در فرض مسأله فقط درآمد سال آخر برای خریدن ماشین از خمس مستثنی است ولی باید خمس درآمدهای سالهای قبل را بپردازد.

س ۲۶۰: شخصی است هم کشاورزی دارد و هم چند رأس دام دارد دامها که

معلوفه هم هستند به حدّ نصاب نمی‌رسند که زکات آنها را بدهد و حال اگر این شخص بخواهد، خمس مالش را بدهد چه کار باید بکند، آیا به درآمد کشاورزی و درآمد و منفعت دامها خمس تعلق می‌گیرد و اگر سال اول خمس داد و سال دوم تعداد دامها تغییر نکرد از نظر عدد ولی از نظر قیمت، آنها بالا رفت آیا بازهم خمس به اضافه قیمت آنها تعلق می‌گیرد یا خیر؟

ج: در صورتی که عائدات از هر راهی که مشروع بوده و از مخارج سالانه اضافه باشد باید خمس بدهد و اضافه قیمت نیز در سالهای بعد خمس دارد.

س ۲۶۱: من باغی دارم و سالانه تعدادی نهال میوه در آن می‌روید و سه ساله که بشوند آنها را می‌فروشم آیا خمس آن را سر سالم بپردازم یا همان وقتی که فروختم؟

ج: در آخر سال خمسی خود باید قیمت آنها در نظر بگیرید و خمس آنها بپردازید.

س ۲۶۲: شخصی است دامدار و کشاورز و دامهای او نیز به حدّ نصاب نمی‌رسند و این شخص علاوه بر گاو و علوفه‌ای که از کشاورزی خود به دست می‌آورد مقداری گاو و علوفه نیز خریداری می‌کند و هنگام پایان سال مقداری از گاو و علوفه اضافه می‌آید وظیفه این شخص برای خمس دادن چیست؟ آیا خمس به مقداری که مال کشاورزی خودش می‌باشد تعلق می‌گیرد یا به مقداری که خریده شده یا به هر دو و این در صورتی است که هر دو گاو یعنی گاو کشاورزی خودش و گاو خریداری شده با هم مخلوط شده اند؟

ج: مجموعه درآمد سالانه با مجموع مخارج سال مقایسه می‌شود هر چه که اضافه باشد خمس دارد.

س ۲۶۳: آیا چیزی که مؤونه سال بوده است مانند خانه یا فرش و یا کتاب و وسائل و لوازم دیگر به همین جهت هم در سرسال خود در موقع خمس دادن آن را به حساب نیاورده است اما بعد از گذشتن سال، آن را می‌فروشد، خمس به آن

تعلق می‌گیرد یا خیر؟

ج: در فرض سؤال چنانچه بعد از گذشتن سال آن را بفروشد در غیر خانه خمس بر آن تعلق نمی‌گیرد و در خانه نیز اگر خانه خود را می‌فروشد تا خانه دیگری را بخرد خمس بر آن تعلق نمی‌گیرد ولی در غیر این صورت باید خمس پول خانه را بدهد.

س ۲۶۴: احتراماً بدین وسیله مشروح حرکات و معاملات اقتصادی که در فاصله ۳ سال اخیر خمسی خود انجام داده‌ام جهت اطلاع از میزان بدهی خود بر اساس فتوای آن حضرت به استحضار عالی می‌رساند: اولاً- در ابتداء رمضان سال ۱۴۱۶ هـ ق چون ابتداء کار و شغل جدیدم بود مبلغ دویست هزار تومان بابت خمس یک میلیون تومان موجودی نقد و وسائل دفتر دست گردان نموده و میزان بدهی از مبلغ مزبور را نیز چندی پیش تحویل دفتر آن حضرت دادم. ثانیاً- قبل از حلول سال خمسی ۱۴۱۷ هـ ق منزلم را با توجه به سودی که می‌کرد و در آن محل راحت نبودم به مبلغ ۱۷۵۰۰/۰۰۰ تومان فروختم و نیز ماشینم را که اقساط خریدم به نقد فروختم و با مقداری قرض مجموعاً ۲۸۵۰۰/۰۰۰ تومان محل سکونت جدیدی در شأن خود و خانواده مهیا کردم و مجدداً نیز ماشین جدیدی به اقساط با توجه به اعتبار خود برداشتم و در طول سال ۱۴۱۷ هـ ق تا ۱۴۱۸ مشغول پرداخت اقساط و بدهی ملک و ماشین بوده و اخیراً نیز با اتمام بدهی و پس انداز دیگری که داشتم ماشین اقساطی مزبور را به نقد به مبلغ ۳۵۰۰/۰۰۰ تومان فروخته و با استقراض مجدد ۵۰۰۰/۰۰۰ تومان ماشینی در شأن خانواده و خود به مبلغ ۱۱۰۰۰/۰۰۰ تومان ابتیاع نمودم علیهذا با عنایت به اینکه:

۱. با ارتحال حضرت امام علیه السلام با اجازه مجتهدین حاضر سال ۱۴۱۶ و ۱۴۱۷ هـ ق را بقاء بر میّت بودم.

۲. حدود سه ماه است که قبل از حلول رمضان ۱۴۱۸ هـ ق برای عمل به احکام به حضرتعالی رجوع کرده‌ام.

۳. در حال حاضر مبلغ چهار میلیون تومان مقروض بوده و یک میلیون تومان مطالبه دارم. علی هذا مستدعی است مرقوم فرمائید که به مبالغ سود حاصل از فروش منزل و اتومبیل در سال ۱۴۱۷ هـ ق خمس تعلق می‌گیرد یا خیر (با قید به اینکه قبل از حلول سال خمسی پس‌انداز خود را نیز با وجوه حاصل از فروش جمع نموده و معامله نمودم). و در سال ۱۴۱۸ که هم اکنون در آستانه حلول ماه مبارک رمضان و سال خمسی مربوطه هستیم و قبل از حلول سال مزبور به آن حضرت در ارتباط با تمام مسائل شرعی و احکام من جمله خمس رجوع نمودم چقدر خمس بدهکار می‌باشم؟

ج: مؤونه زندگی - یعنی لوازم خانگی - از تعلق خمس مستثنی است و خمس به آن تعلق نمی‌گیرد. چه اینکه مثل خانه و ماشین عیناً باقی بماند یا اینکه آنرا بفروشیم و از پول مؤونه آن زندگی دیگری فراهم کنیم. بنابراین بر حسب مرقوم جنابعالی چیزی از بابت خمس بدهکار نیستید ولی دو مطلب را لازم است در نظر بگیرید:

ج ۱. در مؤونه لازم است اکتفا شود بآنچه که مورد احتیاج است و با موقعیت شخص نیز متناسب است. بنابراین اگر با ماشینی که قیمت آن مثلاً پنج میلیون تومان است بتوانیم احتیاج خود را رفع و موقعیت خود را حفظ کنیم یک ماشین ۱۱ میلیون تومانی فراهم کنیم آن شش میلیون تومان اضافی خمس دارد.

ج ۲. قرض هر سال جزء مؤونه آن سال است اما قرضی که باید سال آینده آنرا بپردازیم جزء مؤونه امسال نیست و جزء مؤونه سال آینده است.

س ۲۶۵: اگر انسان وسیله نقلیه خود که مورد نیازش می‌باشد در بین سال بفروشد و تا پیش از رسیدن سال مجدداً وسیله نقلیه دیگری خریداری کند آیا باید خمس پول را بدهد یا اصلاً خمس ندارد؟

ج: در صورتی که مورد احتیاج و مطابق شأن و موقعیت اوست خمس ندارد به شرطی که از درآمد در بین سال تهیه شده و پول آن یک سال کنار نمانده باشد.

س ۲۶۶: افرادی که خانه خودشان را می‌فروشند و تبدیل به پول می‌نمایند آیا منتظر رسیدن سال باشند تا اینکه خمس آن را پرداخت نمایند یا به محض فروختن خانه و تحویل گرفتن پول خمس به آن تعلق می‌گیرد؟

ج: اگر بعد از فروختن خانه پول آن را در تهیه مؤونه زندگی و لوازم مورد احتیاج خود قبل از رسیدن سال خمسی خرج کردند خمس ندارد و اگر خرج نکردند و نگاه داشتند تا آخر سال باید خمس آن را بپردازند.

س ۲۶۷: آیا کتبی که در مدت یک سال مطالعه نشده خمس تعلق می‌گیرد؟
ج: اگر در مظان مطالعه نیست و زائد به حساب می‌آید جزء مؤونه نیست و در صورتی که از راه هبه و ارث به دست نیامده خمس به آن تعلق می‌گیرد.

س ۲۶۸: فردی مالیاتهای دولت را بعد از سال خمسی به صورت چک پرداخت می‌نماید، حال وقتی سال خمسی بعد که رسید چکهایی که به اقساط داده و بدهکار است را به عنوان مقروض بودن می‌تواند از سرمایه کسر نماید؟
ج: مالیاتی که این سال باید پرداخت شود جزء مؤونه امسال است و می‌تواند کسر نماید.

س ۲۶۹: این جانب یکی از مقلدین حضرتعالی در همدان بوده و معلم می‌باشم نظر به پرداخت وجوهات مالیه (خمس و زکات) و وجوب آن به فتوای عموم علما اعلام سال قرار داده بودم ولی متأسفانه به سبب گرانی ارزاق و بالا بودن سطح مخارج در پایان سال چیزی اضافه نکرده بلکه کسر هم آورده‌ام ولی مایلیم جزو پرداخت کنندگان وجوهات و مشمول دهندگان زکات که از صفات مؤمنان و شیعیان ائمه اطهار علیهم صلوات الله می‌باشد قرار گیرم آیا می‌توانم به صورت اقساطی ماهیانه عشر (یک دهم) آن را کنار گذاشته و در هر ماه به نماینده آن حضرت جهت مصارف حقوق و وجوهات مالیه پرداخت نمایم؟ و آیا این مقدار کفاف خمس و زکات خواهد داد یا هنوز بدهکار محسوب می‌گردم با توجه به اینکه نمی‌خواهم مسایل خمس و زکات را عوض نموده بلکه جهت تسهیل در

پرداخت آن اینطو عمل نمایم.

ج: در صورتی که عائدات سالانه جنابعالی از مخارج سالانه شما بیشتر نباشد - که در نامه خود مرقوم داشته بودید - به اموالتان خمس تعلق نمی‌گیرد چنان که زکات هم به اشیاء خاصی تعلق می‌گیرد که در رساله ذکر شده است و مراجع می‌فرمایند. و در فقه شیعه هم مالیاتی به عنوان عشریه به خصوص نداریم ولی کسانی که بخواهند به عنوان انفاق مالی در راه اسلام گام بردارند و خدماتی انجام بدهند تا از این راه به خداوند متعال تقرب بجویند عناوینی از قبیل متصدقین یعنی تصدق دهندگان و محسنین (نیکوکاران) داریم، جنابعالی می‌توانید با دادن صدقات و کمک به افراد محتاج و مستمند نام خود را در دیوان الهی تحت این عناوین ثبت نمایید و همینطور می‌تواند در ساختن مسجد یا حسینیه و امثال آن نیز شرکت نمایید.

س ۲۷۰: ماشینی که سرمایه شخصی است نیاز به تعمیر داد که با آن امرار معاش کند. یکصد هزار تومان از پول خمس خرج کرده آیا می‌تواند از درآمد سال آن را کسر کند؟

ج: مخارج تعمیر آن جزء مؤونه است و می‌تواند کسر کند.

س ۲۷۱: شخصی است دارای یک دستگاه مینی بوس مسافر کشی اگر بخواهد خمس ماشین را بدهد آیا به خود ماشین نیز خمس تعلق می‌گیرد؟ (یعنی قیمت ماشین)؟

ج: اگر آن ماشین وسیله امرار معاش آن شخص است و منبع درآمدی غیر از آن ندارد به آن اندازه‌ای که امرار معاش به آن بستگی دارد خمس تعلق نمی‌گیرد ولی به اضافه بر آن خمس تعلق می‌گیرد مثلاً اگر نصف یک ثلث آن ماشین برای امرار معاش کافی است اضافه بر آن، خمس دارد.

س ۲۷۲: فردی باغی را احداث می‌کند تا این که میوه آن را بفروشد و از قیمت آن استفاده نماید آیا به خود این باغ خمس تعلق می‌گیرد؟

ج: در فرض سؤال، آن باغ حکم سرمایه را پیدا می‌کند و باید فقط خمس میوه و نمو درختان را بدهد. و این در صورتی است که درآمد آن باغ بیش از احتیاج زندگی او نباشد و گرنه اضافه بر آن خمس دارد.

س ۲۷۳: اشخاصی که حقوق بگیر دولت هستند اگر حقوق در حساب بانکی آنها واریز شود آیا به مجرد واریز شدن در حساب آنها در حالی که قبض نکرده‌اند و سال خمس آنها برسد بر آن خمس تعلق می‌گیرد یا اینکه خمس واجب نیست تا قبض شود؟

ج: به مجرد واریز در حساب مالک آن می‌شوند و اگر از مخارج سالیانه آنها اضافه است خمس دارد.

س ۲۷۴: نظر مبارک در مورد خمس شهریه چه می‌باشد؟
ج: به شهریه خمس تعلق نمی‌گیرد.

س ۲۷۵: اگر مالی سال اول خمس آن داده شود در سال دوم نیز به آن خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟ در صورت اضافه قیمت آیا باز هم در سال دوم خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟ آیا خمس فقط به اضافه قیمت تعلق می‌گیرد در سال دوم یا به کل آن مال؟

ج: خمس هر مالی یک دفعه واجب است ولی به اضافه قیمت نیز اگر مال التجاره باشد خمس تعلق می‌گیرد.

س ۲۷۶: اگر کسی جنسی را برای تجارت خرید و قیمت آن جنس بالا رفت ولی آن را نفروخت و اتفاقاً در بین سال قیمتش پایین آمد، حکم خمس چنین جنسی را مرقوم فرمایید:

ج: خمس مقداری که بالا رفته بر او واجب نیست در صورتی که به طور متعارف عمل کرده و مسامحه در فروختن آن جنس نکرده باشد.

س ۲۷۷: به زمین‌های موات که بصورت آبی که احیا شوند خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟

ج: کلیه چیزهایی که انسان در راه تحصیل آن کوشیده و به آن دست یافته است پس از استثنای مخارج سال، خمس دارد.

س ۲۷۸: اگر صغیر مقداری پول دارد آیا باید خمس آن را پرداخت و اگر می‌بایست پرداخت شود این وظیفه به عهده چه کسی است؟

ج: اگر از راه کسب به دست آمده بعد از گذشت سال باید خمس پرداخت شود و بعهدہ ولی اوست که از مال صغیر آن را بپردازد.

س ۲۷۹: این جانب با فروش اثاثیه و قرض و سرمایه مقدار چهارصد هزار تومان در بانک مسکن واریز نمودم تا بانک نیز در عوض ۵ برابر موجودی به بنده وام بدهد و اکنون مدت دو سال است در بانک می‌باشد تکلیف خمس آن چیست؟ ضمناً مقداری از پول مربوط به اثاثیه اهدائی بوده.

ج: بر هدیه خمس تعلق نمی‌گیرد و اما غیر از هدیه چون سال از آن گذشته است باید خمس آن داده شود.

س ۲۸۰: آیا مبالغی که در بانک به عنوان سپرده (سه ساله، پنج ساله) دراز مدت از طرف شخصی در اختیار بانک قرار می‌گیرد با توجه به اینکه سود بانکی آن به هر اندازه که شد صرف امرار معاش می‌گردد ولی اصل پول در بانک می‌ماند یعنی صاحب پول آن را از بانک طلب دارد آیا آن پول خمس دارد؟

ج: چون از مخارج سال اضافه آمده است خمس دارد.

س ۲۸۱: پولهایی که در بانک به عنوان قرض الحسنه پس انداز می‌باشد آیا خمس دارد؟

ج: اگر پولی باشد که قبلاً تخمیس نشده و نیز یکسال بر آن گذشته باشد و زاید بر مخارج سال باشد خمس دارد.

س ۲۸۲: شخصی است یکصد هزار تومان از شخصی طلبکار است و از طرف دیگر سیصد هزار تومان قرض دارد، آیا به آن یکصد هزار تومان خمس تعلق می‌گیرد، جواب مرقوم فرمایید.

ج: اگر سیصد هزار تومان را باید در همان سالی بپردازد که یکصد هزار تومان را طلب دارد و سیصد هزار تومان قرض نیز از جهت خرج در مؤونه زندگی به ذمه او آمده است صد هزار تومان طلب، خمس ندارد.

س ۲۸۳: زمین هایی که خریده شده و چند سال هم از خرید آن گذشته خمس دارد یا خیر؟

ج: زمینی را که خریده و نگهداشته پس از گذشت یک سال خمس به آن تعلق می گیرد مگر اینکه تهیه برای خانه مسکونی به قدر احتیاج راهی جز نگهداشتن این زمین و ساختن خانه در آن وجود نداشته باشد.

س ۲۸۴: شخصی در شهرستان سکونت دارد ولی اینجا هم (قم) زمین دارد حالا تصمیم ساختن زمین را جهت ساختمان و نقل مکان دارد و آن زمین را ۵ سال قبل خریده، آیا به این زمین خمس تعلق می گیرد؟

ج: در صورتی که در آن شهرستان خانه داشته و فعلاً تصمیم گرفته که در این زمین خانه بسازد آن زمین خمس دارد.

س ۲۸۵: پولهایی که به مسجد می دهند وجوهات این پولها داده نشده است، آیا می شود همه این پولها را در مسجد خرج کرد یا خیر؟

ج: تا علم نداشته باشید که به این پول عیناً خمس تعلق گرفته است می توانید آن را در مسجد خرج کنید و اگر علم پیدا کردید باید به مجتهد مراجعه کنید.

س ۲۸۶: شخصی از دنیا رفته و وصیت هم کرده و صغیر هم ندارد. فرزند بزرگ او مبلغی را از خودش خرج کرده و بعد از مراسم تدفین و... از اموال میت که فروخته اند برای خود برداشته، اما مال این پسر بزرگ مشخص نیست که خمس داشته یا خیر؟ احتمال دارد مخلوط باشد و احتمال دارد نباشد. حال در صورت مخلوط بودن، خمس و سهم به گردن چه کسی است؟ بر گردن پسر بزرگ یا وارث دیگر؟

ج: در هر موردی که علم به تعلق خمس نباشد اشکالی در بین نیست و خرج کردن بلا مانع است و در غیر این صورت هر کسی را که علم دارید خمس به مال او تعلق گرفته است خمس از مال او باید داده شود.

س ۲۸۷: اشخاصی که سال ندارند و وجوهات نمی‌پردازند، اینها در ایام دهه محرم و یا ماه مبارک رمضان جهت تعمیر مسجد و یا احداث آن کمک می‌نمایند، ۱۰۰ هزار و یا ۲۰۰ هزار تومان، آیا به این مبالغ وجوهات تعلق می‌گیرد یا خیر؟
ج: اگر معلوم نیست به عین این مال که به عنوان کمک به مسجد داده است خمس تعلق گرفته باشد صرف آن مال در مسجد اشکال ندارد و اگر معلوم باشد به این پول خمس تعلق گرفته است نمی‌تواند آن را برای مسجد خرج کند و اگر این کار را کرده است باید با مجتهد در میان بگذارد.

س ۲۸۸: کسانی از فرقه علی‌اللهی (اهل حق) جهت مساجد و یا مبلغین اسلامی که در آن منطقه تبلیغ می‌نمایند پولهایی می‌پردازند، آیا به این پولها وجوهات تعلق می‌گیرد یا خیر؟
ج: تعلق نمی‌گیرد.

س ۲۸۹: دیه‌ای که شخص از جانی می‌گیرد خمس دارد؟
ج: خمس ندارد.

س ۲۹۰: اگر طلا و اشیاء قیمتی که به عروس داده‌اند و قبض و اقباض شده بعد از مدتی مثلاً پنج سال شوهر از دنیا رفت یا طلاق داد حکم آن چه می‌شود آیا دهندگان می‌توانند پس بگیرند مثلاً پدر شوهر می‌گوید من به خاطر اینکه عروسم بودی خریدم حالا به علت طلاق یا فوت که دیگر عروسم نیستی آنها را می‌خواهم. وظیفه شرعی خمس در مورد فوق چیست و به عهده چه کسی است؟

ج: هبه خمس ندارد و آنها که هبه کرده‌اند تا عین باقی است در این فرض می‌توانند پس بگیرند ولی اگر از بین رفته است و اکنون عین آنها موجود نیست نمی‌توانند پس بگیرند.

س ۲۹۱: زمین‌هایی که به ارث رسیده خمس دارد و بر وارث واجب است که خمس آنها را بدهد یا خیر؟

ج: ارث خمس ندارد مگر اینکه بدانیم که ارث گزار خمس نداده است.

س ۲۹۲: کتابهایی که به انسان هدیه می‌دهند آیا خمس دارد؟ اگر با پول هدیه داده شده خریداری شود چطور؟

ج: هدیه خمس ندارد.

س ۲۹۳: شخصی یک ماشین تاکسی که پسرش راننده اوست و یک باب خانه هم که پسرش ساکن است. جزء لوازمات زندگی دانسته و عقیده دارد خمس به آنها تعلق نمی‌گیرد، لطفاً نظر شریف را بیان دارید؟

ج: در صورتی که آن ماشین و خانه را به پسر خود هبه کرده است و عقد هبه با شرایط خود محقق شده و قبض هم صورت گرفته است چون از ملک خود خارج کرده است خمس ندارد. البته این حکم هم در صورتی است که قبل از گذشت سال هبه کرده باشد و در غیر این صورت خمس به آن تعلق می‌گیرد.

س ۲۹۴: اگر انسان برای خرید جهیزیه مبلغی پول کنار بگذارد و سال بر آن بگذرد خمس آن واجب است یا خیر؟ با توجه به اینکه نمی‌تواند وسائل جهیزیه را از درآمد بین سال خریداری نماید؟

ج: با قصد مذکور و به اندازه احتیاج و متعارف باشد خمس ندارد.

س ۲۹۵: شخصی مقداری پول مخمس دارد (که خمس آن را سال قبل پرداخته) و سال بعد مقداری از آن را صرف کرده آیا آخر سال خمسی می‌تواند کسری آن مال مخمس را جبران کند؟

ج: بلی می‌تواند.

س ۲۹۶: شخص زارع چند قطعه زمین برای زراعت خریده، بعضی را ده سال و بعضی را پنج سال و بعضی را دو سال قبل، نظر به اینکه زمین زراعت جزء سرمایه

زراعت محسوب می‌شود، آیا قیمت فعلی آنها را به حساب بیاورد یا قیمت روز خرید را؟ ب: شخصی چند سال قبل ماشین باربری برای باربری و کسب، خریده، آیا قیمت روز خرید را حساب کند یا قیمت فعلی آن را به حساب بیاورد؟ ضمناً فرض مسئله در صورتی است که تا به حال حساب سال خمس در کار نبوده است.

ج: آن مقدار از زمین که اداره امور زندگی به اندازه احتیاج خود بر آن متوقف است و بدون آن زندگی آن مختل می‌شود در صورتی که آن را به تدریج از راه کسب و کار به دست آورده و پول آن یکسال قبلاً در کنار نمانده است جزء مؤونه است و خمس ندارد و اضافه بر آن خمس دارد و باید بپردازد و قیمت فعلی را باید در نظر بگیرد نه قیمتی که خریده است. و همینطور است ماشین و غیره.

س ۲۹۷: شخصی چند سالی با کسی شریک بوده، که هیچ کدام خمس نمی‌دادند و هر سال بعد از برداشت سهم، از مال خمس نداده برای سال بعد سرمایه گذاری می‌کردند، حالا بعد از گذشت مدتی آن فرد از شریک خود جدا شده و وجوهات سهم خود را داده است، آیا تصرف در آن برای او بدون اشکال است؟

ج: بدون اشکال است.

س ۲۹۸: بنده ساکن یکی از روستاهای کبوترآهنگ هستم و چند سال پیش در شهر همدان خانه‌ای خریده‌ام و یک اطاق آن را برای خودم برای مواقعی که به شهر می‌روم اختصاص داده‌ام و بقیه را اجاره داده‌ام بفرمایید آیا به خانه مزبور خمس تعلق می‌گیرد، لازم به ذکر است در این مدت چند سال اصلاً خمس نداده‌ام، اگر خمس تعلق بگیرد باید خمس سالهای قبل را هم بدهم یا خمس امسال را؟

ج: اگر غیر از این خانه، خانه دیگری دارید و این خانه مورد احتیاج شما نیست، باید خمس این خانه را بدهد و یک مرتبه خمس خانه کافی است و غیر از آن خانه در اموال دیگر اگر یقین به ندادن خمس دارید باید ادا کنید.

س ۲۹۹: کسی که سال خمسی نداشته و مقداری صرف ساختمان مسجد و

حسینیه و بیمارستان و حمام و اسفالت خیابان نموده آیا به پول آنها خمس تعلق می‌گیرد؟

ج: در صورتی که این مخارج از عائداتی که یکسال بر آن نگذشته است انجام گرفته است خمس ندارد ولی اگر پس از انقضای سال بوده است اول باید تخمیس شود سپس در این موضوعات خرج شود.

س ۳۰۰:

۱. شخصی دارای ۲۰ عدد گوسفند است، خود آن شخص ۴۰ ساله است از اول عمر هیچ خمس و سهم امام علیه السلام نداده، اگر کسی بگوید حساب کنید، صاحب مال می‌گوید: یونجه و سبوس و جو می‌خرم و خرجی می‌دهم و حساب نمی‌کنم.

۲. شخصی دیگر ۲۵ عدد گوسفند و یک عدد گاو شیری دارد و همچنین می‌گوید من بدهکار هستم چگونه حساب کنم.

۳. شخص دیگر می‌گوید من مقداری گاو و گوسفند که دارم، عیال زیاد دارم خرج خانه و عیال کفایت نمی‌کند چگونه حساب کنم این مذکورات را جواب فرمایید، و اینها هیچ کدام از اول عمر هیچ خمس و سهم امام واریز نکرده اند. وظیفه این سه را بفرمایید.

ج: در رابطه با سه سؤال مذکور، جواب این است که خمس بر افرادی واجب است که عائدات سالانه آنها بیش از مخارج سالانه باشد و این قبیل افراد باید عائدات سالانه و مخارج سالانه خود را با هم مقایسه کنند و خمس اضافه را بپردازند و در مواردی که مقدار معلوم نیست با مجتهد مصالحه نمایند.

س ۳۰۱: مادر بنده نسبت به مسأله خمس آگاهی نداشته و سال قرار دادن را اصلاً نمی‌دانسته و ۳ سال پیش، ۲۰۰ هزار تومان را که مربوط به ۵ الی ۶ سال پس انداز بوده به بانک سپرده و اصلاً نمی‌داند که هر سال چقدر جمع کرده تا نهایتاً به این مبلغ رسیده و امسال هم سود آن را جهت زیارت به مشهد مقدس خرج نموده

و حال که آگاه شده نمی‌داند تکلیف چیست؟

ج: اگر مبلغ مذکور از راه هبه به دست آمده است خمس ندارد و اگر از راه کسب و تلاش به دست آمده است هر مقدار را که یقین دارد از مخارج سال اضافه آمده است خمس دارد.

س ۳۰۲: زنی که در شهر غریبی مهمان برادرش یا فامیل دیگری است که خانه را با پول خمس نداده خریده آیا نماز خواندن زن اشکال دارد؟ و اگر نداند که آیا با پول خمس داده خریده یا نه یا شرایط پول او طوری بود که خمس تعلق گرفته یا نه و به هر حال نداند که آیا خمس داده یا نه نمازش اشکال دارد؟

ج: اگر می‌داند که عین مال خمس نداده را بهای آن خانه قرار داده نماز خواندن در آن بدون اجازه مجتهد اشکال دارد و اگر خانه را به مافی الذمه خریده نماز خواندن اشکال ندارد چنانکه اگر نداند هم اشکال ندارد.

س ۳۰۳: آیا می‌توان در منزل کسی که خمس مالش را نمی‌پردازد غذا خورد و بعد خود انسان مقدار خمس غذای مصرفی را پرداخت نماید؟

ج: اگر بداند در عین آن مال که مورد تصرف او قرار می‌گیرد خمس هست بدون اجازه ولی امر خمس که فقیه است تصرف جائز نیست و اگر تصرف کرد باید به آن مقدار به فقیه بپردازد.

س ۳۰۴: من حدود دو سال است که با دختر یکی از آشنایان ازدواج کرده‌ام چند روز پیش متوجه شدم که پدر خانم من خمس اموالش را نمی‌دهد با توجه به اینکه فرد ثروتمندی است و خمس نمی‌دهد نگران هستم و نمی‌دانم چکار باید بکنم آیا می‌توانیم از غذا و هدایا و اموالی که به ما می‌رسد استفاده کنیم؟

ج: تا هنگامی که علم نداشته باشید که آن غذا و هدایا و اموال دیگری که در اختیار شما قرار می‌گیرد مورد تعلق خمس است استفاده از آنها اشکال ندارد ولی اگر بدانید که آن عیناً متعلق به خمس است باید ارزش آن را در نظر بگیرید و به اندازه یک پنجم آن را به عنوان سهم سادات به سادات مستحق و به عنوان سهم امام علیه السلام به مرجع خودتان به هر یک نصف یک

پنجم بدهی و با این شرط مجازید در تصرف.

س ۳۰۵: وظیفه شرعی فرزند تحت تکفل پدری که رعایت موازین شرعی را درباره کسب و درآمد حلال نمی‌کند چیست؟ با فرض این که امر و نهی تأثیر ندارد؟

ج: اگر پدر خمس نمی‌دهد باید فرزند خمس آن چه را استفاده می‌کند بپردازد و اگر کسب او حرام است. فرزند نمی‌تواند از آن مال استفاده کند.

س ۳۰۶: اگر سرپرست خانواده با پول خمس نداده اشیائی برای منزل تهیه کند با وجود آنکه نسبت به مسأله خمس آگاهی نداشته استفاده افراد خانواده از وسیله مورد نیاز اشکال دارد یا خیر؟ اگر پدر یا مادر، با پول خمس نداده شیئی بخرند استفاده فرزندان از آن اشیاء مورد نیاز چه صورت دارد؟

ج: اگر می‌دانند که به آن پول بخصوص خمس تعلق پیدا کرده و نداده است نمی‌توانند تصرف کنند ولی اگر ندانند اشکالی بر آنها نیست.

س ۳۰۷: اینجانب به علت از دست دادن پدر و مادر پیش برادرم زندگی می‌کنم و از اینکه برادرم خمس مالش را نمی‌دهد و مخارج زندگی‌ام را او تأمین می‌کند و بنده هم ناچارم پیش او زندگی کنم و تقریباً مالش را هم از کسب حرام بدست آورده است نمی‌دانم چه کنم از اینکه لباسم را با پول برادرم تهیه می‌کنم و خرجی‌ام را از برادرم پول می‌گیرم در این صورت نماز و روزه‌ام چطور است؟

ج: در صورت مذکور اگر ممکن است جدا شوید و اگر ممکن نیست تصرف در اموال برادرتان و زندگی با ایشان در صورتی جایز است که مقدار و مبلغ تقریبی عوض تصرفات خود را مشخص کنید و برای تصرف خود از فقیه جامع الشرائط اجازه بگیرید و بعداً مقدار خمس را از آنچه که تصرف کرده‌اید به او بپردازید.

ب: و بفرمایید در جاهایی که برای مهمانی دعوت می‌شوم اگر بدانم خمس مالشان را نداده‌اند تکلیف چیست و اگر ندانم مالشان خمس دارد یا خیر چطور؟

ج: در جواب این سؤال از جواب مسأله قبل معلوم شد و ضمناً اگر نمی‌دانید

که خمس داده است یا نه تصرف در آن جایز است.

س ۳۰۸: آیا می‌توان در منزل کسی که خمس مالش را نمی‌پردازد غذا خورد و بعد خود انسان مقدار خمس غذای مصرفی را پرداخت نماید؟

ج: اگر بداند در عین آن مال که مورد تصرف او قرار می‌گیرد خمس هست بدون اجازه مجتهد تصرف جایز نیست و اگر تصرف کرد باید خمس آن را بدهد.

س ۳۰۹: بنده خمس خرید اولیه ملکی را داده‌ام و تا به حال نفروختم، چنانچه این ملک منتقل به ورثه شود و ترقی پیدا کند، آیا باید وصیت کنم که خمس آن را بدهند یا لازم نیست؟

ج: اگر بعد از خریدن در ملک شما یک سال مانده و ارزش آن بالا رفته است و به جهت بالا رفتن قیمت آن خریده باشد خمس ترقی قیمت را بدهید و اگر ندادید باید وصیت کنید که داده شود.

س ۳۱۰: آیا می‌شود، پولی یا جنسی را که مختص به زکات یا خمس مال است و باید به مجتهد بدهم برای صرف در مصالح منظور، خودم شخصاً برای ساخت و تجهیز مدارس و بیمارستان و یا اهداء به فقراء و نیازمندان و مسائلی از این قبیل، صرف نمایم؟

ج: زکات را می‌توانید خودتان به فقراء بدهید یا در راه مصالح عمومی مسلمین صرف کنید ولی خمس باید به مجتهد داده شود و با نظر او باشد.

س ۳۱۱: این جانب مقلد حضرت عالی هستم گزارش شده که جناب عالی نصف از سهم مبارک را جهت مستمندان اجازه داده‌اید مادری دارم که محتاج به کمک در آموزش می‌باشد آیا اجازه می‌فرمایید که از سهم مبارک به ایشان کمک نمایم؟

ج: سهم امام علیه السلام خود را به مادرتان نمی‌توانید بدهید و اجازه هم در مورد خود به اندازه یک سوم بوده است.

س ۳۱۲: آیا جهت ارشاد و هدایت جوانان در روستاها به وسیله کارهای فرهنگی و

ورزشی می‌توانیم مقداری از سهمین را در این راه خرج نمائیم در صورت جواب مثبت معین فرمائید چقدر.

ج: یک سوّم از سهم امام علیه السلام را در صورتی که از راه تبرّع تأمین نمی‌شود در راه ارشاد و هدایت می‌توانید خرج کنید ولی به شرط اینکه دو سوم آن را برای اداره حوزه علمیه ارسال نمائید.

س ۳۱۳: به استحضار حضرت مستطاب عالی می‌رساند که در نظام جمهوری اسلامی ایران برخی از افراد خیر و نیکوکار علاقمندند با عنایت به استفتاء حضرت امام خمینی رضوان الله علیه کما کان بخشی از ثلث سهم امام علیه السلام را در جهت بسط و گسترش فضاهای آموزشی و تربیتی اختصاص دهند. از محضر مبارک حضرت عالی استدعا دارد موافقت فرمائید در صدی از ثلث سهم امام علیه السلام به امر مقدس مدرسه سازی، تعمیر و خرید تجهیزات مربوط اختصاص یابد.

ج: افراد متعهد و خیر اندیش هر قدر که می‌توانند در جهت بسط و گسترش فضاهای آموزشی و تربیتی اقدام مساعد بعمل بیاورند بجا است و مأجورند جزاهم الله خیرا و مجازند که یک ثلث از سهم مبارک امام علیه السلام را در صورتی که احتیاجات از راه تبرّع تأمین نمی‌شود در این راه مصروف سازند و فقهم الله تعالی.

س ۳۱۴: شخصی همه ساله مبلغی بدون تعیین سرسال و حساب اموال خود به سادات فقیر پول پرداخت کرده است و اجازه‌ای از مجتهد یا وکیل مجتهد نداشته آیا می‌تواند این مبالغی که پرداخت کرده از خمس حساب کند؟

ج: با قبول مجتهد اشکال ندارد.

س ۳۱۵: کسی که فرزندش طلبه است آیا می‌تواند سهم امام را به فرزندش بدهد؟
ج: سهم امام را به فرزندش برای خرید کتاب یا ادای دین می‌تواند بدهد نه برای مخارج خوراک و پوشاک.

س ۳۱۶: علویه‌ای شوهر کرد و واجب‌النفقه شوهر گردید. آیا اگر شوهر او فقیر

شود، شوهر آن علویّه از بابت خمس می‌تواند برای زندگی مشترک با او خرج کند در صورتی که شوهرش سید نیست؟
ج: اگر شوهر او تامین مخارج او عاجز است می‌تواند.

احکام حجّ

س ۳۱۷: این جانب دارای چندین بنه نخل خرما و یک اتومبیل نیسان هستم، با نیسان مخارج زندگی را تأمین می‌کنم و نخلها درآمدی ندارند که پس انداز شود آیا لازم است یکی از آنها را بفروشم و به مکه بروم و آیا با این صورت مستطیع هستم؟

ج: در صورتی که از قیمت آن نخلها مخارج حجّ تأمین می‌شود و پس از بازگشت از سفر حجّ نیز با آن اتومبیل نیسان مخارج زندگی شما تأمین می‌شود و مدیون به دینی که لازم باشد قیمت نخلها را در آن خرج کنید نباشد مستطیع می‌باشید و لازم است برای حجّ اقدام کنید.

س ۳۱۸: بر انسانی که امکانات مالی برای «عمره مفرده» دارد ولی استطاعت برای «حجّ تمتع» ندارد آیا «عمره مفرده» واجب می‌گردد؟
ج: واجب نیست.

س ۳۱۹: انسانی که حجّ تمتع نرفته است و اکنون امکانات برای تشرّف به عمره مفرده دارد. پس از ثبت نام در قرعه کشی نام او در نیامده است، گمان می‌رود اگر وجه ثبت نام را پس بگیرد بتواند در سالهای بعد مشرفّ شود، در این شرایط دریافت وجه پرداختی چه حکمی دارد؟

ج: اگر مستطیع است هر عملی که موجب رفتن به حجّ تمتع می‌شود تا تسریع در آن باعث می‌گردد را باید انجام داد.

س ۳۲۰: با توجه به اینکه به هنگام اعزام زائران به حجّ معاینات پزشکی صورت می‌پذیرد و حجّ کسانی که توانایی جسمی ندارند در معاینات پذیرفته نمی‌شوند، آیا مردودین معاینات پزشکی که تا کنون هم، راه برای آنان باز نبوده، همچنان استطاعت شرعی دارند؟ یا آنکه با پذیرفته نشدن، استطاعت هم تحقق نمی‌یابد؟

ج: یکی از شرائط استطاعت، استطاعت مزاجی و بدنی است. در صورتی که این سفر برای آنها ضرر دارد، یعنی اینکه موجب مرض و یا شدت مرض است و یا اینکه موجب عسر و حرج و مشقتی است که معمولاً قابل تحمل نیست مستطیع نمی‌باشند و حجّ بر آنها واجب نیست و اگر در سال اول صحت بدن نیست حجّ واجب نیست ولی اگر در سال اول صحت بدن وجود داشت و نرفت حجّ بر ذمه او مستقر می‌شود و باید نایب گرفته شود.

س ۳۲۱: آیا کسانی که شرعاً مستطیع بوده و برای اولین بار در قرعه کشی شرکت می‌کنند، نسبت به کسانی که تصمیم دارند به عنوان نایب شخص دیگر مشرف شوند، اولویت دارند یا خیر؟

ج: اگر ذمه منوب عنه به حجّ مشغول باشد اولویتی نیست.

س ۳۲۲: آیا کسانی که شرعاً مستطیع بوده و برای اولین بار در قرعه کشی شرکت می‌کنند، نسبت به کسانی که تصمیم دارند حجّ مستحبی انجام دهند می‌توان در قرعه کشی اولویتی قائل شد؟

ج: در صورتی که رفتن اینها به حجّ مستحبی مانع رفتن آنها به حجّ واجب یا باعث تأخیر آن باشد می‌توان اولویتی قائل شد.

س ۳۲۳: شخصی برای حجّ واجب ثبت نام نموده در حالی که شرعاً مستطیع نیست. آیا باید نیت وجوب کند یا مستحب؟ در فرض نیت وجوب اعمالی که انجام خواهد داد با عدم استطاعت چگونه خواهد بود؟

ج: در صورتی که شرائط استطاعت جمع نیست باید نیت استحباب کند و اگر بعداً مستطیع شد واجب است که حجه الاسلام را انجام بدهد.

س ۳۲۴: آیا بر نایب واجب است که بر طبق فتوای مرجع تقلید منوب عنه اعمال حجّ را انجام دهد یا مطابق وظیفه خودش عمل نماید؟

ج: میزان، وظیفه خود اوست، ولی اگر به کیفیت خاصی اجیر شده، باید طوری عمل کند که مراعات وظیفه خودش و کیفیت ذکر شده، بشود.

س ۳۲۵: آیا در اجاره برای اعمال حجّ لازم است اجیر و مستأجر از یکدیگر سؤال کنند که مقلّد چه کسی هستند؟

ج: لازم نیست، و اجیر مطابق تقلید خودش عمل می‌کند.

س ۳۲۶: زنی که واجب الحجّ است وصیّت کرده که از اصل ترک‌هش برای او حجّ بلدی توسط وصیش انجام شود، حال استطاعت جانی و مالی و غیره برای وصی او فراهم است، فقط از حیث عدم شرکت در نام نویسی برای حجّ، آنهم با عذری، استطاعت راهی ندارد، آیا می‌تواند حجّ نیابی را انجام دهد؟

ج: وصی اگر قبلاً استطاعت نداشته و فعلاً هم راه برای او باز نیست می‌تواند برای حجّ نیابی اجیر شود، ولی اگر بدون اینکه اجیر شود بتواند خود را به میقات برساند نمی‌تواند حجّ نیابی بجا آورد و باید برای خودش حجّ بجا آورد.

س ۳۲۷: آیا جایز است برای نایب در طواف عمره تمتع یا طواف حجّ، که طواف را در غیر موسم حجّ بجا آورد یا خیر؟

ج: مانع ندارد مگر اینکه شرط شده باشد که در موسم حجّ بجا بیآورد یا متعارف این باشد.

س ۳۲۸: شخصی اجیر حجّ بلدی از قم شده و خودش ساکن اراک است، بعد از اجیر شدن در نظر داشته که به قم برود و از آنجا حرکت کند، پس از چند روز در حالی که از موضوع غافل شده، برای انجام کار دیگری به قم و بعد از آنجا به تهران رفته است، آیا همان نیت قبلی برای حرکت از قم کافی است یا باید برگردد به قم، و بر فرض خروج از ایران، چه حکمی دارد؟

ج: اگر به کلی غفلت داشته باید برگردد وگرنه نیت ارتکازی اجمالی کافی است، و در صورتی که باید برگردد اگر بر نگشت و حجّ را انجام داد، حجّ صحیح است و بالنسبه استحقاق اجرت دارد.

س ۳۲۹: آیا شرط ایمان نایب که در اصل نیابت حجّ شرط است در سایر اعمالی

که نیابت در آن جایز است، مثل رمی و طواف، هم شرط است یا خیر؟
ج: در سایر اعمال نیز غیر از ذبح شرط است.

س ۳۳۰: زنی برای اعمال حجّ نایب شده ولیل از اوّل عذر نداشته، حالا عذر پیدا کرده و نمی‌تواند خودش رمی جمرات کند، می‌تواند نایب بگیرد یا خیر؟
ج: می‌تواند.

س ۳۳۱: انجام یک عمره مفرده استحبابی به نیت خود و به نیابت تبرّعی دیگران، صحیح است یا خیر؟
ج: صحیح است.

س ۳۳۲: آیا کسانی که در معاینات پزشکی رد می‌شوند، می‌توانند در زمان حیات خود فرد دیگری را بعنوان نایب اعزام کنند یا خیر؟

ج: اگر قبلاً تمام شرائط استطاعت برای او حاصل شده است ولی به حجّ نرفته و کوتاهی کرده است اکنون که مریض است و از اینکه بعداً بهبود پیدا کند و یا موفق بشود مأیوس است لازم است فرد دیگری را بعنوان نایب از خود در حال حیاتش اعزام کند.

س ۳۳۳: کسی که حجّ نیابی انجام می‌دهد اگر در قربانی، شخص ثالثی را وکیل کرد، ذابح چگونه نیت کند، آیا باید نیت کند که به وکالت از میتّ قربانی می‌کنم یا باید وکالت از نایب میتّ کند؟ در هر صورت آیا باید نام میتّ را هم ببرد؟
ج: نام میتّ بردن لازم نیست، بلکه چنانچه نیت کند آنچه بر عهده نایب است انجام دهد صحیح است.

س ۳۳۴: کسی که برای حجّ اجیر می‌شود، اگر شرط کند که مثلاً برای طواف نساء یا یک عمل دیگری که نیابت بردار نیست نایب می‌گیرم، آیا شرط نافذ است و می‌تواند عمل نماید یا خیر؟

ج: اگر عذر دارد نمی‌تواند اجیر شود، بلی در قربانی مانع ندارد و شرط لازم نیست.

س ۳۳۵: کسی که احتمال قوی عقلائی می‌دهد که نتواند اعمال را به نحو عادی انجام دهد، و ممکن است حجّ تمتع را بدل به افراد کند، آیا می‌تواند از حجّ واجب نیابت کند؟

ج: اگر وظیفه او عدول به افراد شد بنا بر احتیاط منوب عنه نباید اکتفاء به آن کند.

س ۳۳۶: نایبی که در وقت قبول نیابت برای حجّ معذور نبوده است، و بعد از عقد اجاره در موقع عمل یا قبل از محرم شدن جزء معذورین شده و در هر عذری که پیش آمده طبق وظیفه معذورین رفتار نمود، آیا حجّ او از منوب عنه کافی است؟ و آیا نسبت به نحوه عذر فرقی هست یا خیر؟

ج: محل اشکال است.

س ۳۳۷: کسانی که در حال اجیر شدن، از معذوبین نبوده‌اند و بعداً در اثناء عمل، عذر عارض شده است، آیا نیابتشان صحیح است و مستحق تمام اجرت می‌باشند یا خیر؟

ج: اشکال دارد.

س ۳۳۸: خدمه‌ای از روی جهل به مسأله اجیر شده‌اند و وقوف اختیاری مشعر را درک نکرده‌اند فعلاً تکلیفشان چیست؟ و همچنین سایر معذورینی که حجّ ناقص از این قبیل تبرعاً یا با اجرت انجام داده‌اند؟

ج: نیابت ایشان صحیح نیست و کفایت از منوب عنه نمی‌کند، و باید پول را برگردانند و خودشان با عدم عذر نسبت به درک اختیاری مشعر باید با انجام عمره مفرده، از احرام خارج شوند.

س ۳۳۹: معذور که نمی‌تواند نایب شود، به چه کسی گفته می‌شود؟ لطفاً حد آن را معین کنید، مثلاً کسی که نمی‌تواند نماز طواف را صحیح بخواند، یا نمی‌تواند خودش رمی جمرات کند، و یا نمی‌تواند قربانی نماید، و یا نمی‌تواند یکی دیگر از واجبات حجّ را اعم از ارکان و غیر ارکان انجام دهد، معذور است یا خیر؟

ج: هر کس نتواند اعمال اختیاری حج را انجام دهد معذور است و نمی تواند نایب شود، ولی مباشرت در ذبح در حال اختیار هم لزوم ندارد، و لذا کسی که نمی تواند ذبح کند می تواند برای حج نایب شود و برای ذبح نایب بگیرد.

س ۳۴۰: کسی که نماز او صحیح نیست و برای حج به نیابت آمده است، آیا نیابت او صحیح است؟ و مفروض این است که به عنوان نیابت محرم شده است؟
ج: اگر از قرائت صحیح معذور است، نیابت و احرام او باطل است، و اگر معذور نیست صحیح است و باید قرائت خود را درست کند.

س ۳۴۱: اگر مستناب یا منوب عنه در وقت نیابت بدانند که نایب جزء معذورین است و او را نایب کنند، اولاً آیا اجرت نیابت برای نایب حلال است یا خیر؟ و ثانیاً آیا حج نیابی او صحیح و از حجة الاسلام یا غیر حجة الاسلام منوب عنه کفایت می کند یا خیر؟

ج: با فرض اینکه معذور بوده و استیجار شده، استحقاق اجرت ندارد، و کفایت نمی کند.

س ۳۴۲: اگر کسی بخواهد به نیابت از میتی که مستطیع نبوده حج تمتع انجام دهد، باید چه قصدی بنماید؟ و خوب یا استحباب؟
ج: چون واجب نبوده است به قصد حج تمتع انجام ندهد و به قصد حج استحبابی انجام بدهد.

س ۳۴۳: شخصی به عنوان نیابت در مسجد شجره محرم شده و به مکه آمده، در مکه فهمید که خودش مستطیع بوده است، آیا باید اعمال عمره را به قصد خود بجا آورد یا به قصد نیابت، و اگر باید حج را به قصد خود بجا آورد نسبت به حج نیابی چه وظیفه دارد، و آیا می تواند برای آن نایب بگیرد یا خیر؟

ج: احرام او صحیح نبوده است و باید برگردد و برای عمره تمتع، برای خودش محرم شود و وظیفه خودش را انجام دهد، و راجع به حج نیابی نمی تواند نایب بگیرد، مگر اجازه داشته باشد یا استیجار او برای مطلق

تحصیل حجّ باشد.

س ۳۴۴: کسی که نایب بوده و عمره تمتّع را انجام داده و بعد ناچار شده است که به ایران بازگردد، آیا می‌تواند بقیه اعمال را به دیگری واگذار نماید که حجّ تمتّع را انجام دهد؟

ج: نمی‌تواند.

س ۳۴۵: اگر کسی دفعه اول به صورت خدمه، حجّ بجا آورده و در دفعه دوم دوباره به مأموریت خدمه عازم مکه معظمه است، آیا می‌تواند به عنوان پدر یا مادر که فوت شده‌اند نیابت نماید، و در چنین صورتی آیا حجّ از عهده پدر و مادرش برداشته می‌شود؟

ج: مانع ندارد و حجّ از منوب عنه کافی است، مگر آنکه سال اول، مستطیع نبوده و امسال مستطیع باشد.

س ۳۴۶: کسانی که مجاز هستند در شب عید قربان بعد از درک اضطراری مشعر به منی بروند، آیا همه آنان از ذوی الاعداد می‌باشند که نیابت و لو تبرّعاً در مورد اشکال است یا نسبت به بعضی استثناء شده است؟

ج: در فرض سؤال زنها می‌توانند نایب شوند، و نیابت در سایر ذوی الاعداد صحیح نیست.

س ۳۴۷: شخصی در حجّ از میتی نیابت کرده و در وقت عقد اجاره برای انجام مناسک، هیچ عذری نداشت، ولی چند سال بعد از انجام حجّ متوجه شد که در وقوف مشعر الحرام با زنها و مریضها به عنوان راهنما، وقوف اضطراری کرده و به منی رفته است، و غافل بوده که نایب باید وقوف اختیاری بکند، وظیفه اش چیست؟

ج: عمل مزبور مجزی از حجّ نیابتی استیجاری نیست، و از جهت اجرت باید به اجیر کنند مراجعت نماید، و یا در صورتی که اجاره، موقت به زمان مخصوصی که منقضی شده، نباشد دوباره حجّ نیابتی صحیح بجا آورد.

س ۳۴۸: زنی در عرفات در روز نهم دیوانه شد، او را به بیمارستان بردند و تا آخرین وقتی که می‌توانستند همراهان او در مکه بمانند باقی ماندند، خوب نشد، آیا شوهرش که با او است می‌تواند برای او نایب بگیرد، و یا خودش باقی اعمال را انجام دهد یا خیر؟

ج: مجنون تکلیف ندارد، و نمی‌تواند برای او نایب بگیرند، و اگر عاقل شد حکم اشخاص محرم دیگر را دارد.

س ۳۴۹: هرگاه کسی مریض شود، بطوری که بعد از احرام عمره، قادر به انجام اعمال نباشد، آیا کسی که برای عمره تمتع مستحبی محرم شده و عمره را انجام داده است، می‌تواند در حج نایب او شود یا خیر؟

ج: کسی که برای عمره تمتع محرم شده ولو مستحبی، نمی‌تواند در اصل عمره یا حج برای دیگری نایب شود و باید عملش را اتمام کند، ولی اگر مریض فقط قادر به انجام طواف و سعی نباشد و بتواند و قوفین را درک کند و بقیه اعمال را نایب بگیرد، جایز است دیگران را در طواف و سعی و اعمال دیگر نایب قرار دهد، هر چند خودش هم حج یا عمره بجا می‌آورند.

س ۳۵۰: آیا شخص زنده در موردی که می‌تواند نایب بگیرد باید از بلد نایب بگیرد یا از میقات، و اگر دیگری برای او نایب بگیرد کفایت می‌کند یا خیر؟

ج: نایب گرفتن از میقات کفایت می‌کند، و خودش باید نایب بگیرد و نایب گرفتن دیگری برای او کافی نیست مگر از طرف او وکالت داشته باشد.

س ۳۵۱: آیا عمره مفرده یا طواف استحبایی را می‌توانیم به نیابت چند نفر انجام دهیم، و در اعمال آن از جمله طواف نساء نیّت همه باید بشود یا نیّت بعضی کافی است؟

ج: می‌توانید به نیابت چند نفر انجام دهید، و باید نیّت همه بشود.

س ۳۵۲: کسی را روز عید قبل از حلق دستگیر کرده‌اند و او را به ایران فرستاده‌اند آیا رفقای او می‌توانند از او نیابت کنند و بقیه اعمال را انجام دهند یا خیر، و

چگونه از احرام خارج می‌شود؟

ج: بدون اینکه خودش نایب بگیرد نیابت صحیح نیست، و برای خارج شدن از احرام باید به منی بیاید و حلق یا تقصیر کند و اعمال مترتبه را انجام دهد و اگر نمی‌تواند برود در محل خودش حلق یا تقصیر نماید و بنا بر احتیاط موهای خود را به منی بفرستد، و باید برای اعمال مترتبه نایب بگیرد.

س ۳۵۳: افرادی که هر سال به حج می‌روند - از قبیل خدمه کاروانها - در محل خود از کسی نیابت قبول می‌کنند، ولی در میقات بر اثر اشتغال زیاد از نیابت غافل و محرم می‌شوند، بعد که متوجه شدند دوباره نیت نیابت می‌کنند، آیا حج برای خودشان حساب می‌شود؟

ج: چون در محل خود نیابت را پذیرفته و با این قصد به حج آمده است همین قصد ارتکازی که اگر متوجه شود همان را در نظر می‌گیرد کافی است و حج برای منوب عنه واقع می‌شود.

س ۳۵۴: نایبی در احرام عمره تمتع، بعد از اینکه وارد مکه شد شک می‌کند که نیت نیابت کرده یا نه، آیا باید به میقات برگردد و مجدداً به نیابت محرم شود، یا اصلاً حج برای خودش حساب می‌شود و دیگر نمی‌تواند نایب باشد؟

ج: در نیت، خطور لازم نیست، و چون انگیزه او در حال احرام نیابت بوده، عمل را به نیابت انجام دهد، و کافی است.

س ۳۵۵: کسی که نیابت از دیگری گرفته و به حج آمده ولی از بعضی اعمال معذور است آیا می‌تواند در این اعمال نایب بگیرد یا اینکه پول را به دیگری بدهد که اصل حج را بجا آورد؟

ج: نایب شدن معذور، صحیح نیست و باید پول را به صاحبش برگرداند مگر اینکه از طرف صاحب پول مجاز در نایب گرفتن باشد که در این صورت می‌تواند دیگری را که عذر ندارد در اصل عمل حج، نایب کند، در صورتی که بدون اجازه، نیابت را به دیگری واگذار کرد و او عمل را انجام داد، حج از طرف منوب عنه واقع می‌شود ولی پول را باید به صاحبش برگرداند و صاحب

پول ضامن چیزی نیست و اجرت نایب را باید امر کننده بپردازد.

س ۳۵۶: از هر کاروان نوعاً چند نفر از خدمه به نیابت آمده‌اند و بناچار باید نیمه شب از مشعر برای انجام کارهای لازم در منی یا همراه ضعفاء، به منی بروند، سؤال این است که آیا اجیر شدن و نیابت آنان صحیح است یا خیر؟

ج: با توجه به اینکه از معذورین هستند و نمی‌توانند وقوف اختیاری در مشعر را درک کنند نیابت آن صحیح نیست و احرام او باطل است مگر آنکه بنحو خطا در تطبیق باشد که در این صورت از واقع می‌شود، و باید گردد به میقات و از آنجا برای خودش محرم می‌شود.

س ۳۵۷: بفرمایید کسی که به نیابت از طرف کسی به حج برود آیا باید طواف النساء را برای خود یا به نیت کسی که اجیر شده انجام دهد؟

ج: نائب باید طواف النساء را نیز به قصد آن کسی که از طرف او نیابت می‌کند انجام بدهد و احتیاط استحبابی آن است که به قصد ما فی الذمه انجام بدهد.

س ۳۵۸: شخصی در مدینه منوره دیگری را اجیر می‌کند که برای پدر وی حج میقاتی بجا آورد ولی مشخص نکرده است که از مسجد شجره محرم شود یا میقاتهای دیگر، آیا اجیر می‌تواند از مسجد شجره به نیت عمره مفرده محرم شود پس از اعمال عمره مفرده به «جحفه» یا «قرن المنازل» برود و برای عمره تمتع استیجاری محرم می‌شود؟

ج: اگر قرینه ای در بین نباشد که منظور مستأجر احرام از مسجد شجره است می‌تواند.

س ۳۵۹: فردی پس از استطاعت مالی برای حج اسم نویسی کرده و برای دو سال بعد قرعه به نام او درآمده ولی چند ماه قبل از حرکت فوت کرد در حالی که پسرش را نایب قرار داده بود که برای او حج بجا آورد، ولی پسر، خود استطاعت مالی داشته و در اسم نویسی مسامحه کرده و ننوشته است، در صورتی که اگر اسم

می‌نوشت شاید در همان سال اول، قرعه به نامش در می‌آمد و شاید هم سالهای بعد، اکنون پسر به عنوان نیابت حجّ بلدی از جانب پدر به مدینه آمده و هنوز هم محرم نشده، چه وظیفه‌ای دارد؟

ج: در فرض مرقوم نیابت صحیح نیست، و باید برای خودش حجّ نماید. و اگر پدر در اولین سال حصول استطاعت ثبت نام کرد و قبل از رسیدن نوبت و توفیق حجّ فوت نمود حجّ بر او واجب نیست و اگر استطاعت قبلاً بوده است و در ثبت نام و تهیه مقدمات تقصر کرده است باید برای او نائب بگیرند.

س ۳۶۰: اگر پس از انجام عمره تمتع مریض شود و به تشخیص پزشکان باید به وطن برگردد و نمی‌تواند اعمال حجّ بجا آورد، یا وقت وقوف گذشته و او را محرم نکرده اند، یا محرم کرده‌اند ولی برای وقوف نبرده اند، تکلیف چیست؟

ج: اگر حجّ بر او مستقر نشده و سال اول استطاعت او است پس از انجام عمره تمتع به وطن بر می‌گردد و اگر تا سال بعد استطاعت او باقی ماند لازم است به حجّ برود و حجه الاسلام را که مشتمل بر عمره تمتع و حجّ است بجا بیاورد و اگر استطاعت او تا سال بعد باقی نماند و یا خودش از دنیا رفت حجّ بر او واجب نشده است ولی اگر قبلاً مستطیع بوده است و سال بعد نرفته است و یا نتوانست برود لازم است از مال او برای وی حجّ نایی بگیرند.

س ۳۶۱: آیا طهارت لباس احرام یا سایر شرایط لباس نمازگزار شرط صحت احرام نیز هست، و آیا با ترک عمدی آن، احرام صحیح است؟
ج: شرط صحت احرام نیز هست.

س ۳۶۲: شرایط لباس احرام بانوان چیست؟

ج: بانوان می‌توانند در لباس خودشان به هر نحوی که هست احرام ببندند چه دوخته بشد یا نباشد ولی باید حریر خالص نباشد.

س ۳۶۳: شخصی قصد اعتکاف در مسجد الحرام را دارد، آیا می‌تواند قبل از اذان صبح در تنعیم محرم شود و بقیه اعمال را در حال اعتکاف انجام دهد، با توجه به

اینکه محل سعی جزو مسجد نیست؟

ج: لازم است قبل از اذان صبح در مسجد الحرام باشد.

س ۳۶۴: اگر کسی بدون احرام از مسجد شجره عبور کرد و به مکه رسید وظیفه‌اش چیست؟

ج: لازم است به یکی از میقاتها برگردد و احرام ببندد و اگر آن هم ممکن نیست از همانجا که هست احرام ببندد.

س ۳۶۵: نظر مبارک خود را در خصوص زنهائی که عادت ماهیانه دارند بفرمائید با توجه به اینکه مسجد شجره یک در دارد آیا می‌تواند در خارج مسجد شجره محرم شوند یا باید وارد مسجد شوند و در حال عبور محرم شوند؟

ج: باید در حال عبور از مسجد محرم شوند و نباید در مسجد توقف کنند.

س ۳۶۶: یکی از کارمندان سازمان حج و زیارت که بیش از یک ماه در مکه بوده و همین مدت از عمره قبلی او گذشته، برای کاری به جدّه می‌رود و در برگشت، بدون احرام وارد مکه شده است، وظیفه‌اش چیست؟

ج: لازم است به یکی از مواقیت برگردد و در آنجا احرام برای عمره مفرده ببندد و عمره مفرده انجام بدهد و اگر می‌خواهد حج تمتع انجام بدهد احرام عمره تمتع ببندد.

س ۳۶۷: شخصی از روی جهل به مسأله، در فرودگاه جدّه برای عمره مفرده محرم می‌شود و پس از انجام طواف و نماز و سعی متوجه می‌شود که می‌بایست در یکی از مواقیت مُحْرِم شده باشد، تکلیف او در این صورت چیست؟

ج: اگر بعد از اعمال متوجه شود عمره او صحیح است.

س ۳۶۸: در عمره مفرده زنیکه در میقات حائض است و می‌داند که در تمامی مدت اقامتش در مکه مکرمه حائض خواهد بود، آیا می‌تواند محرم شود یا خیر، و اگر نتواند محرم شود آیا می‌تواند بدون احرام وارد مکه شود یا خیر؟

ج: باید محرم شود و بدون احرام نمی‌تواند از میقات عبور کند و در صورتی

که تا آخر وقت اقامت خود در مکه پاک نشد باید برای طوافها و نماز آن نایب بگیرد و بقیه اعمال را خود انجام بدهد.

س ۳۶۹: زنی برای عمره مفرده به مکه رفته و محرم شده ولی حیض شده است و هنوز اعمال را انجام نداده است، آیا می‌تواند با حالت احرام از مکه خارج شود و مثلاً به جدّه برود؟

ج: در صورت اطمینان به مراجعت به مکه و انجام اعمال می‌تواند، ولی تا اعمال عمره را تا آخر انجام نداده است محرّمات احرام به او حرام است.

س ۳۷۰: آیا خوردن برنجی که روی آن زعفران داده‌اند برای شخص محرم اشکال دارد؟ و کفّاره هم دارد؟

ج: حرام است و کفّاره آن یک گوسفند است.

س ۳۷۱: آیا خوردن گل سرخ و محمدی که داخل ماست شده است برای محرم حرام است، کفّاره آن چیست؟

ج: گل‌هایی که بوی خوش می‌دهد مانند زعفران است که در سؤال فوق ذکر گردید.

س ۳۷۲: شخص محرم وارد مکه شده، آیا می‌تواند در روز سوار ماشین مسقف شود؟

ج: بعد از ورود به منزل اشکال ندارد.

س ۳۷۳: شخصی برای انجام عمره مفرده به مسجد تنعیم می‌رود و محرم می‌شود، آیا روز هم می‌تواند سوار ماشین مسقف شود؟

ج: چون جزء شهر مکه است می‌تواند.

س ۳۷۴: پوشیدن دمپایی دوخته برای مرد محرم چه حکمی دارد؟

ج: اشکال دارد.

س ۳۷۵: آیا خوابیدن محرم زیر لحاف یا پتوئی که اطراف آن دوخته است جایز است یا خیر؟

ج: مانعی ندارد ولی مانند لباس دوخته به خود نییچد.

س ۳۷۶: آیا پوشیدن روی پا برای مرد هنگام خوابیدن در حال احرام بوسیله لحاف و امثال آن جایز است یا خیر؟
ج: جائز است.

س ۳۷۷: آیا خشک کردن روی پا برای مرد هنگام احرام بوسیله حوله و امثال آن که نوعی پوشیدن حساب می‌شود جایز است یا خیر؟
ج: جائز است.

س ۳۷۸: گاهی در شهر مکه به قدری ملخ زیاد است که هنگام راه رفتن پا روی آنها گذاشته می‌شود، در اینگونه مواقع آیا مواظبت لازم است، و در صورت لزوم اگر مراقبت نکنند و ملخی کشته شود، کفاره آن چیست؟

ج: تا ممکن است لازم است از کشتن آنها در حال احرام اجتناب کند و اگر اجتناب نکرد در صورتی که تعداد کمی از آنها کشته شود کفاره آن کفی (به اندازه پر شدن کف دست) از اطعام است و اگر تعداد زیادی از آنها کشته شوند کفاره آن یک گوسفند است.

س ۳۷۹: به مچ بستن ساعتی که بند آن دوخته است برای فرد محرم چه حکمی دارد؟

ج: اشکال دارد.

س ۳۸۰: آیا خون گرفتن از بدن با سرنگ، از مصادیق ادمات محرم است و در حال احرام پرهیز از آن لازم است یا خیر؟
ج: پرهیز از آن لازم است.

س ۳۸۱: اگر ولی طفل، مقلد مرجعی باشد که به هنگام احرام، پوشیدن لنگ و ازار را برای بانوان نیز لازم می‌داند، آیا هنگام محرم کردن کودک نیز غیر ممیز لازم است بر او لباس احرام بپوشاند؟
ج: لازم است.

س ۳۸۲: چنانچه فردی در حین طواف با مأمورین نظافت حرم روبرو شد و فاصله او بیش از حدّ مجاز (۲۶/۵ ذراع) گشت ولی به همان صورت طواف را انجام داد و نماز و سعی و تقصیر را به جا آورد، و مجدداً طواف را انجام داد عمل او چه صورت دارد؟ آیا اعاده سعی و تقصیر لازم است؟ و آیا بین شوطهای اول و چهارم فرق است؟ و اگر نداند در شوط چندم بوده وظیفه‌اش چیست؟

ج: به نظر بنده در طواف همینقدر که طواف دورخانه خدا صدق بکند کافی است و مراعات حدّ مجاز که مرقوم داشته‌اید واجب نیست و مستحب است.

س ۳۸۳: شخصی در پایان یکی از اشواط طواف آن را رها کرده و لحظه‌ای استراحت می‌کند و هنگامی که برای تکمیل آن بر می‌گردد، شک می‌کند که شوط پنجم بوده یا ششم تکلیفش چیست؟

ج: طوافش باطل است.

س ۳۸۴: اخیراً در یکی از روزنامه‌های عربستان مقاله‌ای تحت عنوان «آیا جابجایی مقام ابراهیم مناسب است؟» به چاپ رسیده، و مطالبی تحت عنوان لزوم جابجایی مقام ابراهیم، به منظور رفع مانع برای طواف کنندگان مطرح شده است از آنجا که معمولاً دولت عربستان برای اقدامات خود قبلاً از طریق مختلف زمینه‌سازی می‌کند لذا خواهشمند است بفرمایید:

۱. چنین اقدامی از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

ج: چنین اقدامی فقط با نظر فقیه جامع الشرایط جایز است.

۲. در صورت عملی شدن این طرح، تکلیف زائران و حجاج بیت الله الحرام در رابطه با طواف و نماز پشت مقام چیست؟

ج: در وضع فعلی نیز بنده مطاف را محدود به مقام ابراهیم عليه السلام نمی‌دانم و نماز هم لازم نیست که نزدیک مقام باشد.

س ۳۸۵: اگر طواف واجب را قبل از نصف یا بعد از نصف قطع کند و پس از یک ساعت مجدد طواف را از سر بگیرد، طوافش صحیح است یا خیر؟ در همین فرض

اگر بلافاصله یا با فاصله اندک طواف را از سر بگیر و وظیفه‌اش چیست؟

ج: قطع طواف جایز نیست اگر می‌خواهد طواف را از سر بگیرد این طواف را به آخر برساند بعد از آن طواف را از سر بگیرد ولی در طواف واجب لازم است از قرآن یعنی پشت سرهم بودن و بلافاصله بودن دو طواف اجتناب کند.

س ۳۸۶: شخصی در یکی از اشواط، گامهایی را در اثر فشار جمعیت بی اختیار پیموده و به همان نحو ادامه داده و طواف را به پایان برده است، اکنون که مسأله را فرا گرفته، نه جای آن مقدار را می‌داند و نه شوط را، تکلیف او چیست؟

ج: لازم است طواف را اعاده کند.

س ۳۸۷: اگر در بین طواف نداند چند شوط بجا آورده و وظیفه‌اش چیست؟

ج: طوافش باطل است و باید اعاده کند.

س ۳۸۸: آیا طفلی را که محرم کرده‌اند برای طواف باید او را وضو دهند یا خیر؟

ج: لازم است وضو بدهند.

س ۳۸۹: آیا طفلی که محرم شده و در آغوش پدرش می‌باشد پدر می‌تواند همزمان هم برای خودش نیت طواف کند و هم نیت کند که این طفل را طواف می‌دهم؟

ج: می‌تواند.

س ۳۹۰: در صورت فوق اگر طفل خودش را نجس کرد آیا فقط طواف طفل باطل است یا طواف پدر هم بعلت حمل شیئی نجس باطل می‌باشد؟

ج: در حال طواف از حمل متنجس اجتناب شود.

س ۳۹۱: شخصی عمره مفرده‌ای به نیابت از پدرش انجام داده و روز بعد به نیابت مادرش محرم می‌شود. و در اثنای آن، متوجه می‌شود که در عمره اول طواف و نماز آن را بدون وضو انجام داده است، وظیفه او در این صورت چیست؟

ج: بعد از اتمام عمره دوم طواف و نماز آن را که از عمره اول بجا مانده است

بجا بیاور صحیح است.

س ۳۹۲: آیا به جز غسل مستحبی برای رفتن به مسجد الحرام، غسل دیگری برای طواف مستحب است، و در صورت وجود چنین استحبابی، آیا غسل به نیت هر دو کافی است؟

ج: بجز غسل مستحبی برای رفتن به مسجد الحرام استحباب غسل دیگری برای طواف ثابت نیست.

س ۳۹۳: آیا در طواف مستحبی می‌تواند دو یا سه طواف پشت سر هم انجام دهد، و بعد برای هر کدام نماز بخواند؟

ج: لازم است بعد از هر طواف نماز آن را بخواند.

س ۳۹۴: چنانچه پشت مقام ابراهیم علیه السلام ازدحام باشد و یا مأمورین اجازه خواندن نماز را ندهند، آیا لازم است برای خواندن نماز طواف، صبر کند و در وقت خلوت به فاصله چند ساعت یا چند روز، نماز را در پشت مقام بجا آورد و یا در همان موقع به فاصله دورتر از مقام بخواند؟

ج: در فرض مذکور در همان موقع به فاصله دورتر از مقام می‌تواند نماز طواف را بخواند.

س ۳۹۵: زنیکه استحاضه کثیره بوده و پس از غسل و وضو وارد طواف می‌شود و بعد از طواف خود را واری می‌کند و می‌بیند که چیزی خارج نشده است آیا باز هم برای نماز طواف وضوی مجدد لازم است یا خیر، با فرض اینکه ممکن است بعد از نماز خون خارج شود؟

ج: در فرض سؤال برای نماز طواف احتیاج به وضو نیست.

س ۳۹۶: مسلوس یا مبطون که باید برای نماز و طواف هر کدام یک وضو بگیرد آیا قبل از وضو واری و تعویض کهنه و شستن عورتین (با اینکه مخصوصاً در ایام حج تمتع مشقت دارد) لازم است یا خیر و همان وضو کفایت می‌کند؟

ج: اگر مشقت ندارد احتیاط واجب آن است که پیش از طواف عورتین را

تطهیر کند و بوسیله کیسه یا پارچه از سرایت نجاست به بدن جلوگیری نماید.

س ۳۹۷: پوشش دختر بچه در حال طواف چه اندازه است؟

ج: پوشش خاصی معتبر نیست، اگر به پنج شش سال رسیده است حکم بانوان را رعایت نماید.

س ۳۹۸: آیا روحانی کاروان که نماز طواف را به صورت فرادا خوانده می‌تواند همان نماز را همانند نمازهای یومیّه با نیت جماعت برای افراد کاروان بخواند یا خیر؟

ج: جواز نماز طواف به جماعت محلّ تأمل است.

س ۳۹۹: آیا صلاّه خلف مقام حکم تکلیفی است یا حکم وضعی و مثلاً اگر کسی نمازش را نزدیک دیوار زمزم خواند آیا حکم بطلان صلاتش می‌شود یا اینکه فقط معصیت کرده، لکن نمازش صحیح است؟

ج: در صورت نبودن مزاحمت و ازدحام و امکان نماز خلف مقام در جای دیگر نخواند.

س ۴۰۰: در صورتیکه فردی بخاطر ازدحام نتواند نماز طواف را خلف مقام بخواند آیا باید صبر کند یا اینک باید فوراً نمازش را در جائی که مقدور است بخواند و بعد در صورت امکان ولو روزهای بعد نزدیکتر اعاده نماید؟

ج: در فرض مذکور صبر لازم نیست در هر جای از مسجد الحرام میتواند بخواند هر چند نسبت به مقام رعایت الاقرب فالاقرب بهتر است.

سعی

س ۴۰۱: با توجه به اینکه در روزهای ششم و هفتم ذیحجه بر اثر ازدحام زیاد مأمورین مانع می‌شوند که معذورین را با چرخ در طبقه پایین بین صفا و مروه سعی انجام دهند. آیا می‌شود در این صورت معذورین را با چرخ در طبقه دوم و سوم صفا و مروه سعی داد یا خیر؟

ج: لازم است سعی میان دو کوه صفا و مروه واقع شود بنابراین اگر محرز است که طبقه دوم یا بالاتر میان دو کوه صفا و مروه واقع است اشکال ندارد ولی اگر محرز و ثابت نباشد اشکال دارد.

س ۴۰۲: اگر سعی در وسط دور اول رها کند و بلافاصله سعی را از سر بگیرد وظیفه اش چیست؟ اگر این عمل را در دور دوم یا چهارم انجام دهد حکم آن چیست؟

ج: این عمل درست نیست اگر می خواهد سعی را از سر بگیرد سعی اول را به آخر برساند بعد از آن سعی را از سر بگیرد.

س ۴۰۳: چنانچه فردی نمی تواند سعی انجام دهد و گرفتن چرخ هم با مشکل مواجه باشد آیا می توان از او نیابت کرد و سعی انجام داد یا خیر؟

ج: اگر خود توانایی ندارد و گرفتن چرخ هم مشقت و حرج داشته باشد میتواند نائب بگیرد.

س ۴۰۴: کودکی که محرم به احرام عمره مفرده بود، گاهی در حال سعی می دوید و گاهی به عقب بر می گشت و با همین وضعیت اعمال عمره را به پایان برده است، اکنون چه وظیفه ای دارد؟

ج: لازم است آن مقدار از مسیر را که طفل به عقب برگشته است کسی که همراه طفل است او را به طرف جلو ببرد.

س ۴۰۵: بنده چون مسئول گروه حجّ بودم به استناد وظیفه ام مراقبت از بیماران و عاجزهای گروه بود، وقوف اضطراری انجام دادم، لطفاً وظیفه شرعی این جانب را بیان فرمائید.

ج: اگر همراه عجز بوده اید که لازم بوده به آنان باشید و آنان از وقوف اختیاری معذور بوده اند برای شما هم اشکالی نداشته، بلی اگر نایب کسی شده اید نیابت شما درست نبوده است.

س ۴۰۶: الف: یکی از زائران بیت الله الحرام در حجّ تمتّع سال گذشته در روز

یازدهم به دلیل ترافیک سنگین نتوانسته رمی جمرات را انجام دهد. روز دوازدهم جهت رمی روزهای یازدهم و دوازدهم عزیمت نموده ولی به دلیل ناآگاهی به مسئله در جمره اولی، اول برای یازدهم و بعد برای دوازدهم نیت کرده و رمی نموده و بعداً به جمره وسطی رفته و برای دو روز نیت کرده و پشت سر هم رمی نموده و سپس به جمره عقبه رفته و به شرح فوق رمی نموده است. شب چهاردهم ذی الحجّ متوجّه شده که می‌بایست اوّل در هر سه مکان برای روز یازدهم رمی کند و برگردد دوباره به نیت دوازدهم رمی نماید. لذا روز چهاردهم به منی رفته و وظیفه خود را می‌خواهد انجام بدهد تکلیفش چیست؟

ج: در هر سه مکان مزبور به همان ترتیب لازم است نیت قضا نماید اوّل به نیت روز یازدهم رمی نماید و بعد از آن که هر سه به اتمام رسید برگردد و به نیت روز دوازدهم رمی کند.

ب: چنانچه ضروری باشد در حجّ آینده نایب بگیرد بفرماید آیا نایب می‌تواند در هر وقت از سه روز اقامت در منی این کار را انجام دهد یا خیر؟
ج: در روز یازدهم قضای روز یازدهم و در روز دوازدهم قضای روز دوازدهم را انجام بدهد.

پ) آیا حتماً باید در روز انجام دهد یا شب هم می‌تواند رمی نماید.
ج: در روز به ترتیبی که گفته شد انجام بدهد.

س ۴۰۷: شخصی در شب دوازدهم در منی بیتوته را انجام می‌دهد و نیمه شب شرعی از منی خارج می‌شود و به مکه می‌آید و اعمال حجّ تمتع را انجام می‌دهد و برای رمی جمرات بعد از ظهر روز دوازدهم می‌رود به منی و رمی می‌کند، آیا اشکال دارد یا خیر؟
ج: اشکال ندارد.

س ۴۰۸: آیا عمره مستحبی می‌توان هم نیت خود را داشت و هم نیت دیگری را؟
مثلاً پدر و مادر و...

ج: بلی می شود.

س ۴۰۹: شخصی در میقات برای خودش محرم می شود و تلبیه می گوید، بعد به فکر می افتد که چون خودش حجّ واجب در سالهای گذشته بجا آورده، برای پدر یا مادر یا یکی از خویشاوندان دیگرش حجّ تبرعی بجا آورد، آیا می شود با نیت عدو کند، و یا دوباره به نیت شخص مورد نظر محرم شود یا خیر؟

ج: اگر به احرام صحیحی محرم شده، نمی تواند نیت را عوض کند و باید عملش را به همان نیتی که در احرام داشته، اتمام کند.

س ۴۱۰: آیا می توانم برای مادرم و برای خودم فریضه حجّ را انجام دهم؟

ج: در یک سال بیش از یک حجّ واقع نمی شود.

س ۴۱۱: زائرانی که در ماه مبارک رمضان به عمره مشرف می شوند، گاهی شب به مدینه و یا مکه می رسند که در نتیجه قصد کرده روزه می گیرند. خواهشمند است بفرمایید:

۱. اگر در بین روز رسیدند، آیا از همان ساعتی که می رسند باید ده روز را به حساب آورند؟

ج: در بین روز هم می تواند قصد ده روز نماید و اگر چند ساعت کم باشد باید از روز یازدهم جبران شود.

۲. و یا آن که ده روز کامل است و شبها به حساب نمی آید؟

ج: اگر او صبح به مقصد رسیده و قصد ده روز نماید تا پایان روز دهم کافی است و شب آخر لازم نیست که به حساب بیاید.

۳. اگر مدیر کاروان با توجه به این که می داند توقف زائران در مدینه یا مکه کمتر از ده روز است به آنها اعلام می کند که ده روز می مانیم و آنان به اعتماد گفته او نمازشان را تمام می خوانند و روزه می گیرند ولی قبل از ده روز از آنجا می روند، حکم شرعی نسبت به مدیر که این مطلب را اعلام می کند و نماز و روزه زائران چیست؟

ج: در صورتی که از گفته مدیر کاروان اطمینان پیدا کردند و بر آن اساس قصد روز کرده و نمازشان تمام خواندند و روزه گرفتند نماز و روزه آنها صحیح است و لازم است از گفتن خلاف واقع اجتناب شود.

س ۴۱۲: وقف به حرکت و وصل به سکون در تلبیه چه حکمی دارد؟
ج: احتیاط واجب در مراعات است.

س ۴۱۳: در رساله مناسک حج فرموده اید: مستحب است که تلبیه عمره تمتع تا پیدا شدن خانه های مکه معظمه و تلبیه حج تمتع تا ظهر روز عرفه ادامه داشته باشد، آیا تلبیه عمره مفرده هم استحباب دارد یا خیر؟ و در صورت استحباب تا کجا باید ادامه داشته باشد.

ج: در عمره مفرده ادامه تلبیه تا دخول حرم ثابت است.

س ۴۱۴: با توجه به اینکه برخی از فقهای بزرگوار، حجر اسماعیل را جزء کعبه می دانند، خواندن نمازهای واجب داخل حجر چه حکمی دارد؟
ج: حجر جزء بیت نیست هر چند که در مطاف داخل است و نماز خواندن در آن چه واجب چه مستحب اشکال ندارد.

س ۴۱۵: اقتدا به نماز اهل سنت در ایام حج جایز است یا خیر؟
ج: جائز است و فضیلت زیادی دارد.

س ۴۱۶: صحت نماز استداره در مسجد الحرام چگونه است؟
ج: میزان استقبال خانه کعبه است در وضع استداره نیز چون همه روی به خانه کعبه قرار می گیرند نمازشان صحیح است و در جماعت شرایط جماعت حتی الامکان رعایت شود.

س ۴۱۷: مراد از جواز اتمام صلاة در تمامی شهر مکه و مدینه آیا مکه و مدینه قدیم است یا فعلی؟
ج: مراد مکه و مدینه فعلی است.

س ۴۱۸: در مسجد النبی ﷺ و بیت الله الحرام برای نماز جماعت به خصوص

برای بانوان اتصال نیست. آیا اقتدا کردن به این نحو جایز است؟

ج: در صورت اقتدا و شرکت در نماز جماعت با شرایطی که آنها صحیح می‌دانند برای ما هم صحیح است.

س ۴۱۹: آیا در نماز جماعت اهل سنت در مکه و مدینه هم می‌توان برای درک ثواب، در تشهد آخر اقتدا کرد و بدون تکبیر مجدد نماز را به طور فرادا ادامه داد؟
ج: بلی می‌تواند.

س ۴۲۰: اگر از سوی حاکم عامّه اول ماه رمضان اعلام شود، برای کسانی که در مکه و مدینه هستند و تقیه‌ای در تبعیت نیست و برای خود فرد هم یقین به او ماه نیست، آیا تبعیت لازم است؟

ج: تبعیت لازم است و این خود یک نوع تقیه است تقیه مداراتی خوانده می‌شود.

س ۴۲۱: خانمی در ایام حجّ برای آنکه بتواند اعمال را انجام دهد، از قرص استفاده کرد، لیکن در ایام عادت یا خارج آن خون می‌بیند و نمی‌داند که این جریان خون تا سه روز ادامه پیدا می‌کند یا نه؟ یا حتی احتمال می‌دهد که تا سه روز ادامه پیدا نکند، در فرض داشتن صفات یا نداشتن صفات حیض، تکلیف چیست؟
ج: تا سه روز عمل به احتیاط کند تا وضع روشن شود.

س ۴۲۲: شخصی مگه مشرف شده لکن غسل مسّ میّت بر گردن داشته و قبل از رفتن غسل جنابت هم نکرده تکلیفش چیست؟

ج: در صورت امکان لازم است که خود بعد از غسل مسّ میّت شخصاً طواف عمره تمتّع و نماز طواف و نیز طواف حجّ و نماز طواف و طواف نساء و نماز طواف نساء را انجام بدهد و اگر ممکن نیست باید برای انجام اینها نایب بگیرد و تا نایب، این اعمال را انجام نداده است از مباشرت با زن خودداری کند.

س ۴۲۳: شخصی پس از استقرار وجوب حجّ، دیوانه شده، وظیفه ولی، نسبت به حجّ او چیست؟

ج: اگر مال دارد لازم است ولی اقدام به حجّ نیابی از طرف او بکند.

س ۴۲۴: آیا آمیزش با زن قبل از انجام طواف نساء و نماز آن در عمره مفرده و تمتّع مستحبی حرام است یا خیر؟ و آیا کفّاره دارد یا خیر؟

ج: حرام است و کفّاره آن یک شتر است.

س ۴۲۵: اگر کودک را در حال خواب، طواف یا سعی دهند یا بخشی از طواف و سعی را در خواب باشد چه حکمی دارد؟

ج: در کودک، خواب به اندازه متعارف به طواف و سعی او ضرر نمی‌رساند.

س ۴۲۶: شخصی تمام اختیارات اموال پدرش را دارد و پدر نمی‌تواند بالمباشره حجّ را بجا آورد، پسر بدون تذکرّ دادن به پدر شخصی را اجیر برای حجّ پدر نموده و برای حجّ خود نیز مشرف شده، در این فرض آیا حجّ اجیر برای حجّ پدر، مجزی است یا خیر؟ و هر گاه در مدینه تصمیم بگیرد که آنچه را از مال پدر به اجیر داده است با پدر حساب نکند و از مال خودش باشد، رفع اشکال می‌شود یا خیر؟

ج: در فرض مزبور اگر از پدر وکالت مطلقه و در همه امور دارد کافی است.

س ۴۲۷: شخصی پس از آنکه به مدینه مشرف شد جنون پیدا کرد با توجه به اینکه سابقاً حجّ بر او مستقر شده است، اکنون وظیه چیست؟

ج: فقط حاکم شرع می‌تواند برای او نائِب بگیرد.

س ۴۲۸: کودک ممیزی بدون امر ولی در میقات محرم شده و تنها سعی و تقصیر را انجام داده است. تکلیف او یا ولیّش نسبت به بقیه اعمال چیست؟

ج: لازم است برگردد و اعمال را به ترتیب انجام بدهد.

س ۴۲۹: اگر کودک ممیزی، بدون اذن ولی محرم شود و در حال احرام، یکی از محرّمات را مرتکب شود، کفّاره آن برعهده کیست؟

ج: لازم است ولی طفل را از ارتکاب محرّمات احرام باز دارد و اگر باز نداشت

کفّاره بر عهده ولی طفل است.

س ۴۳۰: بر فرض اینکه شخصی با نادیده گرفتن مقررات موفق شد تا ایام حجّ در

کشور سعودی مخفی شود بفرمائید حجّی که به جا آورده چه صورتی دارد؟

ج: با وجود ارتکاب حرام در مقدمات حجّ صحیح است.

س ۴۳۱: بعضی از زائران که در ماه مبارک رمضان به زیارت حرمین شریفین مشرف می‌شوند و برابر مقررات پس از مهلت مقرر باید به کشور باز گردند لیکن بعضاً با نادیده گرفتن قوانین کشور جمهوری اسلامی ایران و کشور سعودی مخفیانه و غیر قانونی در آنجا می‌مانند تا در موسم، حجّ بجا آورند از آنجا که این امر علاوه بر زیانهای فراوان موجب وهن نیز می‌باشد و باعث ایجاد جو نامناسب و نا شایستی علیه شیعه و کشور اسلامی می‌شوند بفرمایید این عمل فی نفسه جائز است یا خیر؟

ج: عمل مزبور جائز نیست و لازم است از انجام هر عملی که موجب وهن

شیعه می‌شود جداً خودداری شود.

س ۴۳۲: نظر به اینکه ایران اسلامی با صرف هزینه های هنگفت از بودجه بیت المال مسلمین و تقدیم شهدای گرانقدر در راه مبارزه با مواد مخدر از این پدیده خانمانسوز جلوگیری می‌کند ولی با کمال تأسف انتقال این مواد توسط اندکی از زائرین و دستگیر شدن آنها توسط پلیس سعودی، به همراه تبلیغات مسمومی که در کنار این قضیه به راه می‌اندازند تمام زحمات فرزندان رشید این مرز و بوم و هزینه‌های فراوانی که صرف این کار شده به هدر می‌رود، از طرف دیگر قوانین سخت کشور عربستان که هرچند ماه یکبار در میادین شهرهای بزرگ تعدادی از مردم ملیتهای مختلف را به جرم حمل مواد مخدر گردن می‌زنند اقدامهای پیشگیرانه برای حفظ آبرو و حیثیت تشیع و کشور امام زمان علیه السلام در اجتناب ناپذیر می‌نماید: اولاً: عمل این دسته از زائرین از نظر شرع اسلام چه حکمی دارد؟

ج: تردیدی نیست که عمل این دسته از زائران حرام است.

ثانیاً: سازمان حج و زیارت می‌تواند پس از تذکر به کلیه زائران در این خصوص،

نسبت به افرادی که با علم و اطلاع از چنین عواقب سوئی اقدام به بردن مواد مخدر می‌کنند، از رفتن آنها به حج در آن سال جلوگیری کند، یا نه؟ آیا این امر نسبت به کسانی که حج واجب بجا می‌آورند یا استحبابی یا عمره مفرده تفاوتی دارد یا خیر؟

ج: از رفتن کسانی که با علم و اطلاع از آثار زیانبار این عمل اقدام به بردن مواد مخدر می‌کنند می‌توانند جلوگیری کنند ولی اگر ممکن باشد که جمع کنند بین جلوگیری از بردن آن مواد و رفتن اشخاصی که می‌خواهند به حج بروند مخصوصاً حج واجب این کار را مقدّم بدارند.

س ۴۳۳: توجهاً به اینکه اقتداء به جماعت اهل سنت را با اینکه از نظر فقه شیعه فاقد بسیاری از شرایط است از قبیل صحت وضوء عدالت امام، مکان سجده، عدم اتمام سوره و امثال آن است، بسیاری از فقها محترم شیعه صحیح و مجزی دانسته‌اند لکن اخیراً نقل شده که برخی از فقهاء محترم در مورد عدم رعایت فاصله بین صفوف اشکال نموده‌اند با اینکه بنظر اهل سنت این گونه جماعت‌ها صحیح است و مثلاً در ایام عمره که فاصله صف خانمها در مسجد النبی ﷺ است با صف آقایان بیش از صد متر ولی آنها این جماعت را صحیح و مجزی می‌دانند و ما اگر بخواهیم طیف نظر خودمان عمل نمائیم بکلی در ایام عمده خانمها در مسجد النبی ﷺ نباید اقتدا نمایند و جماعت آقایان نیز در بسیاری از موارد با اشکال مواجه است لذا خواهشمند است نظر مبارک خود را در خصوص:

الف: صحت اقتداء به اهل سنت و مجزی بودن آن در صورتیکه فاصله بین صفوف زیاد است لکن بنظر آنها جماعت صحیح می‌باشد.

ج: در فرض مذکور اشکال ندارد.

ب: مجزی بودن جماعت بنحو استداره در مسجد الحرام بیان فرمائید.

ج: مانعی ندارد.

کسب و کار حرام

س ۴۳۴: استعمال تریاک به طور کلی چه حکمی دارد؟

ج: جائز نیست.

س ۴۳۵: در روستای ما که از روستاهای اطراف سبزوار می‌باشد، مردم و کشاورزان برای مقاومت در برابر کارهای طاقت فرسا، از تریاک استفاده می‌کنند. و در ضمن یقین دارند کشیدن تریاک برایشان اعتیادآور نمی‌باشد اما برای انجام کارهای دشوار، همچون بیدار ماندن در شبهایی که نوبت آب آنهاست و یا کار کردن و شخم زدن روی زمین که با کشیدن تریاک می‌توانند به جای ۴ نفر زمین را شخم زنند و کار کنند، تریاک را استعمال می‌کنند، مستدعی است با توجه به اینکه کشت، داشت و برداشت خشخاش و نگهداری تریاک از نظر قانون نظام اسلامی ممنوع و تعزیر حکومتی دارد نظر حضرتعالی را در این باره مرقوم فرمایید.

ج: جائز نیست.

س ۴۳۶: آیا مصرف مواد مخدر در معالجات و درمان دردها مطلقاً اشکال ندارد یا فقط در صورت انحصار؟

ج: فقط در صورت انحصار.

س ۴۳۷: لطفاً نظر مبارک را در مورد خرید و فروش مواد مخدر بخصوص تریاک بیان فرمایید.

ج: جایز نیست مگر در ضرورت برای معالجه

س ۴۳۸: ترانه‌هایی که به وسیله بیگانگان خوانده می‌شود و به طور غمناک است و غناء ندارد چه حکمی دارد؟

ج: اگر غنا نباشد حرام نیست.

س ۴۳۹: سرودهایی که در صدا و سیما پخش می‌شود و همراه با موسیقی و غناء است چه حکمی دارند؟

ج: غناء حرام است و مسأله غناء و موسیقی در آخر توضیح المسائل مذکور است.

س ۴۴۰: آیا استماع به تمام آهنگهایی که از صدا و سیما پخش می‌شوند جایز است و بر اساس اینکه در صدا و سیما روحانیونی حاضر هستند و در آنجا نظارت می‌کنند، آیا می‌توان گفت تمام آهنگهایی که پخش می‌شوند مورد تأیید می‌باشند؟

ج: فقط هر آهنگی که بصورت غنای محرم نباشد استماعش جایز است، و شرح غنای محرم در آخر توضیح المسائل ذکر شده است.

س ۴۴۱: کف زدن به طور مطلق چه حکمی دارد؟ و همچنین کف زدن در مراسم اعیاد مذهبی که در مساجد و حسینیه‌ها منعقد می‌گردد چه حکمی دارد؟

ج: در غیر مساجد و حسینیه در صورتی که وقار و متانت مجامع اسلامی رعایت شود و به حدی نرسد که جلف محسوب شود اشکال ندارد ولی لازم است در مساجد و حسینیه به فرستادن صلوات و گفتن تکبیر که سنت اسلامی است اکتفا شود.

س ۴۴۲: غناء در عروسی چه حکمی دارد؟

ج: در عروسی جائز است به شرط اینکه با محرّمات توأم نباشد.

س ۴۴۳: حکم استماع موزیک (بدون خوانندگی) چیست؟

ج: در صورتی که مهیج شهوت و موجب فساد نباشد جائز است.

س ۴۴۴: پس از پیروزی انقلاب با مسئله خوانندگی زنان چه نوع باید برخورد شود؟ و از آنجا که صدای زن فی نفسه حرام نیست بفرمائید اگر زنی اقدام به خواندن کند و حالت او هنگام خواندن حفظ بشود و مطمئناً اشعار موسیقی و غنا هم نباشد و از مصادیق لهو و لعب نیز نباشد ضمناً بر روی نوار نیز ضبط شده باشد

گوش دادن برای مردان چه حکمی دارد؟

ج: در فرض مذکور اشکال ندارد.

س ۴۴۵: در رادیو مدح ائمه طاهرين علیهم السلام یا واقعه کربلا را با وزن و ساز و با لحن

خوب می‌خوانند آیا استماعش جایز است یا خیر؟

ج: اگر غنا و موسیقی نباشد مانعی ندارد.

س ۴۴۶: آیا آواز خواندن زوجه برای زوج خود در صورتی که منجر به غناء شود

جایز است یا خیر؟

ج: تا منجر به غنا نشده است اشکال ندارد.

س ۴۴۷: خواندن آیات قرآن به صورت سرود یا آهنگ جایز است یا خیر؟

ج: تا هنگامی که به غنای حرام نرسد جائز بلکه ممدوح است.

س ۴۴۸: طبل زدن و سنج در ایام محرم در داخل مسجد چه حکمی دارد؟

ج: بقدری که متعارف و معمول است جائز است.

س ۴۴۹: طبل زدن بر دیگ یا قابلمه یا دبه و امثال آنها که از آلات لهو نمی‌باشد

جایز است یا خیر؟

ج: جایز است.

س ۴۵۰: نگاه به تلویزیون که فیلمهای خارجی را بدون حجاب و یا با وضع فجیع

نشان می‌دهد نظیر زنهای بدون روسری و چادر چه حکمی دارد؟

ج: اگر موجب فساد شود حرام است.

س ۴۵۱: بازیگرانی که نقش زن و شوهر و یا مادر و فرزند و... را در فیلم‌های

عاطفی و خانوادگی بازی می‌کنند برای بیان این رابطه از کلمات محبت آمیزی

همچون «عزیزم» و ابزار احساسات عاطفی مانند نگاه کردن و خندیدن استفاده

می‌کنند ابزار این گونه حالات و کلمات خصوصاً اگر آثار منفی داشته باشد چه

حکمی دارد؟

ج: جایز نیست.

س ۴۵۲: دیدن تصویر زنهای متبرج در فیلمهای ایرانی و خارجی که از تلویزیون پخش می‌شود و آنها فاقد حجاب اسلامی هستند برای غیر محارم چه حکمی دارد؟

ج: اگر موجب فساد و انحراف اخلاقی باشد جایز نیست.

س ۴۵۳: نگاه کردن و گوش کردن به برنامه‌های کشورهای خارجی چه صورت دارد؟

ج: در صورتی که موجب انحراف فکری و اخلاقی نباشد جایز است.

س ۴۵۴: تظاهر به کارهای حرام از قبیل شرب خمر، حالات مستی ناشی از شرب خمر و... جایز است؟ (در صورت ضرورت نقش به هدف بیان آثار سوء این گونه افعال حرام است)

ج: در صورتی که تنفر از منکرات بر آن مترتب شود اشکال ندارد.

س ۴۵۵: نشان دادن چهره کامل پیامبر ﷺ و حضرت زهرا علیها السلام و سایر ائمه علیهم السلام در حالات زیر چه حکمی دارد؟ الف) نشان داده چهره کامل بدون هیچ گونه تغییر در چهره پردازی؟ ب) نشان دادن چهره کامل همراه با گریم، به گونه‌ای که تماشاگر با کمی دقت، مصنوعی بودن آن را بفهمد. ج) استفاده از اشخاصی که در تمام مدت بازیگری خود فقط نقش ائمه را بازی می‌کنند. د) استفاده از بازیگرانی که فقط نقشهای مثبت را بازی می‌کنند.

ج: جائز نیست به هیچ وجه.

س ۴۵۶: در حال حاضر، عکس و صورت معصومین علیهم السلام ساخته شده، آیا این تصاویر مبتنی بر حقیقت است یا خیر؟

ج: ملاک صحیحی ندارد.

س ۴۵۷: دیدن تصویر زنانی که حدّ پوشش شرعی را رعایت نمی‌کنند چه حکمی دارد؟

ج: اگر شناخته شده است جایز نیست و در صورت عدم شناخت اگر فساد بر

آن مترتب می‌شود جایز نیست.

س ۴۵۸: مشاهده تصاویر ورزشکاران یا مردانی که غیر از عورتین قسمتهایی از بدن مشخص باشد توسط زن اشکال دارد؟ (در تلویزیون و عکس و...)
ج: موجب فساد نباشد اشکال ندارد.

س ۴۵۹: نظر مبارک را در خصوص تصاویر تخیلی، تصاویر برقی و کامپیوتری مجسمه، تصاویر کاریکاتور و کارتنی بیان فرمایید؟
ج: در صورتی که با محرّمات دیگر توأم نباشد اشکال ندارد.

س ۴۶۰: به منظور مقابله با تهاجم فرهنگی و جذب نیروها به سمت مساجد، گروهی از نوجوانان را در مسجد گردهم آورده‌ایم، لذا به منظور تشویق و ترغیب بیشتر این نونهالان قصد به نمایش گذاشتن فیلم ویدیویی را در مسجد داریم و ضمناً کلاسهای آموزش قرآن و احکام و برنامه‌های فرهنگی دیگر برای این عزیزان برگزار می‌گردد خواهشمند است نظر مبارکتان را مرقوم فرمائید.

ج: در صورتی که محتوای فیلمها صد در صد مشروع و آموزنده باشد و ضمناً مزاحمتی برای عبادت و اجتماعات معمول در مساجد نباشد کار بسیار خوبی است و مهمترین سرمایه برای جوانان عزیز تقوای الهی است.

س ۴۶۱: آیا استفاده از صدای زنان و رفتار و کردار آنان در عرصه‌های هنری در قالب طنز و ایجاد خنده و شادی جایز است؟

ج: بطور کلی لازم است از محرّمات دین مقدس اسلام از قبیل دروغ، غیبت، طعن، تمسخر، هتک احترام مسلمان، اشاعه فحشاء و تهییج شهوات اجتناب شود.

س ۴۶۲: آیا در خانه، مسجد یا مکانی که تصاویر امامان علیهم‌السلام و حرم مطهر ایشان و مکه معظمه نصب شده اگر انسان پشتش به آنها باشد یا پایش را به سمت آنها دراز کند اشکال دارد؟

ج: اگر اهانت نباشد اشکال ندارد.

س ۴۶۳: تبلیغ برای نوع خاصی از کالاهای مشروع در رسانه‌ها و غیر آنها چه حکمی دارد؟

ج: جائز است.

س ۴۶۴: تعزیه خوانی و شبیه خوانی، پوشیدن لباسهای رنگارنگ، مرد لباس زن پوشیدن، طبل، سنج، شیپور و نی زنی، نوحه خوانی، سینه‌زنی زنجیر زنی و روضه خوانی بر منبر، نظر اسلام راجع به این موضوعات را مشروحاً بیان فرمایید.

ج: در تعزیه خوانی اگر مطالب را صحیح بخوانند و دروغ نخوانند و از غنا اجتناب شود و مرد لباس زن نپوشد و از اجتماع مرد و زن مفاسدی بوجود نیاید و طبل و سنج به طور متعارف به کار برده شود اشکال ندارد و اما نوحه خوانی اگر مشتمل بر دروغ نباشد بی اشکال بلکه ممدوح و راجح است و همچنین است روضه خوانی و سینه‌زنی که اشکال ندارد.

س ۴۶۵: نسبت به بندهای زیر نظر شریف خویش را بیان فرمایید:

۱- اگر برای بزرگداشت خاطره شهیدان در یکی از میادین نمادی از شهید ساخته شود مجاز است؟

۲- آیا اگر سربازی ساخته شود که در حال تیراندازی بسوی دشمن است دارای حرمت می‌باشد؟

۳- آیا می‌توان برای نشان دادن تجاوز و استکبار (مثلاً مردم شهر حلبچه را که مظلومانه توسط بمب شیمیایی از بین رفتند) به همان صورت با ساختن مجسمه‌های آنان بازسازی نمود؟

۴- اگر انسان که سر به سجده برده و خدا را پرستش می‌کند ساخته شود اشکال دارد؟

۵- آیا ترمیم آثار باستانی مانند نقوش برجسته و یا مجسمه‌هاییکه از درویش باقی مانده است دارای اشکال است؟

۶- آیا ساختن عروسک‌ها، اعم از حیوان یا انسان جهت تهیه فیلم‌های عروسکی

- برای آموزش مسائل اجتماعی و اخلاقی و درس کودکان دارای اشکال است؟
- ۷- آیا برای نسان دادن خصلت‌های خوب در اشخاص بزرگ و خصلت‌های بد در افراد پست می‌توان از مجسمه کمک گرفت؟
- ۸- آیا ساختن آدمهائی در لباس سربازان و قرار دادن آنها در قسمت‌های حساس استراتژیک برای فریب دشمن دارای اشکال است؟
- ۹- ساختن آدم‌های آهنی (کامپیوتری) که خود نوعی مجسمه است جایز است یا خیر؟

۱۰- آیا می‌توان مجسمه سر و صورت شخصی را ساخت؟

۱۱- بت چیست و آیا با مجسمه تفاوت دارد؟

ج: ساختن مجسمه در صورتی که برای هدف عقلانی باشد و اسراف محسوب نشود جائز است ولی در رابطه با اسراف توجه به این مطلب لازم است که احتیاجات و ضرورت‌های فردی و اجتماعی یک مملکت باید براساس مراتب احتیاجات طبقه‌بندی شود و تا احتیاجات درجه اول تأمین نشده است صرف مال در راه تأمین احتیاجات درجه دوم اسراف است و همچنین است درجه دوم نسبت به سوم بنابراین از آنجا که در مملکت ما با وضوع تورّم و گرانی که افراد فراوانی از تأمین احتیاجات درجه اول زندگی ناتوان می‌باشند و مشکلاتی از نظر تأمین بودجه مملکتی گریبانگیر دولت اسلامی است صرف مال در موارد که فوقاً ذکر شده بعید نیست که اسراف باشد.

س ۴۶۶: آیا بین مجسمه نیم تنه و ناقص با مجسمه‌های تمام قد و کامل فرقی از نظر حکم شرعی وجود دارد؟ و تصاویر فرشته و جنّ به صورت مجسمه و به صورت منقوش دارای چه حکمی است؟

ج: فرقی ندارد، در صورتی که اسراف نباشد و اهانت به فرشتگان نیز نباشد اشکال ندارد.

س ۴۶۷: آیا قصه‌گویی، مثل زدن، داستان‌سرائی یا فیلم‌سازی که در آن اشخاص

غیرواقعی هستند و چه خواننده داستان و یا بیننده فیلم می‌داند که این غیر واقعیت است و در حقیق سازنده فیلم، بازیگر و بیننده و... می‌دانند که مسأله واقعیت ندارد ولی هدف گوشزد امری نیک یا نهی از امری بد است در قالب یک داستان یا فیلم، آیا نویسندگان، کارگردانان، بازیگران اینها دروغگو محسوب می‌شوند در صورتی که این رشته‌ها در دانشگاهها نیز تدریس می‌شود.

ج: چون معلوم است که غیر واقعی است و برای هدف معینی ساخته شده است در صورتی که از همه جهت مشروع باشد و آموزش صددرصد مثبت در آن مترتب شود اشکال ندارد.

س ۴۶۸: دروغ گفتن به کودکی که قادر به تمییز و تشخیص مسائل نیست اشکال دارد؟

ج: اشکال دارد.

س ۴۶۹: آیا خلف وعده مرد نسبت به همسرش و دروغ گفتن به او جایز است یا خیر؟ اگر جایز است در چه صورت؟

ج: خلف وعده و دروغ جایز نیست.

س ۴۷۰: در فرض اینکه مصلحت ضروری و ملزمه‌ای جهت حفظ خون یا مال یا ناموس مؤمنی وجود داشته باشد آیا امکان دارد جهت حفظ خون یا مال یا ناموس آن مؤمن شهادت کذب داد یا قسم دروغ خورد؟

ج: در موارد مذکور در فوق قسم دروغ - اگر توریه ممکن نباشد - جایز است ولی شهادت کذب به هیچ وجه جایز نیست.

س ۴۷۱: جُکها و لطیفه‌هایی که در آن از قومیت خاصی (مانند ترکها و...) نام برده می‌شود چه حکمی دارند؟

ج: اگر موجب تحقیر و تنقیص آنها نشود، بطوری که اگر بشنوند ناراحت نمی‌شوند، اشکال ندارد.

س ۴۷۲: نشست و برخاست و غذا خوردن در منازل (اهل حق) علی‌اللهی چه

حکمی دارد آیا اینها پاک هستند یا خیر؟

ج: عوام آنها چون به لوازم مذهب خود توجه ندارند پاک می‌باشند و نشست و برخاست با آنها اگر تحت تأثیر آداب آنها قرار نگیرند اشکال ندارد.

س ۴۷۳: رفتن به مجالس دراویش چه حکمی دارد؟

ج: جائز نیست مگر برای ارشاد.

س ۴۷۴: بازی شطرنج از نظر شرعی حرام است یا خیر؟

ج: در صورتی که شطرنج از آلت قمار بودن خارج شده و فقط به عنوان یک ورزش فکری به کار گرفته شود اشکال ندارد.

س ۴۷۵: نظر مبارک شما راجع به بُکس چیست؟ با توجه به اینکه تغییراتی در آن داده‌اند و لباسها و کلاههای مخصوصی روی صورت ورزشکاران را می‌پوشاند؟

ج: اگر ضَرَر و خُوف ضرر نباشد اشکال ندارد.

س ۴۷۶: اگر چند نفر دور یک میز تنیس جمع شوند و شرط کنند که هر کس که باخت مثلاً برای دیگران نوشابه بخرد آیا چنین شرطی اشکال دارد یا خیر؟

ج: اشکال دارد.

س ۴۷۷: شعبده بازی چه حکمی دارد؟ و همچنین بودن در مجلسی که در آن شعبده می‌شود؟

ج: جائز نیست.

س ۴۷۸: در مورد تخلیه روحی (هیپنوتیزم) و حکم شرعی آن توضیح دهید و بفرمایید که اگر بشود به وسیله هیپنوتیزم (تمرکز فکر) به مدارج عالی عرفانی رسید از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

ج: هیپنوتیزم یک نوع سحر و حرام است.

س ۴۷۹: خواهشمندیم نظر خود را در زمینه سد معبر عنایت فرمایید؟

ج: سدّ معبر حرام است و چون معبر مورد حقّ اجتماع است هر نوع مزاحمت و منع حقوق اجتماع حرام و گناه است.

س ۴۸۰: به کار بردن روکش طلا، گذاشتن دندان مصنوعی از جنس طلا یا محکم کردن دندانها با طلا برای مردان چه حکمی دارد؟
ج: اگر فقط برای زینت باشد برای مرد حرام است.

س ۴۸۱: احتراماً با عنایت به اینکه در منطقه ما، خودکشی مخصوصاً در بین زنان زیاد شده، لذا خواهشمند است فتوای مبارک در مورد خودکشی و عواقب آن اعلام فرمایید.

ج: خودکشی از گناهان کبیره است، در گناه و عذاب شدید الهی و غضب خداوند نسبت به قتل نفس فرقی بین کشتن دیگران یا خودکشی وجود ندارد، جناب عالی و افراد دیگر از برادران و خواهران با نصیحت و موعظه در رفع این فاجعه اقدام نمایند.

س ۴۸۲: آیا مسیحی‌هایی که امروزه در جهان وجود دارند کافرند یا خیر و معامله با آنها چه حکمی دارد؟

ج: هر ملت غیر مسلمان کافر است و معامله با آنها اگر به ضرر مسلمین نباشد جائز است.

س ۴۸۳: حکم اسلام در مورد پوشش مرد و حدود آن چیست؟ و آیا پوشیدن لباس آستین کوتاه و یا شلوارهای کوتاه که نیمی از پا و یا دست معلوم است، اشکال دارد یا خیر؟

ج: این مسأله تابع عرف متشرعه و متدینین است و تا حدودی با منطقه و مکان و زمان ارتباط دارد و حتی نسبت به اشخاص نیز فرق می‌کند و بالاخره در حدی که مخالف عفت عمومی نباشد و در نظر افراد متشرع منکر محسوب نشود جائز است.

س ۴۸۴: بعضی از زنان عشایر روستایی که معمولاً موی سر و گردن را نمی‌پوشانند و یا در بعضی از مناطق شمال کشور، زنان در حال کار از ساق پا به بالا و دستها از مچ به بالا را نمی‌پوشانند نگاه به آنان چه صورتی دارد؟

ج: نگاه عمدی به غیر از دستها و صورت در زنان مسلمان جائز نیست و اگر تصادفاً چشم انسان به غیر دستها و صورت آنها افتاد اشکال ندارد ولی از ادامه نگاه خودداری کند.

س ۴۸۵: با توجه به اینکه متأسفانه لباسهای آستین بلند برای خانمها در بازار کمتر و با قیمت بالاتر یافت شده و همینطور لباسهای متفاوت با رنگهای زننده و جلب نظر کننده و جورابه‌های نازک و بدن نما به وفور با قیمت ارزان در بازار مسلمین پیدا می‌شود و در بعضی مواقع خرید چادر برای مسلمین با مشکلات همراه است بفرمایید حدود حجاب اسلامی برای بانوان چیست و اصولاً چه کیفیتی در لباس و پوشش زن در برابر افراد نامحرم باید رعایت شود؟

ج: پوشش بدن زن بجز صورت و دستها برای خانمها لازم است و هر نوع لباسی باشد فرق نمی‌کند ولی باید مهیج و فسادانگیز نباشد و چادر اولویت دارد.

س ۴۸۶: آیا اسلام پوشیدن لباس و کفش خاصی را حرام دانسته است؟

ج: پوشیدن مرد لباس زنان و زن لباس مردان را اشکال دارد و همچنین مرد نباید لباس طلاباف و حریر و ابریشم بپوشد.

س ۴۸۷: اصرار بر گناه صغیره که موجب کبیره شدن می‌شود چه موقع محقق می‌شود؟ و منظور اصرار بر یک نوع گناه صغیره است یا به طور کلی؟
ج: صغیره و کبیره بودن یک امر نسبی است، از همه گناهان باید اجتناب شود.

س ۴۸۸: آیا انسان در انتخاب لباس و کفش و فرم و مدل لباس و چگونگی لباس و کفش و رنگ و نوع آن آزاد است یا اینکه محدودیتی از جانب اسلام است؟ و همچنین در فرم و مدل موی سر و اصلاح سر چطور؟

ج: تا حدی که مورد تمسخر قرار نگیرد و تشبّه به کفار نباشد و مرد لباس زن و زن لباس مرد نپوشد اشکال ندارد.

س ۴۸۹: زدن کراوات چه حکمی دارد؟

ج: تقلید از غرب کار صحیحی نیست.

س ۴۹۰: در آرایشگاههای زنانه خط ابرو را ترمیم می کنند و بعضی از آقایان

گفته اند این عمل حرام است، نظر حضرتعالی در این خصوص چیست؟

ج: اگر عمل مزبور یک نوع آرایش است و منظور از آن ارائه به نامحرم نیست

و اسراف هم محسوب نمی شود اشکال ندارد.

س ۴۹۱: آیا زنی که به امر شوهرش و به منظور آراستن صورت مقداری از موهای

صورت و ابرو را زدوده است، آیا باید در خانه محبوس شود تا هیچ نامحرمی صورت

او را نبیند؟

ج: اگر اکتفاء به همان مقدار بکند ارائه وجه و کفین اشکال ندارد و لازم

نیست در خانه محبوس باشد.

س ۴۹۲: تراشیدن صورت با تیغ یا ماشین اصلاح چه حکمی دارد؟

ج: اشکال دارد و داشتن موی بر چهره به اندازه ای که محاسن و ریش صدق

کند از شعائر و محاسن مسلمان است.

س ۴۹۳: مردی ریش کامل دارد و می خواهد از دو طرف ریش خود از گونه ها

مقداری بتراشد آیا جایز است؟

ج: لازم است به نحو متعارف باشد.

س ۴۹۴: تراشیدن صورت با تیغ یا با وسایلی که امروزه مرسوم می باشد و به نام

ماشین سلمانی معروف بوده و هست و شماره های متفاوتی را هم دارد و حتی

می تواند مثل شماره صفر صورت را بتراشد و گذاشتن شارب چه حکمی دارد؟

ج: به اندازه صدق ریش داشتن مو بر چهره لازم است و گذاشتن شارب به

طوری که بیش از متعارف و معمول باشد کار خوبی نیست.

س ۴۹۵: تحصیل در علم نجوم چه حکمی دارد؟

ج: برای نتایج توحیدی و شناخت اوقات جائز بلکه راجح است.

س ۴۹۶: اگر کسی مجلس ذکر سیدالشهدا[×] را به قصد «ریاکاری» برپا کند، این عملش گناه دارد یا خیر؟
ج: ریاء حرام است.

س ۴۹۷: دادن پول به دعانویس‌ها برای نوشتن دعا چه صورتی دارد؟ و به طور کلی دعانویسی چه صورت دارد؟
ج: دعاهائی که صحت آنها ثابت می‌باشد جایز است.

س ۴۹۸: آیا خالکوبی در اسلام حرام است؟ کسی که نمی‌داندسته تکلیف چیست؟
ج: اگر آیه یا کلمات قرآن و نام خداوند متعال و ائمه[^] نباشد و ضرر نداشته باشد جائز است.

س ۴۹۹: حکم تکذبی و گدایی در اسلام چیست؟
ج: اگر همراه با دروغ و فریب نباشد حرام نیست اگر چه کار ناروائی است و مسلمان باید با فعالیت و کوشش خود امرار معاش کند و اگر قدرت کار کردن ندارد باید از بیت‌المال اداره شود.

س ۵۰۰: در چه صورت سرمه در چشم کشیدن و استعمال بوی خوش اشکال دارد یا حرام است؟
ج: برای زن به قصد ارائه به نامحرم اشکال دارد و همچنین کسی که احرام برای عمره یا حج بسته است.

س ۵۰۱: آیا فروختن یا مصرف کردن عطرهایی که اکل در آنها موجود است حرام است؟ و کلاً آیا فروختن لوازم آرایشی زنان به وسیلهٔ مرد اشکالی دارد؟
ج: سؤال اگر از جهت اکل صنعتی باشد آن پاک است و فروختن لوازم که مرقوم داشته‌اید در صورتی که توأم با موضوع حرام نباشد اشکال ندارد.

س ۵۰۲: آیا استخاره با قرآن مشروعیت دارد؟
ج: مشروعیت دارد.

س ۵۰۳: آیا استخاره باید با قرآن کامل باشد و اگر بعضی از اوراق قرآن افتاده باشد ولی در صفحات خوب و بد دارد چطور؟

ج: باید کامل باشد.

س ۵۰۴: تکثیر نشریات و کتب علمی متعلق به دیگران به همان شکلی که چاپ شده به قصد فروش و بهره برداری مادی از طریق چاپ و عکسبرداری چه حکمی دارد؟ همچنین حذف و یا تغییر نام مؤلف در چاپ اثر چگونه است؟

ج: بدون اجازه صاحب حق جازز نیست.

س ۵۰۵: آیا شرعاً جایز است کسی مطالب سخنرانی فردی را ضبط یا یادداشت نماید یا مطالب و خطبه‌ها و موعظه‌ها و یا درسی که استاد تدریس می‌کند جمع‌آوری نماید و بدون ذکر مأخذ و منابع بدون اجازه سخنران و واعظ و استاد انتشار دهد؟ اموالی را که از این طریق به دست می‌آورد چه حکمی دارد؟

ج: بدون رضایت صاحب حق در صورتی که اگر متوجه شود ناراحت می‌شود حرام است.

س ۵۰۶: اگر شخصی در ارائه بلیط به اتوبوس که به منزله حقوق راننده است استنکاف کند چه حکمی دارد؟

ج: جایز نیست.

س ۵۰۷: پدری همراه فرزندان ذکورش مشغول کار هستند اما حضور پدر در حد نظارت و حضور فرزندان در حد انجام کار، زمین موات را احیاء می‌نماید، با توجه به اینکه پدر در قید حیات هست، آیا زمین احیاء شده تنها ملک پدر می‌باشد و یا فرزندان هم در آن حق دارند، در صورتی که فرزندان حق داشته باشند می‌توانند از پدر مطالبه حقشان را بکنند یا خیر؟

ج: از آنجا که عمل مسلمان محترم است یعنی دارای احترام و ارزش می‌باشد در صورتی که فرزندان مذکور به قصد تبرع کار نکرده باشند هر یک به اندازه زحمت و کارشان استحقاق مالکیت دارند و می‌توانند حق خود را مطالبه کنند.

س ۵۰۸: آیا مخترع نسبت به اختراع خود دارای حق خاصی است به صورتی که

دیگران نتوانند از روی آن الگوبرداری و مونتاژ نمایند؟

ج: مخترع به اختراع خود حق دارد و بدون اذن او تصریحاً یا فحویً نمی توان

اقدام کرد.

س ۵۰۹: ضبط و تکثیر آثار هنری بر روی نوار یا وسیله دیگر ضبط شده بدون اجازه صاحبان حق شرعاً چه حکمی دارد؟ در صورتی که نیاز به تکثیر آن می باشد و دسترسی به صاحبان حق یا قائم مقام آنها ممکن نیست؟

ج: اگر دسترسی به صاحب حق و ورثه آن ممکن نیست فقط با اجازه حاکم

شرع می توان ضبط و تکثیر کرد.

س ۵۱۰: آیا حق طبع و نشر شرعی است و قابل تملک می باشد؟

ج: مشروع و قابل تملک و نقل و انتقال است.

س ۵۱۱: در تعزیراتی که جنبه حق الناس دارد از قبیل تعزیرات فحاشی و اهانت و امثال آن با فرض پیگیری شاکی، محکمه می تواند نظر به مصالحی که در نظر دارد از تعزیر مجرم صرف نظر نماید؟

ج: نمی تواند

س ۵۱۲: فردی خود را برخلاف واقع، مؤلف یک کتاب و خالق یک اثر هنری معرفی می نماید و اقدام به تکثیر و چاپ آن اثر نموده اموالی را که از این طریق به دست می آورد شرعاً چه حکمی دارد؟

ج: مشروع نیست.

س ۵۱۳: ساختمانهایی که راه پله آنها را حدوداً یک متر به طرف خیابان یا کوچه جلو می برند، نماز خواندن در آن راه پله چه حکمی دارد؟

ج: اگر از خیابان غصب کرده باشند جایز نیست.

س ۵۱۴: آیا پارک کردن ماشین و باز کردن وسائل آن در جلوی درب حسینیه و مسجد و گذاشتن وسائل شخصی و ریختن و پاش در اتاقهای جلوی مسجد جایز می باشد؟

ج: از کارهای مزبور در صورتی که موجب اذیت و آزار مؤمنین شود و یا باعث مزاحمت در رفت و آمد مردم به مساجد و حسینیه باشد باید اجتناب شود و ریخت و پاش یعنی اسراف حرام است.

س ۵۱۵: با توجه به شرایطی که برای مرتد شدن مسلمان ذکر کرده اند، گاهی ملاحظه می شود افراد عامی مسلمان از روی جهل نه عقیده یا ناراحتی و یا هرزه‌زبانی و غیره حرفی از دهانشان می‌پرد که می‌توان گفت کافر هستند و چه بسا چند لحظه بعد از گفته خود ناراحت و پشیمان می‌شوند و در بسیاری از موارد جنبه عقیده ندارد و اگر به آنها امر به معروف و نهی از منکر کنیم، بیشتر مواظب زبان و بیان خود خواهند بود. آیا این گونه افراد کافر هستند؟

ج: چون در حالت عادی نیست کافر نمی شود ولی نباید امر به معروف و نهی از منکر را ترک کرد.

س ۵۱۶: شخصی است که پدر و مادر و آباء و اجدادش مسلمان شیعه اثنی عشری بوده، نامبرده حدود ۳۰ سال قبل به خاطر معاشرت با شخصی بهائی و گرایش به آن مذهب مضله علناً اعلام می‌کند که من بهائی شده‌ام و روش آنها را انتخاب کرده‌ام، پس از مدتی پشیمان می‌شود و توبه می‌کند، البته در طی این مدتی که به ادعای خودش پیرو آن مذهب مضله بود. نماز نخوانده، روزه هم نگرفته حتی در روز ۲۱ رمضان به خانواده‌اش دستور داده غذا آماده کرده و می‌خورند — پس از ندامت و برگشتن به مذهب شیعه اثنی عشری نامبرده حج رفته و زیارت عتبات عالیات را درک کرده و در راههای خیر مثل ساختن مسجد و معابر عمومی کمکهای زیادی نموده، در طی مدت ۸ سال دفاع مقدس به طور متوالی در جبهه‌ها مشغول دفاع بوده بفرمایید آیا با توجه به اظهار پشیمانی و گرایش مجدد به مذهب امامیه توبه نامبرده مقبول درگاه احادیث است یا به ایشان نسبت ارتداد داده می‌شود؟

ج: این شخص مرتد فطری است و توبه مرتد فطری ظاهراً قبول نیست ولی

باطناً بینه و بین الله قبول است، اگر واقعاً توبه کرده و گناهان گذشته را جبران کند و مراقب وظائف اسلامی خود باشد، خداوند ان شاء الله می آمرزد.

س ۵۱۷: اگر یک مسلمانی اقدام بکند به ساختن سلاحی برای یک حکومت کافری (کفار حربی) یا لاقل نقش مهم در ساختن آن سلاح جنگش داشته باشد که این سلاح به طور مستقیم بر علیه یک کشور اسلامی استفاده خواهد شد، یا لاقل باعث خوف و ترس مسلمانان از آن کشور کافر شود، آیا این فرد مسلمان مرتد است یا خیر؟

ج: در فرض مذکور آن شخص مرتکب گناه بزرگی شده است ولی ارتداد موجبات دیگری دارد که تا آنها محقق نشود شخص مرتد نیست.

س ۵۱۸: اینجانب مأمور دولت می باشم، در حین انجام وظیفه با اشخاصی درگیر شده که از ناحیه آنها مورد ضرب و جرح قرار گرفتم، بر علیه آن اشخاص اقدام به شکایت در نزد مقامات قضایی نمودم، چنانچه در مقابل دریافت مبلغی از حق خود گذشت و صرفنظر کرده باشم، لطفاً از لحاظ شرعی اعلام فرمایید آیا این وجهی که حقیر دریافت نموده‌ام رشوه محسوب می شود یا خیر؟

ج: در فرض مذکور در سؤال چون جنابعالی آن وجه را در مقابل گذشت از حق خود دریافت داشته‌اید رشوه محسوب نمی شود.

س ۵۱۹: بعد از تمام شدن مرافعه و صدور حکم آیا قاضی می تواند هدیه یکی از اصحاب دعوی را قبول کند یا خیر و بطور کلی قبول هدیه برای قاضی چگونه است؟

ج: در مظان اتهام جایز نیست.

س ۵۲۰: آیا در مزایده‌ها و مناقصه‌ها گرفتن رشوه توسط بعضی از مسئولین و دادن رشوه توسط شرکت کنندگان تحت عنوان عیدی و شیرینی و... چه حکمی دارد؟

ج: اگر عملی انجام داده و زحمت کشیده و در برابر آن چیزی بگیرد حلال

است و این رشوه نیست و اگر پول گرفتن برای از بین بردن حق باشد رشوه است و حرام است.

س ۵۲۱: اینجانب کارمند یکی از بانکها هستم، در سالهای قبل از بعضی از مشتریان بانک، مبالغی وجه نقد (دویست هزار ریالی) یا شیئی مثل سکه طلا (حداکثر یک سکه) در روزهای پایان سال، به اصطلاح شب عید، به عنوان عیدی قبول نموده ام، لذا با توجه به اینکه این عمل در بین همه مردم از قدیم الایام از کسبه و تجار گرفته تا کارمندان و علماء و روحانیون موسوم بوده و هست و با عنایت به اینکه اینجانب هرگز درخواستی از شخصی ننموده بلکه خود آنها به اصرار به من هدیه و هبه نموده اند و آنها هم هیچگاه درخواستی جهت امری از من نداشته اند، خواهشمند است نظر شرعی خود را مرقوم فرمایید که آیا مصداق رشوه بوده یا خیر؟

ج: در صورتی که تبانی در بین نبوده و جنابعالی هم انتظار و توقعی چنین هدیه‌ای بلکه هیچ پاداش و هدیه‌ای را نداشته‌اید و بالاخره تفاوتی بین مراجعین در کار نبوده و شما وظیفه خود را بدون توقع انجام داده‌اید و بعداً آنها به میل خودشان هدیه‌ای داده‌اند حلال است و مصداق رشوه نیست

س ۵۲۲: در بعضی از مدارس هنگام ارائه کارنامه به ولی دانش آموز مبلغی را دریافت می‌کنند بعضاً اولیاء محترم با اکراه این مبلغ را می‌دهند، آیا از نظر شرعی اشکال ندارد؟

ج: چون خودشان با در نظر گرفتن جهات زندگی خود می‌پردازند اشکال ندارد.

س ۵۲۳: ما خرده مالکین هر کدام زمینهای کشاورزی داریم که فقط مالکیت آن مشاع می‌باشد بعضی از خرده مالکین و غیر مالک اعمال قدرت کرده‌اند. و ملک را تصرف کرده و هم فروخته اند و به همین دلیل حق به حقدار نرسیده و در هم و برهم شده و این جانب می‌خواهم مقداری زمین برای مسجد بدهم و برای من

امکان ندارد از همه خرده مالکین رضایت بگیرم چونکه بعضی مالک ها فوت کرده اند و یا فرزند نداشتند و یا اگر وارث دارند دسترسی به وارثشان ممکن نمی باشد و بعضی را که می توانم با آنها صحبت کنم ممکن است رضایت ندهند با این توضیحات که داده ام آیا می توانم برای مسجد زمین بدهم و آیا می توانم جهت خانه به شخصی زمین بفروشم و آیا کسب کشاورزی چنین زمین خمس و زکوة دارد؟

ج: در صورتی که بر اساس ضوابطی که در حکومت اسلامی برای زمین ها مقرر شده است عمل شود هرگونه تصرف جائز است و با شرائط خود خمس و زکات هم واجب می شود و شما اگر به اندازه حق خودتان برداشته اید چون تقسیم صورت نگرفته است از حاکم شرع اجازه بگیرید.

س ۵۲۴: کسانی که واسطه می شوند و جنس را گرانتتر از نرخ دولتی به دیگران می فروشند، این کار حرام است یا خیر؟

ج: وساطت در کار مشروع اشکال ندارد ولی مخالفت با مقررات جائز نیست.

س ۵۲۵: سهمیه قند و شکر که به قنادیها می دهند اگر به صورت آزاد بفروشند، در صورتی که از طرف دولت به صورت سهمیه ای برای درست کردن شیرینجات و... داده می شود، سود او حلال است؟

ج: باید مقررات دولت اسلامی را مراعات نماید.

س ۵۲۶: استفاده از وسائل نقلیه اداری در امورات شخصی افراد جایز است یا خیر؟ و اگر استفاده شد چه صورتی دارد؟

ج: جایز نیست و لازم است تصرف بر اساس ضوابط حکومتی صورت بگیرد و در صورت تخلف نیز باید توافق با مقامات مسئول انجام بگیرد.

س ۵۲۷: در بعضی از ادارات و یا مؤسسات دولتی از مستخدمین در جهت استفاده شخصی مانند خرید نان منزل و یا شستن اتومبیل و غیره استفاده می نمایند (البته در ساعات اداری) آیا موجب اشکال است یا خیر؟

ج: این موضوع با ضوابط اداری ارتباط دارد و چنانچه برخلاف ضوابط و موازین حکومت اسلامی باشد جایز نیست.

س ۵۲۸: روستایی به نام خوش آباد می‌باشد که مالکهای اصلی و اربابهای این روستا یهودی مذهب بوده‌اند و بعد از تقسیم اراضی، اینها ملکها و قلعه‌های خود را رها کرده و قلعه‌ها خراب و جای فساد برای روستا بوده حالا با نامه بخشداری منطقه قلعه و حیاط یهودیان را به کلی خراب و برای مسجد راه درست کرده‌اند آیا صحیح است عبور از آن راه و آیا می‌شود در مال یهودی تصرف کرد بدون اذن در صورتی که اعمال مزبور براساس ضوابط حکومت اسلامی واقع شده است.

ج: صحیح و جائز است.

س ۵۲۹: شخصی مقداری پول در بانک به عنوان سپرده گذاشته و بانک مدعی است که با این پول خانه می‌سازیم و یا تجارت می‌کنیم حال سودی که بانک می‌دهد حلال است یا خیر؟

ج: با شرحی که در اواخر توضیح المسائل نوشته‌ایم اشکال ندارد.^۱

س ۵۳۰: اگر کار انسان در اداره حل نمی‌شود مگر با دادن پول آیا جایز است دادن پول یا خیر؟

ج: در صورتی که اثبات حق منحصرًا متوقف بر دادن پول باشد جائز است.

س ۵۳۱: آیا سودی که بانک برای وام دادن می‌گیرد می‌توان به عنوان کارمزد محاسبه کرد؟

ج: اگر به آنچه که در پشت ورقه بانکی نوشته شده عمل شود اشکال ندارد.

س ۵۳۲: سودی که بانک به دفترچه‌های پس انداز می‌دهد چه حکمی دارد؟

ج: در آخر توضیح المسائل ذکر کرده‌ایم و اشکال ندارد.

۱. رساله عملیه، ص ۶۰۶.

س ۵۳۳: در زمان شاه مزرعه‌هایی را به عنوان اصلاحات ارضی از مالیکن عمده گرفتند و بین همان کشاورزان قریه‌ای که در آن قریه زارع بودند تقسیم کردند و از طرف شاه به هر یک از کشاورزان قباله‌ای دادند و در آن قباله میزان مالکیت هر یک از کشاورزان را معین کرده‌اند بفرمایید که: آیا آن کشاورزان به میزان همان قباله‌ای که در زمان شاه در دست دارند مالکند و بقیه زمین آن قریه مال همان مالک قبلی است و یا اینکه تمام اراضی آن قریه مال آن زارعین است و آن مالک عمده قبلی هیچ حق تصرفی در آن قریه ندارد؟

ج: بعد از انقلاب و تشکیل حکومت اسلامی برای این زمینها ضوابطی مقرر شده که براساس آن ضوابط عمل کردن صحیح و جائز است.

س ۵۳۴: آیا تدریس معلمین مرد در مدارس دخترانه، صحیح است یا خیر؟
ج: در صورتی که به طور عادی و بدون شائبه صورت بگیرد جائز است.

س ۵۳۵: تعدادی از درویش از مردم پولی تحت عنوان عشریه اخذ می‌نمایند (به جای خمس آل محمد ﷺ) اولاً آیا اخذ عشریه به این کیفیت بدعت محسوب می‌شود یا خیر؟ و ثانیاً فعل حرام محسوب می‌شود یا خیر؟ لطفاً ارشاد فرمایید.
ج: عشریه با عنوانی که در فوق ذکر شده است بدعت است و اخذ آن حرام است.

س ۵۳۶: لفظ جلاله یا آیه قرآن روی سنگ قبر نوشته شده و عابر هم روی آن قدم می‌گذارد، آیا اجازه می‌دهید آنها را بدون اجازه صاحب آنها که دسترسی به آنها ممکن نیست محو کنیم؟

ج: تصرف در اموال غیر بدون اجازه او جایز نیست، و عبور از روی مقابر بدون توجه و قصد هتک حرمت اشکال ندارد، ولی اگر حک لفظ جلاله و آیات قرآن بر سنگ قبور اهانت به قرآن و اسماء الهی محسوب شود باید از این عمل اجتناب کرده و ترتیبی اتخاذ گردد که از وضعیت هتک حرمت خارج شود و جلو هتک حرمت گرفته شود.

س ۵۳۷: آیا اطاعت از والدین واجب است یا فقط عاق شدن حرام است؟

ج: اطاعتی که ترک آن موجب عقوق است واجب است.

س ۵۳۸: اگر کسی شرعاً بر او حرام است که بیش از نصف شهریه را بگیرد ولی در عین حال به نحو تمام می‌گیرد مثلاً فرض بفرمایید: کل شهریه ۲۰ هزار تومان است که ده هزار تومان آن بر او حلال و ۱۰ هزار تومان آن حرام است، آیا به صرف اینکه ده هزار تومان را انگشت بگذارد که این مال حلال و ۱۰ هزار تومان دیگر مال حرام، می‌تواند در ۱۰ هزار تومان آن تصرف کند و یا طریقه جدا کردن آن روش دیگری است؟

ج: این تقسیم بدون اجازه آن فقیهی که این وجه از طرف او داده می‌شود صحیح نیست.

س ۵۳۹: مسافرت کردن به کشورهای غیر مسلمان چه حکمی دارد؟

ج: با رعایت احکام اسلام و داشتن هدف صحیح خوب است.

س ۵۴۰: آیا برای محصلینی که نمی‌توانند در کنار پدر و مادر ادامه تحصیل بدهند نظیر طلاب خارجی که در حوزه علمیه قم مشغول تحصیل هستند در صورتی که پدر و مادر به خاطر علاقه و محبتی که به فرزندشان دارند به فرزند اجازه ندهند که ادامه تحصیل دهد، آیا این فرزند می‌تواند بدون اجازه پدر و مادر ادامه تحصیل بدهد یا جایز نیست؟

ج: می‌تواند ادامه تحصیل بدهد.

س ۵۴۱: آقایان زرگر گاهی اوقات نیاز هست برای بیرون آوردن و یا پوشاندن النگو دستمالی بین دست خود و دست نامحرم قرار دهند و کارشان را انجام دهند.

آیا این عمل که از روی قصد بد نمی‌باشد حرام است یا خیر؟

ج: با قرار دادن حائل و فشار ندادن حرام نیست.

س ۵۴۲: اغلب زنان و دختران روستایی اکراد و اعراب، دستها، چهره، گردن و سینه خود را به جهت زینت، خالکوبی می‌کنند و با سینه و گردن باز در معرض

دید همگان هستند و طبق عادت و فرهنگ محلی، خود را نمی‌پوشانند و بعضی نیز بینی خود را سوراخ نموده و حلقه‌ای زرین در آن قرار می‌دهند. دیدن نقوش خالکوبی و حلقه بینی این گونه زنان شرعا چه حکمی دارد و آیا این نوع تزئین از زینت‌هایی ممنوعه است؟

ج: زینت‌هائی که در مواضعی مثل سینه و گردن است نگاه به آنها مانند خود سینه و گردن حرام است و اما در چهره، آن زینت اگر جلب توجه می‌کند نگاه به آن نیز حرام است و اگر جلب توجه نمی‌کند و مانند خود چهره است نگاه به آن بدون ریبه و تلبذ اشکال ندارد.

س ۵۴۳: آیا روایاتی که در مورد وجود موجودات و زمینها و آسمانهای دیگر در فضای پهناور هستند دارای سندی درست و صحیح می‌باشند یا خیر و نظر حضرتعالی در این باره چیست؟

ج: دارای سند صحیح می‌باشند و در قرآن کریم نیز آیاتی دلالت دارند که در آسمانها علاوه بر ملائکه موجودات زنده فراوانی وجود دارد و در کتاب دانش عصر فضا، بنده در این موضوع مطالب بسیاری نوشته‌ام.

س ۵۴۴: سرقت اطلاعات سری کد شده و رمزدار از شبکه های کامپیوتری و یا کامپیوترهای شخصی و کشف رمز آنها چه حکمی دارد؟ همینطور است سرقت فروش غیر مجاز شماره‌های موبایل توسط آشنایی به تکنیک الکترونی مرکزی آن؟

ج: سرقت به هیچ نحو جایز نیست.

احکام خرید و فروش

س ۵۴۵: شخصی به دلیل گرفتاری و به لحاظ اضطرار مبلغ سه میلیون تومان به عنوان قرض با وثیقه قرار دادن منزل شخصی خود به صورت بیع شرط از شخصی دریافت می‌نماید و مدت چند سال سود ماهانه آن را نیز پرداخت می‌نماید. پس از پیروزی انقلاب اسلامی شخص طلبکار به خارج از کشور رفته و فوت می‌نماید. شخص بدهکار به موجب قانون ثبت (مواد ۳۴ و ۳۴ مکرر) بدهی خود را کاملاً پرداخت و سند وثیقه فوق را آزاد می‌نماید. از محضر عالی تقاضا دارد نظر مبارکتان را در مورد اینکه پس از پرداخت کلیه بدهی توسط بدهکار ملک متعلق به او می‌باشد یا خیر؟

ج: سؤال درست روشن نیست که آیا معامله به عنوان قرض گرفتن و وثیقه قرار دادن منزل صورت گرفته است یا به عنوان بیع شرط؟ در صورت اول منزل در ملک مالک خود باقی است و پس از پرداختن بدهی، خود مالک استرداد آن را دارد و در صورت دوم اگر پس از پرداخت قرض خود بیع مذکور را در صورتی که در مدت خود فسخ نموده است ملکیت منزل به بدهکار بر می‌گردد.

س ۵۴۶: کسی که نمی‌دانسته معامله‌ای حرام است مثلاً قبل از انقلاب معمولاً مردم کشت تریاک داشته و خرید و فروش می‌کرده‌اند و کسی که در آن سالها مقداری از پول خرید خانه‌اش از طریق این معامله بوده یا توجه به آنکه ندانسته چنین معامله‌ای حرام است، حال نماز خواندن و انجام عبادات زن و فرزند او در این خانه اشکال دارد؟

ج: چون در معاملات به ذمه معامله می‌کنند نماز و عبادت در آن خانه اشکال ندارد ولی حق مردم باید اداء شود.

س ۵۴۷: با این که اهل سنت ماهی حرام و بی فلس را می‌خورند آیا فروش ماهی بی فلس به آنها چه حکمی دارد؟
ج: جائز نیست.

س ۵۴۸: اگر در ایران کارخانه‌ای کنسرو قورباغه درست کند و به خارج بفروشد جایز است یا خیر؟
ج: جایز نیست.

س ۵۴۹: خرید و فروش موارد زیر چه حکمی دارد؟ الف: تیغ، ماشین خودتراش با عدم اطمینان به مصرف حرام. ب: مجسمه با صابون یا چیزی که روی آن مجسمه دارد. پ: لوازم آرایش زنانه توسط مرد. ت: خرید و فروش و تولید خمیر ریش (اگر مصرف حلال نیز داشته باشد) ث: پیه و چربی حیوانی که از خارج وارد میشود جهت تهیه صابون (میته و انتفاع برای منافع محلله) خ: الکل صنعتی و سفید با احتمال استفاده سوء برخی دریافت کنندگان.
ج: از (الف) تا (خ) همه جایز است.

س ۵۵۰: آیا فروختن انگور به طوری که هنوز به صورت غوره است و به درخت آویزان است صحیح است؟
ج: فروختن غوره بر درخت اشکال ندارد.

س ۵۵۱: اگر در معامله‌ای که ولی قهری برای فرزند صغیرش انجام داده است، رعایت غبطه و مصلحت صغیر نشده باشد و به ضرر او شده باشد، آیا آن معامله صحیح است یا باطل؟
ج: در فرض مذکور در سؤال، معامله باطل است.

س ۵۵۲: عمارتی است که فروخته شده و متعلق به شوهر بوده و زمینی در جلو این عمارت موجود است که متعلق به عیال ایشان است، شوهر بدون اطلاع عیالش راه عبور و مرور این ساختمان را از وسط زمین قرار داده و زمین را به دو قسمت نموده، پس از پایان معامله که شوهر به عیالش اطلاع داده عیال نسبت به مسیر

تعیین شده راه و نسبت به مساحت و مقدار آن رضایت ندارد. مسئله چه حکمی پیدا می‌کند.

ج: در فرض مذکور بدون رضایت خانواده‌اش هرگونه قرارداد و تصرف در زمین او حرام است.

س ۵۵۳: در یکی از روستاهای همدان غسال خانه‌ای ساخته‌اند ولی زمین او قبلاً مال اربابی بهائی بوده است و بعد تقسیم اراضی شده حالا خواستیم بدانیم آیا می‌شود در آنجا میت را غسل داد یا نه؟

ج: در صورتی که بعد از به وجود آمدن حکومت اسلامی تصرف در آن زمین بر اساس ضوابطی باشد که حکومت اسلام تنظیم کرده است اشکال ندارد.

س ۵۵۴: اگر در وضعیت اضطراری، چنانکه کشتی مسافری در مسافرت دریایی به علت طوفان شدید درهم شکند و در حالی که مسافران در معرض غرق شدن قرار دارند، کشتی دیگری که از آن منطقه عبور می‌نموده، متوجه قضیه گردیده اما ناخدای این کشتی عنوان می‌کند که در صورتی حاضر به نجات جان غریقان می‌گردد که غریقان حاضر به تعهد پرداخت مبلغ هنگفتی پول بنمایند؛ مانند اینکه در خصوص پرداخت این مبلغ هنگفت و غیر متعارف، قراردادی را به امضاء برسانند و یا چکی را امضا کنند، حال با لحاظ اینکه چنین معامله‌ای در وضعیت اضطراری منعقد گردیده است، این معامله از چه حکمی برخوردار است، یعنی معامله صحیح است یا باطل؟

ج: معامله صحیح و نافذ است.

س ۵۵۵: کسی که چند سال قبل به عنوان اجاره، دکانی گرفته و با گذشت زمان، دکان به صورت سرقفلی درآمده آیا مستأجر حق ادعا از سرقفلی دارد یا خیر؟

ج: اگر در تنظیم سند اجاره اولیه در مورد سرقفلی چیزی ذکر نشده است و در اثر ادامه فعالیت مستأجر و حسن مدیریت او آن دکان مورد مراجعه مردم واقع شده است، در این صورت برای مستأجر مزبور در فوق حقی به وجود

آمده است و لازم است موجر از عهده پرداخت حق او به طور متعارف بیرون بیاید.

س ۵۵۶: مغازه‌ای است که سرقفلی آن را مالک مشترکاً به دو نفر واگذار نموده و در برگه قرار داد قید نموده «مستأجرین بدون اجازه مالک حق انتقال به غیر را ندارند.» اما در برگه قرارداد قید نشده که بین خودشان هم حق انتقال ندارند. حال سؤال اینجاست که آیا می‌توانند ایندو شریک سهم خویش را به یکدیگر واگذار نمایند یا خیر؟

ج: برای بهتر روشن شدن موضوع، رؤیت عین عبارت مالک لازم است ولی در آن مدتی که به این دو نفر واگذار شده و منفعت آن از ملک مالک خارج شده است تا شرطی از طرف مالک نشده است می‌توانند به یکدیگر منتقل نمایند.

س ۵۵۷: به عرض عالی می‌رساند که معامله‌ای صورت گرفته و متبایعین قراردادی را امضاء کرده‌اند در ضمن این قرارداد شرط شده که با اسقاط کلیه اختیارات حتی غبن و خریدار یک فقره چک به مبلغ بیست هزار تومان به فروشنده پرداخت کرد که بقیه ثمن را فردا پرداخت نماید و فروشنده چک را به عنوان امانت به بنگاهی واگذار نموده است و فروشنده بعد از یک ساعت اظهار پشیمانی نموده و به این معامله راضی نمی‌باشد وظیفه چیست؟

ج: در مسئله مذکور معامله‌ای که واقع شده است لازم است و اظهار پشیمانی اثر ندارد.

س ۵۵۸: دو برادر در زمان قبل که اموالشان مشترک بوده یکی به حج رفته و قبل از آنکه برادر دومی به حج رود از هم جدا شده و تقسیم اموال نموده‌اند و قرار گذاشته‌اند هر وقت برادر دومی به حج رود نصف خرج او را برادر بزرگ بپردازد حالا برادر بزرگ باید نصف مخارج را بپردازد یا نه؟

ج: چنانچه قرارداد مزبور در ضمن عقد لازمی صورت گرفته است عمل به آن

واجب است، و خوب است مؤمن به قول و وعده خود وفا کند

س ۵۵۹: معامله‌ای به صورت قولنامه‌ای نوشته شده و قرار و شرایط ما بدین نحو است که اگر پول سر موعد پرداخت نگردید معامله فسخ می‌باشد و خریدار سر موقع نپرداخته است آیا فروشنده حق فسخ دارد؟ نظر حضرت عالی چه می‌باشد؟

ج: در صورتی که در ضمن معامله شرط شده است که اگر خریدار پول را در سر موعد نپردازد فروشنده اختیار فسخ دارد، چنانکه ظاهر قولنامه بر آن دلالت دارد و خریدار نیز در موعد مقرر ثمن را نپرداخته است برای فروشنده اختیار فسخ فعلیت پیدا کرده است و اگر وی از حق خود استفاده کرده معامله را فسخ نموده باشد معامله باطل گردیده و مبیع باید به او مسترد شود.

س ۵۶۰: اگر ملکی را که برای دیگری است کسی در زمان طاغوت تصرف کرده باشد و تا کنون چند دست خرید و فروش شده باشد و مالک فعلی که نفر چهارم است آن را خریده با اینکه می‌داند مال غصبی است، حکم چیست؟ آیا استفاده مالک اصلی از آن ملک جایز است یا خیر؟

ج: در فرض مسأله استفاده مالک اصلی از آن باغ جائز و حلال است. و خرید و فروش ملک غصبی جائز نیست.

س ۵۶۱: اینکه در قولنامه‌ها معمولاً می‌نویسند که هریک از طرفین که پشیمان شد باید فلان مبلغ به دیگری بدهد آیا به این قول و قرار عمل کردن لازم است؟

ج: اگر آنچه که مابین خریدار و فروشنده واقع شده است گفتگوی مقدماتی است و هنوز معامله‌ای صورت نگرفته است و بنای طرفین بر این است که معامله را بعداً - مثلاً در دفترخانه انجام بدهند و لذا صیغه معامله خوانده نشده است و دادوستدی هم به قصد انشای معامله انجام نگرفته است در این صورت عمل کردن به آن قول و قرار لازم نیست - چون این شرط در ضمن عقد لازم نبوده است ولی اگر معامله واقع شده است و در ضمن عقد آن معامله، شرط کرده‌اند که هر یک از طرفین اگر پشیمان شود و حق فسخ

و خيار داشته باشد و بخواهد از حق فسخ خود استفاده کند و يا از طرف ديگر بخواهد که او معامله را اقاله نمايد (از انجام معامله صرف نظر کند) در اين صورت طرف ديگر می تواند او را الزام به دادن آن پول کند و آن پول را بگيرد.

س ۵۶۲: آیا فروش چکی که مربوط به ديگری است به فردی به کمتر از مبلغ چک صحيح است؟

ج: اگر اين چک در مقابل جنسی است که قبلاً فروخته شده و قيمت آن در ذمه مانده است اشکال ندارد.

س ۵۶۳: آیا صحيح است که انسان چک يا سفته به فردی بدهد و به وی بگويد مبلغ اين مقدار قرض به من بده، بعد از وصول چک يا سفته طلب خود را بردار و اين مبلغ هم بابت حق الزحمه خودت که چک را از بانک گرفته‌ای باشد؟
ج: اگر چک صوری است و يا وسیله‌ای برای رباخواری است اشکال دارد.

س ۵۶۴: شخصی مراجعه و اظهار می‌دارد يك فقره چک از شخصی دارم که برای مدت ۳ ماه ديگر است لذا می‌خواهم آن را به قيمت کمتر نقد بفروشم و شخصی کاسب اين کار را انجام می‌دهد. آیا اين عمل شرعی است يا خير؟
ج: اگر آن چک در برابر کالائی است که به آن شخص داده است و نیز تبانی قبلی برای رباخواری نباشد اشکال ندارد.

س ۵۶۵: آیا خريد و فروش سفته به کمتر از مقدار آن صحيح است؟
ج: در صورتی که سفته و چک صوری نيست و در مقابل دينی است که در ذمه ثابت است و تبانی قبلی نیز که وسیله رباخواری احياناً می‌شود در بين نباشد خريد و فروش به کمتر از مقدار آن جائز است.

س ۵۶۶: در میان مردم خريد و فروش چک يا خرد کردن آن به کمتر از مبلغ چک رایج است، مثلاً گاهی شخصی دارای حساب بانکی است - چکی دارد - بنا به دلایلی صاحب چک ناچار است از کسی قرض نمايد، آیا می‌تواند مبلغ مورد نیاز را

یکساله یا کمتر و بیشتر از طرف مقابل به زیادتر از موجودی چک بخرد و چک را برای یکساله بعد بنویسید و به او بدهد؟ و اضحتر عرض کنم افرادی هستند شغلشان همین است که چک خرد کنند و ثرت زیادی از این طریق هم جمع کرده‌اند سؤال این است که، از نظر شرعی ربا محسوب می‌شود و حرام است؟ یا اینکه راههایی وجود دارد که این را از عنوان ربا خارج کند؟

ج: خرید و فروش پول و چک جائز نیست. بلی اگر کسی در ذمه شخصی طلب دارد، متاعی فروخته و از او چک گرفته، در این صورت می‌تواند آن چک را که حاکی از ما فی الذمه است بفروشد و در مورد اخیر نیز نباید با تبانی قبلی باشد که موجب ربا باشد.

س ۵۶۷: عقد بیعی بین بایع و مشتری انجام شده و مشتری بابت بخشی از ثمن معامله چند چک بانکی به بایع داده و در مبایعه نامه شرط شده: «اگر هر کدام از چکها وصول نگردد مبایعه نامه فسخ می‌باشد» بایع در سر رسید چک جهت وصول به بانک مراجعه می‌نماید لکن به علت کسر موجودی چک برگشت می‌شود و بانک هم گواهی صادر می‌نماید، علی هذا بایع اعلام فسخ کرده و وجوده دریافتی را به حساب بانکی خریدار واریز نموده و به مشارالیه اطلاع می‌دهد، لکن خریدار پس از مدتی که قیمت‌ها نوسان پیدا کرده مدعی است که در ساعات اولیه کسر موجودی داشته و در ساعات بعد موجودی حساب تکمیل شده است نظر مبارک را بیان فرمایید که آیا شرط فسخ با برگشت چک محقق شده است؟

ج: در مسأله فوق میزان عرف معاملات و بازار است اگر متعارف در بین مردم در معاملات و مطالبات بودن و نبودن موجودی در ساعات اولیه است شرط فسخ محقق شده است و چنانچه میزان نبودن موجودی تا آخرین ساعت است شرط فسخ محقق نشده است.

س ۵۶۸: معامله ملک مرهونه، در صورتی که مشتری آگاه به وجود رهن نباشد ولی مدتی بعد از تنظیم سند عادی، اطلاع از اینکه مورد معامله در رهن بانک

می‌باشد حاصل نماید و بانک مرتهن بعد از تاریخ انجام معامله عادی فوق، کتباً عدم رضایت خود را از انجام معامله مذکور اعلام داشته و مشتری هم از مفاد عدم رضایت بانک یاد شده اطلاع حاصل نموده است، با اوصاف مذکور معامله خانه‌ای که در رهن قرار داشته صحیح و مشروع واقع شده است یا خیر؟

ج: در فرض مذکور معامله باطل است.

س ۵۶۹: چنانکه مشتری بعد از اعلام عدم رضایت بانک مرتهن بر انجام معامله ملک مرهونه اقدام به پرداخت بدهی‌های راهن به بانک مرتهن نموده باشد، این اقدام مشتری آیا می‌تواند محملی بر صحت معامله سابق قرار گیرد یا خیر؟

ج: بعد از اعلام رضایت از طرف مرتهن معامله مذکور باطل می‌شود و سپس از اینکه رضایت مرتهن را جلب کرد لازم است معامله مجدد صورت بگیرد.

س ۵۷۰: آیا معامله ملک مرهونه از سوی بایع راهن به غیر در صورت علم و اطلاع مشتری از اینکه مورد معامله در رهن بانک قرار دارد صحیح و مشروع است یا خیر؟

ج: فقط با اجازه مرتهن هرچند این اجازه بعد از عقد باشد صحیح است.

س ۵۷۱: آیا فروش قسمتی از خانه یا ملک به فردی تا مدت معین به عنوان بیع شرط و اجاره کردن آن از مالک جدید به مبلغ معینی در صورتی که هدف فرار از ربا باشد صحیح است؟ یعنی فروشنده بنا دارد تا یکسال دیگر بر اساس خیاری که دارد معامله را فسخ کند چون نیاز به پول دارد دست به چنین معامله و اجاره ای می‌زند.

ج: این قبیل اعمال که در آنها مقصود اصلی رباخواری است و به عنوان فرار از ربا صورت می‌گیرد، مشروع نیست و مجوز ربا خواری نمی‌شود.

س ۵۷۲: اگر شخصی جنسی را به دیگری به قیمت معین بفروشد و از فروشنده تعدادی از آن را دریافت کند و بعد از فروشنده از تحویل مابقی بازماند آیا خریدار می‌تواند آن مقدار جنسی را که هنوز از فروشنده دریافت نکرده به قیمت اضافه تری به او بفروشد و به این صورت حساب خود را تسویه کند؟

ج: در صورتی که تبانی قبلی برای رباخواری نباشد جائز است.

س ۵۷۳: آیا جایز است که انسان یکصد هزار تومان پول قرض به کسی بدهد و مثلاً یک کیلو برنج که ارزش آن پانصد تومان است به وی به مبلغ ده هزار تومان بفروشد که بدهکار بعد از شش ماه یکصد و ده هزار تومان پرداخت نماید؟

ج: جایز نیست.

س ۵۷۴: آیا فروش اسکناس به اسکناس به صورت نقد و اقساط مثلاً فروش یکصد هزار تومان نقد به یکصد و ده هزار تومان به طور اقساط ده ماهه صحیح است یا خیر؟ و آیا فرقی هست بین این که هدف از این معامله فرار از ربا باشد یا نباشد؟

ج: جائز نیست.

س ۵۷۵: آیا فروش مثلاً ده کیلو برنج به پانزده هزار تومان یعنی هر کیلو یکهزار و پانصد تومان به فردی با شرط این که مثلاً پنجاه هزار تومان به خریدار به عنوان قرض بدهد که به صورت اقساط بپردازد صحیح است؟ حال اگر در این معامله فرار از ربا باشد چگونه؟

ج: جائز نیست.

س ۵۷۶: افرادی که صندوق قرض الحسنه دارند تا چه اندازه می‌توانند از متقاضی وام بابت کارمزد وجهی دریافت دارند، آیا می‌توان تمام مخارج مانند کرایه مغازه و حقوق کارمندان و... را محاسبه کرد یا خیر؟

ج: به اندازه‌ای که متعارف باشد به عنوان اجرة المثل می‌توان محاسبه کرد.

س ۵۷۷: آیا با خرید و فروش صوری می‌توان از ربا فرار کرد؟

ج: جائز نیست.

س ۵۷۸: با توجه به اینکه ربا در معامله نقدین است زیاده گرفتن در اسکناس آیا جائز است؟

ج: جائز نیست.

س ۵۷۹: اگر شخصی پولی را به عنوان قرض الحسنه به شخص دیگری بدهد و

شرط کند که اگر تا موعد مقرر بازپرداخت ننماید هر ماه مبلغی را به عنوان جریمه به صاحب پول دهد، دریافت این مبلغ از او چه حکمی دارد؟
ج: جایز نیست و باطل است.

س ۵۸۰: شخصی بدهکار است و اظهار می‌دارد توان پرداخت ندارم لذا طلبکار شرط می‌کند: چون امکان دارد شما تا یکسال دیگر نتوانید بدهی خود را پرداخت کنید، من هم بدین شرط صبر می‌کنم که مبلغی بدهی را شما امروز به طلا تبدیل کنید رای مثال مشخص گردد به همان مبلغ بدهی شما ۱۰ مثقال طلا بدهکار هستید و یکسال دیگر بدهکار هم باید ۱۰ مثقال طلا بدهد، آیا این عمل شرعی است یا خیر؟

ج: فرض مذکور مشروع نیست.

س ۵۸۱: اگر شخصی پیمانکار تعهد نماید که ساختمانی را ظرف مدت معین با مبلغ مشخص و معین بسازد و یکسال بعد از انعقاد قرارداد بر اثر اوضاع و احوال اقتصادی و تورم مبلغ مورد قبول شخص پیمانکار کفاف تکمیل ساختمان را نمی‌دهد و در اینجا می‌بایست مبلغ زیادی از خود متضرر شود وضعیت این معامله و قرارداد چگونه است. آیا می‌تواند قرارداد خود را فسخ نماید؟

ج: از آنجا که این جریان به واسطه جهل یا غفلت مورد توجه قرار گرفته اکنون می‌تواند با ادعای غبن موضوع را مطرح نماید یا توافق جدید صورت بگیرد و یا فسخ به عمل بیاید مگر اینکه خیار غبن در معامله را ساقط کرده باشند.

س ۵۸۲: شخصی به نام «الف» کارخانه شیشه خود را به شرط تهیه مواد اولیه کارخانه به شخص «ب» اجاره می‌دهد، ماهی یک میلیون تومان به مدت ۱۰ سال، اما در سال هفتم به علت بالارفتن نرخ دلار قیمت مواد اولیه به طور سرسام آور بالا رفته و گران شده و شخص «الف» اگر بخواهد مواد اولیه برای یکماه تهیه نماید، باید مبلغ بیست میلیون تومان بدهد، در حالیکه خودش هر ماه یک میلیون تومان

اجاره دریافت می‌کند. لذا از جنابعالی تقاضا دارم مرقوم فرمایید آیا این قرارداد قابل فسخ می‌باشد یا اینکه این قرارداد تا سال دهم اجراء شود؟
 ج: از آنجا که این شخص نسبت به این پیش آمد جهل یا غفلت داشته است می‌تواند اکنون به جهت مغبون شدن با مؤجر موضوع را مطرح نماید تا یا توافق جدید به عمل بیاید و یا فسخ نماید.

س ۵۸۳: این جانب یک دستگاه ورق تاکنی فروختم به مبلغ ۲ میلیون و چهارصد هزار تومان که از مبلغ مذکور ۱۵۰ هزار تومان نقداً دریافت نمودم، توضیح اینکه مبلغ فوق را دست نزد، و مابقی مبلغ بنا بود زمان تحویل دستگاه پرداخت شود، ولی این جانب قبل از موعد تحویل پول فهمیدم که مغبون شده‌ام خواهشمندم تکلیف شرعی را بیان فرمایید:

ج: در صورتی که به واسطه عدم اطلاع از وضع قیمت جنس مورد معامله مغبون شده باشید، می‌توانید معامله را بهم بزنید.

س ۵۸۴: شخصی زمین به متراژ معین را معامله می‌کند که خریدار پول زمین را به مدت سه روز پرداخت نماید، بعد از گذشت سالیان دراز از پرداخت قیمت که نقدی بوده، خریدار استنکاف می‌کند، آیا صاحب زمین می‌تواند معامله را به هم بزند و عین المال را که زمین باشد برگرداند یا خیر؟

ج: در صورتی که در ضمن معامله شرط شده است که خریدار تا سه روز ثمن را پرداخت نماید اگر در این مدت پرداخت نکرد برای بایع خیار تخلف شرط محقق می‌شود و می‌تواند بیع را فسخ کند و زمین را به ملک خود برگرداند ولی اگر اعمال خیار نکرد و معامله را فسخ نکرد بعد از چند سال نمی‌تواند معامله را بهم بزند.

س ۵۸۵: بنده حدود یکسال پیش یک خانه ۵۶ متری خریدم بعد از مدتی دیدم همسایه ما از کوچه عقب نشینی کردند، مسئله را جویا شدم معلوم شد این منزل خریداری شده نیز باید عرضاً ۱ متر به طول ۸ متر عقب‌نشینی کند و بدون آن

اجازه ساخت همکف نمی‌دهند و فعلاً منزل به خاطر عقب نشینی با توجه به مساحت آن به فروش نمی‌رسد، یا به قیمت خیلی پایین به فروش می‌رود لطفاً مرقوم فرمایید آیا اینجانب حق خیار عیب دارم یا خیر؟

ج: در فرض مسأله جنابعالی اگر خیار عیب را ساقط نکرده باشید حق اعمال خیار عیب دارید می‌توانید اصل معامله را فسخ کنید. خیار عیب دارید می‌تواند اصل معامله را فسخ کنید و قیمتی را که پرداخته‌اید پس بگیرید و می‌توانید تفاوت قیمت را بگیرید.

س ۵۸۶: فروشنده‌ای به صورت عمده فروشی فعالیت دارد لذا در زمان فروش کالا وقتی فاکتور می‌نماید در ذیل فاکتور می‌نویسد این مبلغ فاکتور به صورت نقد پرداخت می‌گردد. و اگر بخواهد دو ماهه پرداخت کند به مبلغ فاکتور ۱۰٪ اضافه می‌شود، آیا این شرعی است یا خیر؟

ج: در صورتی که قبل از انجام معامله یکی از آنها را انتخاب کنید معامله صحیح است.

س ۵۸۷: فروشگاهی به صورت عمده کالا می‌فروشد و در ذیل فاکتور می‌نویسد قیمت نقدی ۱۰۰ تومان و ۲ ماهه ۱۱۰ تومان و سه ماهه ۱۲۰ تومان خریدار مجاز است هر کدام را که می‌خواهد انتخاب و معامله را قطعی نماید، آیا این عمل شرعی است یا خیر؟

ج: اگر قبل از انجام معامله یکی از آنها را انتخاب کرد و بعد از آن معامله را قطعی کرد مشروع است و اشکال ندارد.

س ۵۸۸: شخصی فروشنده کالا به صورت عمده فروشی است و به خریداران قبل از انجام معامله شرط می‌نماید: «در صورتی که سر موعد، نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام نکنید ملزم هستید ماهانه ۱۰٪ فاکتور را به عنوان خرید کالای مدت دار پرداخت کنید» و خریدار قبول می‌نماید، سپس معامله قطعی صورت می‌گیرد. آیا این عمل مشمول پرداخت دیر کرد یا خسارت می‌باشد یا معامله شرعی انجام

گرفته است؟ لازم به ذکر است خریدار با رضایت کامل نسبت به انجام معامله اقدام می‌نماید.

ج: پس از انجام معامله، شرط مذکور صحیح نیست، به عبارت دیگر گرفتن پول در برابر تاخیر از موعد مشروع نیست.

س ۵۸۹: این مسئله که در عرف مردم شایع است: در هنگام فروش منزل، به ظاهر منزل رسیدگی می‌کنند، از قبیل رنگ دربها و دیوارها و کاغذ دیواری و... و بعد منزل خویش را در معرض فروش می‌گذارند و همین کار موجب بالا رفتن قیمت و ارزش منزل در نظر خریدار می‌شود آیا تدلیس محسوب می‌شود یا خیر؟ و خریدار اختیار تدلیس دارد یا خیر؟

ج: اگر عیب و نقصی در بین بوده و به این وسیله خواسته است که عیب و نقص را بپوشاند تدلیس است و خریدار اختیار تدلیس دارد ولی اگر فقط جنبه تزئین و تکمیل دارد حرام نیست و موجب خیار نیز نمی‌شود.

س ۵۹۰: دو نفر در حال مذاکره جهت معامله زمین هستند شخص ثالثی با علم به اینکه طرفین در حال مذاکره می‌باشند شرعا می‌تواند وارد معامله شود و خریدار اول را منع و زمین را بخرد؟

ج: عمل مزبور خلاف اخلاق اسلامی است ولی اگر بعد از این عمل معامله با رضایت طرفین صورت گرفت صحیح است.

احکام اجاره

س ۵۹۱: این جانب منزل اجاره کرده‌ام در قرار داد ما آمده است: «اینجانب آقای (اسم صاحبخانه ما) یک باب خانه با مشخصات... را به آقای (اسم اینجانب) با قرار ماهی ۱۲ هزار تومان از تاریخ ۷۶/۱۲/۲۱ تا ۷۷/۱۲/۲۱ اجاره می‌دهم به شرط آن که ۴۵۰ هزار تومان پولی که از ایشان نزد این جانب می‌باشد از تاریخ... تا... به عنوان قرض در نزد من باقی بماند.» آیا این گونه اجاره و قرارداد شرعی می‌باشد؟
ج: شرعی است و اشکال ندارد.

س ۵۹۲: در تحریر الوسیله (مسأله ۶ در مورد قرض) چنین آمده که در صحت قرض این شرط معتبر است که قبض و اقباض صورت بگیرد، حال سؤال این است: صاحبخانه در قراردادی که در سؤال فوق مقداری ا متن آن آمده است شرط کرده است که ۴۵۰ هزار تومان پولی که از مستأجر نزد صاحب خانه می‌باشد به عنوان قرض در نزد صاحبخانه باقی بماند. حال چون قبض و اقباض در حین قرض دادن صورت نگرفته بلکه گفته شده است پولی که از مستأجر نزد صاحبخانه می‌باشد به عنوان قرض در نزد صاحبخانه باقی بماند این قرض صحیح است؟ یا این که صاحبخانه باید پولی که سابقاً از مستأجر گرفته بود را به او برگرداند تا او به صاحبخانه قرض داده قبض و اقباض صورت بگیرد و این قرض صحیح باشد؟
ج: چون پول در اختیار صاحبخانه بوده است پس از قرارداد اجاره قبض و اقباض مجدد لازم نیست.

س ۵۹۳: اگر مستأجر بدون اذن موجر، در عین مستأجره، تغییرات و تصرفاتی در جهت بهتر شدن آن مثل رنگ آمیزی در دو دیوارها، تعویض دربهای کهنه با نو، تغییر تیرهای چوبی به آهن، تعویض سنگفرشهای نامرغوب یا مستعمل به مرغوب یا نو و امثالهم را انجام دهد، آیا اعمالش مصداق تعدی یا تفریط است و

مؤجر حق فسخ خواهد داشت یا خیر؟

ج: این قبیل تصرفات بدون اذن مؤجر جائز نیست ولی موجب حق فسخ نمی‌شود.

س ۵۹۴: شخصی دو باب اطاق از خانه مسکونی خود را اجاره می‌دهد به مبلغ معلوم ولی مدت اجاره را معلوم نمی‌کند بعد از مدتی مؤجر به مستأجر پیشنهاد می‌کند که یا مال الاجاره را اضافه کن و یا مدتی به شما مهلت می‌دهم که اطاقها را تخلیه نمایی آیا پیشنهاد مذکور شرعاً مانعی ندارد؟ و در صورتی که مستأجر هم به مقدار اضافه راضی شده لکن مال الاجاره را نپرداخته مدیون هست یا نه؟

ج: پیشنهاد مذکور مانعی ندارد. ولی اگر مدت معین نشده چنان چه ظاهر سؤال است اجاره صحیح نیست و مؤجر بیش از اجرت‌المثل طلب کار نیست.

س ۵۹۵: فردی چیزی را اجاره کرده اما بعد از گذشتن مقداری از مدت اجاره طوری خراب و معیوب شده که هیچ قابل استفاده نیست و خودش هم در این مسئله تقصیری نداشته، آیا وظیفه او این است که صبر کند تا مدت اجاره تمام بشود؟

ج: در فرض سؤال اگر به طوری خراب شده که هیچ قابل استفاده نیست یا برای آنچه که شرط کرده‌اند قابل استفاده نیست، اجاره مدتی که باقیمانده باطل است. و اگر استفاده مختصری هم بتواند ببرد، اجاره مدت باقیمانده را جایز است که بهم بزند.

س ۵۹۶: شخصی مبلغ ۵۰ هزار تومان به صاحبخانه‌ای داده که دو اطاق را رهن کند و وجه اجازه ندهد چه صورت دارد؟

ج: محکوم به حکم ربا است و اگر در اطاق تصرف کند اجرت‌المثل را ضامن است.

س ۵۹۷: در بخش عقود فروش ملک به صورت زمان به چند نفر چه حکمی دارد؟ مثلاً ملکی به چهار نفر فروخته شده و این ملک در هر فصل سال در اختیار مالک

همان فصل باشد که خودش استفاده کند یا اجاره دهد.

ج: به طور فروش صحیح نیست باید به نحو اجاره باشد.

س ۵۹۸: هرگاه در عقد اجاره‌ای که برای مدت ده سال و با مال الاجاره معین منعقد شده است شرط شود که موجر هزینه گرم کردن ساختمان را بر عهده داشته ولی پس از دو سال به علت تغییر ناگهانی اوضاع و احوال، هزینه گرم کردن ساختمان بیش از مال الاجاره شود، تکلیف قرار داد اجاره چیست؟ آیا موجر همچنان متعهد به گرم کردن ساختمان است؟

ج: از آنجا که موجر نسبت به این پیشامد جهل یا غفلت داشته است می‌تواند اکنون به جهت مغبون شدن با مستأجر موضوع را مطرح نماید تا یا توافق جدید به عمل بیاید و یا فسخ نماید.

س ۵۹۹: موجر خانه‌ای را به یک فرد خارجی اجاره داده که او از این خانه به مدت یک سال و چند ماه استفاده کند و بعد از آمدنش هم بیش از یک ماه از آنجا ننشسته است تکلیف اجاره این خانه چیست؟

ج: پس از انعقاد اجاره و تعیین مدت اجاره چه اینکه مستأجر در آن خانه بنشیند یا ننشیند باید وجه اجاره را بپردازد.

احکام مضاربه

س ۶۰۰: شخصی مبلغ صد هزار تومان به یک نفر کاسب می‌دهد و شرط می‌کند که هر ماه پنج هزار تومان بدهد، آیا گرفتن پول مذکور جایز است؟
 ج: چنانچه عنوان مضاربه باشد و اطمینان داشته باشند که این مقدار سود حاصل می‌شود، و این مبلغ را به عنوان قرض بگیرد تا بعداً به حساب سود برسند و پولهایی که به عنوان قرض گرفته است از سهم سود او محسوب بدارند مانعی ندارد.

س ۶۰۱: شخصی به تاجری می‌گوید من مبلغی دارم که نمی‌توانم با آن کسب نمایم، لذا چون به شما اطمینان دارم، آن را به شما می‌دهم تا با آن کسب و کار نمایید و مشخص کنید حداقل سود و حداکثر آن ماهیانه چقدر است، لذا تاجر مبلغ سود را مشخص و شخص مذکور آن را می‌پذیرد، آیا این عمل شرعی است یا خیر؟

ج: به این صورت صحیح و مشروع نیست، شرائط مضاربه در توضیح المسائل ذکر شده است.

س ۶۰۲: اگر شخصی مثلاً سه میلیون پول را کد داشته باشد و فرد دیگری از او درخواست کند که آن پول را در اختیار او گذاشته تا به کار و تجارت پرداخته و ماهیانه مبلغی را به عنوان سود به مالک پول پرداخت کند یا این نوع کسب در آمد برای مالک پول مجاز و حلال است و یا حکم ربا دارد؟

ج: اگر به عنوان مضاربه باشد که شرح آن در رساله مذکور است جائز است و مبلغی را که ماهیانه به شما می‌دهند اگر به عنوان قرض بدهد و بعداً از سودی که در مضاربه از سهم شما بوجود می‌آید کسر کند اشکال ندارد و اگر نه ربا است و حرام است.

س ۶۰۳: پولی که شخصی به شخص دیگر می‌دهد تا با آن کار کند، صود حاصله چه مسئله‌ای دارد؟

ج: به طور مضاربه که در رساله توضیح المسائل ذکر شده است، اشکال ندارد.

س ۶۰۴: به استحضار می‌رساند اینجانب زنی پیر و از کار افتاده هستم که مبلغی پول را که تنها سرمایه من است به یک نفر راننده ماشین سنگین داده‌ام البته این آقای راننده چون خودش سرمایه کافی برای خرید ماشین نداشته است با گرفتن پول از افراد مختلف و از جمله بنده، توانسته است ماشین را تهیه کند. در عوض از محل در آمدی که از ماشین دارد ماهیانه مبلغی را به اینجانب و سایر کسانی که به او پول داده‌اند پرداخت می‌کند. یعنی ایشان درآمد ماهیانه کل خود را پس از برداشتن خرج ماشین و حقوق راننده، به نسبت سهم پول هر کس در کل ماشین محاسبه و به ما پرداخت می‌کند، وقتی هم که ماشین به خاطر انجام تعمیرات کار نکند یا آنکه درآمدی نداشته باشد چیزی به ما پرداخت نمی‌شود. حال با توجه به عرایض فوق و نظر به اینکه اینجانب استفاده دیگری از سرمایه خودم نمی‌توانم بکنم آیا این درآمدی که از ماشین مذکور دارم حلال است؟

ج: در صورتی که از مجموع پولهای شما به نسبت پولها ماشین را برای همه شما خریده و از طرف شما وکالت دارد که با ماشین کار کند و کرایه بگیرد و هر ماه پس از کسر مخارج ماشین و حقوق خود کرایه را مابین شما به نسبت تقسیم کند حلال است.

احکام ضمان

س ۶۰۵: اگر مدیر مدرسه یا اداره ای گزارش غیبت غیر موجه آموزگار یا کارمند را نداد و گفت مصلحت دیدم که گزارش ندهم آیا مدیون است و ضامن حقوق آنروز غیبت کننده نسبت به دولت می‌باشد؟ و مسئولیت کدام یک از آموزگار و مدیر

بیشتر است؟

ج: ضمان حقوق روز غیبت فقط به عهده آموزگار و کارمند است و مدیر فقط به جهت ترک وظیفه خلاف شرع مرتکب شده ولی ضمان مالی ندارد.

س ۶۰۶: کارگی در کارخانه دستش لای دستگاه رفته و قطع شده، آیا کارفرما ضامن است یا خیر؟

ج: کارفرما ضامن نیست. مگر در صورتی که کارخانه برای استخدام، مقرراتی در این باره داشته باشد، که مقتضی ضمان کارفرما باشد.

س ۶۰۷: موتور سواری در حال حرکت می‌باشد که ناگهان گوسفندی را در وسط خیابان مشاهده می‌کند (حال یا به این صورت که از قبل گوسفند بوده یا به این صورت که گوسفند ناگهان به وسط خیابان دویده است) و برای اجتناب از برخورد با آن فرمان موتور را کج می‌کند با توجه به اینکه خیابان محل عبور گوسفند نیست، آیا صاحب گوسفند ضامن دیه است؟ در فرض دیگر اگر کسی چاهی را در طریقی حفر کند و عابری برای احتراز از سقوط در آن به سمت دیگری حرکت کند و در نتیجه در دره‌ای بیفتد، آیا حافر ضامن است؟

ج: هر دو مسأله به موضوع ضمان به واسطه سبب برمی‌گردد:

۱. اگر در موضوع گوسفند ضابطه این بوده است که لازم باشد صاحب گوسفند، گوسفند خود را حفظ کند و نگذارد به این نقطه بیاید ولی او کوتاهی کرده است و بودن گوسفند در آن نقطه موجب این جنایت شده است صاحب گوسفند ضامن است و الا فلا.

۲. اگر حفر چاه در طریق نیز جائز نبوده است و آن موجب جنایت شده است حافر ضامن است و الا فلا.

س ۶۰۸: شخصی زمینی کنار جاده دارد که چند چاه هم در آن حفر شده و شخصی هم گوسفندانی را از کنار جاده می‌برد ناگهان ماشینی می‌آید و با زدن بوق گوسفندان به هیجان آمده دو رأس از گوسفندان به چاه می‌افتد و تلف

می‌شوند مرقوم فرمایید: ضامن چه کسی است صاحب گوسفندان، راننده ماشین یا صاحب زمین (چاهها)؟

ج: در فرض مذکور اگر صاحب گوسفندان در اداره و بردن گوسفندها تقصیر نکرده باشد، راننده ماشین ضامن است.

س ۶۰۹: اگر در وضعیت اضطراری، بالفرض راننده اتومبیل ناچار شود که برای جلوگیری از سقوط در پرتگاه، نرده‌های چوبی ملک مجاور را که متعلق به شخص دیگری است بشکند و از آن مانعی در راه سقوط اتومبیل خود بسازد، در چنین وضعیتی که این راننده به منظور نجات جان خویشتن، مضطر در ورود ضرر می‌باشد و فی‌الواقع کاری را انجام می‌دهد که هر انسان متعارف و آگاهی هم در موقعیت شخص مضطر می‌بود، چنین می‌کرد؛ آیا این ضرر و زیان وارده می‌بایست جبران گردد یا خیر؟ و به عبارتی دیگر، برای این شخص مضطر «ضمان مالی» در اصطلاح فقهی و یا «مسئولیت مدنی» در اصطلاح حقوقی متصور است یا خیر؟ و به تعبیر دقیقتر، آیا اضرار به غیر برای دفع ضرر از خود در وضعیت اضطراری جایز است یا خیر؟ و از سودی دیگر در مقام حکم کردن، آیا می‌بایست بین اقدام اضطراری شخص مضطر، که به جهت حفظ جان خود یا نزدیکانش صورت می‌گیرد با موردی که شخص مضطر در راستای حمایت از مال خود مرتکب ایراد ضرر می‌گردد تفاوتی قایل گردید یا خیر؟

ج: در پاره‌ای از موارد مذکوره هرچند از جهت حکم تکلیفی تصرف جایز است ولی از جهت حکم وضعی در همه موارد مذکوره ضمان برای تصرف کننده ثابت است.

س ۶۱۰: اگر در وضعیت اضطراری، چنان که سیلی به طرف خانه شخص مضطر در جریان است، شخص مضطر در خانه و ملک خود دست به اقدامی بزند که مسیر سیل را به سمت خانه همسایه منحرف سازد و باعث ضرر به همسایه گردد، آیا چنین اقدامی از سوی شخص مضطر جایز است یا خیر؟ در حالیکه این شخص

مضطر نیازمند به چنین تصرف خاصی در ملک خود می‌باشد، به طوری که اگر آن کار را نکند زیان می‌بیند و در این حالت بین دو قاعده معتبر فقهی «لاضرر» و «تسلیط» تعارض ایجاد می‌شود و جایز نبودن اقدام شخص مضطر، حرج و تضییقی برای اوست، در حایکه مطابق قاعده فقهی «لاحرج»، حرجی بر شخص مضطر نیست. النهایه، این تعارض چگونه می‌بایست مرتفع شود؟

ج: جایز نیست و ضامن است و قاعده لاحرج در این مورد جاری نیست.

س ۶۱۱: در حالتی که شخص مضطر ناچار می‌شود تا برای دفع ضرر از دیگری به زیان خود اقدامی کند، مانند موردی که راننده اتومبیلی می‌بیند و برای پرهیز از تصادف با آنها به ناچار اتومبیل خود را به جدول جوی می‌زند و در نتیجه خسارت می‌بیند، در این مورد آیا اضرار به خود برای دفع ضرر از غیر جایز است یا خیر؟ و آیا شخص مضطر خسارت دیده، حق دارد بر طبق قاعده «اداره فضولی مال غیر» از صاحب حیوان یا سرپرست کودک یا آن منتفع مطالبه خسارت کند یا خیر؟

ج: اضرار به غیر برای دفع ضرر از خود گاهی از جهت مراعات اهم جائز است

ولی حکم ضمان نیز ثابت است و کسی که ضرر وارد کرده است ضامن است.

س ۶۱۲: کسانی که در زمانهای قدیم مبالغی را به دیگران بدهکار بودند ولی چون نمی‌شناختند و یا دسترسی نداشتند و پرداخت نکرده اند حال اگر بخواهند آنها را به عنوان رد مضالم بپردازند آیا قیمت اجناس آن روز را حساب کنند و یا به قیمت فعلی آنها را باید بپردازند. مثلاً بیست سال پیش یک کیلو انگور کسی را برداشته و پول آن را هم نداده است حال که بخواهد برئ الذمه شود آیا باید قیمت بیست سال پیش حدوداً ۵ تومان را بپردازد و یا قیمت امروز که حدوداً یکصد تومان است؟

ج: در اجناس مثل انگور همان اجناس را به فقرا از بابت رد مضالم بپردازد

ولی در پول ارزش را در نظر بگیرند.

س ۶۱۳: آیا اگر دیوانه مرتکب جرمی شود ولی او ضامن است یا خیر؟

ج: اگر ولی در حفظ و جلوگیری کوتاهی نکرد ضامن نیست.

س ۶۱۴: این جانب ضمانت شخصی را در بانک برای مبلغ مشخص و مدت معینی که از طرف بانک اعلام گردیده، نموده‌ام و در مقابل اصل وام و سود آن بانک از این جانب سفته دریافت کرده است، شخص وام گیرنده ورشکست و متورای می‌باشد، این جانب بر مبنای اینکه ضمانت را قبول نموده‌ام اصل و سود وام را پرداخت نموده‌ام مجدداً بانک مبلغی را به عنوان جریمه مطالبه می‌نماید در صورتی که وام را به این جانب پرداخت نکرده که با آن معامله‌ای انجام دهم که جریمه شامل حال بنده باشد و از طرف این جانب فقط ضمانت اصل وام و سود آن را که مدت پرداخت آن از طرف بانک مشخص گردیده است قبول کرده‌ام و به تعهد خود عمل نموده‌ام و با توضیحاتی که به عرض مبارک رساندم جناب عالی بفرمایید که شرعاً این جانب مسئول پرداخت جریمه‌ای که بانک مطالبه کرده هستم یا خیر؟

ج: موضوع فوق بستگی به ضوابط و آئین نامه بانکی دارد اگر مقتضای ضوابط بانکی آن است که ضامن باید جریمه را نیز بپردازد لازم است که آن را نیز بپردازید.

س ۶۱۵: کسی مرغداری داشته و حدوداً به مبلغ نهصد هزار تومان از زید، دان مرغ خرید، بعداً معلوم شد که دان مرغ فاسد بوده و تمام جوجه‌های خریداران، تلف شدند، که تقریباً تمام سرمایه اش از بین رفته، وقتی به زید فروشنده دان مراجعه نموده، زیر بار نرفته و خریدار هم شکایت نموده، پس از دو سال فروشنده را به یک میلیون و دویست هزار تومان محکوم کرده‌اند البته از آن زمان تا حالا قیمت گوشت مرغ تقریباً دوبرابر شده حالا این مبلغی را که خریدار اضافه گرفته با توجه به نرخ تورم آیا ملک خودش می‌شود یا باید به فروشنده برگرداند ضمناً مبلغ یکصد و پنجاه هزار تومان هم خریدار پول وکیل و غیره برای وصول خرج نموده است؟

ج: در فرض مسأله فروشنده دان مرغ فاسد ضامن همه ضررهای است که از این راه به خریداران رسیده است و حتی ضامن ترقی گوشت مرغ نیز

می‌باشد بنابراین فروشنده خریدار را راضی نماید و تراضی حاصل شود.

س ۶۱۶: به اینجانب از طرف سازمان متبوع یک دستگاه اتومبیل لندور مدل ۱۳۶۷ دولتی در اختیار واحد تحت فرماندهیم قرار داده شده بود که در امور اداری و سرکشی واحدهای زیر نظر و تردد استفاده نمایم لذا در اردیبهشت سال ۷۵ با رعایت کلیه اصول ایمنی و حفاظتی از اتومبیل فوق که هیچگونه تعدی و تفریط و ترک فعل از ناحیه حقیر صورت نگرفته و در مقابل درب ورودی وزارت کشور در وقت اداری، پارک نموده بودم، سارق یا سارقین از فرصت استفاده نموده و به انحاء مختلف اتومبیل را مورد دستبرد قرار داده اند. حال اینجانب با عنایت به اینکه نه تعدی، نه تفریطس و نه ترک فعل داشته‌ام آیا ضمان شامل حال حقیر خواهد بود یا خیر؟

ج: در صورتی که به هیچ وجه ترک مراقبت‌های لازم و تعدی و تفریط از شما صادر نشده، ضامن نمی‌باشید.

س ۶۱۷: شخصی به دکتر دندانپزشکی رجوع می‌کند و به دکتر می‌گوید او را ببیند و نظر قطعی دهد که آیا پرکردنی است یا خیر؟ و اگر پر نمی‌شود از ابتدا بگوید که وی خرج ننماید دکتر بعد از معاینه نظر به پر کردن می‌دهد و بعد از سه جلسه مبلغ زیادی پرداخت می‌نماید، اما دو روز نشده، دندان می‌شکند و شخص به همان پزشک رجوع می‌نماید و دکتر با اینکه خود قبول بر خطاء دارد بعد از یک جلسه کار روی دندان مطالبه پول می‌کند، شخص به خاطر بی‌اطلاعی از حکم شرع نصف پول درخواستی را می‌دهد، حال می‌خواهد بداند پولی که دکتر حالا از او طلب نموده واقعاً از نظر شرعی صحیح است؟

ج: اگر طبیب متخصص است یعنی در رشته خود دارای مهارت کافی است و در ضمن کار نیز اشتباه نکرده است ضامن نیست ولی اگر متخصص و ماهر نیست و یا در کار و معالجه اشتباه کرده است ضامن است.

احکام هبه

س ۶۱۸: اگر طلا را داماد یا پدر و مادر و بستگان داماد خریده و به عروس داده اند آیا عروس مالک می‌شود؟ حال اگر طلا و اشیاء قیمتی که به عروس داده‌اند و قبض و اقباض شده بعد از مدتی مثلاً پنج سال طلاق واقع شد یا شوهر از دنیا رفت حکم آن اشیاء چه می‌شود؟ آیا دهندگان می‌توانند پس بگیرند؟ مثلاً پدر شوهر بگوید من به خاطر اینکه عروسم بودی خریدم حالا طلاق یا فوت و... که دیگر عروس من نیستی آنها را می‌خواهم؟

ج: بستگی به آداب و رسوم هر قومی دارد که به چه نیت می‌دهند، اگر به قصد عاریه داده‌اند می‌توانند پس بگیرند، اما اگر قصد هبه داشته‌اند چنانچه عین آن باقی نمانده است نمی‌توانند پس بگیرند و اگر عین آن باقی است و عروس هم رحم آنان نباشد پس گرفتن آن جایز است.

س ۶۱۹: آیا پول توجیبی که پدر به فرزند می‌دهد رضات او در طرز خرج کردن فرزند نیز شرط است یا خیر؟ با توجه به این که طرز خرج کردن غیر اسلامی نیست؟
ج: اگر پول را به فرزند بخشیده باشد در خرج کردن آن در راه حلال آزاد است، ولی سعی در رضایت پدر نماید.

س ۶۲۰: آیا هبه نمودن در مرض موت صحیح است یا خیر؟
ج: اقوی صحت است هر چند زائد بر ثلث باشد.

س ۶۲۱: در بعضی مناطق مرسوم است که پدر زمین‌های خود را بین پسرانش تقسیم می‌کند و هر یکی از پسران حصه خود را تصرف می‌کند و از طرفی پدر هیچ گونه اظهاری نسبت به تملیک و یا هبه و یا اباحه در تصرف نمی‌کند، آیا این تقسیم موجب ملکیت است؟ یا آنکه زمین در ملک پدر باقی است؟ و اباحه در تصرف است؟

ج: حکم به اینکه این عمل هبه یا اباحه تصرف است تابع قرائن و شواهدی است که با این عمل همراه است و تا دلیل و ملاکی برای تملیک در بین نباشد در ملک پدر باقی است ولی ظاهر امر این است که هبه باشد و بعد از قبض و تصرف، پسران مالک می‌شوند.

س ۶۲۲: در بعضی مناطق برای اینکه به دختر بعد از فوت پدر سهمی نرسد، پدر در زمان حیات خویش تمام دارایی و املاک و باغات خود را بین پسرانش تقسیم کرده و هبه می‌نماید تا بعد از فوت خویش دیگر دخترانش سهمی نداشته باشند حال آیا این کار با این نیت و قصد صحیح است یا خیر؟

ج: اگر هبه با شرائط خود انجام گرفته است صحیح است ولی محروم کردن برخی از وراثت کار خوبی نیست.

س ۶۲۳: یک نفر به همسر خودش خانه‌اش را هبه نموده و به قبض او رسانده است، آیا می‌تواند واهب از هبه خویش برگردد؟

ج: بله مادامی که عین مالی که بخشیده شده باقی است، می‌تواند رجوع کند و پس بگیرد، هرچند که بهتر آن است که رجوع نکند.

س ۶۲۴: پدری خانه خود را در حال حیات به بچه صغیر خود هبه کرد و کتباً وصیت کرده مسئله تصرفات خود پدر و کسانی که در آن خانه نماز می‌خوانند چه حکمی دارد؟

ج: چون پدر ولایت دارد در صورتی که آن تصرفات به مصلحت صغیر است اشکال ندارد.

س ۶۲۵: پدری در حال حیات خودش بعضی از فرزندان را بر بعضی در هبه اموال ترجیح داده ولی بدون مرجح دنیوی و اخروی و بعد از مرگ بین ورثه نزاع می‌شود یا به حکم شرع می‌تواند در اصل هبه دخل و تصرف کرد؟

ج: در صورتی که هبه با شرائط خود تحقق پیدا کرده است بعداً نمی‌توان آن را تغییر داد.

احکام نکاح و طلاق

س ۶۲۶: سختگیریهایی بیش از حد برخی والدین در مورد ازدواج (مهریه و...) موجب محروم شدن جوانان از ادواج و بروز برخی مفاسد می شود این عمل والدین چه حکمی دارد؟

ج: نظر اسلام این است که ازدواج هر چه با سهولت انجام بگیرد و سختگیریهایی بی مورد کار خوبی نیست.

س ۶۲۷: اگر دختر رشیده‌ای که در سن ۲۵ سالگی می‌باشد و تشخیص مصلحت خود را می‌دهد و پدرش اذن و اختیار ازدواج را به او داده و فقط بیان داشته که با ایشان مشورت کند، می‌تواند ازدواج موقت مشروط بر اینکه دخول انجام نگیرد و فقط در حد تقبیل و استمتاع و مس باشد نماید؟ توضیح اینکه پدرش اختیار داده ولی شاید احتمالاً ازدواج موقت را نظر نداشته باشد.

ج: در ازدواج دختر بالغه عاقله رشیده چه دائم چه منقطع اذن پدر شرط نیست و بدون اذن او صحیح است ولی مستحب است از لحاظ اخلاق و احترام بدون نظر و مشورت پدر و جد خود ازدواج نکند.

س ۶۲۸: اگر دختر و پسری بخواهند به صورت موقت با یکدیگر ازدواج کنند در صورتی که شرط کنند که دختر همچنان باکره باقی بماند آیا می‌توانند بدون اذن ولی دختر با یکدیگر ازدواج نمایند؟ و اگر بدون اذن ولی دختر با یکدیگر ازدواج کنند آیا زناکار محسوب می‌شوند؟

ج: اگر دارای بلوغ و عقل و رشد باشند به طوری که بتوانند مصلحت زندگی خود را کاملاً تشخیص بدهند می‌توانند بدون اذن ولی ازدواج نمایند.

س ۶۲۹: اگر کسی دو دختر (دو خواهر) را به خاطر نداشتن فرزند به فرزندی قبول کند آیا برای ازدواج، جهت محرمیت اجازه پدر واقعی شرط است یا خیر؟

ج: در صورتی که دسترسی به پدر و جد آنها ممکن نباشد، با اجازه حاکم شرع باید صورت بگیرد.

س ۶۳۰: در رابطه با ازدواج دختر باکره رشیده که مصلحت خود را تشخیص می‌دهد فرموده‌اید اقوی این است که اجازه پدر لازم نیست و کذا جد پدری. آیا در صورتی که این دختر در یکی از نهادها مانند صدا و سیما کار می‌کند و طبعاً برای تهیه فیلم و سریال مانند این با مردان نامحرم در تماس و محشور است، می‌تواند بدون اجازه پدر و جد پدری با مردی که با او کار می‌کند ازدواج موقت نماید تا گناهی مرتکب نشوند یا خیر؟

ج: در صورتی که دختر باکره بالغه و عاقله و رشیده باشد در ازدواج او چه دائم و چه موقت اذن پدر و جد شرط صحت نیست و مقصود از رشیده این است که مصلحت خود را کاملاً تشخیص می‌دهد.

س ۶۳۱: تزویج ولایی مشروط به مصلحت مولی علیه است. حال اگر دختری صغیره توسط پدر یا جد پدری به نکاح فردی در آمد و پس از بلوغ رضایت به این ازدواج نداد آیا عقد صحیح بوده و دختر مجبور به پذیرش همسر علی رغم عدم رضایت خویش می‌باشد و یا اینکه عدم رضایت دختر موجب اثبات خیار برای دختر می‌شود؟ (زیرا: الف) این تزویج که همراه با عدم رضایت زوجه است موجب ضرر و زیان بر او خواهد بود (مشمول قاعده لاضرر) ب) روایاتی دال بر حق فسخ مانند صحیح محمد بن مسلم و روایت یزید الکناسی وجود دارد.

ج: اگر دختر بعد از بلوغ ادعا می‌کند که عقد مذکور به صلاح من نبوده یا دارای مفسده است اگر اثبات کند عدم مصلحت یا تحقق مفسده را، می‌تواند عقد را بهم بزند و مطالب مذکور در ۲ بند الف و ب هم به همین برمی‌گردد.

س ۶۳۲: زنی که بکارت وی در اثر زایمان ناشی از تلقیح مصنوعی (اعم از تلقیح نطفه همسر یا غیر همسر) ازاله شده است مستحق تمام مهر یا مهر المثل است یا

مستحق نصف مهر؟

ج: به وسیله نطفه همسر مستحق تمام مهر است و به وسیله غیر مستحق مهر المثل است.

س ۶۳۳: هرگاه یکی از زن و شوهر قبل از آمیزش و قبل از دخول بمیرد، آیا تمام مهر را باید به زن داد یا نصف را؟
ج: در فرض مذکور نصف مهر ثابت است.

س ۶۳۴: منکوحه غیر مدخوله‌ای مطالبه مهریه خود را که حال می‌باشد از زوج می‌نماید و زوج حاضر به تأدیه مهریه زوجه نمی‌باشد و وصول مهریه هم برای زوجه غیر ممکن می‌باشد. زندگی زناشویی زوجین به بن بست رسیده، با توجه به ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی که مقرر داشته زن می‌تواند تا مهریه به او تسلیم نشده از ایفاء وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند مشروط بر اینکه مهر او حال باشد و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود؟ آیا عدم تسلیم مهریه از ناحیه زوج و زوجه که موجب عسر و حرج گردیده از موجبات تقاضای طلاق می‌باشد یا خیر؟

ج: در این مورد دو مطلب است:

۱. در صورتی که مهریه کلاً حال باشد زوجه می‌تواند تا مهریه خود را نگرفته از ایفاء وظیفه در برابر شوهر امتناع کند و تمکین نکند.
۲. زوجه در آن وقت می‌تواند مهریه خود را مطالبه کند که زوج قدرت پرداخت را داشته باشد.

س ۶۳۵: در عقد نامه‌ای نوشته شده «مهر المسمی مقدار دویست و هشتاد مثقال طلای هیجده عیار به قیمت زمان ازدواج زوجیه به مبلغ هفتصد هزار ریال»، آیا مهریه در این صورت طلا است یا پول؟

ج: در فرض مسئله مهری دویست و هشتاد مثقال طلا است بنابراین اگر بخواهد فعلاً مهریه را بدهد باید همان دویست و هشتاد مثقال طلا یا قیمت

آن را بدهد و اگر نزاع موضوعی در بین باشد محتاج به مراجعه شرعیه است.
 س ۶۳۶: آیا مهریه‌هایی که در عقد نامه‌های سابق به صورت پول یا طلا ذکر شده است باید به قیمت فعلی آن محسوب گردد یا همان ارزش هنگام عقد کافی است؟
 ج: ارزش فعلی میزان است.

س ۶۳۷: اگر مرد بعد از چند سال از ازدواج بخواهد مهریه زنش را بدهد چگونه باید محاسبه کند مثلاً اگر مهریه در سال ۵۶ مبلغ پانزده هزار تومان بوده در سال ۷۵ بخواهد پرداخت کند همان مبلغ را شرعاً بدهکار است یا گذشت زمان تأثیر دارد؟ با توجه به اینکه در عقدنامه نوشته شده: «به وجه رایج ایران»
 ج: در این قبیل موارد لازم است ارزش را در نظر بگیریم باید حساب کنیم که پانزده هزار تومان آن روز چقدر کارائی داشت آن را در نظر بگیریم.

س ۶۳۸: اگر مردی چندین بار به همسرش گفته مهریه ات را بگیر و من فعلاً دارم و حاضرم پرداخت کنم. اگر نمی‌گیری حلال کن ولی زن نمی‌گیرد اگر مرد طوری شد که دیگر قادر به پرداخت نیست مسئولیت به عهده چه کسی است؟
 ج: مهریه در ذمه شوهر باقی است.

س ۶۳۹: اگر شوهر زنی از دنیا برود در حالی که مهریه زنش را نداده و از طرفی هم چون زندگی شوهر با پدرش مشترک بوده مالی ندارد یا اگر دارد معلوم نیست، مهریه زن به عهده چه کسی است؟
 ج: مهریه زن به عهده شوهر است.

س ۶۴۰: آیا دختری که به عقد کسی در آمده و در خانه پدرش می‌باشد و برای شوهر ابداً تمکین ننموده و نمی‌کند حق مطالبه تمام مهریه را یکجا دارد یا خیر و ضمناً دختر مدعی است که اگر تمامی مهریه را شوهر پرداخت نماید به خانه اش خواهد آمد چه صورت دارد؟

ج: اگر مدت برای اداء مهریه تعیین نشده باشد و دخول نیز صورت نگرفته زوجه حق دارد قبل از تمکین، تمام مهریه خود را بگیرد بعد تمکین نماید.

س ۶۴۱: بعد از عقد نکاح آیا زن در صورت اعسار زوج از پرداخت مهریه می‌تواند به خاطر دریافت مهریه تمکین ننماید؟

ج: بعد از عقد نکاح زن می‌تواند در دفعه اول از آمیزش جنسی و سایر استمتاع‌ها امتناع کند تا مهریه خود را بگیرد مگر اینکه قبل از عقد شرط تأخیر ادای مهریه شده باشد یعنی مهر مؤجل باشد ولی بعد از آمیزش نمی‌تواند.

س ۶۴۲: در شب عقد، دختر می‌گوید من می‌خواهم ادامه تحصیل بدهم مرد موافقت می‌کند و بعد هم که ازدواج می‌کند در رشته پزشکی قبول می‌شود و می‌خواهد به دانشگاه برود شوهر مخالفت می‌کند، شرعاً وظیفه چیست؟

ج: اگر قول شوهر در ضمن عقد لازمی بوده است، مثلاً در ضمن عقد نکاح شرط شده است، نمی‌تواند مخالفت بکند و الا می‌تواند مخصوصاً در موردی که خواسته زن با حق شوهر منافات داشته باشد.

س ۶۴۳: اگر مرد در ضمن عقد نکاح منقطع تعهد کند که پس از انقضای مدت، زن را به نکاح دائمی خود در آورد و یا در ضمن عقدی لازم تعهد کند زنی را به عقد نکاح دائمی خود در آورد، آیا تعهد مزبور لازم الوفاء می‌باشد؟ در صورت امتناع مرد از انجام تعهد، آیا حاکم طبق قاعده «الحاکم ولی المتنع» می‌تواند زن را به نکاح دائم مرد (متعهد) در آورد؟

ج: در صورتی که در ضمن عقد لازم شرط شده است که آن مرد به شرط خود وفا کند اگر امتناع کرد آن زن حق دارد که به حاکم شرع مراجعه کند تا حکم شرع از او بخواهد که به شرط خود عمل کند و در صورتی که آن مرد بازهم حاضر نشد که به شرط عمل کند زن اختیار فسخ دارد که آن عقدی که در ضمن آن شرط شده بود را به هم بزند ولی حاکم شرع نمی‌تواند آن زن را بدون اذن و اجازه مرد به نکاح دائم او در بیاورد.

س ۶۴۴: اگر زن در ضمن عقد شرط کرده است که شوهرش باید ریش داشته باشد و ریشش را از ته نزند بنابراین اگر شوهر ریش خود را بتراشد آیا زوجه

می‌تواند به استناد تخلف از شرط تقاضای طلاق کند؟

ج: اگر در صورت تخلف شرط طلاق کرده باشد می‌تواند.

س ۶۴۵: شخصی دو زن دائم دارد و برای هر یک وسائل رفاهی را تحصیل نموده و در حد توان خود نسبت به هر دو انجام وظیفه می‌نماید هم اکنون همسر دوم با شوهر ناسازگاری نموده تا جایی که فرزند خود را وادار نموده پدر خود را کتک زده و آبرو و حیثیت او را در خطر جدی قرار داده و کار از مرز موعظه گذشته، حالا اگر این مرد بخواهد او را طلاق دهد، قانون حمایت از زن نصف همه دارایی شوهر را که در زمان زندگی این زن تحصیل نموده به زن خواهد داد، چنانچه این مرد کلیه وسائل زندگانی را به نحو احسن در اختیارش بگذارد ولی برای اینکه به دین و دنیایش برسد از این زن کناره‌گیری نماید، آیا در پیشگاه باری تعالی مسئول نخواهد بود؟ وظیفه این مرد نسبت به این زن چیست؟

ج: اگر در موقع ازدواج همسر دوم این ماده را که «اگر شوهر زن خود را طلاق داد باید نصف آن اموالی را که در مدت زندگانی با این زن به دست آورده است به او بدهد» را امضاء کرده است و ازدواج با این شرط صورت گرفته است لازم است به شرط عمل کند تا در پیشگاه حضرت حق مسئول نباشد وگرنه لازم نیست و مسئول نخواهد بود.

س ۶۴۶: در زمان فعلی در سند ازدواج چند شرط قید کرده‌اند آیا این شرایط در خواندن عقد دخالت دارد یا نه و اینها شرعیت دارد فقط قانونی است؟ و اگر انسان عقد را به صورت همان مرسوم سابق بدون در نظر گرفتن شرایط عقد جاری کند و زوجین برای تنظیم سند ازدواج به دفترخانه بروند آیا شرعاً این عقد اشکال دارد یا نه؟

ج: در این مورد عمده نظر زوجین است اگر نظر آنها این است که عقد بر اساس آن شرایط باشد این هم قانونی است و هم شرعیت دارد، هر کدام از این شرطها یا همه آنها را اگر طرفین قبول کردند باید به آن عمل کنند.

س ۶۴۷: در مواردی که عده کلا فراموش شده است ممکن است زنی امروز از شوهرش جدا شود و فردا با دیگری ازدواج نماید تکلیف چیست؟
ج: باید ضوابط شرعی مراعات شود و نگهداشتن عده در مورد خود لازم است.

س ۶۴۸: زنی به مدت یک سال متعه شده بود و از دبر دخول شده و پس از انقضای مدت که می‌بایست به مدت دو حیض عده نگه می‌داشت و تزویج نمی‌کرد، به علت ندانستن مسئله و جاهل بودن به موضوع و حکم، قبل از انقضای عده به عقد مرد دیگری در آمد و مرد هم از اینکه زن قبلاً متعه مردی شده اطلاعی نداشته و ندارد: الف- آیا بر شخص عالم لازم و واجب است که زن و مرد را مطلع نماید و یا لازم نیست؟ ب- آیا عقد مزبور صحیح است و یا باطل؟ و اگر باطل است، احتیاج به عقد جدید دارد و یا موجب حرمت ابدی می‌شود؟ آیا احتیاج به طلاق دارد؟ و یا اینکه حکم مسئله در صورت وقوع دخول قبل از انقضای عده و در صورت وقوع دخول بعد از انقضای عده و یا در صورتی که اصلاً دخول محقق نشده باشد متفاوت است؟ لطفاً حکم فروض را بیان فرمایید:

ج: در صورتی که شوهر دوم قبل از انقضای عده دخول کرده است، زن نامبرده بر آن شوهر حرام مؤبد می‌شود و اگر بعد از انقضای عده دخول صورت گرفته است حرام مؤبد نیست ولی احتیاج به عقد جدید دارد و اگر دخول اصلاً محقق نشده است نیز احتیاج به عقد جدید دارد.

س ۶۴۹: آیا ازدواج کردن مرد با زن بدکاره و متهمه حرام است؟ و اگر حرام نیست آیا می‌توان به سخن آنان مبنی بر اینکه شوهر ندارند یا در عده نیستند اعتماد کرد یا باید درباره آنان تحقیق نمود؟ همچنین در مورد زنانی که زیاد صیغه می‌شوند و این احتمال وجود دارد که از آن دسته زنهایی باشند که عده نگه نمی‌دارند در صورتی که بگویند در عده نیستیم آیا باید سخن آنها را قبول کرد یا در مورد آنان تحقیق نمود؟

ج: سخن آنها تا هنگامیکه علم بر خلاف نباشد حجت است.

س ۶۵۰: اگر دختر و پسری با یکدیگر ازدواج نمایند و قبل از عروسی از راه عقب با یکدیگر آمیزش کنند و بعداً از یکدیگر جدا شوند آیا دختر می‌تواند بلافاصله با شخص دیگری ازدواج کند یا باید عده نگه دارد؟

ج: باید عده نگهدارد.

س ۶۵۱: اگر مردی زنی را صیغه کند و بعد از تمام شدن مدت آیا مرد موظف است که مراقب زن باشد که تا در عده اوست با شخص دیگری ازدواج نکند؟

ج: مرد چنین وظیفه‌ای ندارد و زن باید به وظیفه خود عمل کند.

س ۶۵۲: ملاک اساسی نشوز زن چیست؟

ج: ملاک عمل نکردن به وظایف زناشویی است.

س ۶۵۳: زن در حال نشوز که معلوم نیست به خانه شوهر برگردد یا نه آیا حق دارد جهیزیه خود را مطالبه کند؟

ج: جهیزیه خود را در صورتی که تملیک نکرده باشد و به مرور زمان از بین نرفته باشد حق مطالبه آن را دارد.

س ۶۵۴: مرد در برابر زن ناشزه و ناسازگار چه تکلیفی دارد که باید انجام دهد؟ آیا حق و حقوقی گردن مرد دارد یا خیر؟ زنی که در فرمان و اطاعت مرد نباشد نفقه و کسوه به او تعلق می‌گیرد یا خیر؟ ناشزه‌ای که سالها با مرد حرف نمی‌زند و دائماً قهر است طاعت و عبادت آن زن از چه قرار است و تکلیف مرد در مقابل این زن چیست؟ و مرد باید چه عملی انجام دهد که مسؤول نباشد؟

ج: زنی که ناشزه است یعنی بدون عذر شرعی در مقابل خواسته جنسی مرد تمکین ندارد استحقاق نفقه و کسوه از مرد را ندارد و عبادات او هم در فرض مذکور مورد قبول درگاه خداوند نیست ولی خوب است جنابعالی اول از در نصیحت و اخلاق وارد شوید.

س ۶۵۵: آیا نشوز اضطراری به این معنا که زوج این قدر زوجه خود را اذیت کند

که زوجه نتواند متحمل آن شود و بدون اجازه شوهر از خانه بیرون رود مسقط نفقه هست یا نه؟

ج: در موردی که زن به واسطه ترس از رسیدن ضرر به جان خود تکلیف شرعی او بیرون رفتن از خانه باشد ناشزه محسوب نمی‌شود.

س ۶۵۶: اگر زوجین در اصل نکاح اتفاق و در دوام و انقطاع اختلاف کنند و دلیلی در کار نباشد قول کدام مقدم است؟

ج: مسأله مسأله قضایی است قول کسی که مدعی دوام است مقدم است مگر اینکه طرف دیگر بینه داشته باشد.

س ۶۵۷: خانمی در اثر ندانستن حکم خدا بدون اجازه از خاله خود با شوهر او ازدواج کرده است و چندین سال هم از این ازدواج می‌گذرد، حالا متوجه شده است که اجازه خاله اش در صحت این ازدواج دخیل و شرط بوده است، مستدعی است وظیفه شرعی مشار البیها را بیان فرموده و آیا در این مدت چون حکم خدا را نمی‌دانسته است، گنهکار محسوب نخواهد بود؟

ج: اذن عمه در ازدواج با دختر برادر زن و اذن خاله در ازدواج با دختر خواهر زن شرط صحت عقد است. و اگر بعد از عقد هم اجازه بدهند عقد صحیح و گرنه باطل است، اکنون باید اجازه خاله آن خانم را تحصیل کرد و در صورت امکان باید جدا بشوند و در مدتی که جهل به حکم خداوند رحیم ان شاء الله می‌بخشد و فرزندی که تا این تاریخ به وجود آمده اند به پدر و مادر خود ملحق می‌باشند.

س ۶۵۸: افراد زیادی دخترانشان را در اختیار مسیحی قرار داده اند بدون عقد و بقصد ازدواج و الان چندین اولاد دارند چه باید کرد؟

ج: کاری بر خلاف انجام داده اند و اکنون اگر شوهرانشان آماده نیستند مسلمان شوند، باید زنان مسلمان از آنان جدا شوند و ارتباط خود را از آنان قطع کنند.

س ۶۵۹: آیا شرعا ازدواج موقت با زن زناکار جائز است و در صورت جائز بودن اگر مد بی اطلاع باشد آیا شرعا می‌تواند قول وی را در نداشتن شوهر و عدم عده و یائسگی قبول کند و با وی ازدواج موقت نماید؟

ج: مادامی که یقین بر خلاف ندارد گفتار و اخبار او حجت است.

س ۶۶۰:

۱. تعداد زیادی از خانواده‌ها بدون هیچ‌گونه عقد شرعی در کنار هم زندگی می‌کنند و الان دارای چندین فرزند می‌باشند، و گمان آنان این بوده است که رضایت طرفین کفایت می‌کند، با این‌گونه موارد چه باید کرد.

۲. افراد زیادی با اینکه معتقد بودند با مسیحی نمی‌شو ازدواج کرد در عین حال با دختران مسیحی با هم بدون هیچ‌گونه عقد دائم و موقت زندگی می‌کنند و چندین اولاد مشترک دارند با این افراد چگونه باید برخورد نمود؟

ج: او ۲ در صورتی که قصد ادامه زندگی مشترک دارند باید مطابق ضوابط عمل نموده و عقد نکاح جاری کنند. و فرزندان سابق چون از باب وطی بشبیه به وجود آمده‌اند شرعا ملحق به همان پدر و مادرشان هستند.

س ۶۶۱: زنی در یک روز مدت عقد انقطاعیش با مردی تمام می‌شود و قبل از انقضاء عقد زید را وکیل می‌کند تا او را به عقد خالد در آورد ولی بعد از انقضاء عقد در همان روز خود زن بدون اعلام فسخ وکالت زید با کسی دیگر عقد و نکاح می‌بندد یعنی در یک روز هر ۲ عقد جاری می‌شود کدام عقد صحیح می‌باشد و آیا عقد خود زن از بطلان وکالت زید حکایت می‌نماید؟

ج: در فرض مذکور هر یک از عقدها که مقدم باشد از لحاظ زمان همان صحیح است و اگر تقدم و تأخر محرز نباشد و احتمال تقارن برود بر هیچ یک از آنها آثار زوجیت نمی‌توان مترتب کرد و احتیاط آن است که هر دو طلاق بدهند و از آن پس به هر یک از آنها یا شخص ثالث می‌تواند ازدواج کند.

س ۶۶۲: آیا در ازدواج مجدد، نیاز به اجازه همسر اول می‌باشد؟
 ج: با رعایت شرایط و عدالت نیاز به اجازه همسر اول نیست، مگر اینکه در ازدواج با همسر اول این شرط ذکر شده باشد.

س ۶۶۳: آیا زن حق دارد که با مسافرت شرعی مرد و یا شب کاری او یا کشیک بودن وی به عنوان اینکه (تنهایم و می‌ترسم و...) جلوگیری کند؟
 ج: نمی‌تواند ولی بهتر است سعی کنند با هم توافق نمایند.

س ۶۶۴: آیا مرد می‌تواند از نفقه فرار کند؟ برای ازدواج‌های بعدی چطور؟
 ج: معنای «فرار کند» روشن نیست، نفقه در مواردی ثابت و در مواردی ساقط است: اگر عقد دائمی بوده و در برابر شوهر خود تمکین دارد نفقه ثابت و اگر ناشزه باشد ساقط است در عقد انقطاعی نیز اگر شرط کرده باشند که زوج نفقه همسر انقطاعی خود را بدهد لازم است که اداء نماید.

س ۶۶۵: حتی در میان افرادی که معتقد به عقد شرعی می‌باشند مسأله طلاق فراموش شده است و زنانی دیده شده است که از شوهر قبلی که عقد شرعی داشتند بدون طلاق جدا شده، و با دیگری ازدواج کرده و چندین اولاد دارند حکم شرعی چیست؟ کلا در ازدواج و طلاق صرف رضایت را کافی می‌دانند آیا رضایت به تنهایی کفایت می‌کند؟

ج: رضیت تنها در ازدواج کافی نیست باید بر اساس ضوابط شرعی عمل شود و عقد جاری شود و در طلاق نیز لفظ مخصوصی لازم است و بدون آن طلاق صحیح نیست.

س ۶۶۶: شخصی خانمی را به مدت هشتاد سال متعه کرده و در وقت اجرای صیغه همان مدت را قید کرده بر فرض مسئله آیا این زن، زنی دائمی حساب می‌شود یا موقت؟

ج: بنا بر توضیح فوق در فرض مسئله نکاح موقت است.

س ۶۶۷: زنی که انسان عقد دائم و یا متعه کرده ولیکن دخول نشده تا زمانی که

به طلاق یا بخشش مدت، جدائی واقع شده، مسلماً با دخترهای این زن نمی‌شود ازدواج کرد، آیا با نواده‌های این زن هم نمی‌شود ازدواج کرد؟

ج: نواده‌ها نیز حکم دخترش را دارند.

س ۶۶۸: آیا ازدواج زن یا مرد شیعه با زن یا مرد سنی جایز است، یا خیر؟

ج: اگر مطمئن است که هویت مذهبی خود را حفظ می‌کند جائز است.

س ۶۶۹: دختری با یک جوان ازدواج می‌کند و بعداً معلوم می‌شود که داماد به اصطلاح علی‌اللهی می‌باشد و خود داماد به این مطلب اعتراف و اقرار کرده و اضافه کرده اعتقاد به نماز و روزه ندارم، حال آیا زندگی کردن این دختر با این جوان اشکال دارد یا خیر؟ لازم به ذکر است دختر سیده می‌باشد و علاقه به داماد هم دارد و از نظر دختر مشکلی وجود ندارد؟

ج: در صورتی که داماد نامبرده فوق شهادتین می‌گوید و به لوازم مذهب علی‌اللهی از قبیل حلول و اتحاد وحدت و امکان نسبت به خداوند متعال توجه ندارد عقد صحیح است، ولی مواظب باشد تحت تأثیر همسرش قرار نگیرد.

س ۶۷۰: اگر زن یا مرد پس از ازدواج تغییر جنسیت دهد، حکم ازدواج قبلی چگونه است؟ در صورت بطلان آیا مرد باید مهریه زن را تماماً بپردازد؟

ج: تغییر جنسیت به این سادگی نیست ولی در باب مهر قبل از دخول، نصف مهر و بعد از دخول مهر باید داده شود.

س ۶۷۱: اگر زن و شوهر با هم در یک زمان تغییر جنسیت دهند، حکم ازدواج قبلی آنها چگونه است؟

ج: چنانکه گفته شد تغییر جنسیت کار ساده‌ای نیست و اگر عملی شد ازدواج به هم می‌خورد.

س ۶۷۲: شخصی با دختری ازدواج کرده در ضمن عقد باکره بودن شرط (قید) شده یا مرکوز در ذهن است که غیر منکوحه و باکره است، بعد از ازدواج و قبل از

دخول معلوم شد که مدخوله است ولی بکارت باقیست و پزشک متخصص گفته بکارت او حالت کشش دارد، دخول شده و بکارت پاره نشده آیا مراتب فوق موجب فسخ نکاح است یا خیر؟

ج: ظاهر امر در این قبیل موارد این است که باکره بودن به معنای آن است که دخول بر او صورت نگرفته است بنابراین اگر آن شخص از جریان ازدواج قبل این دختر و ارتباط او با شوهر قبل بدون اطلاع بوده است و قید کرده است که باکره باشد و بعداً معلوم شده است که مدخول بها است اختیار فسخ دارد.

س ۶۷۳: زنی قبل از ازدواج خود را دوشیزه سالم معرفی می‌نماید و پس از ازدواج بعد از مدتی معلوم می‌شود که از نظر جسمانی (قبل از عقد) مریض بوده است، با توجه به ماده ۱۱۲۸ قانون مدنی: (هرگاه در یکی از طرفین، صفت خاص شرط شده و بعد از عقد معلوم شود که طرف مذکور فاقد وصف مقصود بوده برای طرف مقابل حق فسخ خواهد بود، خواه وصف مزبور در عقد تصریح شده باشد یا عقد مبنیاً علیه واقع شود)، آیا در مورد فوق حق فسخ برای زوج می‌باشد؟

ج: در صورتی که در ضمن عقد شرط شده و یا عقد بر پایه شرطی که قبلاً مورد مذاکره قرار گرفته واقع شده است و داشتن مرض هم طوری است که در نظر اهل عرف چنین شخص را بیمار و ناسالم محسوب می‌دارند، زوج اختیار فسخ دارد.

س ۶۷۴: زوج قبل از عقد مجنون بوده و زوجه نمی‌دانسته، آیا در این صورت عقد باطل است یا منعقد شده و زوجه می‌تواند فسخ کند؟ و در اینکه جنون زوج قبل از عقد و بعد از عقد، قبل از مقاربت و بعد از مقاربت باشد فرقی وجود دارد؟ لطفاً جواب را بیان فرمایید:

ج: در فرض مسأله زوجه حق فسخ نکاح را دارد چه اینکه قبل از عقد مجنون بوده و زوجه نمی‌دانسته یا اینکه بعد از عقد جنون عارض زوج شود و اگر مقاربت صورت گرفته است زوجه استحقاق تمام مهر را دارد و اگر

مقاربت صورت نگرفته است استحقاق چیزی را ندارد.

س ۶۷۵: در بیماری قرن و افضاء در صورتی که زن حاضر به درمان باشد و درمان نیز انجام پذیرد و در نتیجه آمیزش جنسی و هم حاملگی میسر می‌گردد، آیا باز هم مرد حق فسخ نکاح را دارد؟ زیرا: الف) در روایات، علت فسخ در قرن، عدم امکان حاملگی و مجامعت ذکر شده و اکنون این مانع برطرف گردیده است؛ ب) فسخ برای جبران زیان است و در فروض مذکور زانی وجود ندارد تا فسخ لازم باشد؛ ج) اصل، لزوم بقاء عقد است.

ج: در صورت مذکور مرد حق فسخ نکاح را ندارد. با توجه به مضامین روایاتی که در باب قرن و افضاء وارد شده است فرض مزبور در فوق از مساق روایت خارج است و لذا مرد حق فسخ نکاح ندارد. ولی در فرض افضا اگر قبل از بلوغ زن دخول صورت گرفته و موجب افضاء شده است بر مرد لازم است که دیه بپردازد.

س ۶۷۶: آیا زناى احدالزوجین قبل از عقد و یا قبل از دخول موجب حق فسخ نکاح برای طرف مقابل می‌شود یا خیر؟

ج: زناى احد الزوجین موجب فسخ نکاح نیست و اگر در ضمن عقد شرط شده باشد مطلب دیگری است و تابع شرط است و احکام تخلف شرط و اختیار طلاق بحث دیگری است و کاملاً تابع شرط آنها است.

س ۶۷۷: در عیوب موجب فسخ نکاح اگر عیب از جانب مرد باشد و زن قبل از دخول نکاح را فسخ نماید آیا نصف مهریه به زن تعلق می‌گیرد یا خیر؟

ج: فقط در صورتی که فسخ بواسطه عنین بودن مرد باشد زن استحقاق نصف مهر را دارد ولی در غیر آن اگر فسخ قبل از دخول باشد و زن فسخ کند چیزی را مستحق نیست.

س ۶۷۸: احتراماً به استحضار می‌رساند اینجانب در مورخه ۱۶ فروردین ۱۳۷۴ به عقد شخصی در آمده و در ۲۸ آبانماه ازدواج نموده و از همان ابتدا متوجه شدم که

ایشان به بیماری عنین مبتلا می‌باشند و به امید بهبودی در ایشان حاصل گردد بیش از یکسال در منزل ایشان زندگی کردم ولی چون امیدی به حل این مشکل ندیدم و از طرفی بد رفتاری که نشأت از کمبود ناشی از بیماری ایشان بود بالا گرفت لذا ناچار به ترک خانه شوهر شدم و از همان تاریخ با مراجعه به مراجع قانونی تقاضای طلاق کردم، متأسفانه بعد از گذشت بیش از دو سال هنوز دادگاه رأی طلاق صادر ننموده است لذا از آن مقام والا استدعا دارم از نظر شرع اینجانب را راهنمایی فرمایید.

ج: در صورتی که شوهر دارای بیماری عنین باشد و همسر او بعد از توجه به این بیماری تصمیم به عدم زندگی با او گرفته باشد لازم است به حاکم شرع (یا دادگاه قانونی) مراجعه کند و حاکم شرع یک سال به او مهلت می‌دهد اگر در این سال شوهر نتوانست عمل جنسی انجام بدهد زن اختیار فسخ نکاح خود را دارد و احتیاج به طلاق نیست و چون دخول محقق نشده است نصف مهر خود را نیز می‌تواند بگیرد و اگر از تاریخ رجوع شما به دادگاه و طرح مطلب فوق و امهال یکسال گذشته است شما اختیار فسخ نکاح خود را دارید.

طلاق

س ۶۷۹: در خواندن صیغه طلاق در حضور شهود عدلین آیا عدالت واقعی شرط است یا به ظاهر که شاهد عادل است و فسق ظاهری انجام نمی‌دهد کفایت می‌کند و تحقیق لازم نیست؟ حتماً اگر نفس عدالت شرط باشد کار بسیار مشکل می‌شود که صیغه طلاق را خوانده عنایت فرمایید جواب را مرقوم فرمایید.

ج: در طلاق عدالت واقعی در حین طلاق شرط است و راه پی بردن به آن مختلف است یا بینه است یا شیاع موجب حصول اطمینان و یا معاشرت و بالاخره به هر وسیله که اطمینان حاصل شود کافی است و طلاق صحیح است هر چند که بعداً معلوم شود که عادل نبوده است واقعاً.

س ۶۸۰: شخصی زن خود را که حامله بوده در حال عادت زنانگی و در حال نفاس طلاق داده آیا طلاق زن حامله در حال عادت زنانگی و حال نفاس صحیح است یا خیر؟

ج: صحیح است.

س ۶۸۱: شخصی قبل از نزدیکی با زنش در حال عادت زنانگی و در حال نفاس زنش را طلاق داده، آیا این طلاق صحیح است یا باطل؟

ج: صحیح است.

س ۶۸۲: شخصی در مسافرت بوده و در حال غیبت، زنش را در حال عادت زنانگی و در حال نفاس طلاق داده، آیا این طلاق صحیح است یا باطل؟

ج: اگر نمی‌توانسته تحقیق کند صحیح است.

س ۶۸۳: اگر مرد بداند که زنش در عادت زنانگی است و او را طلاق بدهد و بعداً ادعا کند که زنش را در حال طهر طلاق داده، آیا این طلاق باطل است یا خیر؟

ج: اگر بداند طلاق باطل است مگر در بعضی موارد.

س ۶۸۴: شخصی زن خود را طلاق داده و بعداً مطلع شد که زن در حال عادت زنانگی و در حال نفاس بوده آیا این طلاق صحیح است یا خیر؟
ج: اگر قدرت تحقیق داشته باطل است.

س ۶۸۵: در رساله توضیح المسائل حضرتعالی آمده است: «اگر زن حامله را طلاق دهند عده‌اش تا دنیا آمدن یا سقط شدن بچه اوست.» حال اگر زن حامله که در حال عده است بچه را عمدتاً سقط کند اگرچه آنچه سقط می‌کند به صورت علقه یا مضغه باشد حکم وضع حمل را دارد؟ یعنی عده تمام می‌شود یا حکم دیگری دارد؟

ج: بلی سقط جنین اگر چه عمدی باشد موجب تمام شدن عده است و همینطور سقط علقه یا مضغه در صورتی که حمل بودن آن محقق باشد، لکن سقط عمدی معصیت است و دیه نیز دارد.

س ۶۸۶: چنانچه خانمی طی مفاد مرقومه‌ای که به خط و امضای مشار الیه‌هاست و اصالت امضای او توسط دفترخانه ثابت است اقرار نماید که همسرش او را سالهاست، ۳ طلاقه نموده آیا شرعاً می‌تواند پس از فوت همسرش بدون توجه به مفاد اقرارنامه مدعی مجدد استمرار زوجیت شود و آیا این اقرار صریح دلیل شرعی بر وقوع طلاق ما بین مشار الیه‌ها و همسرش محسوب نمی‌گردد؟

ج: در صورتی که بعد از وقوع سه طلاق - چنانچه اعتراف نموده است - ازدواج با محلل صورت نگرفته است و یا ثابت نشده است ارتباطی مابین او و شوهر اول وجود ندارد.

س ۶۸۷: اگر زنی از شوهرش طلاق گرفته و در حین عده طلاق رجعی، شوهر فوت کرد ولی زن نمی‌دانست و به خیال این که بعد از عده طلاق شوهر فوت نموده با مرد دیگری ازدواج کرد، فعلاً تکلیف زن نسبت به عده وفات چیست؟ و نسبت به شوهر دوم چه حالی دارد؟

ج: در صورتی که بعد از انقضاء عده رجعی طلاق شوهر کرده و بعد از آن علم

پیدا کرده است که شوهر اول در اثنای عده طلاق فوت کرده است عده فوت بر او لازم نیست و عقد شوهر دوم نیز صحیح است و در غیر این صورت پس از اطلاع از درگذشت شوهر چهار ماه و ده روز عده وفات برای شوهر اول نگهدار و از آن پس با شوهر دوم تجدید عقد کند.

س ۶۸۸: اگر در ضمن عقد، زوجه شرط کرده باشد که در صورت تحقق پاره ای امور مثل اعتیاد شوهرش، زندانی شدن، عدم پرداخت نفقه و غیره، وی وکیل بلا عزل باشد تا خود را مطلقه نماید، در صورت تحقق هر یک از این امور، آیا زن بدون مراجعه به حاکم می‌تواند وکالتاً از طرف زوج، صیغه طلاق را جاری سازد.
ج: بلی در فرض مذکور می‌تواند و اگر در حکومت اسلامی در دادگاه خانواده ضابطه‌ای برای این موضوع وجود دارد مراجعه بفرمایید.

س ۶۸۹: مردی زنی را دو مرتبه طلاق داده و بعد از طلاق دوم، زن مطلقه بعد از پایان عده با مردی دیگری به عقد انقطاعی پنج ماهه شوهر کرده و بعد از پایان مدت مجدداً با شوهر اول که ۲ بار طلاق داده بود به عقد دائمی ازدواج نموده بازهم شکرآبی در میان افتاده آن مرد زوجه اش را طلاق داده آیا نیاز به محلل دارد یا خیر؟

ج: عقد انقطاعی واقع در بین تأثیر ندارد و پس از طلاق سوم نیاز به محلل دارد.

س ۶۹۰: آیا شخصی که زن بوده و ازدواج کرده و بعد تغییر جنسیت داده، و مرد شده و با زن دیگری ازدواج کرده حق طلاق دادن زنش را دارد؟
ج: اگر مرد شده است حق دارد.

س ۶۹۱: به فرض اینکه پدر و مادری جوان در یک حادثه رانندگی هر دو نفر با هم فوت کرده و از بین رفته باشند و از مرحومین، طفلی دختر، سه سال و نیمه باقی مانده باشد همچنین پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌های پدری و مادری طفل در قید حیات باشند و به فرض اینکه: الف) مادر طفل مذکور معلم شاغل در مدارس

خارجش هر بوده و طفل خود را از بدو تولد و در غیبت خود تحت مراقبت مادر خود (جده مادری طفل) قرار می‌داد و این طفل اکثر عمر خود را تا زمان مرگ پدر و مادرش در خانه جد مادری و در دامان جده مادری نشو و نمو نموده و به جده مادری و اقربای مادری خود مأنوس است و وابستگی شدیدی دارد. ب) این طفل بطور مشهود و مستند نسبت به جد و جده و اقربای پدری خود مأنوس نبوده و گرایشی ندارد و از رفتن به خانه جد پدری خود بسیار ناراضی می‌باشد و از رفتن امتناع دارد. ج) جد پدری طفل بدون توجه به غبطه و مصلحت طفل و بدون توجه به ضررهای روحی و جسمی که هر لحظه نسبت به طفل پیش بینی می‌شود صرفاً به عنوان ولی قهری او را به زیستن در خانه خود مجبور می‌نماید و حق ملاقات با طفل را از جد و جده مادری و اقربای مادری طفل سلب می‌نماید. لذا با عنایت به فرضیات موارد مذکور، استدعا دارد بیان فرمایید: آیا عمل جد پدری مذکور در بند (ج) بر پایه شرع مقدس است؟ و اقربای مادری هیچگونه حق و مسئولیتی در قبال طفل ندارند؟

ج: ولی شرعی طفل در فرض مزبور جد پدری او می‌باشد و لازم است ولی بر اساس غبطه و مصلحت عمل کرده و مقدماتی فراهم کند که جنبه های عاطفی و تربیتی طفل تأمین شود.

س ۶۹۲: آیا دادگاه اسلامی (قاضی) می‌تواند پس از بررسیهای لازم و تشخیص نهائی به استناد به مصلحت و غبطه طفل و عاریت حال طفل که میل به جد و جده پدری ندارد حق حضانت او را به طور موقت یا دائم از ولی قهری گرفته و به دیگری (مثلاً جد و جده مادری) واگذار نماید؟

ج: به شرطی که ذکر گردید موقتاً می‌تواند.

س ۶۹۳: چنانچه حضانت طفل به جد پدری و یا جد مادری محول گردد حق ملاقات با طفل شرعاً برای دیگری وجود دارد یا خیر؟ و در صورت وجود آن امتناع هر یک از آنان به دادن ملاقات قطع رحم محسوب می‌شود یا خیر؟

ج: حق ملاقات به مقداری که جنبه عاطفی طفل تأمین شود و امتناع از آن موجب بوجود آمدن عقده روانی شود لازم است.

س ۶۹۴: طفلی که پدر و مادرش فوت کرده باشند کدام دسته و طبقه از اقربای پدری و مادری او شرعاً حق ملاقات با طفل را دارند و به چه ترتیب؟ آیا خاله، دایی، عمه و عمو و بچه‌هایشان و یا کدام از آنان نسبت به ملاقات با طفل ذیحقند؟
ج: میزان همان است که مذکور گردید تأمین جنبه عاطفی طفل میزان است و نباید طوری باشد که عرفاً قطع رحم صدق بکند.

س ۶۹۵: چنانچه هر یک از اقربای پدری یا مادری طفل که حق ملاقات با طفل را شرعاً داشته باشند و برای بردن طفل از خانه دیگری به خانه خود با عدم رضایت و گریه زاری طفل مواجه بشوند و طفل مایل به رفتن با آنان نباشد تکلیف شرعی چیست؟

ج: جواب معلوم گردید، رعایت جنبه عاطفی طفل مقدم است.

س ۶۹۶: زنی از شوهرش طلاق رجعی گرفته بعد از تمام شده عده شوهر کرده ولی در خانه شوهر دوم یقین حاصل کرد که شوهر اولش در اثناء طلاق که هنوز عده تمام نشده بود فوت کرده حال تکلیف این زن در خانه شوهر دوم چیست؟
ج: پس از اطلاع از درگذشت شوهر چهار ماه و ده روز عده وفات برای شوهر اول نگه دارد و از آن پس با شوهر دوم تجدید عقد کند.

احکام محرمیت

س ۶۹۷: آیا راهی برای محرم شدن ۲ دختر به پدرخوانده که به خاطر نداشتن فرزند در خانواده‌ای (پدر خوانده) موجود است البته به غیر از ازدواج پدر خوانده با آنها؟ ضمناً از مرحله شیر خوارگی گذشته اند؟

ج: در صورت داشتن پدر یا جد سرپرست خانواده اگر به آنها متعه کنند به سرپرست خانواده محرم می‌شوند.

س ۶۹۸: شخصی دختر بچه‌ای را سه روزه از پرورشگاه گرفته و او را به عنوان فرزندی تقبل نموده است. از چه طریقی می‌شود این طفل را محرم نمود؟ و آیا جایز است آن طفل را صیغه محرمیت خواند برای پدر آن شخص و آیا اجازه حاکم شرع لازم است؟

ج: با طریقی که مرقوم شده است، با اجازه حاکم شرع محرمیت حاصل می‌شود.

س ۶۹۹: آیا غیر محارم از اقوام فرقی با نامحرمان دیگر دارند؟

ج: فرقی ندارد.

س ۷۰۰: شخصی خانمی را عقد نموده و هنوز دخول نکرده آیا تا مادامی که دخول نکرده دختر این زن به شخص مذکور محرم می‌شود یا خیر؟ توضیحاً اینکه عقد، دائم است و هنوز آن زن در عقد این شخص می‌باشد، مثلاً فوت نکرده یا طلاق نداده است.

ج: تا دخول نکرده، دختر آن زن محرم نیست ولی با آن دختر تا زمانیکه در متعه اوست نمی‌تواند ازدواج کند.

س ۷۰۱: شخصی خانم اول او فوت شده، ازدواج دوم را انجام داد حالا از زن دوم هیچ بچه ندارد، می‌خواهد دختر خود را شوهر دهد، چه کار باید بکند که داماد به زن دوم محرم شود؟

ج: در فرض مسئله راهی وجود ندارد.

س ۷۰۲: من می‌خواستم با دختر عمویم ازدواج کنم، اما چون شیر مادر او را خورده بودم نسبت به هم محرم هستیم و این شیر را من در زمان تولد خواهر بزرگ این دختر عمویم خورده‌ام و در واقع هر ۲ دختر عموی من می‌باشند. و من مدت یک ماه از شیر مادر آنها استفاده کرده‌ام ولی در این مدت شیر خشک نیز خورده‌ام. مثلاً امروز صبح که شیر خوردم تا صبح دیگریا دو روز بعد از آن شیر می‌خوردم و در این میان از شیر خشک استفاده می‌کردم و هیچ موقع ۱۵ مرتبه

پشت سرهم شیر نخورده ام با توجه به اینکه تمام این مطالب را از روی تحقیق بیان شد، وظیفه چیست؟

ج: اگر در بین پانزده مرتبه شیر خوردن یا در بین ۲۴ ساعت، غذا یا شیر خشک خورده باشد محرمیت حاصل نشده است و همچنین اگر از خوردن شیر آن زن استخوان شما محکم نشده و گوشت در بدنتان نروئیده است محرمیت حاصل نشده است و می‌توانید با او ازدواج کنید و اگر در موضوعات فوق شک هم داشته باشید می‌توانید ازدواج نمائید.

س ۷۰۳: آیا عروس نوه دختری به جد محرم است یا خیر؟

ج: محرم است.

س ۷۰۴: اگر وطی به حرامی فیما بین دو نفر جنس مذکر ایجاد شود آیا هیچگونه راهی جهت حلال شدن خواهر به طرف مقابل هست؟ چگونه؟

ج: فقط خواهر و مادر و دختر مدخول، به مرد داخل کننده حرام است نه به عکس و راهی جهت حلال شدن وجود ندارد.

س ۷۰۵: امروزه حضانت اطفال درمانده طبق قوانین جمهوری اسلامی توسط اشخاص داوطلب هنگامی میسر است که نبودن سرپرستی از اقربای طفل برای دادگاه محرز شود و معمولاً افرادی که اقدام به سرپرستی اینگونه اطفال می‌کنند برای ایجاد محرومیت دو راه در پیش پا دارند:

۱. ایجاد رابطه رضاعیت.

۲. جاری ساختن صیغه محرومیت با اقربا بطوری که بین طفل و زوجین سرپرست ایجاد محرمیت شود. با توجه به اینکه در بسیاری موارد ایجاد رابطه رضاعیت میسر نیست و جاری ساختن صیغه محرمیت نیز طبق فتاوی‌ای موجود منوط به اذن پدر یا جد پدری است و همین امر سبب می‌گردد که اطفال موجود در پرورشگاهها که غالباً نیز از فضای روانی اخلاقی و فیزیکی نامطلوبی برخوردارند از سرپرستی افراد مشتاق و دلسوز و مخصوصاً قائل به مسائل شرعی و مسئله محرم و نامحرم محروم

شوند. با توجه به مواردی که معروض افتاد متمنی است مرقوم فرمایید: الف) آیا اذن والدین که صلاحیت آنها برای سرپرستی طفل مورد نظر محرز شده می‌تواند جایگزین پدر یا جد پدری برای اجرای صیغه محرمیت شود؟ ب) در صورت منفی بودن جواب فرض اول آیا حاکم شرع خود می‌تواند اجازه جاری شدن صیغه محرمیت را بدهد؟ ج) در صورت مثبت بودن فرض دوم آیا اذن دادگاه صالح می‌تواند جایگزین حکم حاکم شرع بشود یا نه؟

ج: در فرض فوق فقط حاکم شرع چون براساس رعایت مصلحت عمل می‌کند، می‌تواند اجازه بدهد و دادگاه صالح که مجاز از فقیه باشد نیز با رعایت مصلحت می‌تواند اجازه بدهد.

س ۷۰۶: زنی که حامله بوده و طلاق داده شده که به واسطه وضع حمل عده او تمام می‌شود، چنانچه فواً شوهر کند و چون زن شیر داشته اگر بچه غیر را شیر کامل دهد که رضاع حاصل شود، نسبت به زن، مادر رضاعی محسوب می‌شود؟ و چون شیر مال حمل شوهر اول بوده، بچه نسبت به شوهر اول هم فرزند رضاعی است یا خیر؟

ج: زن اگر با شرائط رضاع شیر داده است فرزند رضاعی او نیز محسوب می‌شود.

احکام وقف

س ۷۰۷: آیا لازم است صیغه وقف را به عربی خواند؟

ج: لازم نیست، همینکه مثلاً بگوید خانه خود را وقف کردم وقف صحیح است ولی باید قبض هم صورت بگیرد تا وقف محقق شود.

س ۷۰۸: اگر ملک وقف خراب شود از وقف بودن خارج می‌شود یا خیر؟

ج: از وقف بودن بیرون نمی‌رود.

س ۷۰۹: دو دانگ مشاع از شش دانگ روستایی از توابع همدان موقوفه عام و حبس موبد شرعی مرحومه زبیده خاتون می‌باشد که عواید موقوفه طبق منویات مرحومه واقفه پاک نهاد بایستی به مصرف روضه خوانی و عزاداری حضرت سیدالشهداء علیه السلام و ذکر مصائب خامس آل علیهم السلام و روشنایی حرم مطهر آن بزرگوار و ایجاد تسهیلات جهت زوار عتبات عالیات برسد مع الوصف خواهشمند است نظر حضرتعالی را درباره سؤالات طرح شده بیان فرمایید:

۱. آن دسته از اهالی شهر که نسبت به پرداخت حقوق موقوفه استنکاف می‌نمایند چه حکمی دارد؟

۲. اعمال عبادی متصرفین اعم از وضو، نماز، غسل و... نسبت به سهام موقوفه به چه صورت خواهد بود؟

۳. آن دسته از اهالی (بومی یا غیر بومی) که فاقد منزل مسکونی بوده و واحد استیجاری در اختیار دارند چه تکلیفی خواهند داشت؟

ج ۱. استنکاف و امتناع از پرداخت حقوق جایز نیست و گناه است.

ج ۲. اعمال عبادی مانند وضو و غسل و نماز در مکانی که متعلق حق است با امتناع از ادای حق و عدم تحصیل رضایت صاحب حق باطل است.

ج ۳. در صورتی که استیجار بر اساس موازین شرع انجام گرفته و وجه اجاره

در موقع خود پرداخته شود، استیجار صحیح است و اعمال انجام شده در آن مکان نیز جائز و صحیح است.

س ۷۱۰: درخت توتی بر سر کوچه‌ای چندین سال از عمر وقفیت آن می‌گذرد، اما فعلاً مزاحمتی برای عابرین فراهم نموده، آیا قطع آن جایز می‌باشد تا قیمت چوب آن را به مصرف امور خیریه برسانند یا خیر؟

ج: تغییر وقف جایز نیست چنانچه بعضی از شاخه‌های آن مزاحم عابرین است رفع مزاحمت با قطع آن شاخه‌ها جایز است.

س ۷۱۱: مالی که به نام کسی وقف شده خودش فوت کرده آیا اولاد او از آن ملک ارث می‌برند یا خیر؟

ج: اگر وقف تصریح نکرده حقی ندارند.

س ۷۱۲: حدود اختیارات متولی یک موقوفه تا چه حدی است؟

ج: بر اساس وقفنامه است و اگر وقفنامه در بین نباشد با نظر حاکم شرع است.

س ۷۱۳: آیا در زمینی که حسینیه ساخته شده جایز است بفروشد و ساختمان مسکونی و غیره بسازند؟

ج: اگر وقف برای حسینیه است جائز نیست.

س ۷۱۴: آیا جائز است حسینیه را بفروشد و در محل دیگر بسازند؟
ج: جایز نیست.

س ۷۱۵: روستائی است که دارای و باب مسجد یکی قدیمی و دیگر جدید، اولی هم قبله اش کج و هم کوچک و دومی ولو تازه است ولی کوچک است از اهالی مقداری پول گرفته‌ام تا مسجد اولی را تعمیر نمایم ولی اهالی می‌گویند باید پول را برای مسجد دوم خرج نمایی و اگر برای مسجد اولی خرج کنی بقیه مخارجش را تقبل نمی‌کنیم، می‌گویند که مسجد اولی بدرد ما نمی‌خورد، حال تکلیف را بیان فرمایید:

ج: در فرض مسأله اهالی محترم جنابعالی را وکیل قرار دادند که آن پول را برای مسجد اولی خرج کنید و تا آن پول خرج نشده است می‌توانند نظر خود را تغییر بدهند و اکنون می‌گویند پول را برای مسجد دوم خرج نمائید وظیفه جنابعالی این است به آنچه صاحبان پول می‌گویند عمل کنید.

س ۷۱۶: اینجانب در حالت عصبانیت که بر اثر درگیری با فرزندانم، برای من پیش آمده بود، خانه مسکونی‌ام را وقف کردم اما بعد از مدتی پشیمان شدم، البته صیغه وقف جاری شد، و ضمناً سند هم به نام اوقاف صادر شد، آیا این وقف صحیح است؟

ج: در وقف علاوه بر صیغه وقف قبض هم شرط است اگر قبض و اقباض صورت نگرفته است وقف صحیح نیست و اگر صورت گرفته است ملاحظه کرد که عصبانیت در چه حدی بوده است و اگر به مرتبه‌ای بوده که عقل و ادراک از کار افتاده است وقف صحیح نیست والا صحیح است.

س ۷۱۷: قطعه زمینی حدود صد سال پیش جهت دفن اموات مسلمین تعیین شد، ولی الان بیش از پنجاه سال است که دیگر میت در آن دفن نمی‌شود و طبق شیاع اهالی محل و فتاوی بعضی از مراجع تقلید قبرستان مورد نظر وقف معاطات می‌باشد و واقف آن هم شخص معین نمی‌باشد و در قسمتی از قبرستان در سنوات گذشته مدرسه احداث گردیده حال از محضر عالی استعلام می‌شود جایز است در گورستان مذکور مسجد احداث نمایند یا خیر؟ در صورت عدم امکان آیا اهالی می‌توانند با پرداخت بهاء متناسب با عرصه گورستان احداث مسجد نمایند؟ ضمناً هیچگونه نبش قبر به عمل نخواهد آمد.

ج: دفن اموات در این قبیل زمینها دلیل موقوفه بودن آن برای قبرستان نیست و چون بیش از پنجاه سال است که اموات در آنجا دفن نمی‌شود و اموات هم که قبلاً دفن شده‌اند پوسیده و خاک شده‌اند و نبش قبر هم صورت نمی‌گیرد و آثار قبور هم از بین رفته است و آن زمین مالک معین هم ندارد بنابراین احداث مسجد در آنجا اشکال ندارد و جائز است و مجاز

هستید که اقدام فرمایید.

س ۷۱۸: گاراژی که صاحب ملک آن چندین سال در ماه محرم الحرام به مدت ۱۳ روز و با مدیریت خود عزاداری ابا عبد الله الحسین علیه السلام را در آن برگزار می کرده بعد از فوت صاحب ملک چندین نفر از هیئت جوانان حسینی پس از ۱۳ روز عزاداری، مکان فوق را وقف هیئت می دانند با این دلیل که مرحوم، این مکان را وقف کرده است، لذا لوازم هیئت را از این مکان تخلیه نمی کنند. در صورتی که هیچگونه مدرکی دال بر وقف این مکان ندارند. نظر مبارک را بیان فرمایید.

ج: تا اینکه دلیلی بر وقف بودن آن ملک در دست نباشد وقف بودن آن ثابت نمی شود و آن ملک متعلق به ورثه است و بر هیأت امناء مذکور لازم است که برای مدعای خود اقامه دلیل نمایند.

س ۷۱۹: آیا می شود وسائلی از قبیل فرش و ظروف که تعلق به مسجد دارد و گاه وقف مسجد است ولی فرسوده شده و از بین می روند را فروخت و در جای دیگر مسجد که لازم است خرج کرد؟

ج: در صورتی که مورد استفاده نیست می توانید آن را بفروشید ولی از پول آن وسائلی تهیه کنید که مشابه آن باشد مثلاً از پول فرش برای مسجد فرش بخرید و از پول ظرف، ظرف بخرید.

س ۷۲۰: فرشی را که برای حسینیه ای وقف کرده اند برای نماز به مسجد نزدیک آن حسینیه می شود برد یا خیر؟

ج: جایز نیست، اگرچه آن مسجد نزدیک حسینیه باشد.

س ۷۲۱: مورث اینجانب قصد به وقف عرصه و اعیان پلاک ثبتی مشخصی را داشته ولیکن این امر در حد یک نامه و قصد به وقف باقی مانده و هیچ گاه به وقف در نیامد و به قبض موقوفه نیز منجر و منتهی نشده لهذا خواهشمند است چگونگی وضعیت شرعی را بیان فرموده تا تکلیف اینجانب به عنوان وارث شرعاً روشن گردد. ج: تنها قصد وقف کافی نیست، و تا صیغه وقف خوانده نشود یا عملی به

عنوان وقف صورت نگیرد و قبض تحقق پیدا نکند وقف انجام نگرفته است و تأثیر ندارد.

س ۷۲۲: آیا جایز است که یک قبرستان را بعد از ۳۰۰ سال به طور عمدی زراعت کنند؟

ج: در صورتی که آن محل برای قبرستان وقف شده زراعت در آن جایز نیست و اگر وقف بودن آن معلوم نیست چون مالک معین ندارد تصرف در آن احتیاج به اجازه حاکم شرع دارد.

س ۷۲۳: شخصی قطعه زمین را به عنوان شارع عمومی و رفت و آمد مردم وقف نموده است و فعلاً هم مورد استفاده می‌باشد، آیا جایز است مقدار زمین موقوفه را به شخص دیگری بفروشند، با در نظر گرفتن اینکه واقف زمین هم فوت شده است؟

ج: فروختن موقوفه جایز نیست مگر در موارد مخصوص و مورد سؤال از آن موارد نیست.

س ۷۲۴: احتراماً به استحضار می‌رساند مدرسه علمیه موقوفه واقع در طبقه فوقانی مسجدی حدوداً ۱۸ سال است فعالیت‌هایی از قبیل خیاطی، گلدوزی، عکاسی، قالیبافی، تزیینات و... در آنجا به عمل می‌آید نظر به اینکه در وقفنامه مکان ذکر شده برای مدرسه علوم دینی وقف شده است لطفاً نظر حضرتعالی را در موارد ذیل بیان فرمایید:

۱. آیا چنین فعالیت‌های مشروع بوده است؟

۲. استمرار فعالیت‌های ذکر شده چگونه است؟

ج: چون در وقفنامه قید شده است که مدرسه علوم دینی باشد اعمال مذکوره در آنجا نامشروع است و مراعات آنچه که در وقفنامه ذکر شده است لازم است.

س ۷۲۵: حمام عمومی مخروبه‌ای در یکی از روستاهای همدان وجود دارد که به

علت قدیمی بودن، واقف آن مشخص نیست که آیا این حمام را برای بنای حمام وقف کرده یا نه، آیا می‌شود آن را تبدیل به مسجد یا غسل خانه کرد یا خیر؟
ج: در صورتی که وقف بودن آن برای حمام معلوم نیست می‌توانید آن را غسلخانه کنید.

س ۷۲۶: ساختن غسلخانه در قبرستان وقفی چه صورتی دارد؟
ج: جائز نیست.

س ۷۲۷: زمینی چند سال پیش وقف شده برای قبرستان آیا می‌شود از خاک آن استفاده کرد یا خیر؟
ج: استفاده از آن برای غیر دفن اموات جائز نیست.

س ۷۲۸: مسجدی است که به مدت ۵۰ سال قبل ساخته شده است و حال برای توسعه آن تخریب خواهد شد، مکان مذکور به علت محدود بودن زمین، طبق نقشه قدری، از مکان مسجد برای قهوه خانه و کفش کن آن نیاز شده است آیا شرعاً این تصرف جایز است؟

ج: جدا کردن قهوه خانه و کفش کن از زمین مسجد جائز نیست.

س ۷۲۹: احتراماً به استحضار می‌رساند در روستایی از توابع یکی از شهرستانها حسینیهای از سالهای گذشته ساخته شده که در حال حاضر آن حسینیه بلااستفاده است و در حال تخریب است و از حسینیه جدید استفاده می‌کنند و حسینیه قبلی فرشهایی دارد که استفاده نمی‌شود بلکه در حال از بین رفتن است آیا می‌شود از آن فرشها در حسینیه جدید استفاده کرد یا خیر و همچنین آیا می‌شود محل حسینیه قبلی را فروخت و پولش را در حسینیه جدید خرج کرد یا مثلاً محل حسینیه قبلی را تبدیل به نانوائی نمود یا خیر؟

ج: در صورتی که آن فرشها در حسینیه سابق مورد استفاده قرار نمی‌گیرد می‌توان از آنها در حسینیه جدید استفاده کرده و نیز اگر حسینیه قبلی بلا استفاده مانده است جائز است آن را بفروشند و از قیمت آن در ساختن

حسینیه جدید استفاده کنند و اگر آن هم ممکن نیست از آن در سایر احتیاجات حسینیه جدید می‌توان استفاده کرده و تبدیل به نانوائی جایز نیست.

س ۷۳۰: با توجه به تشخیص مهندسان راه و جاده ملک مسجدی که از حیز انتفاع افتاده و در آن مسجد نماز نمی‌خوانند و امکانات آن به مسجد دیگر که نزدیک است انتقال داده شده و آن محله هم خالی از سکنه شده است، آیا به تشخیص و نیاز مسئولین امر و ضرورت داشتن جاده برحسب نیاز به آن در جامعه آیا ملک مسجد را تبدیل به جاده می‌شود کرد یا خیر؟

ج: تبدیل ملک مسجد به جاده جایز نیست.

س ۷۳۱: قبل از ادغام نیروهای سه گانه «شهربانی، کمیته، ژاندارمری» در هنگ ژاندارمری سابق قم واقع در خیابان امام خمینی علیه السلام ساختمان نسبتاً با شکوه با مشخصات مسجد (دو مناره، محراب، کاشی کاری و تزئینات مربوطه در دو طبقه) با نظر ریاست سازمان عقیدتی سیاسی ژاندارمری کل کشور که نماینده و منصوب حضرت امام خمینی قدس سره بودند طراحی و ساخت این بنا با گلنگ زنی توسط ایشان آغاز و با همت و پیگیری ریاست عقیدتی سیاسی هنگ و جذب کمک از متدینین و افراد خیر ادامه یافت و تا زمان ادغام حدود ۷۰٪ پیشرفت داشت لیکن از آن زمان تا بحال عملاً ادامه کار این بنای مذهبی و مقدس متوقف گردیده است. از آنجائیکه به خواست خداوند مصمم هستیم به نوبه خود کار را ادامه داده و انشاءالله به پایان برسانیم. در اینجا دو مسئله به نظر می‌رسد که فتوی و نظر مبارکتان راهگشا و روشن کننده خواهد بود:

۱. زمین فوق‌الذکر دولتی بوده در عین حال یک مقام روحانی مأذون از قبل حضرت امام علیه السلام کلنگ این بنا را به عنوان مسجد زده است. در جهت تقویت عنوان «مسجدیت» این بناء از حضرت‌تعالی استدعا داریم حکم «مسجد بودن» را کتبا تنفیذ یا حسب نظر مبارکتان صادر فرمائید.

۲. آیا طبقات فوقانی و تحتانی شبستان «مسجد» حکم مسجد را دارد یا خیر؟ بدین معنی که آیا می‌توان در طبقات مذکور زائر سرا، توالی، دستشویی و... که مورد سکونت یا عبور عمومی است ایجاد نمود یا نه؟

ج ۱: با مشخصاتی که مرقوم گردیده است عنوان، عنوان مسجد است و همینقدر که در اختیار نمازگزاران قرار بگیرد و یک نماز در آنجا خوانده شود مسجد بودن آن فعلیت پیدا می‌کند و احکام مسجد بر آن مترتب می‌شود.

ج ۲: مسجد بودن یا نبودن طبقات فوقانی و تحتانی شبستان که مرقوم داشته‌اید تابع قصد کسانی است که از اول امر دست اندرکار این بنا بوده‌اند بنابراین در صورت امکان از آنها تحقیق به عمل آید تا مطلب روشن شود و در صورت روشن نشدن مطلب حکم مسجد را ندارد و می‌توانید مقصد مذکور در فوق را مورد اقدام قرار بدهید.

س ۷۳۲: در سال ۹۱۴ هـ ق شخصی تمامی شش دانگ قریه ای را بر سید علاء الدین ابن قاضی امیر نجم الدین محمود الطالقانی و اولاد ذکور سادات نسل بعد نسل وقف می‌کند و از آن سنه تا دوران تقسیمات اراضی ستمشاهی وقف عمل می‌شد و اجازه نامچه‌های زیادی گواه این است به عنوان نمونه ۵۵ برگ اجازه نامچه اصل طبق رسید موجود در کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی نگهداری می‌شود و اصل وقفنامه در بخش مخطوطات کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود واقف در آن زمان متولی منصوص نکرده است اما در سال ۱۳۶۹ هـ ش سازمان اوقاف و امور خیریه یکی از موقوف علیهم را طی حکمی به عنوان متولی تعیین می‌کند و یکی از مراجع معزز در مورد موقوفه مذکور چنین مرقوم فرموده اند: الف: با عنایت به حکم اوقاف و مجتهد جامع الشرائط فرد نامبرده آیا به عنوان متولی شرعی است؟ ب: آیا متولی از نظر شرعی می‌تواند مال الاجاره معوقه موقوفه را به متصرفین ببخشد؟ و یا در جهت غیر مصارف وقف عمران و آبادی قریه و... مصرف نماید؟

- ج: ۱. حاکم شرع می‌تواند برای موقوفه‌ای که متولی منصوص از جانب واقف ندارد متولی نصب کند.
- ج: ۲. لازم است متولی بر اساس موازین و خصوصیات وقف موقوفه عمل کند و تخطی از آن جائز نیست.

مسجد و حسینیه

س ۷۳۳: آیا مسئول تولیت مسجد و با ناظر آن از در آمد و مخارج بنایی که در آن مسجد است می‌توانند حق تولیت و نظارت ماهانه دریافت نمایند؟ اگر جواب مثبت است، تا چه حدودی می‌توانند از این اموال برداشت نمایند با توجه به اینکه از طرف واقف در این باره چیزی ذکر نشده است.

ج: در صورتی که از طرف واقف مقدار معینی ذکر نشده است و کار شخص مورد احتیاج باشد و به قصد تبرع کار نکرده باشد می‌تواند به اندازه اجرت‌المثل دریافت کند.

س ۷۳۴: احتراماً به استحضار می‌رساند مسجدی واقع در تهران از حدود چهل سال قبل با نقشه‌ای بنا گردیده است و در انتهای مسجد محلی برای آبدارخانه در نظر گرفته شده، و سالهای سال از آن بهره برداریر می‌شده است لکن اخیراً با توجه به انتقال محل آبدارخانه به محل دیگر، همچنین بنابر ضرورت موجود تصمیم گیری شد که محل آبدارخانه قدیم که دربی به شبستان مسجد دارد، به سرویس بهداشتی (توالت و دستشویی) تبدیل گردد و درب داخلی مسجد مسدود و دربی به کوچه ۸ متری برای استفاده خواهران باز شود لذا بمنظور رفع هر گونه شائبه‌ای از آن مرجع بزرگوار و عالیقدر استدعی دارد ارائه رهنمود فرمایند:

ج: ظاهر امر این است که آبدارخانه مذکور جزء مسجد نبوده است و فعلاً بر اساس اقتضای ضرورت تغییر مذکور را می‌توانید بوجود بیاورید.

س ۷۳۵: بدینوسیله به اطلاع می‌رساند که عده‌ای از اهالی روستایی از توابع کبودر

آهنگ مقداری پول و حواله آهن آلات و... تهیه کرده تا مسجد جامع کلنگی روستا را ساخته و آباد نمایند. اما به ارشاد روحانی محل این امکانات به محل جدیدی انتقال یافته و مسجد جدیدی بنیان گذاشته شد و در ضمن تعدادی از اهالی نیز پولهای خود را پس گرفتند. ولی همین اهالی که در ساختن مسجد جدید دست داشتند در همین مسجد نوبنیاد نیز حضور می‌یابند و مجالس گوناگون را برپا می‌کنند؛ لطفاً نظر شریف حضرتعالی را در این مورد مرقوم فرمایید:

۱. حضور ایشان در مسجد جدید درست است یا خیر؟

۲. ساختن مسجد جدید توسط پولهایی که برای مسجد قدیم جمع شده بود صحیح است یا خیر؟

ج ۱: حضور آنها در مسجد جدید اشکالی ندارد.

ج ۲: با رضایت صاحبان پول صحیح است.

س ۷۳۶: مسجدی قدیمی بوده که در حال حاضر تجدید بنا شده است، مقداری از زمین مسجد قدیمی را از روی ندانستن مسئله قهوه خانه و آبدارخانه کرده ایم: آیا لازم است که خراب کنیم و جزو مسجد باشد یا خیر؟

ج: اگر جزء مسجد بوده است آبدارخانه و قهوه خانه کردن آن جائز نیست.

س ۷۳۷: آیا جایز است مهرهای مسجد را که از مسجد بیرون ببرند و در منزل با آن نماز بخوانند مثلاً یکشب هیئت عزاداری در منزلی نزدیک مسجد است و می‌خواهند نماز جماعت بخوانند، آیا جایز است مهرها را از مسجد ببرند و پس از اقامه جماعت مهرها را به مسجد برگردانند؟

ج: اگر برای نماز در خصوص مسجد وقف نشده است جائز است.

س ۷۳۸: آیا جایز است که بلندگوی مسجد و ظروف تهیه شده برای غذا دادن به عزاداران در ایام عزاداری امام حسین علیه السلام و... را برای عزاداری امام حسین علیه السلام و جشنها و جلسات روضه خوانی و حج ببرند یا خیر؟

ج: اگر برای مسجد وقف شده است جائز نیست.

س ۷۳۹: آیا کفشداری مسجد که به مسجد چسبیده است حکم مسجد را دارد یا خیر؟

ج: تا معلوم نباشد و قرینه ای بر مسجد بودن در بین نباشد حکم مسجد را ندارد.

س ۷۴۰: پولی که به عنوان مخارج مسجد و نذری برای امام جماعت مسجد و یا از درآمد مغازه‌های مسجد از مردم جمع آوری می‌شود، آیا می‌توان از این درآمدها در روز عاشورا برای عزاداران سید سالار شهیدان حسین بن علی علیه السلام غذا داد یا خیر؟

ج: این موضوع تابع قصد دهندگان پول است، اگر برای امام جماعت داده اند فقط باید به ایشان داده شود و باید ملاحظه شود که مغازه‌های مسجد به چه عنوان وقف شده است و اگر برای خرج کردن در مسجد باشد می‌توان در مسجد با آن وجه در عزاداری غذا داد.

س ۷۴۱: متولی مسجد که فوت کرده آیا اولاد او از تولیت مسجد ارث می‌برند؟

ج: اگر واقف مسجد تصریح نکرده باشد حقی ندارند.

س ۷۴۲: در صورتی که از اول طبقه فوقانی مسجدی را به نام مهدیه نام گذاشته‌اند که درست بر روی سالن شبستان مسجد قرار دارد آیا می‌تواند این طبقه فوقانی را از مسجد خارج کرد و جزء مسجد ندانست؟

ج: در صورتی که از اول جزء مسجد نبوده است اشکال ندارد.

س ۷۴۳: در یک دهستانی که قریب ۱۰۰ خانواده جمعیت دارد مسجدی غیر از مسجد قدیمی بنا شده به این منظور که جوابگوی برنامه‌های جدید باشد و لذا عده‌ای در این بنا کمک و همکاری کرده‌اند و عده‌ای همکاری نکرده‌اند، آیا آن تعداد که همکاری نکرده‌اند می‌توانند در این مسجد جدید اقامه نماز نمایند یا خیر؟

ج: بعد از اینکه برای نماز گزاران وقف شد، نماز گزاران یکسان می‌باشند.

س ۷۴۴: در بعضی از مساجد اجناس بدون مصرف می‌ماند از قبیل قند، چای، که

از نذورات محسوب می‌شود و بعضی دیگر از وسائل مسجد بوده از قبیل بخاری و وسایل چایی و قهوه خانه و آشپزخانه که فعلاً قابل استفاده نیست آیا اجازه می‌فرمائید امضاء مسجد آنها را فروخته و در عوض وسائل مورد نیاز خریداری کنند؟

ج: آنچه از وسایل مسجد مورد استفاده نیست می‌توانید آن را بفروشید و از قیمت آن وسائل مورد نیاز که مشابه به وسایل قبل باشد تهیه نمائید ولی قند و چای در همان راهی که داده شده و یا نذر شده مصرف شود.

س ۷۴۵: مسجدی هست که حدود بیست سال قبل ساخته شده و برای استفاده جمعیت در حدود صد خانوار بوده که هم اکنون جمعیت به پنجهزار نفر رسیده با نظر مهندسین مسجدی بزرگ در کنار این مسجد ساخته می‌شود و حیاطی بزرگ هم لازم است با نظر مهندسین ایجاد گردد آیا جایز است مسجد قبلی کرسی چینی گرد و نرده کشی شود و به حالت مسجدی باقی بماند فقط از هوای باز آن جهت حیاط مسجد جدید استفاده شود.

ج: چون توسعه حیاط مسجد مورد لزوم است اگر مسجد قبلی نرده کشی شده به حالت مسجد بماند و از فضای آن جهت حیاط استفاده شود چنانکه مرقوم شده جائز است و احکام مسجد بر آن مترتب است.

س ۷۴۶: آیا استفاده از اشیاء و لوازم وقف مسجد از قبیل برق، آب، فرش، و استکان، لیوان و... برای مراسم خارج از مسجد مثلاً افتتاحیه زمین مدرسه و غیره چگونه است؟ با توجه به اینکه تهیه وسائل فوق الذکر از جاهای دیگر امکان پذیر نیست.

ج: استفاده از اشیاء و اثاثی که از لحاظ وقف اختصاص به مسجد دارد در غیر مسجد جائز نیست.

س ۷۴۷: در زمان مالکین قبل از تقسیم اراضی مقداری زمین به مساحت ۵۰ متر عرض و در حدود ۳ کیلومتر طول جهت (معبور حیوانات به چراگاه) منظور شده

بود، تدریجاً یک نفر از کشاورزان آن زمین را کم کم ضمیمه زمین خود کرده است، الحال عده‌ای از اهالی روستا اعتراض کرده اند، حالا شخص غاصب حاضر شده قیمت زمین غصب کرده را به قیمت نرخ روز پرداخت نماید تا امنای مسجد به مصرف مسجد برسانند، مستدعیست در این باره بفرمایید از نظر شرع غصب این زمین و مصرف قیمت آن به مسجد شرعی است؟

ج: باید رضایت کسانی که مالک آن زمین که غصب شده است بودند جلب شود، با رضایت آنها اشکال ندارد.

س ۷۴۸: حسینیه‌ای است که تقریباً خراب شده و مکانش هم جای خوبی نیست آیا می‌شود آن را فروخته و در زمینی که در کنار مسجد است حسینیه‌ای از نو ساخت؟ اگر می‌شود، چون زمین کنار مسجد است یک متر هم از حیاط مسجد داخل حسینیه قرار گیرد تا بشود برای عزاداری امام حسین علیه السلام حسینیه خوبی داشت؟

ج: فروش حسینیه در صورتی که بلااستفاده مانده است جائز است بشرط اینکه از قیمت آن در جای دیگر حسینیه‌ای ساخته شود ولی نمی‌شود حیاط مسجد را جز حسینیه قرار بدهند. نیست و همچنین است جزء حسینیه قرار دادن مسجد.

احکام نذر

س ۷۴۹: ماهیتهایی مذهبی هستیم که در سال، مراسم‌های وفات و مولود چهارده معصوم علیهم‌السلام را گرامی داشته و مراسمی برپا می‌نماییم، لذا در ماه محرم از طرف اداره بازرگانی شهرمان اعلام کردند هر کس نذری دارد مراجعه بنماید تا برای او حواله برنج و روغن صادر کنیم و هیأت ما که در آن زمان نذری نداشت مراجعه و مقداری حواله برنج و روغن دریافت نموده و آن را به صورت آزاد فروخت تا بخشی از هزینه‌های برگزاری مراسم چهارده معصوم علیهم‌السلام در طول سال تأمین گردد. حال سؤال این است که: آیا این عمل اشکال دارد یا خیر؟

ج: اگر حواله برنج و روغن مخصوص کسانی بوده است که نذر داشته باشند گرفتن آن بدون نذر، مشروع نبوده است و لازم است به آن مرکز مسترد شود.

س ۷۵۰: شخصی نذر می‌کند که اگر مریض او خوب شود یا مسافر او بیاید عملی را انجام دهد، بعد معلوم می‌شود که پیش از نذر مریض خوب شده یا مسافر آمده است، عمل به چنین نذری واجب است یا خیر؟

ج: در این صورت عمل کردن به نذر واجب نیست.

س ۷۵۱: آیا می‌توان نذرهایی را که به مسجد می‌آورند به خادم مسجد داد؟

ج: اگر برای مخارج مسجد باشد خادم هم جزء ملزومات مسجد است، مانعی ندارد.

س ۷۵۲: الف) با توجه به باز شدن راه کربلا زواری که به عتبات مقدسه مشرف می‌شوند، نذورات و هدایایی به قبور ائمه و امامزادگان علیهم‌السلام می‌برند و اصرار دارند که داخل ضریح مبارک بیاندازند با علم به اینکه نذورات و هدایا را دولت غاصب عراق برداشته و در جهت مقاصد خود خرج می‌کند و به هدف مورد نظر نمی‌رساند، آیا با

این حال جایز است هدایا و نذورات را داخل ضریح قرار دهند؟

ج: در وضع فعلی به داخل ضریح مقدس نیندازند.

س: ب) آیا جایز است این نذورات و هدایا به فقراء و نیازمندان شیعه در عراق داده شود؟ با توجه به اینکه اکنون در عراق افراد زیادی در فقر شدید به سر می‌برند؟

ج: بلی جائز و راجح است.

س: پ) آیا جایز است این نذورات و هدایا به طلاب علوم دینی در عراق داده شود؟

ج: دادن این قبیل نذورات به طلاب علوم دینی که دارای استحقاق می‌باشند

نیز جائز و راجح است.

س ۷۵۳: آیا می‌توان نذری کرد و مصرف آن را از اشخاص واجب النفقه مانند پدر و مادر و فرزندان و همسر قرار داد؟

ج: جائز است.

س ۷۵۴: مؤمنین برای خرج روز عاشورا برنج، گوشت و روغن می‌آورند و مقداری از آنها اضافه می‌ماند، آیا می‌توان آن را به زلزله زدگان و یا سیل زده‌ها و یا به جبهه تقدیم کرد و یا اینکه می‌توان آن اجناس را فروخت و پول آن را در مسجد خرج کرد؟

ج: اگر برای خرج روز عاشورا آورده باشند نمی‌توان آن را به زلزله زدگان و

غیر آن تقدیم کرد، باید در روز عاشورا خرج شود و اگر اضافه آمد بفروشد و

در عزادای خرج کنند.

س ۷۵۵: اگر شخصی نذر کند به فقیر معینی صدقه بدهد، آیا می‌تواند به فقیر

دیگری بدهد؟

ج: نمی‌تواند آن را به فقیر دیگری بدهد و اگر آن فقیر بمیرد بنا بر احتیاط

باید به ورثه او بدهد.

س ۷۵۶: اگر شخصی نذر کند که مقدار معینی صدقه بدهد، چنانچه پیش از دادن

صدقه بمیرد تکلیف ورثه چیست؟

ج: باید آن مقدار را از مال او صدقه بدهند.

س ۷۵۷: گوسفندی را که برای صدقه یا برای یکی از امامان نذر کرده اند آیا پشم آن و مقداری که چاق می‌شود جزء نذر است یا خیر؟

ج: پشم و آن مقداری که چاق می‌شود جزء نذر است و اگر پیش از آنکه به مصرف نذر برسد شیر بدهد یا بچه بیاورد بنا بر احتیاط واجب باید به مصرف نذر برسد.

س ۷۵۸: اگر پدر یا مادر نذر کند که دختر خود را به سید بدهد، این نذر صحیح است یا خیر؟

ج: بعد از اینکه دختر به تکلیف رسید اختیار با خود اوست و نذر آنان اعتباری ندارد.

س ۷۵۹: نذر زوجه بدون اذن زوج نافذ است یا خیر؟ البته زن درآمد دارد و قالی بافته و به شوهرش ددر اداره زندگی کمک می‌کند.

ج: اگر از مال خودش باشد احتیاج به اذن زوج ندارد.

س ۷۶۰: خانواده ما از سالها قبل نذر داشتند در روز عاشورای حسینی ع طعام کنند اما به خاطر گرفتاری که سه سال قبل در روز عاشورا برای ما پیش آمد اطعام را به روز ۲۸ صفر موکول نمودیم حال آیا اینگونه تغییر بر صحت نذر لطمه‌ای وارد می‌سازد یا خیر؟

ج: اگر نذر با شرائط صحیح انجام شده است نباید آن را تا ممکن است تغییر داد ولی اگر ممکن نیست می‌توانید.

س ۷۶۱: چنانچه زن در غیاب شوهر و یا با عدم اطلاع و یا با عدم رضایت او نذر کند، در صورتی که مال منذور از شوهر باشد و یا مشترک و یا از مال مختص به زن، از قبیل ارث و یا اجرت کاری که از شوهر می‌گیرد، چه صورت دارد؟

ج: نذر زن اگر مزاحم با حقوق شوهر باشد بی اجازه او، باطل است. و اگر مزاحم نباشد و از مال خود زن باشد احتیاج به اجازه شوهر ندارد.

س ۷۶۲: الف) کسی که نذر کرده، دو رکعت نماز به نام یکی از امامان علیهم السلام بخواند چگونه باید نماز را بخواند آیا مثل نماز یومیه است؟
ج: مثل نماز یومیه است.

س: ب) حال اگر کسی خلاف گفتار مجتهد خوانده تکلیف چیست؟
ج: اگر مقلد او بوده باید اعاده کند.

س ۷۶۳: اگر شخصی نذر کند که اگر کاری انجام گیرد مبلغی را به جایی پرداخت نماید اما بعد از برآورده شدن و انجام فعلش فراموش کند که نذر کرده یا خیر. آیا پرداخت نذر شکی واجب است یا خیر؟
ج: اگر در اصل نذر کردن شک دارد واجب نیست.

س ۷۶۴: مبلغی از مردم برای پختن غذا در روز عاشورا جمع آوری می‌شود و از آن مبلغ اضافه می‌ماند، آیا می‌توان آن مبلغ را برای نذری به روحانی مسجد پرداخت کرد یا خیر؟

ج: اضافه را هم باید در راه عزاداری خرج کنند اگر روحانی مسجد هم در عزاداری شرکت می‌کند مثلاً در مرثیه و مصیبت‌خوانی شرکت می‌کند می‌توان به او نیز تقدیم کرد.

احکام وصیت

س ۷۶۵: این جانب چون وصیت شرعی برای ورثه دارم، در ضمن وصیت کتبی تا چه حد از اموالم را به ورثه می‌توانم اختصاص بدهم؟

ج: اختیار یک سوم از اموال خود را فقط به عنوان وصیت دارید که می‌توانید آن را به هر نحوی که مقتضی بدانید مورد وصیت قرار بدهید، بقیه اموال بعد از ادای دین میان ورثه علی‌ما فرض الله تقسیم می‌شود.

س ۷۶۶: پدر این جانبه حدود بیست و هفت سال پیش از دنیا رفته است متوفی وصیت نامه ای داشته است مبنی بر اینکه یک چهارم از اموالش را نماز و روزه خریداری شود، فرزندان متوفی همگی بعد از فوت پدرم خانه پدری را برای رفاه حال مادرم به ایشان بخشیدند حدود سه سال قبل مادرم نیز از دنیا رفت. پس از فروش خانه و تقسیم سهم الارث به تازگی وصیت نامه پدرم پیدا شده است. مستدعی است برابر آئین مقدس اسلام وضعیت این جانبه را روشن فرمایید. لازم به ذکر است در حال حاضر از نظر مادی پول نقدی ندارم که بتوانم وصیت پدرم را عملی کنم.

ج: وصیت مذکور در صورتی که بیش از یک سوم اموالی متوفی نباشد صحیح است. و اکنون لازم است ورثه وصیت آن مرحوم را عملی بسازند و پس از آن سهم الارث خود را مورد تصرف قرار بدهند.

س ۷۶۷: زنی فوت نموده دارای چند فرزند می‌باشد و اصل دارائی او دو دانگ خانه مسکونی می‌باشد شوهر متوفی می‌گوید دو دانگ مادرتان را پس از مرگ به یک فرزندم (مشخص نموده) البته با رضایت اولادهای دیگرم بدهید. در صورتی که ورثه راضی نباشد آیا این وصیت صحیح است؟

ج: اگر وصیت را مشروط بر رضایت فرزندان دیگر کرده و آنها هم رضایت

ندهند صحیح نیست.

س ۷۶۸: شخصی که چندین سال خادم مسجد بوده آیا می‌تواند وصیت کند که او را در حیاط یا کفش کن یا در آستانه دفن کنند؟

ج: نمی‌تواند.

س ۷۶۹: شخصی فرزند نداشته، طی وصیتنامه‌ای که مورد قبول افراد ذی نفع بوده، اموال خود را تقسیم کرده و کمتر از ثلث مالش یعنی چهار هزار متر باغ را به عنوان خیرات خود معین کرده است، و خواهرزاده را ناظر قرار داده که درآمد باغ مذکور را پس از برداشت ۱ از ۱۰ (یک دهم) آن را به عنوان اجرت، بقیه را صوم و صلاة و خمس و خیرات بدهد، فرد مذکور در طول ۱۵ سال گذشته چیزی در این راه طبق وصیت خرج نکرده و املاکی ندارد و اخیراً اقدام به فروش قسمتی از ملک مزبور نموده است. الف) آیا ناظر، حق فروش دارد در صورتی که در متن وصیت نامه موارد مصرف در آمد قید شده است.

ج: اگر در وصیتنامه قید شده که صوم و صلاة و خمس و خیرات از درآمد باغ باشد کسی حق فروختن باغ را ندارد.

س: ب) اگر ناظر به وصیت عمل نکرد آیا می‌توان او را عزل و شخص امینی که به وصیت عمل کند، جای آن قرار داد؟

ج: در صورتی که وصی یا ناظر به وظیفه خود عمل نکنند حاکم شرع می‌تواند فرد دیگری برای عمل به وصیت تعیین کند.

س: پ) آیا بعضی افراد ذی نفع می‌توانند بر خلاف متن وصیتنامه تصمیم بگیرند؟

ج: چنانکه گفته شد این موضوع از شؤون حاکم شرع است.

س: ت) چه کسی باید حق ضایع شده را مطالبه و طبق وصیتنامه به مصرف برساند؟

ج: ورثه می‌توانند به حاکم شرع مراجعه کنند تا او در این مورد دستور اقدام صادر نماید.

س ۷۷۰: شخصی در حیات خود کسی را وصی کرده و او قبول نکرده، پس از فوت دوباره وصیت کرده شخص مشار الیه وصی باشد، آیا مجوزی هست که با اکراه چنین وصیتی را بر کسی تحمیل کنند؟

ج: در صورتی که به اطلاع وصیت کننده رسانده باشد که برای انجام وصیت او حاضر نیست، می تواند بعد از مردن او به وصیت عمل نکند.

س ۷۷۱: پدر خانواده‌ای هنگام تشرف به مکه مکرمه وصیتنامه‌ای تنظیم و فرزند خود را به عنوان وصی تعیین و او را به اجرای مفاد وصیتنامه موظف نمود، در متن وصیتنامه آمده که بعد از فوت جنازه‌ام به مشهد مقدس حمل شود و یا هر جا که وصی من مصلحت بداند مختار است، لکن چند ماه قبل از فوت به فرزندان مؤکداً سفارش کرد که جنازه‌ام را به کربلای معلی حمل نمایید، ۲ سال از تاریخ فوتش می‌گذرد جنازه در گورستان عمومی به صورت امانت قرار دارد با توجه به شرائط حاکم بر عراق و شفاف نبودن روابط فیما بین و عدم اطمینان به تهیه و تدارک حمل جنازه به آن سرزمین مقدس حمل و به خاک بسپارد یا خیر؟

ج: چون حمل جنازه به سرزمین مقدس کربلا فعلاً ممکن نیست و موفقیت برای این امر در آینده نزدیک نیز معلوم نیست لازم است به مشهد مقدس حمل نمایید.

س ۷۷۲: شخصی قبل از رفتن به جبهه برای مبارزه حق علیه باطل و قبل از اینکه نهایتاً به شهادت برسد، وصیت نموده است یک قطعه زمینی که دارم برای همسرم باشد، از او ورثه‌ای که باقیمانده: زن و یک دختر و پدر و مادر و دو برادر و چهار خواهر می‌باشد، مرقوم فرماید وصیت آن شهید در بیشتر از ثلث نافذ است یا خیر؟

ج: وصیت بیش از ثلث نافذ نیست مگر اینکه وراثت به حد بلوغ رسیده باشند و امضاء کنند و با وجود همسر و دختر و پدر و مادر که طبقه اول از وراثت می‌باشند به برادر و خواهر که جزء طبقه دوم هستند ارث نمی‌رسد.

س ۷۷۳: اگر شخصی از اهل تسنن یک شیعه را وصی خویش قرار دهد این وصی که شیعه است به عقائد شیعی عمل کند یا به عقائد همان شخص سنی؟
ج: به عقائد موصلی عمل کند.

س ۷۷۴: شخصی ده سال پیش وصیت کرده که پنجاه هزار تومان در مجلس ختم من خرج کنید که این وصیت ۱۰ سال قبل از فوت ایشان بوده و پنجاه هزار تومان آن زمان نقد نبوده ولی اموالی داشته که می‌توانسته بفروشد و پنجاه هزار تومان را نقد کند، آیا الان همان پنجاه هزار تومان ۱۰ سال قبل را باید خرج کرد؟ یا اینکه باید ارزش پنجاه هزار تومان ۱۰ سال قبل را حساب کرد؟ یا اینکه ایشان صغیر هم دارد؟

ج: در این قبیل موارد که باب دین و ضمانت نیست و صغیر هم دارد همان مبلغ مذکور که پنجاه هزار تومان است خرج شود.

س ۷۷۵: شخصی وصیت کرده که مبلغ پانصد هزار تومان برای مراسم دفن و ترحیم خرج شود آیا از اضافی آن می‌توان نماز و روزه استیجاری خرید؟
ج: نمی‌توان نماز و روزه استیجاری خرید، آن را در راه خیر خرج کنند و اگر در میان ورثه، افراد کبیری وجود دارد و می‌دانند که در ذمه میت نماز و روزه وجود دارد خوب است که از سهم خود برای میت نماز و روزه استیجار کنند.

س ۷۷۶: کسی که لال نیست می‌تواند با اشاره‌ای که مقصود او را برساند وصیت کند یا خیر؟
ج: می‌تواند وصیت کند.

س ۷۷۷: رحیم دارای دو فرزند می‌باشد به نامهای فرمان و زبیده، فرمان در حال حیات پدر فوت کرد و ایشان دو فرزند دارند، رحیم که پدر بزرگ آن دو فرزند است در حال حیات فرمان و سه روز قبل از فوت فرمان وصیت نمود که یک حصه از اموال از سه حصه یعنی یک سوم به اولاد مرحوم پسرش بعد از ۳۲ سال بدهید

و این را به دخترش زبیده وصیت نمود و آن را به صورت کتبی نوشت و شهود بر آن گذاشت. اکنون اولاد فرمان بر عمه ایشان دعوی می‌کنند که حصه‌ای که پدر بزرگ بر ایشان تعیین نموده بدهید و چرا ما ۳۲ سال منتظر بمانیم؟ و مخفی نماند حصه‌ای که از یک سوم تعیین شده از اموال قبض و اقباض نگردیده است، در فرض مسأله وصیت رحیم نافذ است یا خیر؟ و آیا اولاد فرمان می‌توانند قبل از ۳۲ سال دعوی بر عمه شان نموده و حقشان را دریافت کرده یا خیر؟

ج: در فرض مسأله قبل از ۳۲ سال نمی‌توانند به عمه شان زبیده مراجعه کرده چیزی مطالبه نمایند.

س ۷۷۸: شخصی در زمان حیات خود به دلیل نداشتن فرزند، اموال خود را به فرد مورد اعتمادش واگذار نمود و از خود خلع ید کرده تا در امور عام المنفعه مصرف گردد، پس از وفات آن شخص، وراثت نسبت به اجرای وصیت نامه موافقت کتبی نموده و آن را تنفیذ کرده‌اند ولی پس از مدتی با تحریکات عده‌ای نسبت به تنفیذ و تأیید وصیت نامه اظهار ندامت کرده‌اند، آیا شرعاً ندامت وراثت نافذ بوده و از اجرای وصیت توسط وصی مانع می‌گردد یا خیر؟

ج: ندامت بعد از موافقت تأثیری ندارد.

س ۷۷۹: اگر شخصی مصرفی را معین کند که از ثلث مالش بیشتر باشد و پیش از مردن او ورثه اجازه بدهند که وصیت عملی شود، آیا بعد از مردن ورثه می‌توانند از اذن خود برگردند؟

ج: نمی‌توانند از اجازه خود برگردند.

احکام ارث

س ۷۸۰: شخصی فوت نموده و برای زوجه اش در حال حیات خود لباس و اشیاء دیگری خریده، اگر انسان نداند که میت تملیک به زوجه کرده یا نه، آیا آن لباس‌ها و اشیاء قیمتی را باید به زن داد یا اینکه جزء اصل مال است؟ و همچنین لباس‌های نو که تا به حال نپوشیده و اشیائی که استفاده نکرده چه حکمی دارد؟

ج: آن چه را معلوم است که به زن خود بخشیده مال زن است و آن چه را که معلوم نباشد به زن بخشیده جزء ترکه میت است و کما فرض الله تقسیم می‌شود و فرقی بین استفاده شده و غیره نیست.

س ۷۸۱: اگر مردی همسر و فرزند دارد و مجدداً با خانمی ازدواج کند و نمی‌خواهد به غیر از خانم کسی بداند، بنابراین در مورد ارث می‌توانند با یکدیگر قرار بگذارند که از همدیگر ارث ببرند یا نه؟ و اگر نتوانند آیا باید وصیت کنند که فلان آقا یا فلان خانم این مبلغ را از من طلب دارد که بجای ارث او باشد؟

ج: کلمه «طلب دارد» بی‌مورد است، ولی می‌تواند وصیت کند از اموالش به او بدهند یا به کسی بدهد که به او برساند البته وصیت تا ثلث مال صحیح است.

س ۷۸۲: ارث پدر و مادر پس از فوت بین دختر و پسر چگونه تقسیم می‌شود؟

ج: در ارث فرزندان از پدر یا مادر، پسر دو برابر دختر ارث می‌برد.

س ۷۸۳: پدری سی سال قبل فوت نموده چهار پسر و یک دختر بعنوان وارث دارد، بعد از فوت، ملک موروثی را به ده هزار تومان می‌فروشند و به خواهر اطلاع می‌دهند، سهم خودت را بردار، خواهر می‌گوید فعلاً نمی‌خواهم، حالا خواهر ارث و سهم خودش را می‌خواهد، آیا سهم وارث خواهر در موقع فروش که ده هزار تومان

بوده، باید داد و یا قیمت امروز که ارزش بیشتری دارد؟

ج: اینکه مرقوم داشته‌اید که خواهر گفته است: «فعلاً نمی‌خواهم»، یعنی فروختن ملک موروثی به آن قیمت را قبول کرده است، اگر قبول کرده باشد همان ده هزار تومان را باید داد.

س ۷۸۴: بعد از فوت شخصی، یکی از فرزندان او در خانه مسکونی او ساکن شده است. آیا سایر ورثه از این خانه ارث می‌برند؟ و آیا می‌توانند اجاره چند ماه سکونت او را از وی بگیرند؟

ج: از آن ارث می‌برند و اگر بدون اذن ورثه سکونت کرده، حق مطالبه مال الاجاره را نسبت به سهم خود دارند.

س ۷۸۵: شخصی همراه زن و فرزندان در یک سانحه تصادف رانندگی فوت می‌کنند، هم خود مرد و هم همسر او، پدر و مادری دارند و فرزند دیگری هم ندارند، حکم تقسیم ارث را بین والدین زوج و زوجه ایشان بیان فرمایید:

ج: در مسأله فوق نخست زن از مال شوهر خود و شوهر از مال همسر خود ارث می‌برد، و پس از اخراج این دوتا، مال هر یک از زن و شوهر به پدر و مادر خود منتقل می‌شود و از آن مال، یک سوم به مادر و بقیه به پدر داده می‌شود.

س ۷۸۶: حبوه که در میراث، برای پسر بزرگ است، آیا امروز قدری توسعه دارد که امروز ماشین سواری را نیز شامل گردد یا خیر؟

ج: ماشین جزء حبوه نیست و توضیح حبوه در رساله ذکر شده است.

س ۷۸۷: این جانب اهل کنگاور ولی ساکن قم هستم آیا مادر و یا خواهران و برادرانم می‌توانند سهم الارثی که از فوت پدرم به من می‌رسد را به علت اینکه در شهر مذهبی قم سکونت دارم محروم و یا به تصرف خود و یا به هر نحو از انحاء با وجود حیات خود و فرزندانم به دیگران واگذار نموده و مسترد ندارند؟

ج: هیچیک از وراثت حق محروم کردن وارث دیگر از سهم الارث را ندارد.

س ۷۸۸: شوهر و دو فرزند اینجانب در سانحه اتومبیل فوت نموده‌اند چون لحظه دقیق فوت مشخص نیست و تقدم و تأخر موت مرحومین معلوم نمی‌باشد. با توجه به ماده ۸۷۳ قانون مدنی در باب امور جسمی که تصریح می‌دارد «اگر تاریخ فوت اشخاصی که از یکدیگر ارث می‌برند مجهول و تقدم و تأخر هیچیک معلوم نباشد اشخاص مزبور از یکدیگر ارث نمی‌برند مگر آنکه فوت به سبب غرق یا هدم واقع شود.» سؤال این است آیا کلمه هدم شامل سانحه اتومبیل نیز می‌باشد یا خیر؟ و در صورتی که سانحه اتومبیل هدم تلقی می‌گردد از یکدیگر ارث می‌برند یا خیر؟
 ج: کلمه هدم شامل سانحه اتومبیل نمی‌شود ولی در کلیه جریانهائی که در آن از این قبیل مرگ و میرها پیش می‌آید و تقدم و تأخر معلوم نباشد و احتمال تقارن در بین باشد از یکدیگر ارث می‌برند.

س ۷۸۹: آیا وارثی که در منزل زندگی می‌کند تا قبل از تعیین تکلیف سهم شریک دیگر حق تصرف در خانه موروثی را دارد یا خیر؟
 ج: در فرض مسأله تصرف در آن خانه بهیچ وجه و بهر نحو بدون رضایت شریک صحیح نیست.

س ۷۹۰: فردی از دنیا می‌رود بعد از مدتی پدر او نیز از دنیا می‌رود آن شخص اولی دارای پسری است، آیا آن پسر از پدر بزرگش با توجه به اینکه آن شخص دارای خواهرانی نیز هست ارث می‌برد یا خیر؟
 ج: در فرض مذکور چون خواهران آن فرد اولاد بدون واسطه پدر هستند پسرش از پدر آن فرد (از جد خود) ارث نمی‌برد.

س ۷۹۱: آیا فرزندی که در طول مدت طولانی از املاک پدر نگهداری کرده و کتک خورده و مانع تلف شدن و تصرف دیگران شده حق یا طلب حق اضافه‌ای نسبت به سایر فرزندان در سهم الارث ندارد؟

ج: اگر نگهداری از اموال مذکور با اجازه صاحبان آن بوده و در مدت نگهداری قصد تبرع و مجانی بودن نداشته و به قصد اجرت حفاظت کرده

است می‌تواند اجرت مثل مطالبه کند و گرنه حقی نخواهد داشت.

س ۷۹۲: اولاً خواهشمندم از نظر شرعی معلوم بفرمایید که در زمینی اوقافی که عرصه اوقافی و اعیانی سند مالکیت دارد آیا در هنگام ارزش گذاری فقط متراژ اعیانی در سند باید قیمت‌گذاری شود یا حق اعیانی در عرصه هم قابل ارزش‌گذاری می‌باشد؟ ثانیاً: اساساً تصور حق اعیان در عرصه‌های اوقافی اعتبار شرعی دارد یا خیر؟

ج: در صورتی که صاحب اعیانی که می‌فرمایید سند مالکیت دارد در اصل قبل از وقف زمین حق تأسیس اعیانی و ابقای آن در آن زمین را داشته و بعد از آن صاحب زمین، زمین خود را وقف کرده است، اکنون در هنگام ارزش‌گذاری حق ابقای اعیانی در عرصه باید مورد نظر باشد. اما اگر چنین حقی نداشته است اساساً تأسیس اعیانی در آنجا مشروع نیست و باید زمین را تخلیه کند و او فقط مالک مصالح ساختمانی است. و از این جواب، جواب سؤال دوم روشن گردید.

س ۷۹۳: شخصی ملک مسکونی خود را به شرط عمری به یکی از سازمانهای عام‌المنفعه دولتی به صورت رایگان «مصالحه» می‌نماید تا پس از فوت در جهت ارائه خدمات عمومی سازمان مذکور مورد استفاده قرار گیرد در ثبت و انتقال سند قصد و شرط «مصالح» قید نگردیده ولی در وصیت نامه عادی شرط و قصد «مصالح» به وصی خود بیان گردیده است.

۱. آیا «متصالح» برابر مفاد سند رسمی در «مورد مصالحه» اختیار کامل داشته و بر حسب نظر خود به هر نحو مقتضی عمل خواهد نمود یا اختیار و عمل «متصالح» مقید به شرط و قصد «مصالح» مذکور در وصیت نامه عادی می‌باشد؟
۲. آیا وصیت نامه عادی به عنوان «وصی» جهت اجرای قصد «موصی» مشروط به تنفیذ توسط مراجع قضایی می‌باشد یا متن وصیت نامه عادی کفایت می‌کند؟
۳. با فرض اینکه «متصالح» بعد از فوت «مصالح» برابر سند رسمی دارای اختیار

بوده و بر حسب نظر خود در «مورد مصالحه» تصرف نماید، آیا تکلیف شرعی از «وصی» ساقط می‌گردد؟

ج ۱: عمری یکنوع وقف است که محدود به مادام‌العمر واقف و یا موقوف علیه است و تعیین هر یک احتیاج به قید از طرف واقف و قبول از طرف دیگر دارد و پس از انقضای مدت به واقف یا ورثه او برمی‌گردد.

ج ۲: قید و شرط هر عقدی در صورتی اعتبار دارد که در ضمن عقد ذکر شود و چون در فرض سؤال در ضمن عقد صلح قیدی ذکر نشده است صلح بدون قید و شرط نافذ است و شرطی که در وصیت نامه ذکر شده است صلح را مقید نمی‌کند

ج ۳: وصیت اگر با مدرک معتبر ثابت شود عادی هم باشد کافی است و احتیاج به تنفیذ ندارد.

ج ۴: در فرض مسأله تکلیف شرعی از وصی ساقط است.

ج ۵: در عقد مصالحه در فوق اگر قصد مصالح برای متصالح روشن بوده است بطوری که عقد صلح بر اساس آن واقع شده باشد که هر دو طرف آن شرط را در نظر داشته‌اند در این صورت عقد صلح مشروط می‌شود.

س ۷۹۴: اگر یک اثر علمی و هنری در مسابقات علمی و ادبی مشمول دریافت جایزه گردد و مولف آن فوت نماید یا دسترسی به آن ممکن نباشد اولاً جایزه متعلق به چه کسی است؟ و ثانیاً آیا ناشری که امتیاز نشر کتاب به او داده شده است در این جایزه سهیم است؟

ج: در صورتی که دسترسی به ورثه آن شخص نیز ممکن نیست حکم مجهول‌المالک بر آن مترتب می‌شود حق داشتن ناشر تابع قرارداد با مؤلف است.

س ۷۹۵: مردی عیالش را در حال مرض طلاق داده و آن مرد بعد از چند ماه می‌میرد؟ اگر آن مرد در مرضی که در همان مرض عیالش را طلاق داده بمیرد، از او ارث می‌برد یا خیر؟

ج: بلی در این صورت آن زن از مرد ارث می‌برد ولی اگر شوهر از آن مرض خوب شود و به جهت دیگری از دنیا برود، زن از او ارث نمی‌برد. و همچنین باید زن در این مدت شوهر دیگر نکرده باشد و به واسطه بی میلی به شوهر هم به طلاق راضی نباشد حال چه به شوهر مالی داده باشد تا او را طلاق دهد یا خیر.

س ۷۹۶: شخصی به نام محمد فاقد اولاد می‌باشد و فوت کرده اموال او به همسر تعلق گرفته پس از آن همسر او نیز فوت کرده است که یک خواهر که از پدر و مادر یکی هستند دارد و خواهر و برادرانی که از پدر یکی و از مادر جدا هستند دارد، نحوه تعلق ارث به ایشان چگونه است؟

ج: با بودن برادر و خواهر پدری و مادری به برادر و خواهر پدری فقط، ارث نمی‌رسد.

احکام شکار و ذبح حیوانات

س ۷۹۷: آیا ذبیحه اهل کتاب اگر با تسمیه و رعایت تمام شرایط دیگر انجام پذیرد حلال است یا حرام؟

ج: یکی از شرائط ذبح شرعی آن است که ذابح مسلمان باشد.

س ۷۹۸: آیا تماس بدن مرطوب اهل کتاب با لاشه ذبیحه موجب نجاست آن می‌شود یا نه؟

ج: اهل کتاب ذاتاً پاک می‌باشند.

س ۷۹۹: ذابحی که در اسم مسلمان است و رفتارش به هیچ وجه منطبق با دستورات اسلام نیست؛ یعنی حتی شهادتین را بلد نیست آیا ذبح او صحیح است؟
ج: نخستین علامت اسلام، گفتن شهادتین است.

س ۸۰۰: ذبح کسانی که به علی‌اللهی معروفند چه حکمی دارد؟
ج: اگر شهادتین را می‌گویند و متوجه به لوازم مذهب خود نیستند - که عوام آنها این طور می‌باشند - در این صورت ذبح آنها حلال است.

س ۸۰۱: آیا ذبیحه ناصبی حلال است؟
ج: حلال نیست.

س ۸۰۲: آیا ذبیحه خوارج حلال است؟
ج: حلال نیست.

س ۸۰۳: آیا در ذابح بلوغ شرط است؟
ج: بلوغ شرط نیست همینقدر که ممیز باشد کافی است.

س ۸۰۴: آیا در ذابح عقل شرط است؟
ج: قدرت درک و تشخیص لازم است.

س ۸۰۵: آیا ذبیحه‌ای که از روی اجبار ذبح شود حلال است؟

ج: اگر باین معنا که ذابح را مجبور به ذبح کنند حلال است.

س ۸۰۶: آیا شرط است که ذابح یک نفر باشد و یا ممکن است با یک کارد که دو دسته دارد دو نفر در آن واحد حیوان را ذبح کنند. در این صورت تسمیه یک نفر کافی است و یا هر دو باید تسمیه بگویند و اگر نصف تسمیه را یک نفر و نصف دیگر را شخص دیگر بگویند آیا کافی است؟

ج: یک نفر بودن شرط نیست و در فرض مزبور در فوق حلال است و تسمیه یکی از آنها کافی است و اگر دو نفر با هم طوری بگویند که تسمیه صدق کند کافی است.

س ۸۰۷: در ذبح شرعی آیا قطع رگ‌های چهارگانه لازم است و یا تنها قطع حلقوم کافی است؟

ج: قطع رگ‌های چهارگانه لازم است.

س ۸۰۸: آیا لازم است قطع رگ‌ها پشت سر هم باشد؟ به فرض لازم بودن، اگر با فاصله قطع گردد اکل ذبیحه چه حکمی دارد؟

ج: باید پشت سر هم باشد بطوری که یک کار صدق کند و اگر فاصله طوری باشد که یک دفعه بریدن صدق نکند مشکل است.

س ۸۰۹: آیا خروج روح از بدن ذبیحه باید مستند به قطع رگ‌ها باشد؟ و اگر گوسفندی در بلندی ذبح شد و قبل از خروج روح از بلندی افتاد و مرد به گونه‌ای که خروج روح او مستند به افتادن از بلندی باشد آیا این ذبیحه حلال است یا خیر؟

ج: باید مستند به ذبح باشد.

س ۸۱۰: پس از ذبح شرعی اگر با تفنگ و یا کارد بر قلب و یا مغز حیوان ضربه وارد کنند حکم چنین ذبیحه‌ای چیست؟

ج: پس از ذبح شرعی اشکال ندارد.

س ۸۱۱: اگر سر حیوانی به علتی از زیر چانه بریده شود و قبل از خروج روح دوباره از مذبح قطع شود حلال است یا خیر؟ در فرض سؤال اگر سر حیوان جدا نشده باشد چه حکمی دارد؟

ج: اگر طوری است که به دفعه دوم دیگر سر بریدن صدق نمی‌کند اشکال دارد هر چند سر حیوان جدا نشده باشد.

س ۸۱۲: آیا قطع کردن رگ‌های چهارگانه از پشت سر جایز است یا خیر؟ اگر جواب منفی است، آیا موجب حرمت ذبیحه می‌گردد یا خیر؟
ج: جائز نیست و موجب حرمت ذبیحه است.

س ۸۱۳: اگر چند ثانیه پیش از شروع به گفتن تسمیه قطع رگ‌ها را آغاز کرده باشند، آیا ذبیحه حلال است یا خیر؟
ج: اشکال دارد.

س ۸۱۴: اگر همزمان با قطع رگ‌ها شکم حیوان نیز دریده شود حکم آن چیست؟
ج: اشکال دارد.

س ۸۱۵: تسمیه در ذبح شرعی آیا باید به زبان عربی باشد یا به هر زبانی باشد کافی است؟
ج: به هر زبانی کافی است.

س ۸۱۶: مقدار تسمیه واجب کدام است؟ آیا گفتن نام الله کافی است؟
ج: باید بگوید بسم الله یا الحمد لله یا الله اکبر و أمثال این تعابیر.

س ۸۱۷: آیا در تسمیه قصد تعظیم لازم است؟
ج: بردن نام خداوند با قصد تعظیم توأم است که در مسأله قبل ذکر شد.

س ۸۱۸: در تسمیه آیا قصد ذبح لازم است؟ و اگر تسمیه را به قصد دیگر بگوید و حیوان را ذبح کند آیا کافی است؟
ج: کافی نیست مگر از اینکه از روی فراموشی باشد.

س ۸۱۹: اگر تسمیه را به قصد ذبح مرغ به زبان آورد و سپس گوسفندی را ذبح کند صحیح است یا خیر؟

ج: باید به قصد آن حیوانی که می‌خواهد آنرا ذبح کند باشد.

س ۸۲۰: تسمیه با ضبط صوت چه حکمی دارد؟

ج: با رعایت اقتران اشکال ندارد.

س ۸۲۱: آیا با یک تسمیه می‌توان حیوان زیادی را ذبح کرد؟ در این مسأله طولی بودن و یا عرضی بودن ذبح‌ها فرق می‌کند یا خیر؟

ج: اگر در عرض هم باشد یک تسمیه کافی است.

س ۸۲۲: آیا تسمیه و ذبح را دو شخص می‌توانند عهده دار شوند؛ به طوری که یک تسمیه بگوید و دیگری حیوان را ذبح کند؟

ج: می‌توانند.

س ۸۲۳: آیا در تسمیه، دانستن معنای آن لازم است؟ بر فرض جایز بودن تسمیه به غیر عربی، اگر تسمیه را مثلاً به زبان انگلیسی حفظ کرده باشد بدون توجه به معنای آن، آیا صحیح است؟

ج: عربی بودن لازم نیست ولی باید به معنای آن توجه داشته باشد.

س ۸۲۴: اگر تسمیه از روی تعجب و یا استهزاء گفته شود برای ذبح کفایت می‌کند؟

ج: کفایت نمی‌کند.

س ۸۲۵: اگر شخص جنب و یا زن حائض بسم الله را به قصد خواندن یکی از سوره‌های سجده دار بگویند برای ذبح کافی است یا خیر؟ به عبارت دیگر، تسمیه حرام آیا در ذبح کافی است یا خیر؟

ج: کافی است.

س ۸۲۶: در ذبح با دستگاه آیا به هنگام روشن کردن آن تسمیه لازم است یا به

هنگام قطع رگ‌های حیوان؟

ج: هنگام سر بریدن حیوان.

س ۸۲۷: حکم فاصله زمانی میان تسمیه و ذبح چیست؟

ج: باید هنگام سر بریدن باشد.

س ۸۲۸: آیا تسمیه اشخاص لال که قدرت بر ادای درست تسمیه ندارند صحیح است؟

ج: از چنین شخصی باندازه قدرت خود کافی است.

س ۸۲۹: در شتر و یا گاو در صورتی که به سبب عذری موجه ایستاده ذبح شوند نحوه رو به قبله کردنشان چگونه است؟

ج: در فرض مذکور که ممکن نیست محل ذبح رو بقبله باشد سر حیوان رو بقبله باشد کافی است.

س ۸۳۰: انحراف ذبیحه از قبله تا چه مقدار بی اشکال است؟

ج: در صورت امکان باید عرفاً رو به قبله باشد.

س ۸۳۱: در هنگام ذبح، افزون بر ذبیحه آیا ذابح نیز باید رو به قبله باشد؟

ج: رو بقبله بودن ذابح لازم نیست.

س ۸۳۲: ترک استقبال از روی عمد و یا فراموشی و یا نادانی به حکم، چه حکمی داد؟

ج: اگر از روی عمد باشد حیوان حلال نیست.

س ۸۳۳: آیا در رو به قبله کردن حیوان روش خاصی وجود دارد؟ اگر جواب منفی

است بهترین روش آن که موافق با احتیاط باشد، کدام است؟

ج: محل ذبح رو بقبله باشد.

س ۸۳۴: اگر یقین پیدا کنیم اهل سنت افزون بر شرط استقبال به قبله شرایط

دیگر را رعایت نمی‌کنند ذبیحه آنها چه حکمی دارد؟

ج: مطابق فقه خودشان ذبح کنند برای ما حلال است.

س ۸۳۵: آیا حرکت دست و پای ذبیحه و خروج خون، با هم شرط حلیت ذبیحه است؟

ج: اینها که علامت داشتن حیات است لازم است.

س ۸۳۶: آیا آلت ذبح حتماً باید از جنس آهن باشد یا آن که با هر چیز تیزی می‌توان ذبح کرد، اگر چه از پلاستیک و غیره تهیه شود؟
ج: باید از جنس فلزات که برندگی دارد باشد.

س ۸۳۷: در صوتی که آهن بودن آلت ذبح را شرط بدانیم آیا استیل آهن است یا خیر؟

ج: هر برنده فلزی که کار آهن را بکند کافی است.

س ۸۳۸: آیا استقرار حیات در ذبیحه شرط است؟

ج: در موقع ذبح حیات داشته باشد کافی است.

س ۸۳۹: اگر پیش از ذبح، حیوان را با آمپول یا با وارد کردن شوک و یا با وسایل دیگر بی‌هوش کنند به گونه‌ای که استقرار حیات در آن از بین برود، ذبح صحیح است یا خیر؟

ج: حیات طبیعی شرط است.

س ۸۴۰: آیا قطع سر حیوانی پیش از خروج روح حرام است یا مکروه؟ اگر حرام است، حرمت آن تکلیفی است یا وضعی؟

ج: حرام است و حرمت آن تکلیفی است.

س ۸۴۱: اگر پس از ذبح، جوزک، متصل به بدن باشد چه حکمی دارد؟

ج: اگر شرایط رعایت شود متصل به بدن نمی‌شود بنابراین، شرائط رعایت نشده است.

س ۸۴۲: اگر نصف جوزک در طرف سر و نصف دیگر در طرف بدن باشد حکمش چیست؟

ج: کافی نیست.

س ۸۴۳: اگر در شکم ماهی صید شده به وجه شرعی، ماهی مرده‌ای پیدا شود چه حکمی دارد؟

ج: حلال است.

س ۸۴۴: گفته می‌شود اخیراً ماهی را با برق در میان آب بی هوش و سپس صید می‌کنند، چنین صیدی چه حکمی دارد؟

ج: حلال نیست.

س ۸۴۵: اگر فلس برخی از ماهی‌ها با چشم معمولی دیده نشود ولیکن با چشم مسلح دیده شود، حکم صیدشان چیست؟

ج: باید عرفاً فلس دار باشد.

س ۸۴۶: صید از روی لهُو چه حکمی دارد؟ حکم حیوان صید شده چیست؟

ج: صید با شرائط خود حلال است.

س ۸۴۷: ملاک لهُوی بودن صید چیست؟ آیا صید ماهی از باب تفریح، لهُوی است یا خیر؟

ج: لهُوی بودن یا نبودن درباره مسافر است.

س ۸۴۸: آیا صید در سفر معصیت جایز است؟

ج: صید حکم مستقل خود را دارد و جایز است.

س ۸۴۹: در صید ماهی آیا لازم است صیاد مسلمان باشد؟

ج: مسلمان بودن صیاد لازم نیست ولی باید بدانیم که آنرا زنده از آب گرفته‌اند و بیرون آب جان داده است و یا اینکه در داخل آب پس از اینکه بدام افتاده است مرده است.

س ۸۵۰: آیا به تور انداختن ماهی در آب برای حلیت کافی است و یا باید آن را از آب خارج کنند و در خارج آب بمیرد؟

ج: بعد از اینکه به تور افتاد در داخل آب هم بمیرد کافی است.

س ۸۵۱: اگر خوراک حیوانی مشروب و آبجو باشد خوردن گوشت آن چه حکمی دارد؟

ج: احتیاط شود.

س ۸۵۲: ذبح با دستگاه‌های تمام اتوماتیک صنعتی چه حکمی دارد؟

ج: با رعایت شرائطی که ذکر شده اشکال ندارد.

س ۸۵۳: شرایط حلیت در حیوانی که با اسلحه صید می‌گردد چیست؟

ج: با پنج شرط که در رساله ذکر شده است حلال است.

س ۸۵۴: مجتهدی که قطع رگ‌های چهارگانه را شرط حلیت ذبیحه می‌داند آیا مقلد او می‌تواند از ذبیحه شخصی که تنها قطع حلقوم را شرط حلیت می‌داند بخورد؟

ج: تنها قطع حلقوم را کسی کافی نمی‌داند.

س ۸۵۵: شرایط حلیت جنین در شکم حیوان مذبوح کدام است؟

ج: در صورتی که در حین ذبح، مادر حیات داشته است و پس از ذبح، مادر، بدون تأخیر شکم مادر را پاره کرده و بیرون بیاورند و مشاهده شد که مرده است در این صورت اگر خلقت او تمام شده است حلال است و ذبح مادر ذبح آن نیز محسوب می‌شود ولی اگر در بیرون آوردن آن تأخیر صوت گرفت و بیرون آوردند دیدند مرده است حرام است و اگر با تأخیر در بیرون آوردن نمرده بود و زنده بود خلقت او نیز کامل شده است آنرا اگر مستقلاً ذبح کنند حلال است.

س ۸۵۶: اگر یک یا چند شرط از شرایط ذبح سهواً ترک گردد خوردن چنین ذبیحه‌ای حلال است یا خیر؟ آیا در این جهت فرقی در شرایط وجود دارد یا خیر؟

ج: اگر بردن نام خدا یا رو بقبله سر بریدن سهواً ترک شود حلال است ولی

در غیر اینها میان سهو و عمد فرقی نیست.

س ۸۵۷: اگر برخی از شرایط ذبح به جهت ندانستن حکم ترک گردد ذبیحه چه حکمی دارد؟

ج: حرام است.

س ۸۵۸: در موارد شک در ذبح شرعی وظیفه چیست؟ آیا اصل عدم تذکيه جريان دارد يا اصل حليت و طهارت؟

ج: اصل عدم تذکيه جريان دارد.

س ۸۵۹: آیا ذبح شرعی لازم است حتماً به ذابح مستند باشد يا خير؟

ج: بلی لازم است.

س ۸۶۰: در ذبح با دستگاه‌های جدیدی که یک نفر کلید دستگاه را می‌زند و می‌رود اگر به سبب قطع برق دستگاه به کار نیفتد و پس از مدتی با جريان پيدا کردن برق دستگاه روشن شود و به طور اتوماتیک حیوانات آماده را ذبح کند، آیا این گونه ذبح صحیح است؟

ج: باید ذبح مستند به ذابح باشد و گفتن نام خدا با ذبح مقارن باشد.

س ۸۶۱: شخصی در هنگام غروب به طرف شکار تیراندازی می‌کند و تیر به نحوی به شکار اصابت می‌کند که زخمی می‌شود و همان لحظات شروع به دنبال کردن شکار می‌کند (همانطور که آگاه هستید دنبال کردن شکار زخمی با استفاده از رد خونی است که از خود به جای می‌گذارد) بعد از مدتی شب فرا می‌رسد و شکارچی مجبور می‌شود شکار را رها کرده و شب را در آن منطقه بخواهد، هنگام صبح باز جستجو را ادامه می‌دهد و بعد از مدتی به جسد مرده شکار بر می‌خورد که با خون زیادی که از او آمده مرده است. بفرمایید آیا گوشت این شکار حلال است يا خير؟ و اگر حلال است آیا فرد مزبور هنگامی که شب فرا رسیده به خانه رفته بود و صبح از خانه به شکارگاه آمده و شکار را مرده دید آیا باز گوشت شکار حلال می‌باشد يا خير؟

ج: در فرض مزبور اگر شرایط دیگر از قبیل گفتن بسم الله در موقع

تیراندازی و مسلمان بودن شکارچی محقق باشد حلال است.

س ۸۶۲: مصرف مرغهای منجمد که از فرانسه وارد کرده‌اند و ذبح شرعی نشده‌اند چه حکمی دارد؟

ج: اگر ذبح شرعی نشده است حرام است.

س ۸۶۳: از شکم ماهی که از بازار خریداری شده، ماهی دیگری درآمده، آیا آن ماهی که از شکم دیگری آمده نیز حلال است؟

ج: حلال است.

س ۸۶۴: آیا وجود فلسهای ذره بینی یا میکروسکوپی باعث حلیت ماهی می‌شود؟

ج: باید از نظر اهل عرف داشتن فلس (پولک) صدق کند.

س ۸۶۵: حیوانات حرام گوشت غیر از سگ و خوک اگر سر آنها را ببرند پوست آنها پاک است یا خیر؟ و میشود خرید و فروش کرد یا خیر؟

ج: حیوانات درنده و گوشتخوار را اگر ذبح شرعی کنند پاک می‌باشد هر چند خوردن گوشت آنها حرام است و خرید و فروش پوست آنها اشکال ندارد ولی مثل فیل و خرس و بوزینه اگر ذبح شرعی بشوند احتیاط واجب اجتناب از آنها است.

احکام خوردنیها و آشامیدنیها

س ۸۶۶: کسی که می‌دانسته خوردن طحال حیوانات حلال گوشت حرام است و اکنون فهمیده آیا بر گذشته او گناهی است یا کفاره‌ای تعلق می‌گیرد؟
ج: کفاره ندارد ولی باید توبه کرد و تصمیم به ترک گرفت.

س ۸۶۷: خوردن بعضی از مواد، میوه‌ها و غذاها برای برخی از بیماران ضرر دارد، مصرف آنها چه حکمی دارد؟
ج: خوردن چیزی که ضرر دارد حرام است.

س ۸۶۸: در صورتی که علاج بیماری موقوف بر استفاده از گوشت حرام و چیز نجس باشد، آیا جایز است شخص چنین کند؟
ج: در صورتی که علاج منحصر به آن باشد جایز است.

س ۸۶۹: خوردن ماهی حرام (ازون برون) چه حکمی دارد؟
ج: هر ماهی که فلس (پولک) دارد حلال است، ماهی ازون برون نیز باید از نظر عرف داشتن پولک صدق کند حلال است.

س ۸۷۰: در مسئله ۲۶۲۸ رساله توضیح المسال حضرت‌عالی آمده است: «خوردن چیزی که برای انسان ضرر دارد حرام است،...» حال آیا در حرمت استعمال و خوردن چیز مضر، علم به ضرر لازم است و یا این که گمان و یا احتمال کافی است؟

ج: ظن به ضرر در حرمت کفایت می‌کند، بلکه احتمال ضرر نیز در صورتی که احتمال نزد عقلا مورد اعتنا باشد در حرمت کفایت می‌کند.

س ۸۷۱: حیوان حلال گوشت مانند ماهی که خون جهنده ندارد، اگر به خودی خود یعنی بدون صید کردن بمیرد نجس است یا پاک؟

ج: پاک است ولی خوردن آن حرام است.

س ۸۷۲: اگر از شکم حیوان زنده بچه مرده بیرون آید یا آن را بیرون بیاورند خوردن گوشتش چه صورتی دارد؟

ج: حرام است.

س ۸۷۳: خواهشمند است نظر مبارک را در مورد حلیت یا حرمت گوشت و تخم شتر مرغ اعلام فرمایید؟

ج: گوشت شتر مرغ و همچنین تخم آن حلال است.

س ۸۷۴: مرده حیوان حرام گوشتی که خون جهنده ندارد مانند مار که با سر بریدن حلال نمی‌شود آیا پاک است؟

ج: مرده آن پاک است، چه خودش بمیرد چه سرش را ببرند.

س ۸۷۵: خوردن ملخی که بال در نیاورده و نمی‌تواند پرواز کند چه صورتی دارد؟

ج: خوردن آن حرام است.

س ۸۷۶: اگر ماهی زنده را بریان کنند یا در بیرون آب پیش از جان دادن بکشند خوردنش چه صورتی دارد؟

ج: خوردن آن اشکال ندارد.

س ۸۷۷: تخم پرندگان حلال گوشت که نجاستخوار شده اند پاک است یا نجس؟ خوردن آن چه حکمی دارد؟

ج: تخم چنین پرندگانی حرام است ولی نجس نمی‌باشد.

س ۸۷۸: خوردن شیر زن توسط شوهر خود چه حکمی دارد؟

ج: خوردن آن جایز نیست.

احکام حدود و تعزیرات، قصاص و دیات

س ۸۷۹: در شرع مقدس چه نوعی از تعزیر (شلاق، حبس و...) معمول، متعارف و غالب بوده است؟ به عبارت دیگر سوابق تاریخی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام غالباً چه نوع تعزیری را اعمال می کردند؟
ج: در موارد مختلف، مختلف بوده است.

س ۸۸۰: همانطوری که مستحضرید تعزیرات در دست حاکم است آیا حداقل تعزیرات مثلاً یک ضربه شلاق است یا اقل معتد به است چگونه باید عمل نمود؟
ج: تشخیص حاکم با رعایت تعهد و دقت، میزان است.

س ۸۸۱: آیا در نگهداری متهم در حبس تعزیری (با قرار بازداشت) حداقل و اکثری معیار هست یا مدت زمان بدست حاکم است؟
ج: تعیین با نظر حاکم است.

س ۸۸۲: کسی که قرار است اعدام شود حداً یا قصاصاً اگر حدود و تعزیرات دیگری اقل از قتل برای او ثابت شود می توان از آنها صرف نظر نمود و آیا در مورد حق الله و حق الناس تفاوتی در این مسأله وجود دارد یا خیر؟
ج: در مواردی که قابل جمع است باید جمع کرد مگر اینکه حاکم شرع مصلحت را در صرف نظر کردن بداند.

س ۸۸۳: در صورتی که بعد از اعدام و قبل از دفن در سردخانه یا پزشکی قانونی در مجرم علائم حیاتی دیده شود و با مداوا سلامت خود را بازیابد اجراء مجدد حکم چه صورت دارد آیا بین حد و قصاص تفاوتی وجود دارد؟
ج: حکم شرعی اعدام است و چون تحقیق نیافته است باید عملی شود و بین حد و قصاص فرقی نیست مگر اینکه فقیه در مواردی نظر خاصی را مصلحت بداند.

س ۸۸۴: اگر شخصی مکرراً مرتکب جرائمی شود که جنبه حقوق الناس دارد مانند فحاشی، ایراد ضرب عمومی، ترک انفاق و... و هر بار با گذشت مدعی، دعوا فیصله یافته باشد، در صورتی که اقدامات وی مخل به نظم عمومی تشخیص داده شود، و یا اینکه مثلاً دو بار مرتکب جرم مشابهی بود و هر بار با گذشت شاکی بخشیده شود آیا حاکم می‌تواند تعزیری را در مورد وی در نظر بگیرد؟
ج: فقیه در صورتی که مصلحت اجتماعی اقتضا کند، می‌تواند.

س ۸۸۵: آیا مجازات حبس ابد برای ممسک و اکراه کننده در قتل عمد جنبه تعزیری دارد و یا اینکه غیر تعزیری است؟
ج: غیر تعزیری است.

س ۸۸۶: آیا در حد قوادی و محاربه و افساد فی الارض اکراه محقق می‌شود؟
ج: محقق نمی‌شود.

س ۸۸۷: اگر مادر شخصی زنا نماید، آیا شخص می‌تواند او را بزند؟
ج: اجرای حد با حاکم شرع است.

س ۸۸۸: اگر فردی از اهل تسنن به ذات مقدس ائمه اطهار علیهم‌السلام توهین کند آیا زدن او جایز است؟
ج: بلی و مراتب با نظر حاکم شرع است.

س ۸۸۹: در گناهایی که برای حاکم شرع حق و یا وظیفه تعزیرات است آیا تعزیر آنها به وسیله شلاق خواهد بود و یا این که به وسیله حبس و یا جریمه نقدی هم جایز است؟

ج: تعزیر به حبس در بعض موارد در احادیث اهل بیت علیهم‌السلام آمده است و غیر آن از همه جهت بستگی به نظر فقیه دارد.

س ۸۹۰: اگر شخصی در جلسه دادگاه، ضد و نقیض بگوید و دروغ بگوید، آیا این کذب همانند کذب در غیر جلسه دادگاه است و می‌توان او را تعزیر کرد یا خیر؟
ج: در صورتی که حاکم، علم به کذب او پیدا کند می‌تواند تعزیر کند، بلی در

صورتی که احتمال توبه بدهد نسبت به یکی از طرفین قضیه، تعزیر جایز نیست.

س ۸۹۱: هر گاه شخص مرتکب معصیتی که موجب حد است بشود و توبه نماید و بعد از گذشتن زمانی نزد حاکم شرع اقرار به گناه نماید. آیا اقرار بعد از توبه مثل اقرار قبل از توبه است یا خیر؟

ج: اقرار به معصیت بعد از توبه از آن معصیت، موجب حد نمی‌شود.

س ۸۹۲: آیا زنانی که بدون حجاب شرعی در خیابان‌ها و کوچه‌ها و محیط‌های خارج از خانه ظاهر می‌شوند، می‌توان آنها را به خاطر نداشتن حجات تعزیر کرد یا خیر؟

ج: نهی از منکر مراتب دارد و اگر حاکم شرع در مواردی آن را لازم بداند می‌تواند اجرا کند.

س ۸۹۳: اگر کسی مسلمان باشد و نماز نخواند و روزه نگیرد آیا می‌توان او را به دلیل نماز نخواندن و روزه نگرفتن یا نگاه کردنش تعزیر کرد؟

ج: نهی از منکر مراتب دارد و این موضوع آخرین مرحله است و با نظر حاکم شرع است.

قصاص

س ۸۹۴: اگر شخصی دو جوان بالغ را در حال لواط ببیند و هر دو را بکشد غافل از اینکه باید به اذن حاکم شرع باشد آیا قصاص ثابت است؟ اگر قصاص ثابت باشد حکم دیه ثابت است یا خیر؟

ج: اگر عمداً بکشد قصاص ثابت است.

س ۸۹۵: اگر مردی دو زن یا بیشتر را کشته باشد و اولیاء آنان خواهان قصاص باشند، بفرمایید: الف: آیا اولیاء خواهان قصاص باید چیزی به عنوان فاضل دیه بپردازند یا خیر؟ ب: در صورت لزوم پرداخت، آیا باید هر یک از اولیاء خواهان

قصاص، مستقلاً و جداگانه نصف ديه يك مرد را بدهند يا اينكه نصف ديه يك مرد، به نسبت اولياء خواهان قصاص تقسيم مي‌شود؟ (مثلاً اگر مردی دو زن را کشته است و اولياء هر دو خواهان قصاص هستند، آیا بايد هر يك از اولياء نصف ديه يك مرد را بدهند يا يك چهارم ديه يك مرد؟

ج: اگر مردی دو زن را کشته باشد و اولیای آنها خواهان قصاص باشند و به عنوان قصاص آن مرد را بکشند نباید چیزی به عنوان فاضل ديه بپردازند. و در صورتی که سه زن را کشته و اولیای آنها خواهان قصاص باشند می‌توانند آن مرد را به عنوان قصاص بکشند و از آن پس ديه يك زن از ترکه قاتل را برداشته میان اولیای مقتولات اثلاثاً تقسیم کنند که به هر يك از آن اولياء يك سوم ديه زن می‌رسد.

س ۸۹۶: اگر بگوئیم اکراه در قتل نفس مجوز قتل نیست و شخص مرتکب قصاص می‌شود شامل اکراه بر مادون نفس (کمتر از کشتن) نیز می‌شود؟
ج: اکراه در مادون نفس مجوز نیست و موجب قصاص است.

س ۸۹۷: اگر راننده در اثر عدم رعایت مقررات راهنمایی سبب وقوع قتلی شود حکمش چیست؟ و اگر رعایت مقررات را نمود ولی نقص فنی اتومبیل که قابل پیش بینی و پیشگیری بود سبب این قتل شده تکلیف چیست؟ حال اگر رعایت مقررات را کرده و نقص فنی اتومبیل هم اصلاً قابل پیش بینی نبود و یا سبب دیگری که اصلاً ربطی به تقصیر راننده ندارد باعث این قتل شده چه حکمی خواهد داشت؟

ج: با علم و قصد راننده قتل عمدیست و حکم آن قصاص است و هم چنین است حکم با عدم قصد اگر این نحو عدم رعایت غالباً کشنده باشد و در صورت عدم غلبه که گاهی منجر به قتل بشود شبه عمد است و ديه از مال قاتل باید پرداخت گردد و با جهل راننده به مقررات و عدم قصد قتل، قتل خطاء است و ديه بر عاقله است. و همین تفصیل در موردی که رعایت مقررات نمود و نقص فنی قابل پیش بینی و پیشگیری بوده نیز جاری است. و

در مورد بند سوم هم اگر نقص فنی داشته تفصیل اول در آن جاریست و اگر نداشته و راننده هم هیچ تقصیری ننموده و مستند به اثری نبوده که مربوط به راننده باشد، ضامن نیست.

س ۸۹۸: دو نفر به طور همزمان با سلاح گرم به سوی یک فرد آتش گشوده و شخص به قتل رسیده است، در حالی که معلوم نیست فرد، به خاطر تیر کدام یک کشته شده، چون تیر زیادی به وی اصابت نموده، حال دقیقاً معلوم نیست که آیا اصلاً تیر هر دو نفر به وی خورده است، یا اینکه تیرهای شلیک شده از سوی یکی از دو نفر فقط به وی اصابت نموده است و خود متهمان نیز اظهار می‌دارند نمی‌دانیم تیر هر دوی ما خورده یا تیر یکی از ما دو نفر، حال تکلیف دادگاه در این رابطه چیست؟ آیا می‌توان به قرعه قایل شد؟ یا قصاص را باید از هر دو نفر ساقط دانسته، به دیه متوسل گردید؟ یا این که راه دیگری وجود دارد ضمناً اولیای مقتول از هر دو نفر شاکی هستند.

ج: قصاص از هر یک ساقط است و از هر یک نصف دیه به عنوان تصالح قهری گرفته شود

س ۸۹۹: چند نفر سارق به محلی رفته و بعضی از آن‌ها مسلح بوده و اموالی را به سرقت برده‌اند و چند نفر آنها را تعقیب نموده که اموال مسروقه را مسترد بدارند در این بین یک نفر از تعقیب کنندگان کشته می‌شود آیا حکم قتل عمدی را دارد یا خیر؟

ج: در مفروض سؤال که یکی از سارقین به قصد زدن به او گلوله را انداخته حکم قتل عمدی را دارد.

دیات

س ۹۰۰: اینجانب در طول خدمت و فعالیت در پزشکی قانونی با موردی مواجه شده‌ام که فردی در اثر حادثه تصادف رانندگی بدنبال خورد شدن شیشه جلوی

ماشین و پاشیده شدن خرده شیشه به سر و صورت دچار خراشیدگی های بسیار متعدد با ابعاد کوچک حدوداً ۱۲۰ مورد جرح به اندازه ارزن گردیده بود و در همین حادثه شخص دیگری دچار شکستگی استخوان در ناحیه زانو شده بود، کلیه آثار و جراحات مصدوم اولی پس از حدود یک هفته بدون بر جای ماندن کوچکترین اثر قابل ملاحظه بهبود یافت و مصدوم دوم پس از حدود یکسال معالجه بدلیل محدودیت حرکتی شدید زانو (که آن بعلت معالجات طولانی حادث شده بود نه به دلیل معیوب جوش خوردی استخوان) دچار نقص عضو دائم گردید. دیه متعلقه به مصدوم اول معادل ۱۲۰ شتر و دیه متعلقه به مصدوم دوم حد اکثر ۱۰ شتر (چون برای نقص عضوی ایجاد شده ارزش مازاد بر دیه نیز وجاهت شرعی و قانونی ندارد) می باشد.

آیا اینگونه محاسبه از نظر شرعی صحیح است یا اینکه جراحات موجود در یک عضو چنانچه در اثر ضربه واحد یک زمان حادث شده باشند معادل یک جرح محسوب می شوند؟

ج: در فرض مذکور چون جراحات متعدد است و هر یک از آنها عنوان و موضوع مستقلی برای تعلق دیه می باشد دیه هم متعدد است و در صورت مصدوم شدن استخوان بشرحی که مرقوم داشته اید دیه شکستگی استخوان هر چند یک پنجم دیه یک پا و یا صد مثقال طلا و یا ده شتر است ولی مخارج معالجه را که فرمودید یک سال طول کشیده است نیز جانی باید بپردازد بعلاوه اگر نقصی در استخوان باقی مانده و بهبود کامل حاصل نشده است باید بر مقدار دیه افزوده شود.

۲. آیا جائز است انسان برای خودش یا شخص دیگری (مرد یا زن) صیغه عقد موقت بخواند؟ در چه صورت جائز است؟

ج: جائز است ولی احتیاط مستحب آن است که دو نفر بخوانند.

۳. نگاه کردن به صورت خانمی که آرایش کرده اشکال دارد؟

ج: نگاه به چهره نامحرم از روی ریبه و تلمذ حرام است و در غیر ریبه و تلمذ هم اگر آرایش بیش از حد متعارف باشد نیز حرام است.

س ۹۰۱: پسر بچه پانزده ساله‌ای که شب هنگام پس از بیدار شدن از خواب، فردی اجنبی را به صورت برهنه با مادرش در اتاق خواب می‌بیند، با این اعتقاد که فرد خائن و متجاوز به ناموس باید کشته شود، فرد مزبور را که مبادرت به فرار نموده به قتل می‌رساند.

لازم به ذکر است زن مدّعی است که اولاً: با تهدید فرد مقتول مبنی بر آبرو ریزی او در صورت تن ندادن به رابطه، مجبور به باز کردن درب منزل به روی او شده است. ثانیاً رابطه نامشروع در حد کمتر از زنا بوده است.

الف) قتل ارتكابی توسط نامبرده با اعتقاد به لزوم کشتن اینگونه افراد، مشمول کدامیک از عناوین قتل عمد یا شبه عمد می‌شود؟

ب) با توجه به ادعای زن مبنی بر اینکه از روی تهدید مجبور به برقراری رابطه با اجنبی شده است، آیا عمل ارتكابی از سوی فرزند تازه بالغ وی می‌تواند مشمول عنوان دفاع از ناموس و در نتیجه عدم شمول ادله قتل عمد در مورد وی باشد؟

ج) با توجه به اینکه اطلاعات فقهی نوجوان در احکام شرعی کم بوده، آیا جهل وی به مسائل می‌تواند رفع مسئولیت کند؟

ج ۱: در فرض فوق با اعتقاد مذکور قتل مزبور شبه عمد است و مانند این است که شخصی را به اعتقاد اینکه مهدور الدم است بکشند و بعداً معلوم شود که محقون الدم بوده است.

ج ۲: چون آن فرد اجنبی را در حال فرار کشته است در موضوع دفاع مندرج نیست و ادعای زن در این مورد تأثیری ندارد.

ج ۳: جهل وی به مسأله رافع مسئولیت از جهت حکم تکلیفی است ولی حکم وضعی یعنی ضمان دیه، مرتفع نیست.

س ۹۰۲: فردی کتابهایش را وسیله ترویج عقاید باطله قرار داده، به طوری که با

کلیه مظاهر حجت و ولایت نسبت به ائمه اطهار علیهم السلام مخالفت نموده، تا آنجا که جشن و چراغانی جهت موالید ائمه علیهم السلام و ساختن مساجد و امثال آن را صریحا بدعت شمرده و حریمهای مطهر ائمه علیهم السلام را با سایر زمینها در شرف مساوی دانسته و نسبت به طهارت صدیقه طاهره علیها السلام و مسائل شفاعت، شهادت ثالثه، وجود شیطان، وجود ملک، ليله القدر، علم امام، سجده بر تربت سید الشهداء و بسیاری از امور مسلمة مذهب تشکیک و تردید و یا انکار نموده، یا مردم را نسبت به قاطبه علما حیّا و میتا بدبین و مردد ساخته و در زکوه روش مخالفین را اختیار کرده و تقلید از مراجع را بدعت شمرده و در عید فطر همه ساله تابع اهل سنت شده و اشخاص را به عنوان اینکه اسم خدا بالاتر از اسم ائمه است از تسمیه به نام حسین منع نموده و بالاخره منکر معراج جسمانی گردیده است. با توجه به موارد فوق و اینکه در کتابهایش چنین تفکرات و اعتقاداتی را ترویج می کند، مستدعی است نظر مبارک خود را اولاً راجع به خود وی و ثانیاً خواندن کتابهایش به همراه نگهداری آنها اعلام فرمایید.

ج: این شخص با توجه به اوصاف و اعمالی که در فوق ذکر شده ضال و مضل است و خواندن و منتشر کردن و نگهداشتن کتابهایش با خصوصیات که در فوق مذکور است حرام است مگر برای کسانی که به این قصد مطالعه کنند که بخواهند جواب دهند و قدرت جواب دادن را نیز داشته باشند.

س ۹۰۳: آیا اگر میتی را بسوزانند آیا دیه دارد؟

ج: دیه آن یکصد مثقال طلا است.

س ۹۰۴: زن حامله ای در اثر تصادف غیر عمد کشته می شود و جنین هم در شکم او می میرد. آیا قاتل باید دیه هر دو را پرداخت نماید؟

ج: قاتل دیه هر دو را باید بدهد.

س ۹۰۵: در صورتی که جنین سقط شده دو قلو یا بیشتر باشد دیه چگونه پرداخت می شود؟ به اندازه یک جنین یا هر تعداد که باشد؟

ج: برای هر کدام عدد یک دیه ثابت است.

س ۹۰۶: زنی که عمدا جنین ۵ ماهه خود را سقط می کند آیا موجب قصاص است یا خیر؟

ج: در فرض مزبور موجب قصاص نیست باید دیه بدهد.

س ۹۰۷: پزشکان برای درمان بیماری زن حامله ای اینطور تشخیص داده اند که بیمار باید بچه چهار ماهه خود را سقط کند، آیا سقط کردن جایز است یا خیر؟ و بر فرض جواز آیا دیه تعلق می گیرد یا خیر؟ و بر فرض تعلق دکتر معالج باید دیه بدهد یا مادر؟

ج: سقط جنین در هیچ حال جائز نیست و در فرض مذکور دیه را دکتر معالج باید بدهد.

س ۹۰۸: پزشکی که جهت کنترل جمعیت و پیشگیری از حاملگی اقدام به وازکتومی یا بستن لوله ها می کند و فرد را عقیم می کند به طوری که امکان بازگشت نیز غالبا وجود ندارد. آیا دیه به آن تعلق می گیرد؟

ج: دیه تعلق می گیرد و دیه از کار انداختن هر قوه ای از قوای انسان مانند باصره، سامعه،... دیه یک انسان است و قوه تولید مثل هم مانند باصره و سامعه است.

س ۹۰۹: آیا بر قطع جوارح میت دیه تعلق می گیرد؟

ج: تعلق می گیرد.

س ۹۱۰: دیه سقط جنین در هر یک از موارد زیر را مشخص فرمایید:

الف) جنین به صورت نطفه باشد.

ب) جنین علقه باشد.

ج) جنین مضغه باشد.

د) جنین اسکلت بندی پیدا کرده باشد.

ه) جنین روح پیدا کرده باشد.

ج: الف) ۲۰ مثقال شرعی طلا (هر مثقال ۱۸ نخود است)

ب) ۴۰ مثقال شرعی طلا

ج) ۶۰ مثقال شرعی طلا

د) ۱۰۰ مثقال شرعی طلا

ه) یکهزار مثقال شرعی طلا (اگر پسر باشد و دیه دختر نصف است)

س ۹۱۱: شخصی با مراجعه به دادگاه مدعی است که بر اثر تصادف، استخوانهای صورتش شکسته و دادگاه، دیه لازم صادر نموده و لیکن زیبایی صورتش به طور کلی آسیب دیده به طوری که در مجامع عمومی با خجالت حضور پیدا می‌کنم و به خاطر نقص زیبایی حاصله تقاضای خسارت نموده‌ام آیا زیبایی مستقلاً یک عنوان خاص است و دارای ارثی و یا دیه خاصی است؟ یا اینکه نظریه کارشناسان فن از جمله پزشکی قانونی در زمینه خسارت وارده و جاهت شرعی دارد یا خیر؟

ج: اگر در نتیجه جنایت، نقصی در چهره مجنی علیه بوجود آمده که پزشکی قانونی می‌تواند برای جبران آن حدی و بهایی معین کند جانی ضامن است.

س ۹۱۲: بچه نابالغ اگر مرتکب گناهی شود مانند قتل یا سرقت یا کار دیگر که موجب دیه می‌شود آیا خود بچه باید بعد از بلوغ دیه را بدهد یا مجازات شود؟ یا دیه بر ولی او واجب است؟

ج: دیه به عهده بچه تعلق می‌گیرد اگر مالی دارد ولی آن را از مال او می‌پردازند و اگر نه خودش بعد از بلوغ باید بپردازد.

س ۹۱۳: اینجانب شاگردان را بیشتر از راه تشویق و اهداء کتاب و لوازم التحریر سوق بدرس خواندن می‌دادم ولی گاهی هم از راه دلسوزی به دست بچه‌هایی که مزاحم دیگر دانش آموزان بوده و توجه بدرس نداشتند چوب می‌زدم بطوریکه قرمز می‌شد حال متوجه شده‌ام بجای خدمت و عبادت دچار گناه شده و شاید هم دیه گردنم آمده، در این حال تکلیف من چیست؟

ج: افرادی را که یقین دارید که دیه آنها به گردن شما آمده است اگر

می‌شناسید یا دسترسی به آنها ممکن نیست باید مقدار دیه را از بابت رد مظالم به فقرا پردازید.

س ۹۱۴: احتراماً مرقوم بفرمائید که فتوای حضرتعالی در ارتباط با دیه جسد سوخته شده کامل یک فرد مسلمان چیست؟

ج: در سؤال باید توضیح داده شود که بدن شخص را بعد از مردن سوزانده‌اند یا در حال حیات و چه مقدار از بدن سوخته است؟ و ظاهر سؤال این است که بعد از مردن جسد را سوزانده‌اند و دیه آن صد مثقال شرعی طلا است.

س ۹۱۵: شخصی مرتکب قتل عمدی شده و زنی را بقتل رسانده همچنین در حق اولیاء دم مقتوله مرتکب جرح عمدی شده با توجه به اینکه قاتل مرد بوده و مقتول زن می‌باشد نصف دیه را اولیاء دم باید به جانی و قاتل پرداخت نمایند، النهایه قاتل باید دیه جراحات وارده باولیاء دم که مجروح شده‌اند پردازد آیا اول نصف دیه را قاتل اولی دریافت میکند بعد دیه جراحات را می‌دهد یا اول دیه جراحات را می‌دهد بعد نصف دیه را می‌گیرد یا بطور همزمان عمل می‌شود؟

ج: اولیاء دم مقتول در صورت انتخاب قصاص باید قبل از قصاص نصف دیه را به قاتل پردازند. و اما نسبت به دیه جرح عمدی، اگر قاتل در حال حیات تمکن پرداخت دیه جرح را دارد باید قبل از قصاص پرداخت کند، و اگر چنانچه تمکن ندارد باید وصیت کند که دیه جرح را از آن دیه که دریافت کرده است پردازند.

س ۹۱۶: شخصی با مراجعه به دادگاه مدعی است که بر اثر صدمه وارده توسط زید مبلغ یک میلیون تومان هزینه دارو و درمان نموده است در حالیکه ۴۰۰/۰۰۰ تومان دیه به او تعلق گرفته است و خواستار ۶۰۰/۰۰۰ تومان مابقی می‌باشد دادگاه تکلیفی دارد یا خیر؟

ج: هزینه دارو و درمان باید داده شود و آن غیر از دیه است.

س ۹۱۷: خواهشمند است نظر مبارکتان را در مورد ضرر و زیان و یا خسارات مازاد شرعی را در صورت امکان تفصیلاً بیان فرمایید.

ج: جانی علاوه بر دیه لازم است مخارج معالجه را نیز بپردازد و ضرری که وارد شده است جبران نماید.

س ۹۱۸: درباره انواع ششگانه دیه که اختیارش از جهت پرداخت با دیه دهنده می‌باشد آیا این اختیار فقط در قتل است و یا در تمام اعضاء و واردی که دیه آنها از طرف شارع مشخص شده می‌باشد تقاضا می‌شود نظر مبارک را مرقوم فرمایید.

ج: در دیه قتل چون مقادیر متعددی از طرف شارع مقدس معین شده است اختیار انتخاب یکی از آنها تخییراً به جانی داده شده است ولی در موارد دیگر دیه از طرف شارع مشخص شده است لذا تخییر مورد ندارد.

س ۹۱۹: گرچه فتوای مشهور فقهای بزرگوار «رض» این است که دیه را باید یوم الاداء پرداخت نمود و قیمت دیه را یوم الاداء محسوب می‌نمایند، لیکن اخیراً مستنداً به نظریه بعضی از اساتید و بزرگان عصر حاضر شاید به دلیل برقراری یک رویه و نظم خاص در پرداخت دیه قیمت آن را بر مبنای روز صدور و قطعیت حکم محاسبه می‌کنند حال سؤال این است: نظر مبارک حضرتعالی در پرداخت قیمت دیه یوم الاداء است یا روز صدور حکم و یا روز وقوع حادثه؟ لطفاً ارشاد فرمایید.

ج: یوم الاداء میزان است.

س ۹۲۰: شخصی در ماه حرام به دیگری جرح وارد کرده است به سبب همان جرح مضروب در غیر ماه حرام از دنیا رفته لطفاً حکم شرعی این مسئله را بیان فرمایید.

ج: تغلیظ در دیه به اندازه یک سوم مخصوص کسی است که در ماه حرام مقتول گردیده است.

س ۹۲۱: شخص در رانندگی شبانه با چیز مشکوکی تصادف کرده است و بعداً برایش احتمال قوی حاصل شده است که انسان بوده و مرده است، حالا شخص مرده را و ورثه ایشان را هیچکدامش را نمی‌شناسد لطفاً تکلیف این شخص را مرقوم فرمایید.

ج: به احتمال تکلیفی ثابت نمی‌شود ولی اگر اطمینان پیدا کرده است که انسان بوده است باید با نظر حاکم شرع دیه او را به فقراء به قصد صاحب دیه بپردازد.

س ۹۲۲: شخصی که در اثر تصادف فوت نموده دارای پدر و مادر و زوجه می‌باشد در صورت پرداخت دیه به وسیله شرکت بیمه یا غیره آیا زوجه هم حقی از دیه دارد و در صورت ذی حق بودن چند یک از دیه را می‌برد؟

ج: دیه هم مثل سایر اموال میت است و زوجه از آن ارث می‌برد و فقط کسانی که به وسیله مادر میت با او قرابت داند مانند خواهر و برادر مادری و همچنین دایی‌های میت از آن ارث نمی‌برند و سهم زوجه اگر میت اولاد ندارد یک چهارم از کل مال بعد از دین و وصیت است.

س ۹۲۳: آیا تنبیه شاگرد از لحاظ شرعی جائز است یا خیر؟

ج: تنبیه صور مختلف دارد باید توضیح داده شود و مسلماً تنبیهی که موجب ثبوت دیه است جائز نیست.

س ۹۲۴: مردی در ماههای حرام (رجب و ذی القعدة و ذی الحجه و محرم) به قتل رسیده با توجه به وقوع قتل در این زمان موجب اضافه شدن ثلث دیه می‌شود اگر اولیاء دم تقاضای قصاص داشته باشند چگونه عمل کنند؟

ج: در ماه حرام یک ثلث بر آنچه که مقدر است باید افزوده شود.

س ۹۲۵: چنانچه فرد محکوم به پرداخت دیه فوت شود و ورثه او قادر به پرداخت دیه نباشند، آیا می‌توان آن را از بیت المال پرداخت نمود.

ج: بیت المال با رعایت سلسله مراتب زیر نظر ولی فقیه است و در موردی که او تشخیص مقتضی بدهد از آن با نظر او پرداخته می‌شود.

س ۹۲۶: در صورت استنکاف از پرداخت دیه آیا عاقله را می‌توان حبس کرد یا خیر؟ آیا دیه دین است یا مجازات؟ آیا عاقله را به عنوان متهم می‌توان دستگیر کرد و قرار برای او صادر کرد تا از فرار او جلوگیری شود یا خیر؟

ج: ديه دين است و امور مذكوره بايد بر اساس ضوابط دين با نظر حاكم شرع صورت گيرد.

س ۹۲۷: در مواردی که در اثر تصادف شخصی کشته می‌شود و متخصصین فنی تقصیر را صد در صد با مقتول می‌دانند و از گفته آنان نیز اطمینان حاصل می‌شود آیا ديه تعلق می‌گیرد یا خیر؟ و بر فرض تعلق بر قاتل است یا بر عاقله؟

ج: در فرض سؤال اگر تصادف نحوی باشد که راننده هیچ گونه تقصیری نداشته و جلوگیری از تصادف ممکن نبوده نه عاقله ضامن است و نه راننده ولکن اگر جلوگیری از تصادف ممکن بود و راننده جلوگیری نکرده راننده قاتل است، هرچند مقتول نیز تقصیر کرده باشد و ديه و یا قصاص متوجه اوست.

س ۹۲۸: دو نفر رفیق در ردیف هم سوار موتور بوده و با هم میوه فروشی می‌کردند، هنگام حرکت یکی از آنها که عقب نشسته بود از موتور افتاد و کشته شد در صورتی که برای اولیاء مقتول ثابت شده است که راننده تقصیر نکرده و غرضی در کار نبوده این قتل موجب ديه می‌شود یا خیر؟

ج: در فرض سؤال اگر افتادن مقتول به سبب عملی از راننده بوده بدون آنکه قصد انداختن داشته باشد مثل ترمز ناگهانی، قتل خطایی است و ديه بر عهده عاقله است و اگر افتادن او تقصیر خودش بوده کسی ضامن نیست.

س ۹۲۹: اگر شخصی که رانندگی می‌کند در میان ماشین خوابش ببرد و ماشینش تصادف کرد یک نفر را بکشد، در این صورت حکمش حکم قتل خطایی است یا خیر؟ و بر فرض اول، چنان چه اداره بیمه ديه آن مقتول را به اولیائش پردازد ذمه راننده بری می‌شود یا خیر؟

ج: بعید نیست مفروض سؤال خطای شبیه به عمد باشد و ديه بر عهده خود راننده است و اگر اداره بیمه به قصد اداء ديه از طرف قاتل بدهد به مقداری که داده است ذمه قاتل از ديه بری می‌شود.

احکام پزشکی

س ۹۳۰: در بخشهای بیمارستانی معمولاً هر دانشجوی پزشکی مسئولیت چند بیمار را عهده دار است، آیا دانشجویان می‌توانند نسبت به معاینه بالینی سایر بیماران غیر همجنس که حکم آموزش را دارد و نه تشخیص مبادرت نمایند؟
ج: نمی‌توانند مگر در موقع ضرورت.

س ۹۳۱: آیا دیدن تصاویر عریان زنان و مردان غریبه مسلمان و غیر مسلمان که جزو امر آموزش پزشکی هستند، جایز است؟
ج: اگر موجب فساد نباشد اشکال ندارد و البته مورد نظر زن مسلمانی است که او را نمی‌شناسد.

س ۹۳۲: در بعضی از موارد، معاینه اندام تناسلی به کمک آینه امکان پذیر است. بی توجهی به این موضوع چه حکمی دارد؟
ج: در صورتی که معاینه اندام تناسلی به وسیله آینه امکان پذیر و کافی باشد لازم است به همان اکتفا شود.

س ۹۳۳: امروزه در یک شهر معمولاً هم پزشک زن و هم پزشک مرد در تخصصهای مختلف پزشکی وجود دارد. مراجعه به پزشک غیر همجنس چه حکمی دارد؟ در صورتی که متخصص غیر همجنس عالمتر باشد، حکم چیست؟
ج: مراجعه به غیر همجنس در مواردی که معاینه و معالجه مستلزم ارتکاب حرام از قبیل نگاه به غیر صورت و دستها تا میچ و لمس بدن نامحرم - نباشد اشکال ندارد ولی در صورتی که مستلزم ارتکاب حرام باشد جائز نیست جز در مورد ضرورت.

س ۹۳۴: آیا می‌توان از استخوانهای کشف شده در قبور مسلمین برای یادگیری مسائل پزشکی استفاده نمود؟

ج: با حفظ احترام آنها و دفن آنها پس از انجام یادگیری مورد نظر اشکال ندارد.

س ۹۳۵: لمس اعضای بدن بیمار توسط پزشک غیر همجنس در صورتی که با مماثل از نظر معاینه و درمان تفاوتی نکند. آیا پزشک را ملزم به رعایت می‌کند یا بلا اشکال است؟

ج: در فرض مذکور پزشک ملزم به رعایت است و باید لمس بوسیله مماثل صورت بگیرد.

س ۹۳۶: آیا اقدامات پزشک طبیب در غیر رشته تخصصی خود که باعث تشدید بیماری یا بروز عارضه‌ای جدید یا منجر به فوت بیمار گردد. موجب ضمان است؟

ج: در فرض مذکور موجب ضمان است هر چند مأذون هم باشد.

س ۹۳۷: در مراکز آموزشی درمانی و پزشکی دولتی، دستیاران بویژه در سالهای نخست باید با حضور و راهنمایی اساتید خود اقدام به عمل جراحی نمایند در صورتی که دستیار با اجازه استاد خود با این امید که استاد می‌گوید (شما کار را شروع کنید من هم حضور می‌یابم) ولی حاضر نمی‌شود. و به تنهایی یا با همراهی سایر دستیاران، عمل جراحی را به پایان می‌رساند و آسیبی به بیمار وارد می‌شود که ناشی از عدم حضور استاد است. مسئول کیست؟

ج: اساتید مسئول می‌باشند که به دستیارانی که هنوز مهارت کامل پیدا نکرده‌اند این نوع کارها را ارجاع می‌دهند و دستیاران نیز که بدون مهارت کامل به این کار مبادرت می‌کنند مسئول می‌باشند و ضامن دیه آسیب وارده نیز هستند.

س ۹۳۸: آتانازی (قتل از روی ترحم و بیمار کشی با ترحم و به منظور کوتاه کردن مدت درد و رنج بیماران لاعلاج که براساس علم پزشکی هیچ امیدی به شفا و بهبودیش نیست) بر سه قسم است:

الف) نوع فعال (با تجویز داروی کشنده از طرف پزشک به زندگی بیمار خاتمه داده می‌شود).

ب) نوع انفعالی (به صورت خودداری از ادامه مداوا و زنده نگه داشتن بیمار مختصر)

ج) نوع غیرمستقیم (با قرار دادن داروها به مقدار زیاد در دسترس بیمار تا بیمار شخصا به زندگی پر رنج خود پایان دهد). استفاده از کدام یک بلاشکال است؟
ج: هیچکدام از صور مزبوره جائز نیست.

س ۹۳۹: در بسیاری از مراکز آموزشی درمانی و پزشکی امکان جداسازی دانشجویان دختر و پسر وجود دارد و لکن برخی از مسئولین در تفکیک بی توجهی می‌کنند. نظر جنابعالی در این زمینه چیست؟

ج: پس از سلام اگر مستلزم تحقق حرام، هر چند نگاه حرام، نباشد مانعی ندارد ولی در صورت امکان جدا کردن آنها بهتر است.

س ۹۴۰: در صورتی که بیمار یا ولی او به پزشکی که در کارش متخصص ودانا است اجازه معالجه دهد. آیا در صورت مرگ بیمار، پزشک ضامن است؟
ج: در فرض مذکور اگر پزشک کوتاهی نکرده باشد ضامن نیست.

س ۹۴۱: معمولا مشاهده می‌شود که برخی از افراد عادی در امر پزشکی دخالت کرده و قرص و آمپول یا دارویی را برای مریض توصیه می‌نمایند آیا در صورتی که این امر منجر به مرگ یا آسیب جسمی شود چگونه است؟

ج: دخالت افراد عادی در امر پزشکی مخصوصا در مواردی که احتمال ضرر هم وجود داشته باشد جائز نیست و افراد مریض هم نباید به چنین افرادی مراجعه کنند و یا به دخالت آنها ترتیب اثر بدهند. و در صورت منجر شدن به مرگ یا آسیب جسمی اگر آن فرد عادی فقط دوا را توصیف کرده و خود مریض آنرا بدست آورده و مصرف کرده است آن فرد عادی ضامن نیست ولی اگر آن فرد عادی دوا را نیز به مریض داده است و منجر به مرگ یا آسیب جسمی شده ضامن است.

س ۹۴۲: در کارهای مربوط به زایمان، دانشجویان زن (اعم از پزشکی و مامایی)

به حد کفایت تربیت شده‌اند آیا لزومی برای حضور مردان در بلوک‌های زایمان که موجب نظر یا تماس با بدن زن میشود وجود دارد؟

ج: جواز نظر مرد به بدن زن نامحرم و همچنین جواز تماس با آن دائر مدار ضرورت است و با توجه به آنچه که ذکر کرده‌اید چون ضرورتی نیست جائز نیست.

س ۹۴۳: گرفتن نبض و فشار خون به راحتی از روی پارچه یا دستکش امکان پذیر است آیا حرام نیست در موارد غیر همجنس از مماثل استفاده نشود؟
ج: در فرض فوق اگر حرام دیگری تحقق پیدا نکند حرام نیست.

س ۹۴۴: ای. یو. دی برای جلوگیری از حاملگی در زنان استفاده می‌شود این وسیله بایستی از طریق مهبل در داخل رحم گذارده شود و غالباً زنان می‌توانند مبادرت به اینکار نمایند و معمولاً در تمام مراکز بهداشتی درمانی و یا بیمارستانها زنان کافی برای این کار آموزش داده نشده‌اند آیا حرام نیست مرد این کار را انجام دهد یا زن به مرد مراجعه نمایند در صورتی که این کار توسط زن صورت گیرد آیا مشاهده توسط دانشجویان پزشکی پسر به منظور یادگیری اشکال دارد؟

ج: اگر ضرورتی ایجاب می‌کند که وسیله مذکور برای جلوگیری از حاملگی مورد استفاده قرار گیرد مثلاً یا بجهت اینکه حاملگی برای زن ضرر دارد و یا برنامه لازم الاتباعی به نظر فقیه در این رابطه تنظیم گردیده است لازم است این کار بوسیله زنان انجام گیرد و اگر ممکن نشد رجوع به مردان جائز است ولی مشاهده بمنظور یادگیری فعلاً توسط دانشجویان پزشکی دختر انجام گیرد.

س ۹۴۵: در مراکز آموزشی، درمان و پزشکی دولتی هر تحت بیمارستان انترن (کارورز) ورزیدنت (دستیار) مشخص دارد که باید کارهای مربوط به بیمار انجام دهند در این صورت مثلاً گذاشتن سوند مجرا در غیر موارد همجنس چه حکمی دارد؟ آیا در چنین مواردی انجام کار بر کسی که از این نظر منع شرعی ندارد،

واجب می‌شود؟

ج: بلی در صورتی که انجام کار برای او ممکن و با اقدام او ضرورت مرتفع می‌شود بر او واجب و بر غیر همجنس - چون مستلزم نظر و تماس با نامحرم است - حرام است.

س ۹۴۶: اگر پزشک معالج از حاملگی بیمار سوال نکند و بیمار هم پزشک را در جریان قرار ندهد در صورتی که دارو و یا روش تشخیصی مورد استفاده منجر به ضرر و عارضه شود مسئولیت بر عهده کیست؟

ج: اگر پزشک در عدم سوال خود تقصیر کرده باشد و ظاهراً هم همینطور است مسئول است.

س ۹۴۷: در علم پزشکی برخی از روشهای درمانی با گذشت زمان دچار تغییراتی می‌شوند یا به کلی ارزش خود را از دست می‌دهند. در صورتی که پزشک به علت عدم مطالعه از اطلاعات جدید مطلع نشود آیا مسئول است؟

ج: اگر همین موضوع یک نوع تقصیر محسوب شود - که ظاهراً هم اینطور است - مسئول است.

س ۹۴۸: اگر بدانیم یک بیمار در اثر بیماری مثل لوسمی و یا متاستاز برخی تومورها به زودی خواهد مرد آیا مجازیم برای افزایش طول عمر او (در حد چند ماه) از شیوه‌های درمانی پرخطر و پر عارضه مانند شیمی درمانی که اغلب عوارض آن بسیار شدیدتر از بیماری اولیه است استفاده نماییم؟

ج: اگر این نوع اقدامات یک نوع معالجه و تاخیر انداختن مرگ محسوب شود لازم است که مورد استفاده قرار گیرد.

س ۹۴۹: پزشکی یقین دارد که عمل جراحی روی بیمار تأثیری در زنده ماندن او ندارد طوری که بیمار چه عمل شود یا نشود بیش از مدت کوتاهی زنده نخواهد ماند. آیا جایز است بنا به اصرار همراهان بیمار یا مسئولین بیمارستان اقدام به جراحی نماید یا خیر؟

ج: در فرض مذکور اگر آن عمل جراحی ضرری ندارد و بلکه یک نوع تقویت روحی محسوب می‌شود جائز است.

س ۹۵۰: برخی از بیماران عاقل و بالغ که نیازمند عمل جراحی می‌باشند به علت ترس یا هر توجیه دیگری حاضرند درد و رنج را تحمل نمایند ولی تن به عمل ندهند، حتی همراهان بیمار نیز اجازه عمل نمی‌دهند و این در حالیست که پزشک می‌داند در غیر این صورت بیمار به زودی خواهد مرد یا دچار عوارضی خواهد شد که تا پایان عمر زمین گیر شود. با این فرض آیا پزشک می‌تواند دست به عمل جراحی بزند؟ اگر علی‌رغم مخالفت بیمار، کسان وی چنین اجازه‌ای را صادر کنند تکلیف طبیب چیست؟

ج: به نظر می‌رسد که در فرض مذکور با بیان واقعیت و با منطبق ملائم می‌توان طرز فکر بیمار را تغییر داد و چون بیمار بالغ و عاقل است اجازه همراهان وی تأثیری ندارد و در صورت اصرار بیمار لازم است پزشک با اجازه فقیه اقدام به عمل جراحی کند.

س ۹۵۱: زنی می‌خواهد وضع حمل کند متخصص تشخیص داده که باید یا مادر و یا بچه به وسیله جراحی یا طریقه دیگر کشته شود تا یکی از آنها سالم بماند ولی بدون عمل جراحی هر دو می‌میرند و با عمل، احتمال زیاد یکی از آنها زنده می‌ماند در این صورت عمل جراحی جایز است یا خیر؟ بر فرض جواز زنده ماندن کدام اولی است؟

ج: اگر به طور قطع و یقین ثابت است که با ترک عمل هر دو می‌میرند و با عمل به طور احتمال و یا قطع یکی از آنها زنده خواهد ماند باید عمل شود و اولویتی در بین نیست و الله العالم.

س ۹۵۲: آیا پزشک معالج موظف است عوارض یا ضایعات احتمالی ناشی از عمل جراحی را برای بیمار تشریح نماید؟

ج: منظور از ضایعات چیست؟ تشریح آن دسته از ضایعاتی که در تصمیم

گیری مریض یا وضع حال مریض تأثیر دارد لازم به نظر می‌رسد و از لوازم و مقدمات معالجه محسوب می‌شود.

س ۹۵۳: گاهی برای ختنه کردن بچه در اتاق عمل به طور سرپایی تحت بی‌حسی موضعی، دست و پای بیمار را می‌بندند و یا در مواجهه با فریاد شدید بچه او را می‌زنند و یا دهانش را می‌گیرند در حالی که با عمل بی‌هوشی به راحتی می‌توان در اتاق عمل و بدون اذیت آنها را ختنه نمود در این موارد وظیفه چیست؟
ج: عملی که بدون اذیت انجام گیرد اولویت دارد، مگر اینکه این اندازه ناراحتی بچه در راه ختنه و امثال آن متعارف و غیر مهم باشد.

س ۹۵۴: با توجه به اینکه اکثر بیمارانی که به تشخیص قطعی علم پزشکی امیدی به بهبودی آنها نیست از طریق داخل رگی تغذیه می‌شوند آیا پزشک مجاز است با خواست خود آنها به جای قطع مداوا اتانازی غیرفعال از ادامه تغذیه وی ممانعت بعمل آورد؟ نظر شریف را در مورد بندهای ذیل بیان فرمایید.

ج: هر اقدامی و عملی که موجب خطر و ضرر فعلی بیمار است جایز نیست.

الف) در مواردی که بیمار در حالت اغماء باشد و نتوان از خواسته وی آگاه شد آیا موافقت و اصرار اطرافیان بیمار می‌تواند ملاک عمل پزشک برای قطع مداوا باشد؟
ج: نمی‌تواند.

س ۹۵۵: در صورتی که مریض قبلاً وصیت کرده باشد که اگر چنین مسئله‌ای برای وی پیش آمد (حالت اغماء) دوران احتضار وی طولانی نشود، حکم مسئله قبل چه صورتی خواهد یافت؟

ج در این مورد وصیت موثر نیست.

الف) در بسیاری از موارد اتانازی غیر فعال در مورد بیمارانی مصداق دارد که در حالت اغماء می‌باشند و زندگی آنها وابسته به دستگاه تنفس مصنوعی است و بدون دستگاه تنفس مصنوعی قادر به ادامه حیات نمی‌باشند، با توجه به مفروضات سوال و البته با توجه به اینکه غالباً در مورد مسائل یقین ۱۰۰٪ تحقق نمی‌یابد - و حتی

مواردی گزارش شده که بعضی از این بیماران به طور معجزه آسایی از مرگ نجات یافته و به زندگی عادی بازگشته‌اند - آیا پزشک مجاز به قطع تنفس مصنوعی که باعث تسریع در مرگ بیمار می‌شود خواهد بود؟

ج: مجاز نیست.

ب: با توجه به کمبود امکانات بیمارستانهای کشور و محدودیت تعداد تخت های بخش های ویژه بیمارستانها، اگر اشغال تخت توسط بیماری که احتمال کمتری برای بازگشت دارد باعث عدم پذیرش و احتمالاً مرگ بیماری شود که احتمال بیشتری برای برگشت دارد مسأله قبل چه صورتی خواهد یافت؟

ج: این احتمال موجب ترک وظیفه نمی‌شود.

س ۹۵۶: آیا برای کارهای که طبیب همجنس هم می‌تواند انجام دهد می‌توان به پزشک غیر همجنس مراجعه نمود؟

ج: اگر از جهت مهارت و حذاقت و امکان مراجعه و معالجه مساوی باشند و ضرورتی برای مراجعه به غیر همجنس در بین نیست نمی‌تواند به غیر همجنس مراجعه کند.

س ۹۵۷: در بیمارستانها و مراکز پزشکی، دانشجویان پسر جهت آموزش مبادرت به معاینه نواحی مختلف بدن بیمار زن و دانشجویان دختر نیز مبادرت به معاینه نواحی مختلف بدن بیمار مرد می‌نمایند، با توجه به اینکه این امر یک موضوع آموزشی است که در برنامه تربیت پزشکان قرار دارد و نظر مبارک در مورد حدود آن چیست؟

ج: با امکان اکتفاء به همجنس و عدم ضرورت تربیتی داده شود که آموزش، متمرکز در همجنس باشد.

س ۹۵۸: پیشگیری از حاملگی و کنترل جمعیت راههای مختلف دارد، آیا افراد با اطلاع از روشها و عوارض هر یک از آنها را می‌توانند داوطلبانه انتخاب نمایند؟

ج: لازم است نظر شوهر و نداشتن ضرر و موجب عقیم شدن را در نظر بگیرند.

س ۹۵۹: برخی از خانم‌ها حامله که می‌توانند به وضع طبیعی زایمان کنند اصرار دارند که سزارین شوند تا درد کمتری را تحمل کنند در این زمینه حکم چیست؟
ج: با نظر و موافقت شوهر اشکال ندارد.

س ۹۶۰: آیا زن می‌تواند بدون رضایت شوهر از قرصهای ضد بارداری استفاده کند یا مثلا برای گذاشتن آی. یو. دی اقدام نماید؟

ج: دومی بدون اجازه شوهر جایز نیست، و اولی نیز برای مدت طولانی جایز نیست و با تذکر شوهر به عدم رضایت، هیچ کدام جایز نیست.

س ۹۶۱: آیا قطع دائم حاملگی در بانوان که زمینه مساعد برای به دنیا آوردن فرزندان ناقص الخلقه دارند به ویژه در مواردی که زایمانهای پیشین نیز این موضوع را ثابت کند جایز است؟
ج: عقیم کردن جایز نیست.

الف) آیا جواز شرعی برای وازکتومی و بستن لوله‌ها جهت کنترل موالید و جلوگیری از رشد غیر متعارف جمعیت عنوان حکم ثانویه (حکومتی) را داشته و با از بین رفتن ضرورت قابل لغو است؟
ج: از احکام ثانویه است و حدودا و بقاء تابع نظر فقیه است.

ب) بستن لوله‌های رحمی منجر به قطع دائم حاملگی می‌شود و امکان آبستنی مجدد مستلزم عمل جراحی و شانس آن نیز در بهترین شرایط حدود ۵۰٪ است، آیا اقدام به این عمل جهت کنترل جمعیت بلامانع است؟
ج: اگر علم یا اطمینان به عقیم شدن باشد جایز نیست.

س ۹۶۲: آیا انجام عمل وازکتومی که برای عقیم و نازا کردن مردان و با رضایت خود آنها صورت می‌گیرد و تقریبا غیر برگشت است اشکال دارد یا خیر؟ آیا برای انجام این عمل رضایت همسر ضرورت دارد؟
ج: عقیم کردن مرد یا زن جایز نیست.

س ۹۶۳: تغییر جنسیت مرد به زن و زن به مرد با عمل جراحی چه حکمی دارد؟

ج: با نبودن زمینه خلقتا جایز نیست.

س ۹۶۴: شخصی وصیت می‌کند که پس از مرگ من بدن مرا به پزشکی قانونی تحویل دهید تا اعضا و جوارح من که به درد می‌خورد برای بیماران استفاده بنمایند، آیا در دیدگاه فقهی درست است؟

ج: بعضی از اعضای خود را می‌تواند، به شرط اینکه احترام میت مسلمان رعایت شود و بقیه اعضا به طور معمول دفن شود.

س ۹۶۵: رحم زنی را طی یک عمل جراحی برداشته‌اند، خونهایی که بعداً می‌بیند محکوم به چیست؟

ج: اگر یائسه نشده و خون نشانه‌های حیض را دارا باشد، احتیاطاً احکام حیض را بر آن جاری کند.

س ۹۶۶: تزریقات زن توسط مرد و بالعکس که متاسفانه در جامعه متداول است در صورت عدم اضطرار چه حکمی دارد؟

ج: در صورت عدم اضطرار جائز نیست مگر اینکه نگاه و لمس در بین نباشد.

س ۹۶۷: ویژگی غیر متجانس در امور پزشکی و پیراپزشکی از قبیل فیزیوتراپی، رادیولوژی و سونوگرافی در صورت عدم اضطرار چه حکمی داشته و آیا پزشک می‌تواند با مریض نامحرم خیلی راحت همانطور که اکنون در جامعه باب است و بین بعضی پزشکان عادی شده برخورد کند؟

ج: باید موازین شرع مقدس اسلام کاملاً رعایت شود.

س ۹۶۸: مستدعی است پاسخ چند سوال فقهی زیر که در پزشکی مبتلا به می‌باشد مرقوم فرمایید. امواجی که بر روی نوار ثبت می‌شود دال بر فعالیت مغز یا قلب می‌باشد با توجه به اینکه می‌تواند امواج مغزی وجود نداشته باشند و قلب انسان با کمک دستگاههای مصنوعی فعالیت داشته باشد.

۱. آیا نداشتن امواج مغزی دال بر مرگ است یا نداشتن امواج قلبی؟

۲. در حالت اغمای بدون برگشت که مغز به طور کلی مرده است و حرکات قلبی،

عروقی و تنفسی به کمک دستگاہها و داروها نگهداری می‌شود بنابراین اینک پیوند اعضا بدن مباح باشد آیا جدا کردن عضوی مثل قلب از بدن شخص در این حالت برای پیوند به شخص دیگر جایز است؟

۳. آیا جدا کردن عضو در این حالت، جدا کردن عضو از انسان زنده محسوب می‌شود یا از بدن مرده؟

۴. چه زمانی احکام میت مانند ارث، وصیت، عده وفات در مورد زوجه و... بر او جاری می‌شود؟ از زمان مرگ مغزی یا زمان جدا کردن دستگاہهای مذکور و توقف قلب؟

۵. در صورتی که افرادی که با مرگ مغزی مواجه شده‌اند کاملاً فاقد حس و حرکت می‌باشند و خون در رگهای بدن آنها از جریان افتاده و ضربان نبض آنها نیز قطع شده است و مرده محسوب می‌شوند، حکم قطع عضو آنها چیست؟

ج: فقیه وظیفه دارد که احکام شرع مقدس اسلام را از قرآن مجید و احادیث اهل بیت علیهم‌السلام استنباط کند و در اختیار مردم بگذارد اما تشخیص موضوع به عهده فقیه نیست و تشخیص آن در اغلب با نظر اهل عرف و گاهی با نظر متخصص است مثلاً شارع مقدس اسلام آب را پاک کننده معرفی می‌کند اما اینکه آب چیست و حد و مرز آن تا کجاست؟ اگر با مقدار بیشتر مخلوط باشد آیا باز هم آب صدق می‌کند، این بستگی به نظر و تشخیص اهل عرف دارد و نیز مثلاً امر فرموده‌اند که در حال نماز استقبال قبله نمائید آیا در استقبال این اندازه دقت معتبر است که اگر یک خط از وسط پیشانی نمازگزار خارج شود به وسط خانه کعبه بخورد یا اینکه همینقدر که عرفا بگویند مقابل خانه کعبه ایستاده کافی است؟ در این مورد تشخیص و قضاوت با اهل عرف است.

در موارد مذکور در فوق نیز نظر عرف و نظر متخصص ملاک و میزان است و به نظر می‌رسد تا خون در رگهای بدن جریان دارد و نبض می‌زند شخص نمرده است و در صورتی که موردی پیش بیاید که اهل عرف متحیر و مردد

باشند و متخصص هم نتواند تشخیص قاطع بدهد باید به قواعد دیگری که در اصول فقه مدون است مراجعه کنیم و مقتضای قواعد در موارد مذکور استصحاب است به این معنا که باید بگوئیم هنوز نمرده است و احتیاط نیز همین را اقتضا می کند باید احکام ارث و وصیت وعده و وفات... را از زمانی در نظر بگیریم که یقین به تحقق مرگ داشته باشیم.

س ۹۶۹: اهداء و انتقال خون از غیرمسلمان به مسلمان، مرد به زن و بالعکس چه حکمی دارد؟

ج: جائز است.

س ۹۷۰: با توجه به اینکه دارو (به استثنای داروهای بدون نسخه) به عهده پزشک است به داروساز اگر بیماری به حال اضطراری به دارو ساز مراجعه کند و داروساز، دارو در اختیار او قرار ندهد آیا در صورت نقص جسمی یا جرح یا فوت بیمار، مقصر است؟

ج: اگر دارو ساز مرض را تشخیص داده و دارو را می شناخته و علاج آن منحصر به دارو بوده است و از طرفی تهیه آن از جای دیگر امکان نداشته است در این صورت مقصر و ضامن است و در غیر این صورت ضامن نیست.

س ۹۷۱: جراحی غددی که در بدن قرار دارند (حتی اگر ضرری برای شخص نداشته باشد) یا جراحیهای مختلف که به جهت زیبایی انجام می شود جایز است یا خیر؟

ج: اگر در جراحی مذکور غرض عقلانی داشته باشد و اسراف نباشد جایز است.

س ۹۷۲: از وقتی که به دنیا آمدم گوشت اضافه ای مانند انگشت کوچک روی انگشت ششم وجود داشته جراحی و برداشتن این عضو اضافه از نظر شرعی جایز است یا خیر؟

ج: جائز است و اشکال ندارد.

س ۹۷۳: با توجه به اینکه جهت معاینه پروستات، حتما باید از طریق مقعد بیمار را مورد بررسی قرار داد تا تشخیص قطعی بیماری های پروستات داده شود و همچنین در بسیاری از بیماریهای آلات تناسلی مشاهده و گاه لمس آنها ضروری است، آیا در چنین مواردی پزشک مرد می تواند بیمار را بدون اشکال شرعی معاینه نماید؟ و اگر با عدم انجام این معاینه متوجه بیماری و مرض آن شخص شود و بیماری سرطان پیشرفت کند آیا پزشک مسئول است؟ با توجه به اینکه استفاده از آینه همیشه امکان پذیر نیست و در ضمن عمل لمس را نیز باید با دید کامل با دست انجام داد و از این رو در حال حاضر در تمامی مراکز درمانی این معاینه مستقیما انجام می شود.

ج: در صورت انحصار راه تشخیص، معاینه و لمس اشکال ندارد. طبیب اگر تقصیر کند مسئول است و در فرض مذکور معاینه مستقیم اشکال ندارد.

تشریح و کالبد شکافی

س ۹۷۴: آیا کالبد شکافی میت مسلمان یا غیر مسلمان جائز است یا خیر؟ اگر کالبد شکافی جهت تعلیم برای نجات جان دیگران باشد حکم مسأله را بیان فرمایید؟
ج: در صورتی که حفظ و نجات جان مسلمانان بر آن متوقف باشد و افرادی به این موضوع نه برای تامین اغراض مادی اقدام می‌کنند لازم است اگر ممکن است این عمل را در اجساد کافر حربی و اگر ممکن نشد در کافر ذمی و اگر ممکن نشد در اجساد مسلمین انجام دهند و لازم است به مقدار لازم اکتفاء بکنند و از اهانت به بدن مسلمانان اجتناب شود و احترام آن و سایر اموری که مربوط به بدن مسلمان هست را در نظر بگیرند در کشف جرایم نیز اگر موضوع مهم است و به آن متوقف است جایز است.

س ۹۷۵: اگر شخصی وصیت کند که بعد از مرگش جنازه او را جهت تعلیم به دانشکده پزشکی هبه نمایند آیا وصیت او صحیح است؟ در صورت صحیح بودن وصیت، آیا دیه به خاطر کالبد شکافی در اینجا تعلق می‌گیرد یا خیر؟

ج: اگر خود در حال حیات وصیت کرده باشد بعید نیست که دیه ساقط شود ولی اگر وصیت نکرده است جایز نیست و اگر این کار را انجام دادند دیه ثابت است و هر آسیبی که به بدن میت وارد می‌شود موجب دیه می‌گردد و باید دیه را در راه خدا صرف نمایند و ثواب آن به میت می‌رسد و در عین حال احترام بدن میت مسلمان باید در نظر گرفته شود.

س ۹۷۶: اگر شخصی وصیت نکند اما وارث یا اولیای میت بخواهند جنازه میت مسلمان را به دانشکده پزشکی جهت تعلیم علم طب هدیه نمایند آیا صحیح است؟ اگر جنازه را بفروشند آیا جایز است؟ آیا ولی فقیه یا حاکم شرع بدون رضایت صاحب میت می‌تواند چنین اجازه‌ای دهد؟

ج: اذن قبلی و وصیت میت لازم است و اگر آن انجام نشده با نظر و اجازه فقیه جامع الشرائط جایز است. دلیلی بر ولایت اولیاء و اقربای میت در این قبیل امور نداریم.

س ۹۷۷: همانگونه که مشتحضرید یکی از وظایف پزشکی قانونی تشخیص و تعیین علت تامه مرگ متوفایی می‌باشد که بنا به دلایلی از جمله بیم وقوع و یا وقوع جنایت برای محاکم قضایی باید علت تامه مرگ آنان روشن گردد و در اکثر موارد تشخیص و تعیین دقیق علت فوت فقط با کالبد گشایی مقدور می‌باشد و با این اقدام است که خیلی از جنایات به وقوع پیوسته کشف گردیده و از پایمال شدن خون به ناحق ریخته مقتولین جلوگیری به عمل آید، حال با عنایت به مطالب فوق، استدعا دارد که نظر مبارک خویش را در خصوص مسائل زیر مرقوم فرمایید:

۱. با توجه به اینکه انجام عمل کالبد شکافی راهی است برای کشف حقیقت و احقاق حق اولیاء دم آیا انجام این عمل شرعا جایز است یا خیر؟
ج: در مواردی که در فوق مرقوم گردیده است، با رعایت احترام میت مسلمان لازم است که انجام بگیرد.

۲. به فرض جایز بودن آیا رضایت اولیاء دم برای انجام عمل کالبد گشایی شرعا لازم است یا خیر؟ و اگر لازم است در صورتی که بعضی از اولیاء دم راضی و بعضی ناراضی باشند شرعا چه حکمی دارد؟

ج: رضایت و اذن آنها لازم است و در صورت اختلاف، نظر حاکم شرع متبع است.

س ۹۷۸: آیا برای انجام عمل کالبد گشایی تشخیص پزشکی قانونی می‌تواند جواز شرعی باشد یا علاوه بر آن در خواست مقام قضایی نیز در این خصوص لازم است؟
ج: معیار ضوابط حکومت اسلامی است که با سلسله مراتب به ولی فقیه منتهی می‌شود.

س ۹۷۹: با فرض شرط بودن رضایت اولیاء دم در جواز شرعی انجام کالبد گشایی آیا در صورت درخواست مقام قضایی باز هم رضایت اولیاء دم شرط است یا خیر؟
ج: مراجعه به آنها لازم است ولی اگر اختلاف یا امتناع کردند متابعت نظر حاکم شرع لازم است.

س ۹۸۰: علم تشریح و کالبد شناسی انسان از رشته‌های بسیار ضروری پزشکی است که بدون تشریح انسان رکنی از ارکان اصلی و اساسی پزشکی حذف شده است که بالطبع مطالعه سایر قسمت‌های پزشکی امکان پذیر نخواهد بود. لذا تقاضامند است نظر مبارک را نسبت به تشریح کالبد انسان اعلام فرمایید.
ج: تشریح بدن مسلمان جز در مواردی که ضرورت اقتضا می‌کند و یا حیات جمعی از مسلمانان بر آن متوقف باشد جایز نیست و در غیر مسلمان اشکال ندارد.

س ۹۸۱: آیا شکافتن قبر به منظور تشریح بدن میت برای نجات فرد متهم به قتل یا شناخت قاتل و اصولاً اموری که اهمیت بیشتر از هتک حرمت است جایز است؟
ج: جایز است.

س ۹۸۲: کالبد شکافی در مرگ‌های مشکوک برای تشخیص جرم چه حکمی دارد؟
ج: بر اساس موازین متعارف اشکال ندارد.

تلقیح

س ۹۸۳: انتساب طفل ناشی از تلقیح مصنوعی دو بیگانه با طفل ناشی از وطی به شبه چه تفاوتی دارند؟
ج: در دومی شرعاً نسب ثابت است ولی در اولی نسب ثابت نیست.

س ۹۸۴: همانگونه که حضرت مستطاب عالی استحضار دارید تعدادی از زنان و

مردان که به ازدواج یکدیگر در می‌آیند به دلایل طبی نمی‌توانند به طور طبیعی زاد و ولد نمایند و نیاز است که روشهای درمانی مختلف برای کمک به آنها استفاده شود.

یکی از این روشها لقاح خارج از رحم است. در این روش تخمک را از زوجه و نطفه را از شوهرش گرفته و آنها را با هم مخلوط می‌کند. از اختلاط و امتزاج تخمک و نطفه جنین حاصل می‌شود و بعد این جنین به رحم زوجه منتقل می‌شود تا حاملگی و بعد زایمان صورت گیرد. لازم به ذکر است که جنین‌ها هنگام انتقال به رحم فقط ۲۴ تا ۴۸ ساعت از زمان لقاحشان گذشته و دارای ۴ الی ۸ سلول می‌باشند. بسیاری از اوقات تعداد جنین‌های حاصله از نطفه زن و شوهر بیش از حد نیاز است. در این صورت اضافات آن منجمد شده و بعدها در صورتی که زن حامله شد و زایمان انجام داد، با رضایت زوجین، جنین‌ها از رده خارج و دور ریخته می‌شوند.

از طرف دیگر تعدادی از زوجها وجود دارند که به دلایل طبی به هیچوجه صاحب فرزند نمی‌شوند اما برای برخی از آنها، این امکان از نظر طبی وجود دارد که جنین‌های مازاد دسته اول را در صورت عدم نیاز زوجین، به رحم این زن انتقال داد تا او حامله شود و زایمان انجام دهد و بعد بچه را شیر داده و بزرگ نماید.

سوالاتی که در این زمینه مطرح می‌شود عبارتند از:

۱. انتقال این جنین‌ها به رحم زن ثالث از نظر شرعی چگونه است؟
۲. در صورت عدم نیاز زوجین به جنین خود، آیا موافقت آنها برای هدیه جنین به غیر لازم است یا خیر؟
۳. آیا والدین صاحب جنین می‌توانند در ازای اهداء جنین خود وجهی دریافت نمایند؟
۴. آیا ارائه مشخصات اهدا کنندگان جنین به دریافت کنندگان و یا برعکس لازم است یا خیر؟

۵. در صورت پسر بودن فرزند، با زنی که در رحم او بزرگ شده محرم است یا خیر؟

۶. در صورت دختر بودن، فرزند با شوهر زنی که در رحم او بزرگ شده محرم است یا خیر؟

۷. والدین فرزند حاصل، چه کسانی هستند؟

۸. تکلیف ارث این بچه‌ها پس از تولد چگونه است؟

۹. در صورت توافق قبلی والدین صاحب جنین (صاحب نطفه و تخمک) در اهداء جنین خود، آیا می‌توانند پس از تولد نوزاد و یا سالها بعد، از شخص ثالث مدعی استرداد طفل شوند؟

ج: انتقال دادن نطفه غیر شوهر به رحم زن جائز نیست و در صورت انتقال فرزندی که از این راه بوجود می‌آید فرزند غیر مشروع است بنابراین جواب بسیاری از سوالات بعد منتفی است و فقط در مساله محرمیت که در بند ۵ و ۶ مطرح شده است و در مساله ازدواج احتیاط مراعات شود.

س ۹۸۵ لقاح مصنوعی ما بین زن و شوهر چه حکمی دارد؟

ج: اگر تلقیح (رساندن نطفه مرد به رحم زن) به این صورت باشد که زن و شوهر ما بین خودشان نطفه را از شوهر گرفته در رحم آن زن داخل کنند و واسطه‌ای در بین نباشد بدون اشکال جائز است و بچه‌ای که از این راه به وجود می‌آید متعلق به آنهاست و تمام احکام فرزند از قبیل ارث و غیره بر آن مترتب می‌شود. و در صورتی که واسطه‌ای در این تلقیح (تلقیح نطفه شوهر به همسرش) دخالت داشته باشد هر چند آن واسطه به جهت نگاه کردن به عضوی که نگاه اجنبی بر آن جایز نیست یا لمس کردن آن که خود گناهی است، باشد ولی چون فرزند از نطفه شوهر آن به وجود آمده است باز احکام فرزند بودن، به طور کلی بر او مترتب می‌گردد.

س ۹۸۶: لقاح مصنوعی ما بین غیر زن و شوهر چه حکمی دارد؟ و بچه‌ای که از

این راه به وجود می‌آید ملحق به کیست؟ و از جهت ارث چه وضعی دارد؟

الف: با علم مرد و زن

ب: با جهل هر دو

ج: با علم یکی از آنها و جهل دیگری

ج: در تلقیح نطفه، تلقیح نطفه مرد احنبی به زن، باید توجه داشت که این نوع تلقیح شرعا از جهت حکم تکلیفی جایز نیست و اگر محقق شد در صورت علم مرد به این کار، فرزندی که به وجود می‌آید به آن مرد ارتباط ندارد ولی اگر زن جاهل باشد و چنین تصور کند که این نطفه شوهر او است حکم وطی شبیهه (آمیزش براساس اشتباه) پیدا می‌کند و فرزند به مادر ملحق می‌شود و احکام وطی شبیهه از قبیل ارث و غیره بر آن مترتب می‌شود و چنانچه از طرف صاحب نطفه نیز شبیهه‌ای باشد یعنی او هم تصور کند که آن زنی که این نطفه بر او تلقیح می‌شود همسر اوست فرزند به او نیز ملحق می‌شود و احکام وطی شبیهه بر او جاری می‌گردد و اما در صورت علم مرد و زن در احکام مربوط به نکاح و غیر آن احتیاط لازم است.

سقط جنین

س ۹۸۷: دیه سقط جنین اگر ذمی باشد، یعنی پدر و مادر آن کافر ذمی باشد چه مقدار است؟

ج: مراتب تکامل جنین را با اصل دیه ذمی با در نظر گرفتن مراتب جنین بادیه مسلمان باید محاسبه کرد.

س ۹۸۸: اگر زن حامله مرض شود و دکتر متخصص تشخیص بدهد که معالجه زن بستگی به سقط جنین دارد، آیا در این فرض سقط جنین جایز است؟
ج: جایز نیست.

س ۹۸۹: سقط جنین در مورد حاملگی در اثر تجاوز جنسی که فشار روحی

سختی را بر مادر تحمیل می کند چه حکمی دارد؟
ج: سقط جنین در هیچ حالی جایز نیست.

پیوند اعضا

س ۹۹۰: اگر عضوی از بدن میت غیر مسلمان به بدن مسلمان زنده وصل شود و منجر به حلول حیات نگردد لمس محلّ مذکور و نماز با آن چه حکمی دارد؟
ج: اگر طوری است که فعلاً عضو بدن این مسلمان محسوب می شود و مثل دندان غیر مسلمان است که بجای دندان مسلمان در داخل لثه او قرار گرفته است پاک است و نماز با آن صحیح است.

س ۹۹۱: پیوند زدن اعضا محکوم به اعدام مثل کلیه را به شخصی که احتیاج مبرم به کلیه دارد جایز می دانید یا خیر؟

ج: با اختیار و وصیت آن فرد محکوم به اعدام جایز است.

س ۹۹۲: آیا فردی می تواند وصیت کند که پس از فوت، عضوی از وی را خارج ساخته و به دیگری پیوند زنند؟ (توضیح اینکه اکنون هزاران نفر نابینا در ایران وجود دارد که با پیوند قرنیه از چشم میت به آنها، بینا خواهند شد و ممکن است در آینده نیز اعضای دیگری مورد استفاده مفید و معقول باشد)
ج: بلی می تواند.

ب) در صورت جایز بودن مسأله فوق، آیا وجهی به عنوان دیه یا عنوان دیگر باید پرداخت گردد؟ و این وجه در چه راهی مصرف شود؟

ج: این موضوع به کیفیت وصیت بستگی دارد که در مقابل هر عنصری که از بدن او جدا می کنند مبلغی پردازند یا نه اگر مطلق باشد باید در راه خیر مصرف شود و ثواب آن مال آن میت می باشد و به ورثه مربوط نیست.

ج) در سوال بالا، آیا اولیاء میت می توانند چنین اجازه ای دهند؟ (با فرض عدم وصیت).

ج: نمی‌توانند.

س ۹۹۳: اگر فرد وصیت کند که پس از فوت، عضوی از او را به دیگری پیوند زنند، آیا اولیاء میت می‌توانند به وصیت عمل نمایند؟

ج: لازم است در صورت امکان به وصیت عمل شود.

س ۹۹۴: اگر فردی طبق سوال قبل وصیت کرده و پزشک به وصیت عمل نموده است، آیا اولیاء میت می‌توانند علیه پزشک شکایت نمایند؟ و آیا می‌توانند دیه، درخواست نمایند؟

ج: اگر به وصیت عمل شده کسی حق اعتراض و شکایت ندارد و درخواست

دیه به کیفیت وصیت مربوط می‌شود.

س ۹۹۵: از یک سو فردی دچار مرگ مغزی شده است و ضربان قلب و نیز نفس او به کمک دستگاه کار می‌کند لکن مغز به کلی از کار افتاده است و از نظر پزشکان همچون فردی است که سرش را از بدن جدا کرده باشند، (که در این صورت نیز فقط تا چند دقیقه قلب به کار خود ادامه می‌دهد) بنابراین از نظر پزشکان، مرده تلقی می‌شود لذا پس از مدتی دستگاهها را از او جدا می‌نمایند.

از سوی دیگر فرد یا افرادی داریم که جانشان در معرض خطر است و اگر عضو مورد نیاز به آنها پیوند نشود از دنیا خواهند رفت.

آیا برای حفظ بیماران زنده، جایز است که اعضای فرد دچار مرگ مغزی را قطع و به بیماران پیوند زنند؟

ج: بلی جائز است که اعضای فردی که دچار مرگ مغزی شده را قطع و به

بیماران پیوند بزنند ولی اگر وصیت نکرده است این کار باید با اذن و برنامه

از طرف فقیه انجام شود. و دیه نیز اگر وصیت نکرده است ساقط نمی‌شود و

باید پرداخته شود و در راه خیر برای میت مصرف شود.

س ۹۹۶: در صحنه جنگ مسلمانان با کفار در صورتی که حیات رزمنده مسلمان متوقف بر پیوند اعضا باشد آیا می‌توان اعضای میت غیر مسلمان را قطع و برای

پیوند استفاده نمود؟ بر فرض جواز آیا در این صورت دیه لازم است یا خیر؟ و بر عهده بیمار است یا قطع کننده؟ آیا عضو پیوند شده برای نماز اشکال ایجاد نمی‌کند؟

ج: در اقدام به پیوند زدن در فرض مذکور کافر حربی بر کافر ذمی مقدم است و در کافر ذمی دیه ثابت است و اصل کار باید با نظر فقیه با رعایت سلسله مراتب انجام گیرد و بعد از پیوند، حکم بدن مسلمان را پیدا می‌کند و برای نماز اشکال ندارد.

س ۹۹۷: در صورتی که در اثر وقوع بیماری لا علاج و پیشرونده از نظر پزشکان مرگ حتمی قریب باشد آیا می‌توان از اعضای بدن بیمار نظیر قلب، کلیه و کبد برای پیوند به بیماران و نجات جان آنان استفاده نمود؟

ج: در فرض مزبور نسبت به اعضای رئیسه بدن مانند قلب و ریه مثلاً جائز نیست ولی اعضای غیر رئیسه مانند انگشت یا یکی از کلیه‌ها، با اجازه او جایز است.

س ۹۹۸ شخصی که وصیت به تشریح و پیوند اعضای بدن خود را کرده آیا بعد از مرگش اولیای او میتوانند اجازه چنین کاری را دهند؟
ج: در فرض مذکور نمی‌توانند.

س ۹۹۹: امروزه علم پزشکی بسیار پیشرفت نموده است و پزشکان می‌توانند برخی از اعضای فردی را که به طور طبیعی فوت کرده و ضربان قلب نیز از کار افتاده است، به بیمارانی که در خطر مرگ هستند و یا زندگانی پر مشقت و رنج آوری دارند پیوند زنند (مانند کلیه، استخوان، کبد، چشم، و غیره) آیا این عمل جایز است؟
ج: این عمل جائز است ولی اگر وصیت نکرده است لازم است با نظر و اجازه فقیه انجام شود.

س ۱۰۰۰: آیا بر پزشکی که می‌تواند با پیوند زدن اعضای میت فردی را از مرگ نجات دهد، واجب است که این عمل را انجام دهد؟

ج بلی واجب است ولی با اذن فقیه نیز انطباق پیدا کند.

س ۱۰۰۱: آیا فردی که در حال مرگ مغزی است، ولی به وسیله دستگاه تنفس مصنوعی به حیات نباتی ادامه می‌دهد و از نظر پزشکی امکان برگشت وی وجود ندارد و مرده تلقی می‌شود می‌توان عضوی را مثل چشم یا کلیه برای پیوند خارج کرد؟ با این توضیح که سال گذشته لایحه‌ای نیز از دولت به مجلس آورده شد مساله پیوند قانونی شود. البته در اینجا مطالبی مطرح است که: مرگ مغزی و مرگ قلبی چیست؟ مرگ مغزی که مطرح است و برای پیوند لازم، هنگامی است که چند نفر از متخصصان ذیربط نظر دهند انسانی که تصادف کرده یا به هر علتی مغزش از کار افتاده، دیگر به عنوان انسان زنده مطرح نیست و به اصطلاح فقط زندگی نباتی دارد، یعنی با دستگاه می‌شود او را نگه داشت ولی دیگر شعوری ندارد چون هیچ گونه علائم از نظر مغزی روی نواری ثبت نمی‌گردد و هیچ نشانه‌ای از حیات وجود ندارد، این هنگام نیاز است ما قلب این انسان را به طور زنده دارند، زیرا نمی‌شود از انسانی که فوت کرده آن طور که در شرع مطرح است بعد از آنکه بدن سرد شد و مرده قلب را خارج کرد چرا که به درد پیوند نمی‌خورد بلکه چشم را می‌شود برداشت و کلیه نیز یک بحث دیگری دارد، حالا اگر قرار باشد نیز مثلاً قلب را بردارند باید به زندگی نباتی این فرد که امروز با دستگاه می‌باشد معلوم نیست یک ساعت دو ساعت دو روز یا... که دقیقاً مشخص نیست زنده می‌ماند پایان داد و این در حالی است که قلب کار می‌کند ولی فرد شعور ندارد و دستگاه از فعالیت مغز چیزی را نشان نمی‌دهد سوال اینجاست که در چنین شرایطی آیا جایز هست قلب فرد را برداشته و به یک انسانی که نیازمند است پیوند زده شود؟ و باز در این خصوص سوال دیگر هم مطرح می‌شود که اگر قلب را برداشتند قابل فروش هست یا خیر؟

ج: در اینجا چند مسئله به وجود می‌آید و لازم است که ما این مسائل را یک

یک بررسی کنیم:

مسأله اول این است که آیا مرگ به چه چیز تحقق پیدا می‌کند؟ آیا به از کار افتادن قلب، مرگ محقق می‌شود؟ ممکن است که فعالیت مغز از کار بیفتد ولی قلب چند لحظه باز هم به تپش خود ادامه دهد و در اسلام نیز غسل مس میت آن وقت لازم می‌شود که بدن سرد شود اما میت و موت قبلاً محقق شده و به خروج روح از بدن موت صورت گرفته است، اما اسلام برای تسهیل بیشتر مقرر داشته تا زمانی که بدن گرم است اگر کسی دست زد غسل به گردنش نیاید چون باید دست بزند و محتضر را رو به قبله کنند و چشمانش را ببندد و آن حالت حالتی است که نباید به علت عدم مس همگی کنار بروند و لذا این مصلحتی است که اسلام برای تحصیل در کار قائل شده است اما معنایش این نیست که تا بدن سرد نشده فرد نمرده است بلکه همینکه روح از بدن خارج شد مرده است اینکه مرگ به چه چیز محقق می‌شود بجز اینکه یک بحث مهمی است یک بحث فقهی نیز هست زیرا در اسلام حفظ حیات آن اندازه که ممکن است واجب است اگر مغز هنوز نمرده نمی‌توانیم کاری کنیم که توقف حاصل شود بلکه باید سعی کرد که حیات حفظ گردد و اگر نه به از کار افتادن مغز شخص مرده است که به نظر می‌رسد که همین طور هم باشد دیگر آن وقت می‌شود دستگاه را کنار گذاشت و به قلب توجه نکرد چون عمده همان مغز است و قلب تلمبه‌ای است که کار خود را تا مدتی که ممکن است دامه می‌دهد و مهم مغز است که مرکز فرماندهی بدن است که احساس و ادراک و همه اینها به آن منتهی می‌شود و در بعضی موارد قلب می‌زند در حالی که مرگ مغزی همان طور که مرقوم داشته‌اید مسلم شده است مثلاً فردی سکت قلبی می‌کند که متعاقب آن قلبش از کار می‌افتد در فاصله‌ای که قلبش از کار می‌افتد تا رساندنش به بیمارستان چون چند دقیقه‌ای بوده که قلب از کار افتاده است آن را با شوک الکتریکی بر می‌گردانند و قلب دوباره به کار می‌افتد اما مغز دیگر از کار افتاده، قلب کار می‌کند، کلیه کار می‌کند و با لوله غذا به معده وارد می‌کند ولی چشم زبان و مغز کار نمی‌کند.

مسئله دوم این است که به واقع هنوز هم علم نتوانسته پاسخ دهد که چگونه مرگ مغزی تحت هیچ شرایطی قابل تجدید حیات نیست ولی مریض هایی بوده اند که حیات به آنها برگشته است بخصوص در کسانی که جوان هستند و در اثر حوادثی این وضعیت را دارند و اتفاق افتاده که بعد از دو ماه در مرگ مغزی به سر بردن باز علائم حیات مغزی در آنها پیدا شده است.

مسئله بعدی این است که کار کردن قلب و مثلاً ریه به چه نحوی است؟ آیا باید هر آن از جانب مغز به اینها امدادی برسد یا کار کنند؟ یا اگر یک آن امداد رسید و دستور صادر شد و بعد قطع گردید باز هم می توانند دقیقی و لحظاتی بعد کار کنند؟ اگر از نوع اول است، یعنی هر لحظه و هر آن باید از مغز امداد و دستور بگیرد لازمه اش اینست که هرگاه مغز از کار افتاد کلیه و ریه و قلب و... هم از کار می افتد و لذا اگر این اعضا کار می کنند اشتباه است که فکر کنیم مغز از کار افتاده است. و اگر نه یک لحظه امداد کافی است که یک عضو چند دقیقه بعد هم کار کند معلوم می شود که مغز از کار افتاده و این اعضا هستند که خودشان کار می کنند. و این را باید متخصصین روشن کنند.

به نظر این جانب مرگ وقتی محقق می شود که مغز از کار بیفتد، برای اینکه اعضای دیگر هم اگر کار می کنند امدادش را از مغز گرفته ولو چند لحظه قبل این امداد رسیده است و این هم ممکن نیست که مغز از کار افتاده باشد ولی قلب و ریه و... بتوانند در دراز مدت به فعالیتهايشان ادامه دهند و این را باید دانست که: همیشه فقه کلیات را می گوید ولی تشخیص جزئیات، با متخصصین هر رشته است.

س ۱۰۰۲: من یک شوهری دارم که بینایی خود را از دست داده است آیا می تواند یک چشم خودم را به او تقدیم کنم؟ زیرا دوست دارد در این انقلاب بزرگ نقشی داشته باشد و در راه این انقلاب کوشش نماید.

ج: جایز نیست.

س ۱۰۰۳: آیا خرید و فروش اعضا برای پیوند با اینکه عضو مورد اشاره یک کلیه یا یک چشم باشد فرقی نمی‌کند؟

ج: در فرض مزبور یک کلیه با یک چشم فرق دارد، اولی جایز است.

س ۱۰۰۴: در مواردی که قطع عضو به منظور پیوند زدن جایز است، فروش آن عضو نیز جایز است یا خیر؟

ج: ظاهر این است که شخص می‌تواند در حال حیات خود عضو بدن خود را بفروشد که پس از مرگ او از آن برای پیوند زدن استفاده کنند، بلکه جواز فروش تمام جسم برای تشریح در مواردی که تشریح جایز است بعید نیست، چنانچه گرفتن مبلغی برای دادن اجازه این موضوع نیز مانعی ندارد، ولی احترام بدن میت مسلمان و احکام غسل میت و نماز و دفن باید مراعات شود.

س ۱۰۰۵: بعضی افراد برای کمک به درمان بیمارانی که نیاز به فرآورده‌های خونی یا اعضای بدن دارند حاضر می‌شوند که خون یا مثلاً کلیه یا چشم خود را بفروشند این موضوع چه حکمی دارد؟

ج: در فرض مزبور فروختن خون و کلیه در صورتی که برای فروشنده خطر و ضرر ممتنی به نداشته باشد جایز است.

س ۱۰۰۶: عضو پیوند زده شده بدن میت غیر مسلمان به بدن مسلمان که حیات پیدا کرده است از نظر طهارت چه صورتی دارد؟

ج: در این صورت دیگر نه تنها نجس و میته نیست بلکه پاک است و نماز خواندن با آن هم اشکال ندارد و همچنین اگر عضو حیوان نجس‌العین مانند سگ و خوک نیز پیوند شود از عضویت حیوان خارج می‌شود و به عضویت بدن انسان در می‌آید.

مسائل متفرقه

س ۱۰۰۷: مستدعی است نظر مبارکتان را در رابطه با قضاوت زنان و ورود زنان به دستگاه قضائی جهت رسیدگی به دعاوی حقوقی، کیفری و امور حسبیه از بدو تشکیل پرونده، مرحله تحقیقات و ختم رسیدگی و اصدار و ابلاغ و اجرای حکم مرقوم فرمایید.

ج: از آنجا که قضاوت اسلامی یکی از شئون حکومتی اسلام است لذا قضاوت زنان و دخالت آنان در مراحل امور قضائی در مواردی که با تنظیم برنامه ای که از طرف زعیم اسلامی صورت گیرد و در چهار چوب موازین اسلامی تنظیم شود، جایز است.

س ۱۰۰۸: تشخیص موسیقی مطرب و حرام موکول به عرف است یا شخص مکلف؟

ج: تشخیص متعارف میزان است.

س ۱۰۰۹: نصب پمپهای پر فشار آب که اخیرا عرضه شده در منازل در صورتی که اگر پمپ مشغول به کار باشد آب آن منزل فراوان و آب همسایه‌ها کم می‌شود، آیا نصب آنها جایز است؟ اخیرا در بعضی از مساجد هم این کار مشاهده شده است.

ج: اگر موجب ضرر به آنها شود و یا اشکالی در کار آنها ایجاد کند جایز نیست.

س ۱۰۱۰: آیا بردن نام مبارک حضرت بقیه الله الاعظم علیه السلام به نام خاص آن

حضرت (محمد بن الحسن المهدی علیه السلام) در این زمان اشکال دارد یا خیر؟

ج: در این زمان اشکال ندارد.

س ۱۰۱۱: وظیفه ما در برخورد با انحرافات و مسائل خلاف شرع (فساد و بد حجابی) که در جامعه گسترش یافته (با در نظر گرفتن این مطلب که شرایط امر

به معروف حاصل نیست) چیست؟

ج: به مراکز مسئول تذکر دهید.

س ۱۰۱۲: اگر فرزند برای رفع نیازهای شرعی خود به اماکن مقدسه برود و پدرش در منزل نیست با به او بگوید ولی مادر هست آیا حتما اجازه پدر لازم است؟ اگر

هر دو یا یکی از آنان در منزل نباشد ولی فرزند بداند آنها راضی هستند که برای کاری فردی از منزل خارج شود اشکال دارد؟
ج: اشکالی ندارد.

س ۱۰۱۳: اگر پدری پشت بام خانه را با قیر دزدی آسفالت کند آیا زندگی زن و فرزندان او در صورتی که مسکنی دیگر ندارند در آن خانه اشکال دارد؟
ج: برای زن و فرزندان در فرض مذکور اشکال ندارد.

س ۱۰۱۴: معاشرت با کسی که نماز را عمدتاً ترک کرده و نسبت به نامحرم و محرم بی تفاوت است و حجاب را کنار گذاشته و امر به معروف هم تاثیری در او ندارد چه حکمی دارد؟
ج: در صورتیکه معاشرت کننده تحت تاثیر او قرار نگیرد معاشرت به اندازه متعارف اشکال ندارد.

س ۱۰۱۵: متأسفانه در بعضی خانواده‌ها و حتی خانواده‌های مذهبی هنگامی که مجالس عروسی برگزار می‌کنند مرتکب خیلی از حرام‌ها از قبیل رقص و اختلاط زن و مرد نامحرم و ترانه‌های حرام می‌شوند و استدلالشان این است که مجلس عروسی بایستی شاد باشد و غالباً می‌گویند یک شب که بیشتر نیست لطفاً بفرمایید این استدلال صحیح است یا خیر؟ و شرکت در این مجالس (با فرض اینکه اگر شرکت نکند خانواده مذکور ناراحت شده و بعد قطع رابطه می‌کنند) چه حکمی دارد؟

ج: شرکت در مجالس حرام حرام است، مگر اینکه بتوان نهدی از منکر نمود و لازم است که مسلمان همیشه بر اساس دین مقدس اسلام حرکت نماید.

س ۱۰۱۶: لطفاً نظر شریف خود را در مورد مسائل زیر مرقوم فرمایید:

۱. طلبه شدن در عصر حاضر واجب کفائی است یا عینی؟

ج: واجب کفائی است ولی آموختن مسائل شرعی مورد احتیاج واجب عینی است.

۲. اگر کسی بخواهد طلبه بشود ولی پدر و مادر او مانع شوند وظیفه‌اش چیست؟
 ج: باید پرسید که پدر و مادر به چه علت مانع می‌شوند اگر منطق صحیح نباشد نمی‌توانند مانع بشوند.

س ۱۰۱۷: نظر کردن خانمها به فیلمهای ورزشی که از سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش می‌شود، به ویژه در ورزش کشتی و شنا که اکثر بدن مردان نمایان است چگونه است؟

ج: در صورتی که موجب فساد و فحشاء باشد جایز نیست.

س ۱۰۱۸: بعضی از ذاکرین در مدایح اهل بیت با تعبیراتی مانند: (مست مستم من، هر چه بادا باد، علی پرستم من، همچو مادرت زهرا از همه خوشگل تری، یا ابا صالح بیا) را به کار می‌برند که به نظر می‌رسد با شأن اهل بیت علیهم‌السلام منافات دارد، به کار بردن اینگونه الفاظ چه حکمی دارد؟

ج: هر تعبیری که منافات با عظمت مقام اهل بیت علیهم‌السلام دارد یا با مبانی مذهب سازگار نیست حرام است.

س ۱۰۱۹: اخیراً معمول شده برای نونهالان جشن تکلیف برگزار می‌کنند و لی در برخی از این مجالس بجای اینکه نونهالان و حاضرین را به مسائل دینی و حلال و حرام الهی و عبادات جلب کنند این مجالس را با زدن و رقصیدن بر پا می‌نمایند نظر حضرت عالی در مورد برپایی اینگونه مجالس چیست؟

ج: لازم است جشن تکلیف را با ذکر مطالب شرعی و اخلاقی برگزار نمایند.

س ۱۰۲۰: خانمی در شکمش دو بچه دارد و وقت زایمان او است وی را به بیمارستان انتقال داده و متوجه شده‌اند که سرهای بچه‌ها به رحم مادر چسبیده و دکترها تشخیص داده‌اند اگر سرهای بچه‌ها را ببرند مادر سالم و زنده می‌ماند و اگر رحم مادر را ببرند بچه‌ها زنده می‌مانند و از طرفی هم قتل نفس حرام است وظیفه ما در این مورد چیست؟

ج: در این موارد اگر بریدن رحم مادر موجب مرگ مادر می‌شود وظیفه خاصی ندارید و دست نگه دارید.

س ۱۰۲۱: آیا دفن کردن میت در قبری که شخصی در آن، سالیان قبل دفن شده است با احتمال بر اینکه میت اولی از بین رفته و تنها مقداری از استخوانهایش باقی مانده است جایز است یا خیر؟

ج: تا میت او لی کاملاً نپوسیده و خاک نشده است نبش قبر جایز نیست و میت دیگر را در آن قبر نمی‌توان دفن کرد.

س ۱۰۲۲: به چه کسی سادات می‌گویند؟ و روایاتی که در این مورد آمده بیان فرمایید.

ج: کسی که نسلش به هاشم می‌رسد از سادات است و برای روشن شدن بیشتر مطلب به جلد ۶ وسائل الشیعه مراجعه فرمایید.

س ۱۰۲۳: اگر مستأجری ملک را بعد از انقضاء مدت اجاره تخلیه ننماید آیا می‌توان او را با تعزیر یا حبس و... وادار به تخلیه نمود یا خیر؟

ج: وادار نمودن از تذکر و نصیحت آغاز می‌شود و مراحل متفاوت دارد و آنچه که مرقوم شده است آخرین مرحله است و مرحله آخر با نظر حاکم شرع است.

س ۱۰۲۴: نظر مبارک در مستثنیات دین چیست آیا تلفن منزل ماشین به هر قیمت که باشد جزء مستثنیات دین است یا خیر؟

ج: احتیاج و شأن و حداقل را باید در نظر گرفت.

س ۱۰۲۵: بعضی از پرسنل راهنمایی و رانندگی، رانندگان متخلف را متوقف و بجای جریمه مبلغی از آنان بعنوان رشوه می‌گیرند و متخلف را رها می‌نمایند و اینگونه پولها را به عقیدتی سیاسی می‌فرستند بفرمایید مصرف این پولها را از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

ج: در صورتی که صاحبان این پولها مجهول است مجازند که آنها را به عنوان مظالم و مجهول المالک به افراد فقیر بدهند.

س ۱۰۲۶: نظر مبارک شما پیرامون نمایش فیلم و برگزاری کلاسهای آموزش

ورزشهای رزمی و کاراته جهت جذب نوجوانان به سمت مساجد علاوه بر تدریس قرآن و احکام چیست؟

ج: در صورتی که همراه با فساد اخلاقی و یا احیاناً آمیخته با گناه نباشد اشکال ندارد، ضمناً اگر برنامه های مذکور در مساجد برگزار می شود نباید مزاحم عبادت و اجتماعات مردم باشد.

س ۱۰۲۷: زنان یا مردانی که در کنار خیابانها و یا پیاده روها نشسته و برای مردم فال می گیرند و از گذشته و آینده خبر می دهند، آیا کار آنها مشروعیت دارد و پول دادن به آنها جایز است؟

ج: جایز نیست.

س ۱۰۲۸: افرادی دعانویس هستند و بیماران و افرادی که از همه جا دستشان بریده شده پیش این گروه می روند، آیا چنین چیزی در اسلام وجود دارد؟

ج: اگر دعاها مطابق ادعیه وارده از حضرت خاتم صلی الله علیه و آله و اعمه اطهار علیهم السلام باشد مثل کتاب مفاتیح الجنان و زاد المعاد جایز است.

س ۱۰۲۹: احتراماً برخی از افراد شیفته، دلشده و سوخته بی قرار حضرت مهدی موعود ارواحنا فدا، اخیراً اظهار می دارند وجود مبارک و محبوب امام حجه ابن الحسن العسکری علیه السلام ظهور فرموده اند و گوش مبارک به اذن کردگار سپرده تا جهان را بعدالت مزین فرمایند؟ و جالب اینکه این گروه مشتاق، زمان را زودتر از ۴ الی ۵ سال برای حضور فرح انگیز و جانفزای حضرت تعیین میدارند. حضرتعالی چه می فرمایید؟ عطر دلاویز حضور و ظهور به مشام خاصان رسیده است؟

ج: منتظر فرج آن حضرت عجل الله فرجه الشریف و ارواحنا لتراب مقدمه الفداء بمعنای واقعی کلمه با توفیق پروردگار باید باشیم ولی بما دستور فرموده اند که وقت تعیین نکنید. اللهم عجل فرجه و سهل مخرجه و اجعلنا من انصاره و اعوانه.

س ۱۰۳۰: در برخی کتب (موجود در بازار) آمده است که حضرت حجت ارواحنا فدا دارای همسر و فرزندان می باشند؟ نظر مبارک چیست؟

ج: اگر نقل معتبر باشد باید قبول کرد و استبعاد ندارد.

س ۱۰۳۱: آیا نشستن در کنار نامحرم در تاکسی و دیگر وسائل نقلیه عمومی جایز است؟ (در صورتی که تماس بین این دو از روی لباس باشد)

ج: در صورتی که فشار و اتکاء باشد جایز نیست.

س ۱۰۳۲: چیدن میوه از باغ کشاورزی برای خوردن در همان محل بدون اجازه از صاحب باغ، آیا حلال است یا خیر، و این که می‌گویند به اندازه خوردن حلال است و برای بردن حلال نیست، چگونه است؟

ج: اگر درخت میوه در (سر راه) رهگذر قرار داشته باشد می‌تواند در حال عبورش) از میوه آن درخت بری خوردن در (همانجا) استفاده کند، به شرط آن که از حد یکدفعه سیر خوردن و احتیاج تجاوز نکند.

س ۱۰۳۳: عطر زدن و استعمال بوی خوش برای آقایان و بانوان در صورتیکه به مشام نامحرم برسد، چگونه است؟

ج: برای بانوان جایز نیست.

س ۱۰۳۴: در مورد دوچرخه سواری بانوان نظر حضرت عالی چیست؟

ج: اگر فقط خوشان باشند اشکالی ندارد.

س ۱۰۳۵: آیا برای دور انداختن کاغذهایی که اسما جلاله یا اسامی معصومین علیهم‌السلام در آنها وجود دارد می‌توان به طوری در آنها دخل و تصرف کرد که دیگر آن کلمه خوانده نشود؟ مثلاً با سیاه کردن بعضی از حروف آنها، آیا به این کار محو نمودن صدق می‌کند، یا خیر؟

ج: با دخل و تصرف مزبور نیز از کاری که موجب هتک احترام است خودداری کنند.

س ۱۰۳۶: مشاهده حجم بدن نامحرم از روی پوشش، چگونه است؟

ج: تا قصد و نحوه نظر چگونه باشد و اگر با ریبه و تلذذ باشد حرام است.

س ۱۰۳۷: دست افشانی بانوان در مجلس عروسی زنانه چگونه است؟

ج: در مجلس عروسی با توأم نبودن با محرّمات دیگر بی اشکال است.

س ۱۰۳۸: آیا خوردن شیر حرام (شیر سگ) انسان را از نسب خاتم انبیاء می‌اندازد؟

ج: هر چند شیر سگ حرام و نجس است ولی این اثر ثابت نیست.

س ۱۰۳۹: به نظر جناب عالی بهترین دعاء چه دعائی است؟

ج: دعائی که در حال خضوع و خشوع و تضرع و توبه خوانده شود و سند

صحیح داشته باشد و مناسبت ایام باشد.

س ۱۰۴۰: بهترین خوف، خوف از خالق است (البته از عظمت خالق) این خوف را

چگونه در خود ایجاد کنیم؟

ج: با تفکر در عظمت خداوند و عواقب گناه و معاصی و دعاهایی که از اهل

بیت علیهم‌السلام رسیده است.

س ۱۰۴۱: آموزش و فراگیری آهنگهای قرآنی به منظور یادگیری و تلاوت چگونه

است؟

ج: جایز است و بسیار مطلوب.

س ۱۰۴۲: آیا روکش یا عین جنس طلای زرد یا سفید برای زینت دندان یا مرمت

آن را جایز می‌دانید یا خیر لطفا توضیح بفرمایید.

ج: زینت به طلا به هر عنوان برای زن اشکال ندارد ولی برای مرد طلای

سفید که اشکال ندارد و اما طلای زرد اگر فقط برای زینت باشد در دندانهای

جلو اشکال دارد ولی برای زینت اگر نباشد و جنبه معالجه و استحکام داشته

باشد اشکال ندارد.

س ۱۰۴۳: طلبه‌ای که از شهریه آقا امام زمان علیه‌السلام استفاده می‌نماید آیا می‌تواند از

کمک مالی خانواده نیز استفاده کند؟

ج: بلی می‌تواند مخصوصا برای کسب مخارج خود.

س ۱۰۴۴: اخیرا که مرسوم شده، دارندگان سکه طلا، سکه‌های خود را به

متقاضیان اجاره می‌دهند و ماهانه مبلغی را بابت حق الاجاره دریافت می‌نمایند (با

توجه به نوسان قیمت طلا این کار از دو طرف ریسک است) فردی که سکه را اجاره می‌نماید متعهد است در موعد مقرر سکه‌ها را عودت دهد و سکه‌های برگشتی به یقین همان سکه اولیه نیست، زیرا فرد اول که سکه‌ها را اجاره کرده است به منظور فروش آن در بازار و نقد کردن سکه به پول رایج بوده است لیکن از همان نوع سکه (آزادی و تمثال حضرت امام...) را باید عودت نماید. خواهشمند است نظر فقهی خود را در مورد این نوع اجاره اعلام فرمایید.

ج: اجاره به صورت مذکور در سوال باطل است و مشروع نیست.

س ۱۰۴۵: آیا گذاشتن ریش بلند به اندازه بلندتر از انگشتان جایز است یا خیر؟
ج: جایز است.

س ۱۰۴۶: کف زدن چه حکمی دارد؟

ج: کف زدن به تنهایی حرام نیست ولی از دیدگاه اسلام مسلمانان باید وقار و متانت خود را در مجالس و مجامع خود همیشه حفظ کنند و اعمال و حرکاتی که نشانگر جلف و سبک بودن است و وقار و عظمت و متانت آنها را خدشه دار می‌سازد کنار بگذارند و مخصوصاً در مجالس مذهبی به همان فرستادن صلوات و گفتن الله اکبر به مجلس خود عظمت و شکوه بدهند.

س ۱۰۴۷: بعضی از مسئولین سازمان‌ها و ادارات اخیراً با وجود آقایان از خانهای جوان به عنوان منشی و رابط بین خود و ارباب رجوع استفاده می‌کنند. نظر مبارک حضرت علی در این مورد چیست؟

ج: گر چه موضوع مذکور به حکم اولی اسلام جایز است ولی برای اینکه مورد تهمت و سوء ظن قرار نگیرد لازم است از وجود آقایان به عنوان منشی و رابط استفاده کنند و استفاده از وجود خانم برای رابط و منشی را به مسئولین زن واگذار نمایند.

س ۱۰۴۸: اگر شخصی در اتومبیلی سوار شده که نوار موسیقی یا غنا گذاشته‌اند و بداند نهی از منکر سودی ندارد، وظیفه چیست؟

ج: نهی از منکر با شرایطی لازم است و بدون آن شرایط لازم نیست ولی اگر ممکن است خودش با آن وسیله به طرف مقصد نرود.

س ۱۰۴۹: آیا سربازی که در حین انجام مأموریت برای بردن سوخت در قسمت نگهداری اسراء جنگی به دره سقوط نموده و از دنیا رحلت کرده و کارشناسان ارتش در دولت اسلامی ایشان را جزء شهداء محسوب کرده و از مزایای خانواده شهید بهره مند نموده اند. آیا این نظر صحیح می باشد؟ و اخذ این مزایا به عنوان شهید برای وارث جایز است؟ و بالاخره از لحاظ ثواب مسأله ایشان چگونه است؟

ج: مشروعیت اخذ مزایای مذکور تابع ضوابط کارشناسان ارتش است و اگر ضوابط آنها شامل مورد مذکور در فوق می شود اشکال ندارد. و بردن ثواب هم تابع قصد آن سرباز است، رحمه الله علیه.

س ۱۰۵۰: مفهوم شخصیت حقوقی که در قانون موضوعه بخصوص در حقوق تجارت داریم آیا در فقه چنین عنوان یا مفهومی یافت می شود؟

ج: این الفاظ اصطلاحاتی است که بعدا بوجود آمده است ولی محتوا و معنای آن در فقه وجود دارد.

س ۱۰۵۱: بحثهایی در خصوص خلفای سه گانه چگونه می باشد برای روشن شدن قضایا می توانیم بحث کنیم یا خیر؟

ج: با منطق و دلیل و با مراجعه به مثل المراجعات و الغدیر و معالم المدرستین و امثال آنها بحث شود.

س ۱۰۵۲: در زیارت امام حسین علیه السلام می خوانیم، سلام بر حسین و بر علی بن حسین علیه السلام و سلام بر اولاد و اصحاب و انصار، چه سری است که نام برادران امام حسین علیه السلام یا مخصوصا آقا عباس بن علی علیه السلام در این سلام گنجانده نشده است؟

ج: اصحاب و انصار شامل برادران حضرت سید الشهداء نیز می شود.

س ۱۰۵۳: شخصی برای کسی کار می کرد و اجرت معینی ذکر کرده بود، پس از انجام عمل اجرت او را کمتر داده است آیا می تواند از سایر اموال او که باقی مانده اجرت را به عنوان تقاص بردارد؟

ج: اگر حق او را ندهند می‌تواند با اذن حاکم شرع به عنوان تقاص بردارد.

س ۱۰۵۴: الف) آیا امر پدر بر ترک مستحب و فعل مکروه، واجب الاطاعه است؟
ب) امر پدر، بر فعل مستحب یا مباح و ترک مکروه، چه نقشی دارد و چه تکلیفی را برای فرزند به وجود می‌آورد؟

ج) عاق والدین به چه معنی است؟ در چه شرایطی تحقق می‌یابد؟ آثار آن چیست؟

د) مقام مادر بالاتر است یا پدر؟ در مقام تعارض بین اطاعت امر پدر و مادر کدامیک واجب است؟

ج: در آن محدوده‌ای که معاشرت اجتماعی معمول و متعارف اقتضا می‌کند که پدر و مادر نظر بدهند و نافرمانی گوش ندادن به نظر آنها در عرف متشرعه خلاف محسوب می‌شود اطاعت امر ایشان لازم است. ولی در مواردی که در عرصه معاشرتهای اجتماعی ارتباطی به پدر و مادر وجود ندارد و انسان خودش باید تصمیم بگیرد و نظر آنها یک نوع دخالت در زندگی شخصی انسان محسوب می‌شود اطاعت از آنها واجب نیست و این جواب کلی بسیاری از پرسشهایی است که مرقوم داشته‌اید.

س ۱۰۵۵: د) مقام تعارض بین امر پدر و همسر، اطاعت امر کدام یک برای زن مقدم است؟

ج: در مقام تعارض در یک امر مشروع، امر همسر مقدم است.

س ۱۰۵۶: در چه مواردی امر پدر و مادر، بر فرزند حرام است؟

ج: در موردی که پدر یا مادر به امری که خلاف شرع است امر کنند.

س ۱۰۵۷: جوائزی که در کل بانکهای ایران از طریق قرعه کشی اعم از جوایز نقدی، مسکن، خودرو و سود بانکی به برنده تعلق می‌گیرد چه حکمی دارد؟

ج: دادن جایزه بر اساس قرعه به افرادی که دارای مزیت مشروع می‌باشند جائز و حلال است و مسئله حلیت سود بانکی در اواخر توضیح المسائل

مرفوم گردیده است، مراجعه بفرمایید.

س ۱۰۵۸: دو نفر که با هم وارد ساختمانی (محدوده پاسگاه هوایی) شده و به کمک یکدیگر شمش مسی به بلندی ۵ متر را می‌دزدند، اما یکی از آنها از این دزدی هیچ سهمی نمی‌گیرد و فقط با او همکاری کرده این شخص که هیچ سهمی از دزدی نبرده بخواهد تاوان این دزدی را بپردازد چگونه باید عمل کند؟ اگر پول پرداخت آن را ندارد چه؟ و خلاصه حکم این دو نفر چیست؟

ج: در فرض مسأله این دو نفر هر دو ضامن می‌باشند و هر یک از آنها باید نصف قیمت آن شمش را به مسئول آن مرکز بپردازند و اگر فعلا قدرت پرداخت آن را ندارند لازم است که تصمیم پرداخت را در هر زمان ممکن هر چه زودتر داشته باشند و اگر در حال حیات نتوانند باید وصیت کنند که از ترکه آنها پرداخت شود.

س ۱۰۵۹: استهزاء و تحقیر و غیبت جوانانی که موسوم به (رپ) هستند چه حکمی دارد؟

ج: جائز نیست.

س ۱۰۶۰: آیا ناسزا گفتن و فحش دادن به دیگران اشکال دارد؟ و در برابر شخص ناسزاگو چه باید کرد؟

ج: مسلماً اشکال دارد و حرام است و ناسزا گفتن و فحش دادن را نباید با فحش دادن جواب داد بلکه اگر ممکن است با رعایت مراتب نهی از منکر که از منطق ملایم آغاز می‌شود باید نهی از منکر کرد و اگر ممکن نیست حلم و سکوت تأثیر زیادی در تنبیه او دارد.

س ۱۰۶۱: اگر انسان در بی‌نمازی فردی یقین پیدا کند و با او دوست باشد پس از یقین به این موضوع آیا ادامه دوستی جایز است یا خیر؟

ج: اگر ادامه دوستی بر اساس تدبیر ناصحانه موجب تنبیه او شود راجح بلکه لازم است و اگر نه سعی شود که ترک دوستی باعث تنبیه او شود.

س ۱۰۶۲: کشیدن دخانیات و سیگار در جمع دانش آموزان که معمولا اثرات سوء تربیتی دارد از طرف مسئولین مدرسه و معلمان و معاونین جایز است یا خیر؟
ج: چون همانطور که مرقوم داشته‌اید اثرات سوء تربیتی دارد اجتناب شود.

س ۱۰۶۳: سینه زدن برای اهل بیت علیهم‌السلام به صورت برهنه حتی اگر منجر به سرخ شدن یا کبود، یا خون آمدن سینه شود آیا کار شرعی است؟
ج: به طوری که در بین شیعیان متعارف است اشکال ندارد.

س ۱۰۶۴: آیا معاشرت با افرادی که نماز و روزه و خمس و زکات را ترک کرده‌اند حرام و گناه است؟

ج: در صورتی که ترک معاشرت شما موجب تنبیه آنها باشد معاشرت نکنید.

س ۱۰۶۵: بازی با پاسور بدون شرط برد و باخت چه حکمی دارد؟
ج: جائز نیست.

س ۱۰۶۶: اگر کسی فاضلاب شخصی خود را به آب مورد استفاده عمومی باز کرده باشد چه صورتی دارد؟
ج: جائز نیست و حرام است.

س ۱۰۶۷: حکم حشیش و مکانی که در آن حشیش کشیده می‌شود چه صورتی دارد؟ آیا آن مکان پاک است یا نجس؟
ج: حشیش حرام است ولی نجس نیست.

س ۱۰۶۸: الف) اینکه می‌گویند خلقت آدم پس از خلقت انسان بوده یعنی چه؟ آیا انسان با آدم فرق دارد؟

ب) خداوند می‌فرماید که (ای محمد! اگر تو نبودی جهان را خلق نمی‌کردم) لطفاً بفرمایید که چرا خداوند، جهان را آفریده و بعد از یک مدتی بسیار طولانی آدم را خلق کرده و باز بعد از یک مدت طولانی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را فرستاده و بعد ایشان را از این جهان بردند، چرا خداوند از همان ابتدا پیامبر را خلق نفرمودند؟
ج: الف) مضمون اول صحیح نیست.

ب) خداوند متعال قبل از خلقت عالم و آدم علیه السلام انوار حضرت محمد صلی الله علیه و آله و حضرت زهرا و ائمه علیهم السلام را آفریده است و خداوند حکیم آنچه را که مقتضای حکمت و مصلحت است انجام می‌دهد، بر ما لازم است که تسلیم و مطیع و شاکر باشیم.

س ۱۰۶۹: نیاکان و اجداد ما که متوفی شده‌اند به سیادت و سید بودن اشتهار و معروفیت دارند لکن با وجود احراز شرایط مذکور، ما که فرزندان و یادگار نسل آباء و اجداد گذشتگان خود در عصر حاضر هستیم دسترسی به شجره نامه های معتبر آنان در رابطه با سیادت خویش نداریم و با عنایت به صغر سن ما (نسل جدید) و عدم اطلاع از سوابق اجداد گذشته خویش و با یقین و اطمینان بر ما محرز و مشخص نشده است که انتساب شجره ما به کدام امام علیه السلام منتسب است، حکم سیادت و تکلیف شرعی درباره ما چگونه است؟

ج: در ثبوت سیادت شیاع و اشتهار موجب وثوق و اطمینان کافی است.

۲. پیدا کردن ریشه و شجره و تشخیص انتساب به کدام یک از ائمه معصومین علیهم السلام لازم نیست و همانطور که گفته شد اشتهار و شیاع موجب اطمینان کفایت می‌کند.

س ۱۰۷۰: احتراماً به استحضار می‌رساند که در مجالس ائمه اطهار علیهم السلام که به مناسبت ولادت ایشان یا سایر اعیاد شیعی برگزار می‌گردد خواندن مولودی، ارجوزه و مداحی ائمه مرسوم است که در آنها مردان یا بانوان کف می‌زنند خواهشمند است نظر مبارک را در زمینه‌های زیر مرقوم فرمایید.

۱. کف زدن در این گونه مجالس از نظر شرع مقدس چه صورتی دارد؟

۲. در هنگام سخنرانی و عاظم در مجالس فوق کف زدن برای تأیید مطالب سخنران چه صورتی دارد؟

۳. حکم کف زدن در مساجد چیست؟

ج: مناسب شأن و منزلت مساجد و مجامع دینی این است که مراقب همان

شعارهای مذهبی و سنتی خودمان باشیم و با فرستادن صلوات و گفتن تکبیر مجالس و مجامع خود را معطر و منور نمائیم و بر شکوه و عظمت آن بیفزاییم وفقکم الله تعالی

س ۱۰۷۱: با توجه به نیاز استفاده از تلفن عمومی داشتن پول خورد ضروری است و از آنجا که اداره مخابرات و بانکها از ارائه پول خورد دریغ می کنند، عده‌ای ۲ ریالی و ۵ ریالی را به عنوان مثال به مبلغ ۱۰ یا ۱۲ ریال در میدانهای شهر می فروشند، خواهشمند است نظر مبارک خویش را در خصوص چنین کاری بیان فرموده، همچنین حکم کسی که با توجه به نیاز آن را جهت استفاده مکالمه تلفنی می خرد چیست؟

ج: جواز استفاده از پرسنل وظیفه برای افرادی که ذکر کرده اید و عدم جواز آن تابع ضوابط حکومت اسلامی است و حکم هزینه مورد سوال نیز همین است.

س ۱۰۷۲: مشاهده می شود در نیروهای مسلح، عده‌ای از عناصر کادر ساعات اداری و غیر اداری از سربازان وظیفه جهت امور شخصی خود استفاده می نمایند، خواهشمند است نظر مبارک خویش را در این خصوص بیان فرمایید، آیا پرسنل کادر در قبال استفاده از پرسنل وظیفه در ساعات غیر داری (مانند نقاشی ساختمان و...) بایستی هزینه‌ای را به دولت یا شخص کننده کار بپردازد؟

ج: در فرض مذکور پول از ثمن و پول خورد بودن خارج شده و به عنوان یک مثنی و متاع مورد استفاده قرار می گیرد، بنابراین خرید و فروش آن به قیمت متعارف برای رفع احتیاج مذکور در فوق جائز است.

س ۱۰۷۳: در بعضی مساجد، اهل محل قرآن‌های اوراق شده را در مسجد گذاشته اند، و اکنون در مسجد محل شاید متجاز از پنجاه جلد قرآن اوراق شده موجود است که قابل صحافی نیست، وظیفه امام جماعت و هیئت امناء و مسجد چه می باشد؟ آیا جائز است که در بیابان دفن کنند یا در دریا و آب روان بریزند.

ج: جائز است.

س ۱۰۷۴: از قرار معلوم کنوانسیون (محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان) بزودی جهت بررسی در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار خواهد گرفت. از آنجا که این معاهده بین المللی متضمن مواردی است که از نظر فقهی قابل تأمل است، مستدعی است نظر مبارک خود را نسبت به موارد زیر بیان فرمایید:

۱. بر اساس ماده ۱ این معاهده باید هر گونه تمایز، استثناء و یا محدودیت بر اساس جنسیت در زمینه‌های، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، و یا هر زمینه دیگر لغو گردد.

با توجه به این ماده تفاوت زن و مرد در مواردی چون، میزان پوشش واجب بدن، نظر و لمس بدن جنس مخالف، قصاص، شهادت، ارث، طلاق، تعداد همسران، امامت جماعت، لزوم تمکین جنسی، ولایت بر فرزندان، سرپرستی خانواده، حق حضانت، عیوب موجب فسخ نکاح، نشوز، لزوم سپری شدن عده برای ازدواج بعدی، مرجعیت و قضاوت تبعیض تلقی می‌گردد و باید از میان برداشته شود. آیا تساوی زن و مرد در موارد ذکر شده با احکام شرع مطابقت دارد؟

۲. با توجه به اینکه ماده ۱۵ بند ۴ در مورد کسب، تردد، تغییر و یا حفظ تابعیت خود و فرزندان، زن و مرد را مساوی میداند،

الف) آیا زن بدون موافقت همسر می‌تواند برای فعالیتهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی از منزل خارج شود؟

ب) آیا زن بدون رضایت همسر می‌تواند برای فعالیتهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی از منزل خارج شود؟

۳. با توجه به ماده ۱۴ بند ۲ ب و ماده ۱۶ بنده که حق تصمیم‌گیری در مورد تعداد فرزندان، فواصل بارداری و تنظیم خانواده را برای زنان مطرح می‌کند، آیا زن بدون رضایت همسر می‌تواند اقدام به بستن لوله رحم، استفاده از داروها و روشهای ضد بارداری و تنظیم فواصل بارداری کند؟

۴. با توجه به ماده ۱۶ بند الف و ج که ازدواج را فقط موکول به رضایت طرفین دانسته است: الف: آیا ازدواج با مردان غیر مسلمان جایز است؟ ب: آیا ازدواج طرفین برای بار چهارم بدون وجود محلل جایز است؟

ج: آیا پدر در امر ازدواج بر فرزند صغیر ولایت دارد؟

د: آیا زن در صورت یقین به عدم انعقاد نطفه می‌تواند قبل از سپری شدن ایام عادت اقدام به ازدواج کند؟

۵. با توجه به اینکه بر طبق ماده ۱۶ بند ۲ ازدواج کودک غیر قانونی اعلام شده است و کودک در عرف بین الملل به افراد کمتر از ۱۸ سال اطلاق می‌شود، آیا ازدواج افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال نافذ است؟

۶. با توجه به اینکه طبق ماده ۱۵ بند ۳ کلیه قراردادها و اسناد خصوصی که در جهت محدود کردن اختیارات و اهلیت قانونی زنان است ملغی اعلام می‌شود، آیا زن و مرد هنگام ازدواج می‌توانند شروطی را در ضمن عقد بگنجانند که مفاد آن محدود کردن اختیارات همسر باشد؟

۷. با توجه به مفاد کنوانسیون، آیا موارد تعارض این معاهده بین المللی با احکام اسلامی را به گونه‌ای ارزیابی می‌نمایید که با حذف برخی موارد جزئی آن به گونه‌ای که با روح کنوانسیون یعنی رفع هر گونه تمایز منافات نداشته باشد، بتوان موارد تعارض آن را با احکام اسلامی از میان برداشت و به این معاهده پیوست؟

ج: موارد مورد نظر مخالف مبانی و معارف اسلام و مغایر فقه اهل بیت عصمت علیهم‌السلام است و مطرح کردن آنها با توقع جواب مثبت و مساعد حاکی از عدم شناخت معارف اسلام و عدم آگاهی از روحیات و جهان بینی مردم مملکت امام عصر علیه‌السلام که دهها هزار شهید بخون غلتیده در راه اسلام داده و بنیان جمهوری اسلامی را بر فراز پیکرهای پاک و چاکچاک هزاران مجاهد فی سبیل الله بر پا و روی پر و بال شکسته هزاران جانباز برقرار ساخته و هنوز سالی چند مرتبه در راه تشییع جنازه دهها هزار کشته صحنه‌های

جنگها و جهاد اسلامی خونین گام بر می‌دارد می‌باشد، توجیهی برای مطرح ساختن این قبیل افکار جز شیفته شدن در برابر معانی استکباری و استعماری غرب و غرب زدگی وجود ندارد.

و چون نظر شما این بود که در مجلس شورای اسلامی نیز مطرح نمائید بنده معتقدم که در این مملکت اسلامی چنین موادی هرگز به تصویب نخواهد رسید و مطرح ساختن آن نیز به صلاح شما نیست شما قداست آن مرکز را برای همیشه حفظ کنید و منادی و مبلغ خیر و صلاح باشید.

البته همه احکام دین مبین اسلام بر اساس مصلحت پی ریزی شده و احکام مورد سوال نیز از این قاعده مستثنی نیست ولی فعلا فرصت بیان فلسفه و مصالح آن احکام در بین نیست اگر لازم شد در فرصت دیگر انشاء الله تعالی.

س ۱۰۷۵: کاربرد هیپنوتیزم در معالجه برخی بیماریهای روانی و جسمانی نظیر آسم، چاقی مفرط، بیماریهای زنان و... توسط یک پزشک (غیر روانپزشک) چه حکمی دارد؟

ج: هیپنوتیزم یک نوع سحر است و حرام است ولی اگر ضرورت ایجاب می‌کند در معالجه مورد استفاده قرار بگیرد به اندازه رفع ضرورت جائز است.

س ۱۰۷۶: غالباً پزشکان و بعضی از مسئولین برای منشی گری از دختران و زنانی استفاده می‌کنند که با بدترین وضع حجاب در انظار عموم ظاهر می‌شوند بفرمایید وظیفه مومنین که احتیاج به پزشک یا مسئول دارند و حتما برای کارشان باید با این خانمها برخورد کنند چیست؟

ج: وظیفه آن است که به مسئولین تذکر بدهند و مراعات وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را بنمایند.

س ۱۰۷۷: اگر امام جمعه‌ای (نعوذ بالله) عدالتش ساقط گردید آیا می‌توان به او اقتدا نمود یا خیر و بفرمایید نرفتن سه هفته پی در پی در نماز جمعه با این عذر آیا نفاق می‌آورد یا خیر؟ و اصلا حدیث مورد نظر مربوط به زمان معصوم است یا در زمان غیبت امام معصوم هم معتبر می‌باشد؟

ج: در فرض مسأله به آن امام نمی‌توان اقتدا کرد و اما این قبیل احادیث
محمول بر عصر حضور امام معصوم علیه السلام است.

س ۱۰۷۸ حکم خرید و فروش و معامله با فرقه ضاله بهائیت در صورتی که موجب
تقویت ایشان شود چیست البته بعضی از این افراد با جواز رسمی شهرداری
جمهوری اسلامی مشغول به کسب می‌باشند؟
ج: تقویت بهائیت جایز نیست.

س ۱۰۷۹: در روزنامه‌ها و مجلات در حال حاضر آیات زیادی از قرآن مجید و نام
خداوند متعال و اسماء انبیاء و ائمه علیهم السلام و آرم جمهوری اسلامی که همان الله است
به چشم می‌خورد و بسیاری از مردم به طور اجتناب ناپذیر با آنها سرو کار دارند و
اجناس را در آن می‌پیچند و زیر دست و پا در محل‌های نجس و کثیف که توهین
است می‌اندازند و این مطلب در کاغذهای اداری نیز به چشم می‌خورد که معمولا
رعایت در حفظ احترام آن نمی‌گردد... به طور مثال با عدم طهارت آنها را دست
می‌زنند، آیا وظیفه داریم که به متصدیان تذکر بدهیم تا فکری کنند و خلاصه
حکم چیست؟

ج: بودن آنها در مواردی که لازم و مناسب است لزوم دارد ولی باید مواظبت
و توجه شود که مورد بی‌احترامی قرار نگیرید و از انداختن آنها در مواضع
هتک آمیز اجتناب شود و لازم است بی‌وضو دست به آیات قرآن و نام
خداوند متعال نزنند.

س ۱۰۸۰: در حدیث است بی‌وضو دست زدن ولو به یک آیه از قرآن مجید حتی
به یک کلمه کلب هم که افتاده باشد یا در روزنامه‌ها و امثال آنها باشد حرام است و
نظر کردن هم به چند چیز عبادت است، من جمله مصحف شریف، آیا حتی یک
کلمه جدا شده از قرآن هم چنین فضیلتی را دارا می‌باشد؟

ج: دست زدن بی‌وضو به یک کلمه و یا حتی یک حرف از قرآن مجید حرام است
ولی ثواب و فضیلت نگاه به مصحف ظاهرا شامل یک کلمه و امثال آن نمی‌شود.

س ۱۰۸۱: همانگونه که مستحضرید برخی عروس و دامادها در شب عروسی، نماز مغرب و عشا و فردا صبح را نمی‌خوانند و گاهی هم می‌گویند خداوند گناهان این یک شب را می‌بخشد. آیا واقعا همین طور است و حکم شرعی و وظیفه دینی این گونه اشخاص چیست؟ و اگر امکان دارد با توجه به شرایط و محدودیت‌هایی که برای عروس و دامادها در این شب وجود دارد راه حلها و راهنماییهایی برای آنان از جهت وضو و غسل و نماز بیان فرمایید.

ج: نماز رکن دین اسلام است و نخستین نشانه یک مسلمان نماز خواندن است و از مرد در هیچ حال و از زن جز در عادت ماهانه و نفاس ساقط نیست بنابراین به هیچ عنوان نباید در ادای این فریضه الهی سستی شود و اگر عذر شرعی - نه خیالی - برای غسل وجود دارد باید با تیمم نماز خوانده شود و باید توجه داشت که اسلام عنایت دارد که ازدواج و زفاف با نام خداوند و نماز مستحبی مخصوص و دعا انجام شود تا مبارک باشد.

س ۱۰۸۲: آیا جایز است صدقات مستحبی را به سادات نیازمند پرداخت کرد؟
ج: جائز است.

س ۱۰۸۳: آیا سید می‌تواند صدقه را به سید نیازمند دیگری بدهد؟
ج: می‌تواند

س ۱۰۸۴: حقیقت بیت المال چیست و از چه اموالی تشکیل می‌شود؟
ج: اصطلاحاً بیت المال یعنی اموال عمومی از قبیل خمس و زکات و صدقات و انفال و غیر ذلک.

س ۱۰۸۵: مدارهای ماهواره‌ای در سازمانی معین به کشورها اختصاص می‌یابد که بعد از این اختصاص آن کشور می‌تواند ماهواره‌های خود اعم از خود ساخته، خریده یا استیجاری را در آن مدارهای محلی قرار دهد. حق استفاده این کشورها از این مدارها به نحو مالکیت است یا حق انتفاع؟ و آیا اجازه و یا وقف آنها توسط این کشورها ممکن است؟

ج: کلیه موضوعاتی از این قبیل جزء انفال است و منوط به نظر فقیه جامع الشرائط است و کلیه انتفاعات و تصرفات لازم است با نظر او انجام بگیرد.

س ۱۰۸۶: اگر چهل نفر هر کدام مبلغ پنج هزار تومان بدهند تا پس از جمع آوری پول قرعه کشی شده و یکی از آنها با کل پول (۲۰۰/۰۰۰) تومان برای زیارت به مکه فرستاده شود اما یک نفر از این جمع در باطنی از این کار راضی نباشد (از اینکه قرعه به نام خود او در نیامده) زیارت شخص چه حکمی دارد؟

ج: اگر پولها را به این قصد گذاشته اند که بعداً قرعه کشی بنام هر کس اصابت کرد بقیه افراد پول خودشان را به او هبه کنند جائز است ولی در هبه رضایت هبه کننده شرط است و در این مورد چون یکی از آنها راضی نیست اشکال دارد.

س ۱۰۸۷: کسی از دیگری طلبی دارد که باید بعد از مدتی پس بگیرد. اما طلب خود را به مقدار کمتری صلح می نماید آیا چنین مصالحه ای درست است؟
ج: اگر مقصودش این باشد که از مقداری از طلب خود گذشت کند و بقیه را نقد بگیرد، اشکالی ندارد.

س ۱۰۸۸: وسیله تامین معاش ما مغازه ای است که سرمایه اولیه مواد قابل فروش را پدرم متقبل شده ولی از آن به بعد به علت ناتوانی، مادرم مغازه را می گرداند و زحمت فراوان هم می کشد و پدر فقط گاهگاهی برای خرید به بازار می رود، حال در آمد حاصله متعلق به کدام می باشد؟

ج: اگر قراردادی در بین نیست، مادر حق گرفتن اجرت المثل را دارد.

س ۱۰۸۹: اگر کسی اشیاء قیمتی را از بیرون شهر مثل اینکه از بین اشغال ریز یا مثلاً ترمینال و چنین جاهایی یافته که صاحبش احتمالاً پیدا نمی شود، آیا آن شیء را از جانب صاحبش صدقه بدهد یا اینکه به فروش برساند و مبلغ آن را به چند فقیر صدقه دهد؟ یا به دفتر مراجع تحویل دهد یا به محل آن شی که یافته شده در آنجا تحویل دهد یا صبر کند از صاحبش سراغ بگیرد؟ کدام بهتر است؟ و

تا چه مدت برای پیدا شدن صاحبش صبر کند؟ البته احتمالاً آن شیء چهل هزار تومان یا زیادتر و یا کمتر ارزش دارد.

ج: در صورتی که از پیدا کردن صاحب آن مایوس است یا آن را عیناً یا قیمت آن را به افراد مستحق به قصد صاحبش صدقه بدهد.

س ۱۰۹۰: شخصی بدون گواهی نامه رانندگی یا داشتن نقص فنی ماشین رانندگی می‌کند که منجر به قتل کسی می‌شود آیا این قتل عمد است یا غیر عمد؟
ج: با توجه به عواقب این موضوع قتل عمدی است.

س ۱۰۹۱: شخصی در دوران نوجوانی پولی را از جیب رفیقش به قصد دزدی در آورده است ولی حالا که به سن جوانی رسیده است پشیمان شده، حال اگر پول را به صاحبش برگرداند آبرویش پیش آن شخص که با هم رفیق بودند می‌رود، آیا به نظر حضرت عالی می‌تواند آن را به صندوق صدقات و یا به فقیر بدهد؟
ج: لازم است به هر نحوی بوده هر چند که خود آن شخص متوجه نشود به او برساند.

س ۱۰۹۲: اینکه پدر بر فرزند خود ولایت دارد مقصود ولایت در چه اموری است و اگر فرزند بالغ شد و رشید شد آیا باز ولایت پدر بر فرزندان باقی است یا خیر؟
ج: بعد از بلوغ و عقل دیگر ولایت ندارد و معنای ولایت یعنی سرپرستی و اداره امور او.

س ۱۰۹۳: نفقه پسر بر پدر تا چه موقع واجب است آیا حد مشخصی دارد؟
ج: حد مشخصی ندارد و در صورت فقر لازم است.

س ۱۰۹۴: گردن بند طلا برای مردها و نیز صلیب و نگهداری آن چه صورت دارد؟
ج: جائز نیست

س ۱۰۹۵: اینجانب امسال ماه مبارک رمضان در روستائی که بودم مشکل سقط جنین در سالهای قبل برای عده‌ای از خانواده‌ها پیش آمده که چگونگی گناه و دیه مربوط به آن را استفتاء و در قالب سه پرسش در ذیل مطرح می‌نمایم:

الف) اگر سقط جنین بعد از ولوج روح باشد و زوجین معا دخالت داشته باشند.
ج: در صورتی که ابوبن هر دو مباشرت در سقط جنین داشته باشند دیه جنین به طبقات بعد می‌رسد.

ب) اگر زوجه بدون اطلاع و رضایت زوج اقدام نماید.

ج: در این صورت لازم است زوجه دیه را به پدر جنین بپردازد.

پ) اگر زوج با اکراه زوجه اقدام به سقط نماید حکم آن را بیان فرمائید.

ج: اگر اکراه به حدی برسد که مادر جنین هیچ اختیاری نداشته باشد و پدر شخصا اقدام به سقط جنین کند در این صورت لازم است پدر به مادر دیه جنین را بپردازد.

س ۱۰۹۶: خانمی که قبلاً همسر پدرم بوده و دختر خاله او نیز بوده و اکنون طلاق گرفته و اگر ما بخواهیم با او رفت و آمد کنیم رفت و آمد و گفتگو باعث جنگ و جدال و ناراحتی و فحش و ناسزا می‌شود، آیا با وجود چنین وضعیتی صلہ رحم واجب است؟

ج: در این صورت واجب نیست.

س ۱۰۹۷: در کشور پاکستان، بعضی از سادات که به اصطلاح به آنان پیر گفته می‌شود، به دست خویش برای امام زمان عجل الله فرجه بیعت می‌گیرند، آیا این بیعت گرفتن آنها از نظر شرع مقدس اسلام جواز شرعی دارد یا خیر؟
ج: مدرک شرعی ندارد.

س ۱۰۹۸: یک ناشر مدعی وکالت از طرف مولف یک اثر علمی در چاپ و نشر آن اثر می‌باشد در حالی که از طرف مولف این ادعا در شده، اکنون که اختلاف در اصل وکالت است تصرفات وکیل از لحاظ نشر و چاپ و فروش چه حکمی دارد؟
ج: قبل از فصل خصومت جایز نیست.

س ۱۰۹۹: آیا ولایت فقیه مسأله تقلیدی است یا اعتقادی؟
ج در حد خود اعتقادی است.

س ۱۱۰۰: اینجانب دانشجوی فوق لیسانس آموزش پرستاری دانشگاه تربیت مدرس جهت انجام پایان نامه تحصیلی خود موضوعی تحت عنوان ((بررسی تاثیری آوای قرآن کریم بر میزان سطح هوشیاری بیماری کمایی)) انتخاب نموده ام، این پایان نامه در راستای تحقیقاتی است که محافل علمی غرب جهت افزایش سطح هوشیاری بیماران کمایی از روشهایی چون موسیقی درمانی کمک می‌گیرند و در مواردی نیز به نتایجی دست یافته‌اند.

اما اینجانب با توجه به ساختار فرهنگی جامعه خودمان و با توجه به نقش آرامش بخش صوت قرآن کریم این موضوع را انتخاب نموده ام. سوال این است که:

۱. آیا این تحقیق از نظر شرعی قابلیت انجام دارد؟

۲. آیا تجربی نمودن مفاهیم اسلام مثل صوت قرآن و آزمایش بر روی انسانها جهت تحقیقات علوم پزشکی و پرستاری اشکال ایجاد می‌کند؟

ج: در صورتی که از هیچ جهت مستلزم هتک احترام کلمات قرآن نباشد اشکال ندارد.

س ۱۱۰۱: اگر کاری برای شادی روح میت انجام گیرد ثواب آن کار را به میت اهدا کنند فاعل آن کار خود هم ثواب می‌برد؟

ج: بلی می‌برد.

س ۱۱۰۲: برای اهداء ثواب کار به اموات و شادی روح آنان چه کارهایی انجام شود؟

ج: هر کار خیری که ثواب است خوب است ولی کارهای که نفع اجتماعی دارد بهتر است.

س ۱۱۰۳: نقش کارهایی که احیاء برای اموات انجام می‌دهند چیست؟ چه اثری در وضع و سرنوشت آنان دارد؟

ج: چون پرونده اعمال آنها هنوز باز است تاثیر آن ترفیع درجات و تخفیف گناهان است.

س ۱۱۰۴: رفتن به سر قبر میت مومن چه حکمی دارد؟ در چه شرایط و زمانهایی بهتر است؟

ج: ثواب و فضیلت فراوان دارد و میت خوشحال می‌شود و انس می‌گیرد و برای شب جمعه تاکید بیشتر است.

س ۱۱۰۵: انسانی که می‌خواهد برای میت پولی را هزینه کند نیت صدقه کند یا رد مظالم؟ کدام بهتر است؟

ج: نیت صدقه کند رد مظالم هم به عنوان صدقه اداء می‌شود.

س ۱۱۰۶: تلاوت قرآن سر قبر میت، تلاوت در حرم ائمه علیهم‌السلام یا مسجد یا منزل به نیت میت کدام ثواب بیشتری دارد؟

ج: هر یک ثواب مخصوص به خود را دارد.

س ۱۱۰۷: آیا به طور کلی انجام کار خیر و نیک برای میت در سر قبر او موضوعیت دارد و بهتر از جای دیگر است یا فرقی در این مورد نیست؟

ج: فرق نمی‌کند.

س ۱۱۰۸: مادر پیری هستم که واجب الحج بوده و کل ما یملک خود را که عبارتست از نیم دانگ از شش دانگ خانه بزرگ و سنگین قیمتی در تهران به عروس خود در مقابل تادیه وجه حج تمتع به صورت آزاد مشروط بر اینکه در همان سال، محقق شود به انضمام مبلغ سیصد و شصت هزار تومان که ایشان آن مبلغ را تادیه نموده اما از انجام و تادیه و ارسال فریضه واجب حج تمتع که انگیزه اصلی در ایجاد قصد انشاء و قبول عقد صلح بوده استنکاف ورزیده است، اکنون به نظر مبارک آن مرجع عالیقدر به دلیل عدم تحقق معوضه اصلی آیا صلح محقق می‌شود یا خیر؟ و ثانیاً در صورت تحقق آیا استنکاف متصلح از انجام و ارسال و تادیه و تحقق معوضه صلح در اجل معین بشرح فوق باعث انفساخ و ابطال مصالحه مذکور می‌گردد یا خیر؟

ج: در فرض مذکور در فوق صلح محقق شده است ولی چون متصلح به شرط

مذکور در عقد صلح عمل نکرده است، مصالح می‌تواند به استناد خیار تخلف شرط مصالحه را فسخ نماید.

س ۱۱۰۹: در مورد شناسایی مفسد و منکرات اخلاقی که توسط بعضی افراد در خانه خود انجام می‌دهند تا چه حد از نظر شرعی جایز است که تجسس کنیم؟ بعضی از مواقع به ما از طریق تلفن اطلاع می‌دهند که در فلان خانه مرکز فساد برقرار است آیا جایز است که برای اثبات مطلب مامور بگذاریم که آن خانه را تحت نظر بگیرد؟

ج: تجسس از عیوب مسلمانان حرام است مگر اینکه ضوابط حکومت اسلامی برای افراد مخصوص اقتضا کند.

س ۱۱۱۰: و اگر مردی همسرش را به حجاب اسلامی ملتزم نکند، آیا فاسق محسوب می‌شود؟

ج: در صورتی که امر به معروف و نهی از منکر او تاثیر دارد ولی اهمیت نمی‌دهد و امر و نهی نمی‌کند فاسق است.

س ۱۱۱۱: کتابهایی که در فرودگاه طی ده سال گذشته توسط ماموران سعودی از زائران خانه خدا اخذ و ضبط گردیده اکنون به سازمان حج و زیارت عودت داده شده است، در حالیکه اکثر کتابها تکراری و مشابه و صاحبان آنها در بین هفتاد هزار زائر سال گذشته نامشخص است و تشخیص کتابها هم حتی از سوی صاحبان آنها کاری است دشوار و گاهی غیرممکن و مراجعه صاحبان آنها به سازمان برای دریافت کتب موجب عسر و حرج می‌باشد، لطفا حکم شرعی را نسبت به این کتابها بیان فرمائید.

ج: در صورت امکان در روزنامه اعلان شود تا کسانی که میل دارند کتاب خود را دریافت دارند مراجعه کنند و از آن پس حکم مجهول المالک پیدا می‌کند می‌توانید بفروشید و قیمت آنها را به فقرا بدهید.